



دانشگاه امام صادق علیه السلام
دانشکده معارف اسلامی و مدیریت



انجمن مالی اسلامی ایران



سازمان بورس و اوراق بهادار



دانشگاه امام صادق علیه السلام



Securities & Exchange Organization



Imam Sadiq University
Islamic Studies & Management Faculty



Iranian Association of Islamic Finance

تحقیقات مالی اسلامی

۲۳

فصلنامه علمی تحقیقات مالی اسلامی

سال دوازدهم، شماره اول (پیاپی ۲۳)، پاییز ۱۴۰۱

تحلیل مواجهه متفکران مدرسی اولیه با مسأله «ارزش پول»: رهیافت‌هایی برای اقتصاد اسلامی (صص. ۱-۲۸)

محمدحسین بهمن پور خالصی* و محمدجواد شریف‌زاده

امکان سنجی فقهی الزام قانونی به پرداخت خمس ارباح مکاسب توسط حاکمیت اسلامی (صص. ۲۹-۵۸)
مهدی سرمست شوشتری*

چالش‌های بازار بین بانکی ایران و ارائه راهکار در چارچوب اقتصاد مقاومتی (صص. ۵۹-۱۰۶)
محمدرضا سیمیری*، محمدحسین قوام، علی آقایی و حسین حسن‌زاده سروستانی

گزارشگری پایداری در شرکتهای مورد تأیید شریعت: تحلیل مقایسه‌ای در مالزی و اندونزی (صص. ۱۰۷-۱۵۲)
فاطمه بابائی*، سید علی حسینی، محمد توحیدی و سعید همایون

تأثیر صکوک بر کسری‌های دولتی در کشورهای منتخب (صص. ۱۵۳-۱۸۴)
محمدتقی گیلک حکیم‌آبادی*، سیده سهیلا میری لداری و سعید راستخی

بررسی بازار فارکس و کارکردهای آن با رویکرد فقهی خردنگر و کلان‌نگر (صص. ۱۸۵-۲۱۶)
احمد عاملی و مهدی بهادری*

فصلنامه علمی تحقیقات مالی اسلامی

سال دوازدهم، شماره اول (پیاپی ۲۳)، پاییز ۱۴۰۱

Islamic Finance Researches

23

Quarterly Journal of Islamic Finance Researches
Vol.12, No.1 (Serial 23), Autumn 2022

Analysing the Encounterance of Early Scholastic Thinkers with the Value of Money;
Lessons for Islamic Economic (pp. 1-28)

Mohammadhosein Bahmanpour-Khalesi* & Mohammad Javad Sharifzadeh

Feasibility of Jurisprudence for Legal Compulsion to Pay Khums by the Islamic Government (pp. 29-58)

Mehdi Sarmast Shoshtari*

Challenges of Iran's Interbank Market and Providing Solutions in the Framework of
a Moqawama Economy (pp. 59-106)

Mohammadreza Simiari*, Mohammad Hossein Ghavam, Ali Aghaei & Hossein Hassanzadeh Sarvestani

Sustainability Reporting in Shariah Approved Companies: A Comparative Analysis in
Malaysia and Indonesia (pp. 107-152)

Fateme Babaei, Seyed Ali Hosseini*, Mohammad Tahidi & Saeid Hodayoun

The Effect of Sukuk on Twin deficits in Selected Countries (pp. 153-184)

Mohammad Taghi Gilak Hakimabadi*, Seyyede Soheila Miri Ledari & Saeed Rasekhi

Examining the Forex Market and its Functions with a Micro and Macro Jurisprudential Approach
(pp. 185-216)

Ahmad Ameli & Mahdi Bahadori*



رضا تهرانی استاد (تخصص: مدیریت مالی و سرمایه گذاری) دانشگاه تهران
علی رضائیان استاد (تخصص: مدیریت رفتار سازمانی) دانشگاه شهید بهشتی
فریدون رهنمای رودپشتی استاد (تخصص: مالی و حسابداری) دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات
غلامرضا مصباحی مقدم استاد (تخصص: فقه اقتصادی) دانشگاه امام صادق علیه السلام
حسن آقا نظری استاد (تخصص: اقتصاد اسلامی و حقوق اسلامی) پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
غلامرضا گودرزی استاد (تخصص: مدیریت تحقیق در عملیات) دانشگاه امام صادق علیه السلام
علی سعیدی دانشیار (تخصص: مدیریت مالی و حسابداری) دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال
احمد شعبانی دانشیار (تخصص: اقتصاد اسلامی) دانشگاه امام صادق علیه السلام
سعید صحت دانشیار (تخصص: مدیریت ریسک و بیمه) دانشگاه علامه طباطبائی
محمد طالبی دانشیار (تخصص: مدیریت مالی) دانشگاه امام صادق علیه السلام
غلامعلی معصومی نیا دانشیار (تخصص: اقتصاد اسلامی و مالی اسلامی) دانشگاه خوارزمی

عضو مشورتی هیأت تحریریه:

حسین حسن زاده سروسناری استادیار (تخصص: مدیریت مالی) دانشگاه امام صادق علیه السلام
محمدحسین قوام استادیار (تخصص: مدیریت بانکداری اسلامی) دانشگاه امام صادق علیه السلام

* بر اساس مجوز شماره ۳/۱۸/۵۸۹۷۸۶ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۵ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، فصلنامه علمی «تحقیقات مالی اسلامی» از شماره ۲ (بهار و تابستان ۱۳۹۱) دارای درجه علمی - پژوهشی است.

مقاله‌های نشریه در پایگاه‌های ذیل نمایه می‌شود:

پایگاه دوآج: <https://www.doaj.org>
پایگاه گوگل اسکالر: <https://www.scholar.google.com>
پایگاه استادی علوم جهان اسلام: <https://www.isc.gov.ir>
پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی: <https://www.sid.ir>
پایگاه مجلات تخصصی نور: <https://www.noormags.com>
پایگاه اطلاعات نشریات کشور: <https://www.magiran.ir>
پایگاه مرجع دانش: <https://www.civilica.com>
پرتال جامع علوم انسانی: <https://www.ensani.ir>

ویراستار انگلیسی: علیرضا روشن ضمیر

ویراستار فارسی، صفحه‌آرا و تجدید طرح جلد: عباس پورحسن یامی

مقاله‌های نشریه لزوماً بیان‌کننده دیدگاه دانشگاه نیست. نقل مطالب تنها با ذکر کامل مأخذ رواست.

۲۲۶ صفحه / ۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال / چاپخانه: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام

نشانی: ایران، تهران، بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه السلام، صندوق پستی ۱۴۶۵۵-۱۵۹

مدیریت علمی، تحریریه و چاپ: دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، تلفکس: (۰۲۱)۸۸۰۸۰۷۳۳

مدیریت فنی و پشتیبانی: معاونت پژوهش و فناوری، تلفکس: (۰۲۱)۸۸۰۹۴۹۱۵

وبگاه: <https://ifr.isu.ac.ir> پست الکترونیک اصلی: ifr@isu.ac.ir پست الکترونیک پشتیبان: ifr.isujournals@gmail.com

اهداف و چشم‌انداز نشریه علمی «تحقیقات مالی اسلامی»

نشریه علمی «تحقیقات مالی اسلامی» اولین نشریه تخصصی مالی اسلامی در کشور است که با همت گروه نظام مالی اسلامی مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام راه‌اندازی گردید و در حال حاضر توسط گروه مالی اسلامی دانشکده معارف اسلامی مدیریت دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، با همکاری انجمن علمی مالی اسلامی ایران و حمایت سازمان بورس و اوراق بهادار و با هدف تولید ادبیات اسلامی و بومی در حوزه مالی به منظور ارتقاء و تحول دانش مالی با رویکرد اسلامی - ایرانی و پاسخ‌گویی به نیازهای کاربردی سازمان‌ها و نهادهای مالی نظام جمهوری اسلامی ایران و در زمینه‌ها و محورهای تخصصی ذیل، مقالات در سطح علمی - پژوهشی را منتشر می‌کند:

- تئوری‌های مالی اسلامی؛
- قواعد فقه مالی اسلامی؛
- فقه مالی اسلامی؛
- حقوق مالی اسلامی؛
- ابزارهای تأمین مالی اسلامی؛
- ابزارهای مدیریت ریسک اسلامی؛
- تحلیل اقتصادی ابزارهای مالی اسلامی؛
- نهادهای مالی اسلامی؛
- بازار سرمایه اسلامی؛
- بانکداری اسلامی؛
- بیمه‌های اسلامی؛
- حسابداری مالی اسلامی؛
- قیمت‌گذاری اوراق مالی اسلامی؛
- صندوق‌ها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری اسلامی؛
- سایر موضوعات مرتبط.

فهرست مطالب

- علمی - پژوهشی (بانکداری اسلامی) ۱
- تحلیل مواجهه متفکران مدرسی اولیه با مسأله «ارزش پول»؛ رهیافت‌هایی برای اقتصاد اسلامی ۱
محمدحسین بهمن‌پور خالصی* و محمدجواد شریف‌زاده
- علمی - پژوهشی (فقه مالی اسلامی) ۲۹
- امکان‌سنجی فقهی الزام قانونی به پرداخت خمس ارباح مکاسب توسط حاکمیت اسلامی ۲۹
مهدی سرمست شوشتری*
- علمی - پژوهشی (بانکداری اسلامی) ۵۹
- چالش‌های بازار بین‌بانکی ایران و ارائه راهکار در چارچوب اقتصاد مقاومتی ۵۹
محمدرضا سیمیری*، محمدحسین قوام، علی آقایی و حسین حسن‌زاده سروستانی
- علمی - پژوهشی (حسابداری مالی اسلامی) ۱۰۷
- گزارشگری پایداری در شرکت‌های مورد تأیید شریعت: تحلیل مقایسه‌ای در مالزی و اندونزی ۱۰۷
فاطمه بابائی*، سید علی حسینی، محمد توحیدی و سعید همایون
- علمی - پژوهشی (ابزارهای تأمین مالی اسلامی) ۱۵۳
- تأثیر صکوک بر کسری‌های دوقلو در کشورهای منتخب ۱۵۳
محمدتقی گیلک حکیم‌آبادی*، سیده سهیلا میری لداری و سعید راسخی
- علمی - پژوهشی (فقه مالی اسلامی) ۱۸۵
- بررسی بازار فارکس و کارکردهای آن با رویکرد فقهی خردنگر و کلان‌نگر ۱۸۵
احمد عاملی و مهدی بهادری*



Analysing the Encounterance of Early Scholastic Thinkers with the Value of Money; Lessons for Islamic Economic

Mohammadhosein Bahmanpour Khalesi*
Mohammad Javad Sharifzadeh**



10.30497/ifr.2022.241688.1665

20.1001.1.22518290.1401.12.1.4.9



Abstract

This study examines how the early scholastic thinkers dealt with the issue of the value of money and also its theoretical teachings with Analytical-library method for the study of Islamic economic. The results of this study show that money was significant for scholastic thinkers both from a moral and teleological perspectives and therefore became an analytical subject for them. Accordingly, scholastic thinkers developed three doctrines of chartalism, metalism, and combined approach in relation to the value of money. Based on the findings of this study, paying attention to the thematics of economic institutions can help in the dynamics of religious thought in the application of religious norms on new topics. Also, using the teleological method in the thematics of economic institutions provides the necessary ground for harmonizing thematics with religious norms. On the other hand, the need to pay attention to the dynamics of economic institutions over time to avoid simplification in analysis is one of the other implications of the analytical approach of school thinkers to the issue of the value of money for the study of Islamic economic.

Keywords

Nature of Money; Value of Money; Scholastic Thinkers; Chartalism; Metalism.

JEL Classification: B11, B31, G20, N13.

* Researcher and Phd student, Economic Sciences, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadiq University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

m.bahmanpour@isu.ac.ir

0000-0003-1021-6393

** Associate Professor, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. sharifzadeh@isu.ac.ir

0000-0002-6952-182X

Received: 2021/09/25

Accepted: 2022/01/22

تحلیل مواجهه متفکران مدرسی اولیه با مسأله «ارزش پول»؛ رهیافت‌هایی برای اقتصاد اسلامی

محمدحسین بهمن پور خالصی* محمدجواد شریف‌زاده**

چکیده

این مقاله به بررسی مواجهه تحلیلی متفکرین مدرسی اولیه با مسأله ارزش پول و همچنین دلالت‌های نظری آن برای مطالعات اقتصاد و مالیه اسلامی با بهره‌گیری از روش تحلیلی-کتابخانه‌ای پرداخته است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که مسأله ارزش پول برای متفکران مدرسی اولیه هم از زاویه اخلاقی و هم از زاویه نگرش غایت‌نگر آنان نسبت به هستی قابل‌تأمل بود و از این رو به موضوعی تحلیلی برای ایشان بدل گردید. برخلاف مطالعاتی که تاکنون انجام پذیرفته این مقاله نشان می‌دهد که متفکرین مدرسی «سه دکترین» ساپژکتیو (چارتالیسم)، آبژکتیو (فلزگرا) و چندساخته را نسبت به ارزش پول توسعه دادند. همچنین بر اساس یافته‌های این پژوهش، توجه به موضوع‌شناسی نهادهای اقتصادی می‌تواند در پویایی اندیشه دینی در کاربست هنجارهای دینی بر موضوعات جدید کمک نماید. همچنین بهره‌گیری از روش غایت‌نگر در موضوع‌شناسی نهادهای اقتصادی نیز زمینه لازم جهت هماهنگی موضوع‌شناسی با هنجارهای دینی را فراهم می‌آورد. از سوی دیگر نیز ضرورت توجه به پویایی نهادهای اقتصادی در گذر زمان از جمله دلالت‌هایی دیگری است که نحوه مواجهه تحلیلی متفکران مدرسی با مسأله ارزش پول برای مطالعات اقتصاد اسلامی دارد.

واژگان کلیدی

ماهیت پول؛ ارزش پول؛ متفکرین مدرسی؛ چارتالیسم؛ فلزگرا.

* پژوهشگر و دانشجوی دکتری، علوم اقتصادی، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام،

m.bahmanpour@isu.ac.ir

تهران، ایران (نویسنده مسئول)

** دانشیار، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران ایران

sharifzadeh@isu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۰۲

مقاله برای اصلاح به مدت ۱ روز نزد نویسندگان بوده است.

مقدمه

امروزه در نظریات اقتصاد پولی دو دکترین رایج در زمینه ارزش پول وجود دارد: «دکترین سابژکتیو» (چارتالیسم^۱) و «دکترین آبژکتیو» (فلزگرا^۲). در نگرش سابژکتیو (چارتالیسم) ارزش پول مستقل از ارزش مبادله‌ای ماده سازنده آن در نظر گرفته می‌شود؛ از این رو اعتبار حقیقی پول به مؤلفه‌های ذهنی (Simmel, 2004) یا مرجع انتشار آن (حکومت) (Knapp, 1924) نسبت داده می‌شود. براساس این نگرش اعتبار و مقبولیت اجتماعی پول یکی از مهم‌ترین ابعاد شکل‌گیری ارزش پول است. در این نگرش، پول حتی اگر دارای ارزش ذاتی هم نباشد ولی اگر به‌عنوان ابزار مبادله مورد پذیرش همگان قرار گیرد می‌تواند کارایی داشته باشد. به تعبیر دیگر هویت حقیقی پول تنها مشتمل بر ساخت فیزیکی آن نیست، بلکه پول دارای هویتی اجتماعی نیز هست که در تعاملات اقتصادی کنشگران شکل می‌یابد. از این رو هر آنچه بتواند دارای ارزشی اجتماعی در میان افراد جامعه باشد و اعتبار خریدار را برای خرید کالا به فروشنده به اثبات برساند، می‌تواند نماینده‌ای از پول باشد. برخلاف رویکرد سابژکتیو، در نگرش آبژکتیو ارزش پول رابطه تنگاتنگی با مواد سازنده آن دارد. به طوری که ارزش پول مستقل از ارزش مبادله‌ای مواد سازنده آن تعیین نمی‌گردد. بر این اساس پول نماد و یا نماینده‌ای از یک کالای ارزشمند است که می‌تواند به‌عنوان واسطه مبادله، هزینه مبادلات را کاهش دهد. در نتیجه ارزش حقیقی پول مبتنی بر این دکترین مشتمل بر ارزش و قدرت خرید ماده سازنده پول است؛ از این رو ضروری است که پول از کالایی ارزشمند ساخته شده و یا آنکه مرتبط با آن باشد^۳ (Schumpeter, 1994, p. 275). اگرچه این دو نگرش امروزه در ادبیات پولی علم اقتصاد بسیار رواج دارد اما تاریخ پیدایش و تطور آن را می‌توان در قرن‌ها پیش از این جستجو نمود. از جمله متفکرینی که سهم

1. Chartalism

2. Metalism

۳. مهم‌ترین پیروان نظریه آبژکتیو نسبت به ارزش پول پیروان دیدگاه‌های فلزگرای نظری هستند. در یک نگاه دقیق‌تر به دکترین فلزگرا، شومپیتر نگرش فلزگرا را به دو رویکرد نظری و عملی تقسیم می‌کند. او معتقد است که فلزگرایی نظری بر مبنای این اصل است که لازم است پول مشتمل یا پوشش‌دهنده با یک کالا باشد، به طوری که دارای ارزشی مستقل از ارزش مبادله‌ای آن باشد. در نتیجه ارزش حقیقی پول در این صورت برابر ارزش و قدرت خرید آن کالا در بازار-مستقل از کارکرد پولی آن- است. همچنین فلزگرایی عملی مبتنی بر این اصل است که پول باید مرتبط و یا قابل مبادله با مقدار مشخصی کالا باشد (Schumpeter, 1994, p. 275).

برجسته‌ای در توسعه و تکامل این دو رویکرد پولی داشتند، متفکران مدرسی اولیه بودند. از این رو این پژوهش در تلاش است تا به مطالعه نقش این متفکران در توسعه و تکامل نظریه ارزش پول بپردازد.

فهم نحوه مواجهه متفکرین مدرسی اولیه با مسأله ارزش پول می‌تواند از منظر شناخت ماهیت پول و تطور موضوع‌شناسی آن در بستر تاریخی قابل توجه باشد اما با این وجود اهمیت این مسأله بدین جا محدود نمی‌گردد. امروزه در کشور ایران، شریعت اسلامی محوریت اصلی اداره جامعه را برعهده گرفته است، اما با این وجود همچون تجربه کشورهای مسیحی در قرون میانه متأخر این محوریت با دو چالش ویژه روبه‌رو است. از یک سو اندیشه دینی در مواجهه با نگرش‌های مدرن و هجمه‌های تحلیل و نظری آن‌ها قرارداد و از سوی دیگر پیشرفت‌های فراوان فناوری سبب افزایش سرعت هماهنگی نهادهای اقتصادی - اجتماعی ایران با پیشرفت‌های مدرن جهانی شده است. از این رو این تحولات شریعت اسلامی را نیازمند اتخاذ موضع نظری و عملی در مقابل آن کرده است. مطالعه تجربه مواجهه اندیشه و اندیشمندان مدرسی به‌عنوان یک رویکرد دینی با مسأله ارزش پول - باتوجه به اشتراکات آن با عصر حاضر - می‌تواند رهنمودهای خوبی برای ادامه مسیر اندیشه دینی در مواجهه تحلیلی با سایر مسائل اقتصادی و همچنین جلوگیری از خطر انفعال و استحاله آن - حداقل در مقام کارآمدی عملی - فراهم آورد.

یکی از مسائلی که مدرسیان در روش تحلیلی خود به آن پرداختند، معاضدت منابع مختلف معرفتی در کنار منابع نقلی بود. در حقیقت یک متفکر مدرسی نه تنها عقل و تجربه را در مقابل نقل قرار نمی‌داد، بلکه از آن‌ها جهت فهم بیشتر منابع نقلی بهره می‌برد. باتوجه به آنکه امروزه نیز مسأله جمع میان منابع معرفتی یکی از چالش‌های اقتصاد اسلامی و روش‌شناسی‌های موجود آن به حساب می‌آید، توجه به دستاوردهای نظری متفکران مدرسی از این منظر نیز می‌تواند زمینه‌ای برای الگوگیری از ایشان در مطالعات اقتصاد اسلامی فراهم آورد.

براساس مطالب پیش‌گفته این مطالعه در تلاش است تا با استفاده از روش تحلیلی - کتابخانه‌ای به این سؤال پاسخ گوید که چه دکتترین‌هایی در زمینه ارزش پول در اندیشه متفکرین مدرسی اولیه وجود داشته است و نقش ایشان در پیش برد نظریه مدرن پولی چیست؟ همچنین مواجهه متفکرین مدرسی با مسأله ارزش پول چه دلالت‌هایی برای

مطالعات اقتصاد و مالیه اسلامی در این زمینه و سایر حوزه‌های مرتبط با اقتصاد پولی می‌تواند داشته باشد. برای این منظور در ابتدا به معرفی اجمالی متفکرین مدرسی می‌پردازیم و در ادامه مروری اجمالی بر ساخت واقعیت پول در قرون میانه می‌نماییم و در ضمن آن به این پرسش پاسخ می‌دهیم که چرا پول برای یک متفکر مدرسی به مسأله‌ای تحلیلی بدیل گردیده بود. سپس به تبیین و بررسی ماهیت پول از منظر متفکرین مدرسی اولیه و نوآوری‌های نظری ایشان می‌پردازیم. در بخش نتیجه‌گیری ضمن ارزیابی مجدد دکتربین‌های ارزش پول در اندیشه متفکرین مدرسی اولیه آموزه‌های آن را برای اقتصاد و مالیه اسلامی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱. مروری بر ادبیات نظری بحث

در میان مطالعات گوناگون پیرامون نظریه ارزش پول مدرسی دودسته از مطالعات را می‌توان از هم تمییز داد؛ دسته‌ای از پژوهش‌ها همچون مطالعات مونرو^۴ (۱۹۲۳) شومپتر^۵ (۱۹۸۱)، لانگهولم^۶ (۱۹۹۲)، تور^۷ (۲۰۰۸) و گردون^۸ (۱۹۷۵) رویکرد متفکرین مدرسی نسب به ارزش پول را مبتنی بر نگرشی فلزگرایانه تفسیر نموده‌اند. با این وجود برخلاف این پژوهش‌ها، دسته دیگری از مطالعات دکتربین پولی متفکرین مدرسی را تنها منحصر به رویکرد فلزگرا نمی‌دانند. به‌عنوان مثال لاپیدوس^۹ (۱۹۹۷) و چاپلیگین و لاپیدوس^{۱۰} (۲۰۱۶) در مطالعات خود به وجود دو دکتربین قراردادی و فلزگرا در اندیشه پولی مدرسی اشاره می‌نمایند؛ همچنین برایدی^{۱۱} (۱۹۰۶) نیز در تعابیر مشابهی بر وجود دو دکتربین نشانه‌گرا و کالاگرا در نظریه پولی متفکرین مدرسی تأکید نموده‌اند.

از سوی دیگر نیز در زمینه مطالعه نسبت نظریه اقتصادی متفکرین مدرسی با اقتصاد اسلامی نیز تاکنون مطالعاتی صورت پذیرفته است که از جمله آن می‌توان به پژوهش‌های اصلاحی^{۱۲} (۲۰۱۱) و وینسنت^{۱۳} (۲۰۱۴) اشاره کرد. اصلاحی (۲۰۱۱) در مطالعه خود به

4. Monroe

5. Schumpeter

6. Langholm

7. Torre

8. Gordon

9. Lapidus

10. Chaplygina & Lapidus

11. Bridrey

12. Islahi

13. Vincent

بررسی ریشه‌های شکل‌گیری این دو جریان فکری و نیز برخی از مشابهت‌های نظری این دو جریان همچون تحریم ربا، تکیه بر قیمت عادلانه و... پرداخته است. در نگاه او اخلاق و ارزش‌های انسانی برجسته‌ترین ابعاد نظریه اقتصادی متکلمان اسلامی و مدرسین را تشکیل می‌دهند. همچنین وینسنت (۲۰۱۴) نیز با بررسی رویکرد متفکران مدرسی به بهره و ربا به مطالعه کاربردهای این نظریه در اقتصاد مدرن با بهره‌گیری از نظریه مالی اسلامی پرداخته است. این پژوهش ضمن مطالعه تطبیقی دکترین ممنوعیت ربا در اسلام و مدرسین قرون میانه بر اهمیت نقش نظریه تحریم ربا در شکل‌دهی به اندیشه مدرن اقتصادی و نهادهای جایگزین تأکید نموده است. اگرچه عمده تأکید این پژوهش‌ها بر مطالعه‌ای تطبیقی پیرامون نظریاتی همچون نظریه ربا، عدالت مبادله‌ای و قیمت عادلانه در اندیشه اسلامی و مدرسی بوده است، اما با این وجود هیچ‌یک از این پژوهش‌ها به زمینه‌های روش‌شناختی و نحوه مواجهه متفکرین مدرسی با مسائل اقتصادی و دلالت‌های بالقوه آن برای اقتصاد اسلامی تأکید ننموده است.

بر اساس مطالعاتی که تاکنون در موضوعات مشابه صورت پذیرفته است، مقاله حاضر در تلاش است تا با بازخوانی مجدد دکترین‌های پولی موجود در اندیشه اقتصادی متفکرین مدرسی و با تمرکز بر ارزیابی نقش موضوع‌شناسی ماهیت پول، نظریه ارزش پول متفکرین مدرسی اولیه را مورد ارزیابی مجدد قرار دهد. علی‌رغم مطالعاتی که تاکنون پیرامون نظریه ارزش پول مدرسی صورت پذیرفته است، این مقاله در تلاش است تا به تبیین سه دکترین پولی در اندیشه مدرسی بپردازد که این امر در میان مطالعات پیشین مسبوق به سابقه نیست. همچنین در ادامه نیز دلالت‌های قابل توجه مواجهه تحلیلی متفکرین مدرسی - به‌خصوص در بُعد روش‌شناسی - برای اقتصاد اسلامی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. از این رو ارائه تفسیری جدید از دکترین‌های پولی در اندیشه مدرسین اولیه با توجه به مبادی معرفت‌شناسی و موضوع‌شناسی پول توسط ایشان و همچنین مطالعه دلالت‌های نحوه مواجهه تحلیلی این متفکرین برای مطالعات اقتصاد اسلامی را می‌توان از جمله اهداف اصلی و متمایز این پژوهش نسبت به سایر مطالعات قبلی دانست. از آنجاکه اغلب پژوهش‌های میان‌رشته‌ای در زمینه اندیشه اقتصادی متفکرین مدرسی و اسلامی بر پژوهش‌های تطبیقی متمرکز است، از این رو پژوهش تحلیلی-کتابخانه‌ای متفکرین مدرسی

و دلالت یابی آن برای اقتصاد و مالیه اسلامی می‌تواند زمینه جدیدی در پژوهش‌های مرتبط در این حوزه به‌شمار آید.

۲. معرفی متفکرین مدرسی

در سایه ثبات سیاسی نسبی و نیز پیشرفت‌های چشم‌گیر اقتصادی و علمی ایجادشده پس از قرن دوازدهم میلادی، در اروپا طبقه جدیدی از متفکران مسیحی شکل یافت که از ایشان به مدرسیان^{۱۴} تعبیر می‌شود. غلبه مسأله آموزش با رشد مدارس در قرون میانه پسین و افزایش انگیزه تدریس در میان متفکران مسیحی (شومپتر، ۱۳۷۵، ص. ۱۰۵) و نیز از سوی دیگر شیوه جدید تفکر و آموزش که عمدتاً در مدارس و دانشگاه‌های جدید اروپا ترویج می‌شد سبب آن شده تا به نواندیش متفکر مسیحی در آن دوره مدرسی^{۱۵} اطلاق گردد. مدرسیان در حقیقت طبقه‌ای روشنفکر از متکلمان مسیحی را شکل می‌دادند که تحت تأثیر آراء و اندیشه‌های ابن رشد، ارسطو و... - که از طریق نهضت ترجمه اروپا و نیز فراگیری زبان عربی به ایشان منتقل شده بود (ایلخانی، ۱۳۸۲، ص. ۳۱۱) - سعی در ارائه تبیینی عقلانی از آموزه‌های دینی (کاپلستون، ۱۳۸۸، ج ۲، ص. ۴۰۱) و نیز مواجهه فعال با تحولات اجتماعی و اقتصادی آن دوره داشتند. برای این منظور ایشان از سه مرجع اصلی «قوانین الهی»، «قوانین وضعی» (قانون رومی) و «قوانین طبیعی» (آموزه‌های ارسطو، افلاطون سایر فلاسفه) در کنار عقل بهره می‌بردند (Noonan, 1957, p. 21).

باتوجه به جایگاه اجتماعی ویژه‌ای که کلیسا در این دوران در میان کلیه طبقات اجتماعی یافته بود و نیز باتوجه به تغییر و تحولات بسیار سریع اروپا در تمامی حوزه‌های نظری و عملی، مدرسیان به‌عنوان طبقه روشن‌فکر کلیسا در جایگاه ویژه‌ای قرار گرفته بودند. پایبندی بر ارزش‌های سنتی دینی از سویی و نیز نیاز به هماهنگی با تحولات فناورانه و تمدنی جدید همچون شیوه‌های جدید مبادله، شهرهای تجاری و همچنین مواجهه اروپا با اندیشه‌های جدیدی که از طریق نهضت ترجمه به اروپا انتقال یافته بود، نیازهای جدیدی را در حوزه‌های عملی و نظری برای جامعه اروپا در قرون میانه پسین^{۱۶} ایجاد کرده بود که عدم پاسخگویی کلیسا به آن و انفعال در مقابل این تحولات مساوی با

14. Scholastics

15. Schilastic

16. Late Middle Ages

کاهش مرجعیت و مقبولیت او در جامعه بود. از سوی دیگر بسیاری از نواندیشان مذهبی همچون توماس آکوئیناس (۱۲۷۴-۱۲۲۵)^{۱۷}، ضمن پذیرش برخی از این تحولات شیوه‌های جدیدی را در تفکر مسیحی پایه‌ریزی نمودند که تأکید اصلی آن بر استفاده از سایر منابع معرفتی همچون عقل و تجربه و نیز امکان پالایش بسیاری از افکار و نظریات خارج از کلیسا در جهت تقویت اندیشه دینی بود. این نگاه اگرچه در ابتدا با مخالفت طبقه سنتی کلیسا روبرو شد (دورانت، ۱۳۸۸، ج ۲، ص. ۱۲۹۸)، اما به مرور زمان مورد قبول ایشان واقع گردید. مدرسین در حقیقت دنبال‌کنندگان این سنت فکری در اروپا بودند. ورود کلیسا به برخی مباحث عملی در کنار آموزش الهیات و نیز توجه به عقل به‌عنوان یکی از ابزارهای قابل‌استفاده در تقویت آموزه‌های دینی (کاپلستون، ۱۳۸۸، ج ۲، ص. ۴۰۱) و همچنین تأکید بر تجربه و تحلیل برای شناخت و فهم افعال الهی در عالم خلقت (کاپلستون، ۱۳۸۸، ج ۲، ص. ۶۲۶) - همچون سنت فکری مدرسه شاتر^{۱۸} و دانشگاه آکسفورد^{۱۹} (گمپل، ۱۳۷۴، ص. ۱۶۱) - از جمله نوآوری‌های نظری مدرسین در این دوران بود.

سنت فکری مدرسی در طی قرون مختلف دوره‌های متفاوتی را سپری نموده است. بر این اساس مدرسین را در دسته‌های مختلفی طبقه‌بندی نموده‌اند. دسته نخست شامل متفکرین مدرسی اولیه^{۲۰} یا کلاسیک می‌شود. این دسته از متفکرین که دوره حیات ایشان اغلب قرون دوازده تا پانزده را شامل می‌گردد در حقیقت بنیان‌گذاران اندیشه مدرسی در تاریخ اندیشه اقتصادی هستند و جایگاه ویژه‌ای در میان سایر دسته‌ها و نحله‌های مدرسی دارند (شومپتر، ۱۳۷۵، صص. ۱۲۴-۱۱۲). متفکران مدرسی اولیه نیز خود دسته‌ای همگن از متفکران را تشکیل نمی‌دادند. از بعد وابستگی‌های کلیسایی اغلب این متفکرین وابسته به فرق فرانسیسی^{۲۱} و دومینیکنی^{۲۲} بودند. همچنین از بعد اندیشه فلسفی و مبانی معرفتی نیز این متفکرین به دودسته متفکرین مدرسی واقع‌گرا^{۲۳} و نام‌گرا^{۲۴} تفکیک می‌شدند. این تمایز

17. Aquinas

18. School of Chartres

19. Oxford University

20. Early Scholastic Thinkers

21. Franciscans

22. Dominicans

23. Realism

معرفتی در بسیاری از تحلیل‌های اقتصادی ایشان به‌خصوص در تحلیل پول سبب ایجاد ممیزات ویژه‌ای برای این دو نحله فکری شده است. ازجمله متفکرین مدرسی اولیه می‌توان به اکوئیناس (۱۲۷۴-۱۲۲۵)^{۲۵}، ارسم (۱۲۹۹-۱۲۲۰)^{۲۶} و همچنین بوریدان (۱۳۵۸-۱۳۰۱)^{۲۷} اشاره نمود. پس از متفکرین مدرسی اولیه، متفکرین مدرسی متأخر (قرن ۱۵ تا ۱۷) (Ashworth, 1995) - که اغلب در جنوب اسپانیا می‌زیستند- و همچنین متفکرین مدرسی اصلاحی - متأثر از اندیشه‌های اصلاح‌گرایانه مارتین لوتر- دسته‌های دیگر متفکران مدرسی را شکل می‌دهند. ازجمله متفکرین مدرسی متأخر می‌توان به ازبیلکوئتا^{۲۸} (۱۵۸۶-۱۴۹۱)، مولینا^{۲۹} (۱۶۰۰-۱۵۳۵) و لسیوس^{۳۰} (۱۶۲۳-۱۵۵۴) و همچنین ازجمله برجسته‌ترین متفکرین مدرسی اصلاحی می‌توان به کالوین^{۳۱} (۱۵۶۴-۱۵۰۹) اشاره نمود.

۴. ساخت پول در واقعیت اجتماعی قرون میانه

غلبه نظام فئودالیسم بر مناسبات اقتصادی قرون میانه اولیه سبب گردیده بود که پول فلزی کارکرد زیادی در مبادلات اقتصادی مردم نداشته باشد. کاهش مبادلات پولی و در نتیجه آن کاهش گردش پول نیز سبب کاهش اعتماد مردم به آن به‌عنوان ابزاری مطمئن برای مبادلات شده بود؛ ازاین‌رو لزوماً همه فروشندگان، مبادله محصولاتشان در برابر سکه را نمی‌پذیرفتند (Bloch, 2014, pp.73-74). همچنین بسیاری از تعهدات فئودالی و غیر آن

۲۴. ریشه‌های بسیاری از اندیشه‌های مدرن در قرون بعدی همچون اومانیسم، نسبت معرفت و اخلاق و... را می‌توان در اندیشه‌های نام‌گرایان یافت. برخلاف رویکرد واقع‌گرای مدرسی که مبتنی بر نظریه قانون طبیعی به دنبال اکتشاف نظم عالم خلقت بود، این جریان قائل به آن بود که هیچ نظم ثابت طبیعی و عقلانی وجود ندارد که انسان بتواند بفهمد و هیچ شناختی از خداوند مگر از طریق وحی ممکن نیست. در نتیجه تأکید اصلی این جریان بر منابع نقلی به‌جای عقل بود. اعتقاد به تفرد وجود شناسانه و عدم وجود و آفرینش کلیات و در نتیجه عدم اعتقاد به وجود ذات ثابت در موجودات و نفی رئالیسم معرفتی ازجمله دیگر آراء فکری این جریان به شمار می‌آید. تأکید بر فرضیه و آزمون به‌جای منطق قیاسی کلاسیک مدرسی نتیجه روش‌شناختی عقاید الهیاتی و کلامی این جریان بود (گیلسپی، ۱۳۹۸، صص. ۷۲-۸۹).

25. Aquinas
26. Oresme
27. Buridan
28. Azpilcueta
29. Molina
30. Lessius
31. Calvin

با استفاده از پرداخت‌های کالایی انجام می‌پذیرفت و نقش پول تنها برای تعیین ارزش تعهدات قابل توجه بود. با این وجود پرداخت مالیات، دستمزد صنعت‌گران و ... به صورت پولی انجام می‌پذیرفت. عمده سکه‌های موجود در قرون میانه اولیه شامل سکه‌های نقره‌ای بود که عمدتاً توسط ضربخانه‌های خصوصی اربابان، نجبا و برخی از اصحاب کلیسا منتشر می‌شد (Usher, 1943, p. 178).

با توسعه شهرها، مناسبات تجاری و گسترش بازارها و همچنین با افزایش تمرکز قدرت در قرون میانه پسین، استفاده از پول فلزی رونق بیشتری یافت. پول فلزی اغلب از فلزاتی گران‌بها همچون نقره و طلا ضرب می‌گردید، اما به مرور با افزایش تجارت و نیاز به ضرب سکه‌هایی سبک‌تر و کم‌ارزش‌تر، ضرب سکه‌های مسی نیز متداول شد (Usher, 1943, pp. 196-197). آن‌چنان‌که از اخبار تاریخی ارائه‌شده توسط متفکرین مدرسی به دست می‌آید، در این دوران سکه‌های غیرفلزی (چرمی) نیز به سبب برخی از نیازهای اضطراری - همچون جنگ - انتشار می‌یافته است (Mariana, 2002, p. 11).

علی‌رغم تعیین استانداردهای ضرب سکه توسط پادشاهان و الزام ضربخانه‌ها به پایبندی به آن، محدودیت فناوری ضرب سکه تا پیش از قرن شانزدهم مانع از ضرب سکه‌هایی یکسان و مطابق با استانداردهای اعلامی بود. از این رو اغلب، سکه‌ها بر اساس ارزش اسمی آن مورد مبادله قرار می‌گرفت. ضرب سکه‌های فلزی با هزینه‌هایی همراه بود که به آن حق‌الضرب می‌گفتند. هزینه حق‌الضرب، دولت‌ها را مجبور می‌ساخت تا برای جبران آن، این هزینه‌ها را در ارزش اسمی سکه‌ها منعکس سازند. از این رو معمولاً مقداری اختلاف میان ارزش اسمی سکه‌ها و ارزش شمش معادل آن وجود داشت (Usher, 1943, pp. 196-197).

اگرچه تاریخ انتشار نخستین پول کاغذی به قرن هجدهم بازمی‌گردد، اما توسعه دکترین قابل‌انتقال به غیر^{۳۲} در ابزارهای اعتباری سبب گردید تا در قرن هفدهم بسیاری از اوراق بانکی^{۳۳} که نماینده تعهد بانک در پرداخت میزان مشخصی از سکه‌های طلا و نقره بودند در میان بانک‌ها مبادله شود. در کنار انجام تسویه‌های بین‌بانکی با استفاده از این اوراق، بانک‌های کوچک اوراق بانک‌های بزرگ را به‌عنوان سپرده نگهداری می‌کردند.

32. Negotiable Doctoin

33. Bank Note

اصلی‌ترین عامل اعتبار این اوراق اعتبار بانک صادرکننده آن بود. از سوی دیگر سادگی در حمل و انتشار آن نیز در استقبال بانک‌ها برای استفاده از آن مؤثر بود (Persson & Sharp, 2015, pp. 136-137). رواج استفاده از اوراق و حواله‌های قابل انتقال به غیر برای انجام تسویه‌های بین‌بانکی سبب شد تا به مرور اوراق بانک‌های معتبر در پیشخوان سایر بانک‌ها نیز برای انجام امور بانکی مشتریان عرضه شود. از این رو این اوراق که تا پیش از آن صرفاً در مراودات بین‌بانکی مورداستفاده قرار می‌گرفت به عموم مردم عرضه شد و در مبادله‌های بازرگانی آن دوره به‌عنوان شکل تازه‌ای از پول نقد مورداستفاده قرار گرفت (Usher, 1943, p. 24).

آن‌چنان‌که اشاره گردید پول تحولات مختلفی را در ساخت واقعیت اجتماعی قرون میانه اروپا سپری کرده، اما این تحولات به‌تنهایی نمی‌توانست دلیلی موجه برای تبدیل شدن آن به مسأله‌ای تحلیلی برای متفکرین مدرسی باشد. از این رو پیش از پرداختن به نظریه‌های ارزش پول متفکرین مدرسی این سؤال قابل توجه خواهد بود که پول به چه دلیلی به‌عنوان مسأله‌ای تحلیلی برای متفکرین مدرسی قابل توجه بود؟

اگرچه در قرون میانه علوم انسانی به‌عنوان شاخه‌ای مجزا از سایر علوم به‌حساب نمی‌آمد و از این رو توجه متفکرین مدرسی به‌عنوان عالمان دانشگاهی به مسائل اقتصادی نمی‌تواند تعجب‌برانگیز باشد؛ اما با این وجود برخی زمینه‌های موجود در اندیشه مدرسی نیز می‌توانست توجه به موضوعات اقتصادی و به‌صورت خاص مسأله پول را برای یک متفکر مدرسی قابل توجه نماید. از منظر اندیشه مدرسی، نیازهای متعدد انسانی به‌خصوص با پیچیده‌تر شدن زندگی و نیز عدم توانایی انسان برای رفع این نیازها به‌صورت منفرد، ضرورت زندگی اجتماعی را برای انسان‌ها را ایجاد کرد (Laures, 1928, pp. 27-29). آکوئیناس در این زمینه با اشاره به زمینه‌های زندگی اجتماعی انسان‌ها تصریح می‌نمود که «انسان در طبیعت خود موجودی اجتماعی است؛ این از آنجا مشخص می‌شود که یک فرد به‌تنهایی از پس نیازهای خود بر نمی‌آید چون چیزهایی که طبیعت در اختیار او می‌گذارد به‌تنهایی برای رفع نیازهای او کافی نیست و انسان نیازمند فراوری مواد طبیعی برای رفع احتیاجات خود از قبیل خوراک، پوشاک و... به کمک سایر افراد مجتمع انسانی است». به دنبال زندگی در جامعه انسانی، تقسیم‌کار حسب استعدادها و تمایلات مختلف انسان‌ها پدید می‌آید (Dempsey, 1935, pp. 478-479) و در ادامه آن نیز مبادله برای تبادل

محصولات موردنیاز در جامعه شکل می‌گیرد. براین اساس در اندیشه مدرسی مبادله امری ضروری برای حفظ حیات اجتماعی تلقی می‌گشت. آکوئیناس در ادامه می‌افزاید که «اما چیزی که برای خیر عمومی (مبادله) معرفی شد، نباید بیشتر بار آن بر دوش یکی از طرفین باشد تا بر دوش طرف دیگر و ازاین‌رو مبادله باید بر اساس برابری (عدالت مبادله‌ای) کالا یا خدمات داده و ستانده برقرار شود. مقادیر چیزهایی که مورد استفاده انسان‌ها قرار می‌گیرد نیز با استفاده از قیمت‌های داده شده برای آن‌ها اندازه‌گیری می‌شود و برای این منظور پول اختراع گردید» (Dempsey, 1935, p. 481). در اندیشه مدرسی پول می‌توانست به‌عنوان ابزار مبادله و به‌عنوان ما به‌ازای عینی قیمت‌ها و ارزش‌های کالاهای مبادله‌ای در راستای حفظ برابری داده و ستانده در یک مبادله ایفای نقش نماید. ازاین‌رو برای یک متفکر مدرسی پول ابزاری ضروری برای حفظ بقاء و زندگی انسانی (تحقق غایت دنیوی یا کمال ناقص انسانی) و همچنین با کمک به برقراری عدالت مبادله‌ای ابزاری قابل‌توجه برای تحقق جهانی اخلاقی به شمار می‌آمد.

۵. ماهیت پول از منظر متفکرین مدرسی اولیه

نظریه پولی متفکرین مدرسی اولیه بسیار متأثر از آراء پولی ارسطو بود، به‌طوری‌که این متفکرین اغلب دیدگاه‌های خود را در قالب شرح و حاشیه‌هایی بر کتب ارسطو ذکر می‌نمودند. ازاین‌رو ضروری است تا نخست نگاهی به نظریه پولی ارسطو - تا آنجا که اندیشه پولی مدرسی را متأثر نموده است - بیندازیم. ارسطو مفهوم پول را با رویکردی غایت‌نگر^{۳۴} موردبررسی قرار داده بود. او برای این منظور پول را بر اساس کارکردهای آن تعریف می‌کرد. از منظر ارسطو نخستین کارکرد پول بهره‌گیری از آن به‌عنوان ابزاری برای سنجش ارزش بود. او معتقد بود از آنجا که کالاهای مختلف ناهمگون بوده و در نتیجه دارای ویژگی‌های متفاوتی هستند، برای مبادله آن‌ها نیازمند معیاری مشترک جهت سنجش ارزش کالاها بر اساس آن هستیم. او تأکید می‌کرد در صورتی که معیار مشترکی وجود نداشته باشد، مبادله‌ای نیز نخواهد بود، ازاین‌رو وجود این معیار برای حفظ مبادله در جامعه بسیار ضروری است. ارسطو معتقد بود که این معیار مشترک تقاضا و نیاز انسانی است و در این راستا پول نیز ابزاری عینی برای سنجش نیاز و به‌نوعی نماینده عینی تقاضای افراد در بازار خواهد بود. دومین کارکردی که ارسطو برای پول برمی‌شمرد واسطه

مبادله باهدف سهولت در مبادلات بود. او با ارائه مدلی فرضی از مبادلات افراد در یک بازار معتقد بود که کاربست پول به‌عنوان واسطه مبادله ضمن سهولت در تعیین ارزش‌های نسبی سبب سهولت در تبادل نیز می‌گردد. درنهایت نیز پول از منظر ارسطو ابزاری برای ذخیره ارزش جهت انجام مبادلات آینده تلقی می‌گردد (Crisp, 2014, pp. 89-92). از آنجاکه پول به‌طور عمده برای ارسطو نقش سنجش ارزش را ایفا می‌نمود او معتقد بود که پول همچون هر معیار دیگری بر اساس قانون و نه طبیعت وضع می‌گردد، از این رو او پول را نوعی ثروت مصنوعی که با اعتبار قانون معتبر گردیده است می‌پنداشت. در این زمینه او تصریح می‌نمود که «پول بر اساس قرارداد نوعی نماینده برای تقاضا شده است و به همین دلیل است که نام آن پول است. زیرا نه ذاتاً و به‌صورت طبیعی بلکه به‌موجب قانون وجود دارد و وضع گردیده است. این در قدرت ماست که آن را تغییر داده و آن را بی‌فایده کنیم» (Crisp, 2014, pp. 90). متفکرین مدرسی اولیه نیز دقیقاً همین روش و مشی فکری ارسطو پیرامون پول را دنبال نمودند، از این رو بر کارکردهای سه‌گانه پول تأکید ورزیدند (Fuller, 2020, p. 17). ایشان همچنین پول را ثروتی مصنوعی تلقی می‌کردند «که به‌صورت مستقیم به نیازهای طبیعی خدمت نمی‌کند» بلکه ارزش آن «با هنر انسانی ایجاد شده است» (Aquinas, 1947).

دستاورد نظریه پول مدرسی تنها محدود به بسط، توسعه و تشریح نظریات پولی ارسطو نمی‌شد. از جمله دستاوردهای متفکرین مدرسی اولیه در شناخت ماهیت پول، توجه به ماهیت سرمایه‌ای پول است. توماس آکوئیناس با مقایسه پول با بذر در این زمینه تصریح می‌کند که «... برزگر با کاشت بذر در مزرعه به‌صورت بالقوه و نه واقعی صاحب محصول است. به‌طور مشابه کسی که صاحب پول است نیز به‌صورت بالقوه دارای سود است...» (Fuller, 1947). همچنین رناردین (۱۳۸۰-۱۴۴۴)^{۳۵} نیز بر مبنای اصل توقف سود در زمانی که بازرگانی از باقیمانده پولش که برای اهداف تجاری کنار گذاشته است وام می‌دهد، می‌گوید که او «تنها پول نمی‌دهد بلکه چیزی می‌دهد که سودآور است و ما به آن

سرمایه می‌گوییم و از این رو قرض‌گیرنده نیز باید چیزی بیش از آن پول را به اعتباردهنده بدهد» (Gordon, 1975, p. 36).

در سایه توسعه استفاده از پول در قرون میانه متأخر و همچنین با ایجاد مسائل پولی مختلف در واقعیت اقتصادی جامعه، نظریه پولی مدرسیان اولیه نیز توسعه یافت. در حقیقت چالش‌های عملی جامعه زمینه توسعه ادبیات نظری پیرامون پول را ایجاد نمود. به طوری که نخستین رساله‌های مستقل پولی در تاریخ تحلیل اقتصادی در دوره متفکرین مدرسی اولیه نگاشته شد. در این راستا عیارکاهی پول، مالکیت پول (Oreseme, 1956, p. 6 & 8)، ارزش پول و نوسانات آن و... از جمله مسائل تحلیلی هستند که در ادبیات پولی مدرسی بدان توجه گردیده است. در ادامه به بررسی نظریه ارزش پول مدرسیان اولیه و دکتترین‌های موجود در آن می‌پردازیم.

۶. دکتترین‌های ارزش پول در اندیشه کلاسیک مدرسی

اگرچه ارسطو به صورت مستقیم بر ماهیت اعتباری و قراردادی ارزش پول اشاره نکرده بود اما دیدگاه او پیرامون ماهیت پول می‌تواند نظریه ارزش پول او را نیز نمایان سازد. آن‌چنان‌که اشاره گردید، ارسطو پول را حاصل نوعی قرارداد و توافق اجتماعی برای واسطه‌گری مبادلات، سنجش و ذخیره ارزش می‌دانست. ارسطو در حقیقت پول را متعین در ماده یا مواد مشخص و محدود نمی‌دید بلکه پول را ابزار و مفهومی کلی می‌دید که می‌تواند بر هر ماده‌ای که در جامعه مورد توافق عمومی قرار گیرد، اطلاق گردد. بر این اساس می‌توان ارزش پول را نیز متأثر از قرارداد و توافق عمومی - همچون سایر ابزارهای سنجش - دانست. او در بخشی از رساله خود با تأکید بر ماهیت مصنوعی - در مقابل طبیعی - پول تصریح می‌کند که «پول ضرب شده تنها یک نماد و شکل است. حقیقتی طبیعی نیست. بلکه تنها امری قراردادی است. چون اگر استفاده‌کنندگان از آن کالای دیگری را

۳۶. سنت آنتونیو نیز به‌طور ضمنی در ضمن تحلیل مشروعیت اخذ بهره در قرارداد وام به ماهیت سرمایه‌ای پول اشاره می‌کند. او تصریح می‌کند که «هر کسی می‌تواند تقاضای جبران کند اما نه لزوماً به سبب آسیب و ضرر ناشی از وام بلکه به سبب عایدی بالقوه‌ای که می‌توانست از سرمایه‌گذاری دارایی خود در تجارت کسب کند و یا قصد قراردادن پول خود در یک تجارت مشروع را داشته باشد...» (Gordon 1975, p. 198).

جایگزین آن کنند، بی‌ارزش می‌شود...»^{۳۷} (Crisp, 2014, p. 9). علی‌رغم رویکرد ارسطو در اتخاذ نگرشی سابژکتیو نسبت به ارزش پول، همه متفکرین مدرسی بر این عقیده نبودند. با بررسی آراء و اندیشه‌های متفکرین مدرسی اولیه به‌نظر می‌رسد که برخلاف تفاسیر مختلفی که تاکنون از نظریه ارزش پول ایشان شده است - که آن را منحصر در رویکردی آبژکتیو (فلزگرا) و یا نگرشی دوگانه که مشتمل بر دکترین فلزگرا و قراردادی است، دانسته‌اند - ایشان سه دکترین متمایز پیرامون ارزش پول اتخاذ کرده‌اند که در ادامه به بررسی دقیق‌تر آن‌ها می‌پردازیم.

۶-۱. نگرش سابژکتیو نسبت به ارزش پول

نگرش غالب در نظریه ارزش پول متفکرین مدرسی اولیه را می‌توان به رویکرد سابژکتیو نسبت به ارزش پول نزدیک دانست. متفکرین مدرسی اولیه در تبیین ماهیت پول هیچ‌گاه پول را متعین و محدود در ماده‌ای خاص نمی‌دیدند و اغلب با اتخاذ رویکردی غایت‌نگرانه پول را باتوجه‌به کارکردها و اهداف موردنظر برای آن تعریف می‌کردند. از سوی دیگر غلبه کارکرد معیاری و سنجش ارزش، در نظریه پولی ایشان سبب می‌گردید تا این متفکرین پول را متمایز از سایر کالاهای بازاری ببینند و از این‌رو انتظار تعیین قیمت عادلانه پول را در بازار امری ناهمگون با ماهیت پول تلقی می‌گردید. بر این اساس متفکرین مدرسی انتظار داشتند که ارزش پول نیز همچون سایر معیارها توسط حاکمیت و توافق عمومی در میان مردم تعیین گردد. بر این اساس اغلب ایشان با نقل‌قول از ارسطو بر تأثیر توافق و اعتبار اجتماعی بر ارزش پول تأکید داشتند. مثلاً آلبرت کبیر (۱۲۸۰-۱۲۰۰) در این زمینه تصریح می‌نمود که «... اما این معیار (پول) توسط ما تنظیم می‌شود. مردم آن را بر اساس توافقی عمومی در میان خود ایجاد نمودند تا بتوانند هر آنچه لازم داشتند را بدهند و دریافت کنند

۳۷. برخی از محققین با ارجاع به یکی از گفته‌های ارسطو که در آن او با اشاره به زمینه‌های پیدایش مبادلات خارجی به ارزشمندی ذاتی پول تأکید می‌کند، ارسطو را متفکری فلزگرا دانسته‌اند. اما همان‌گونه که گوردون (۱۹۶۱م) به درستی اشاره نموده است، تأکید ارسطو بر ارزشمندی ذاتی پول به سبب عدم اعتبار ارزش قانونی و قراردادی پول در کشورهای خارجی است. بر این اساس از آنجاکه اعتبار و برآورد عمومی نسبت به ارزشمندی، عنصری اساسی در تبدیل شدن هر ماده‌ای به‌عنوان واسطه مبادله است، از این‌رو ضروری است که پول در مبادلات خارجی از ماده‌ای ساخته شود که ارزشمندی آن مورد توافق تجار خارجی نیز قرار گیرد؛ و این مسأله نمی‌تواند منافای رویکردی سابژکتیو نسبت به ارزش پول باشد.

مبادله نمایند) ...» (Fuller, 2020, p. 23) همچنین آکوئیناس نیز در ادامه این نگرش فکری بر تأثیر قانون بر ارزش پول تأکید می‌ورزید و بر نقش آن در بی‌اعتبارسازی ارزش پول مبتنی بر نگرشی سبژکتیو اصرار می‌ورزید. او در این زمینه تصریح می‌کرد که «این راحت است که یک چیز واحد وجود دارد که می‌تواند همه چیز را اندازه‌گیری کند و این چیز (پول) بر اساس طبیعت و ماهیت خود، ارزیابی و سنجش نمی‌شود، بلکه بر اساس تصمیم افراد است که تصمیم گرفته‌اند آن به‌عنوان معیار قرار گیرد به سکه‌ها Numisma می‌گویند که از (واژه) Nomos، قانون، می‌آید. چون سکه‌ها بر اساس ماهیت و طبیعت آن ارزیابی و سنجش نمی‌شوند، بلکه (این امر) به‌وسیله قانون صورت می‌پذیرد. این در قدرت و اختیار ماست که آن (پول) را تغییر داده یا بی‌فایده (بی‌ارزش) نماییم ...» (Fuller, 2020, p. 31). از سوی دیگر نیز از آنجاکه در نظریه ارزش مبادله‌ای مدرسیان پول جایگاه ویژه‌ای در برابری و حفظ عدالت در مبادلات داشت، از این‌رو آزادی تعیین ارزش پول در بازار می‌توانست سبب ایجاد نوسانات شدید پول و در نتیجه خدشه به عدالت مبادله‌ای گردد؛ امری که بعدها توسط خود دولت و با عیارگاهی ارزش پول - به سبب نیازهای تجاری - سبب نوسانات ارزش پول و آسیب به فعالیت‌های تجاری گردید و با واکنش متفکرین مدرسی نیز روبرو شد.

پول از منظر متفکرین مدرسی اولیه به‌مثابه نوعی کاتالیزور در مبادلات تلقی می‌گردید که خود موضوع و هدف مبادله نیست. این مسأله به مبنایی برای تمایز پول از سایر کالاها در اندیشه مدرسی تبدیل شد. متفکرین مدرسی اولیه با تمایز مفهوم ثروت طبیعی و مصنوعی و قرار دادن پول در دسته دوم در حقیقت به دنبال تبیین تمایز ساحت کالایی از ساحت پولی سکه‌ها بودند. این مسأله می‌توانست به معاضدت میان نظریه ارزش و نظریه ارزش پول مدرسیان نیز کمک شایانی نماید. بر اساس نظریه ارزش مدرسی، نیاز، سودمندی و برآورد عمومی از آن‌ها مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده ارزش است (Gordon, 1975, p. 174). از آنجایی که مطلوبیت و سودمندی اشیاء می‌توانست دارای ابعاد عینی و ذهنی باشد، نایدر^{۳۸} (۱۳۳۸-۱۳۸۰) - از جمله متفکرین مدرسی اولیه - با تفکیک این دو بعد بر ابعاد ذهنی آن در سودمندی اشیا تکیه کرد. به گفته او سودمندی گاهی به معنای کارکردهای عینی یک چیز است و گاهی به معنای برآورد ذهنی افراد از سودمندی و

مطلوبیت اشیاء است. در نتیجه آنچه ملاک ارزش‌گذاری چیزهاست، سودمندی ذهنی است (Rothbard, 2006, p. 88). اغلب متفکرین مدرسی نیز همچون نایدر بر جنبه‌های ذهنی ارزش بیش از جنبه‌های عینی آن تأکید می‌کردند (Dempsey, 1935). به طوری که برخی از ایشان نیاز را به خرسندی و رضایت افراد از مصرف چیزها تفسیر می‌نمودند (شومپیتر، ۱۳۷۵، ص. ۱۲۹). از آنجاکه بر اساس دکترین نیاز و سودمندی، تقاضای سکه به‌عنوان پول در نسبت مستقیم با کارکردهای آن قرار دارد، از این‌رو هر جا که سکه بتواند کارکرد خود را به‌عنوان وسیله مبادله بهتر ایفا نماید یا آنکه هر جا نیاز به سکه برای انجام مبادلات بیشتر باشد، ارزش پول نیز بیشتر خواهد بود. در حقیقت تمایز پول از سایر ثروت‌های طبیعی سبب می‌گردد تا مبتنی بر نظریه ارزش مدرسی به این نتیجه دست یابیم که اگر نیاز و سودمندی و برآورد عمومی از آن در یک نگرش ذهنی نسبت به ارزش می‌تواند ارزش چیزها را تعیین کند، ملاک نیاز و سودمندی پول نه سودمندی ماده آن بلکه سودمندی خود آن برای مبادله است. تأثیر کارکرد و نیازهای اختصاصی سکه به‌عنوان پول و ابزار مبادله در تحلیل‌های برخی از متفکرین مدرسی مورد اشاره قرار گرفته است. مثلاً آکوئیناس و ماگنوس با اشاره به تأثیر عملکرد پول در ارزش آن معتقد بودند که هر جا که پول بتواند وظیفه خود را به‌عنوان ابزار سنجش ارزش و مبادله به‌خوبی ایفا نماید دارای ارزش بیشتری خواهد بود (Grice-Hutchinson, 1952, p. 30).

۲-۶. نگرش آیزکیو نسبت به ارزش پول

شکل‌گیری مکتب فلسفی نام‌گرا^{۳۹} و تأثیر آن بر اندیشه برخی از متفکرین مدرسی زمینه ایجاد دکترین پولی جدیدی را در اندیشه اقتصادی مدرسی ایجاد کرد. دکترین متأثر از نگرش نام‌گرا تمایل به نفی کلیات و انتزاعات کلی داشت که از تحلیل‌های قیاسی منبعث می‌شد و تأکید خود را بیشتر بر فهم تجربی واقعیت قرار می‌داد (Gillespie, 2008, p. 22). مبتنی بر این نگرش پیروان مدرسی مکتب نام‌گرا زمینه نظری مناسبی برای دوری از پولی داشتند که مفهومی کلی بود و امکان تعیین در هر ماده‌ای - که بتواند وظیفه پول را به‌خوبی ایفا نماید - را دارا بود. پول اغلب در اندیشه ایشان محدود به واقعیتی مادی می‌شد که در بازارها به‌صورت بالفعل در تبادل است.

نیکول ارسم از جمله پیش‌گامان مکتب فلزگرا^{۴۰} در میان متفکرین مدرسی اولیه است که نخستین رساله مستقل پولی را نیز تألیف نموده است. او در تشریح مبادی پیدایش پول با اشاره به شیوه‌های نخستین مبادله تصریح می‌کند که پول در صورت اولیه خود به صورت سکه‌های مضروب و دارای نقش نبود، بلکه قطعاتی از فلزات با ارزش در ازای سایر کالاها مبادله می‌گردید.^{۴۱} او با این بیان خلط بزرگی میان مبادلات پولی و مبادلات تهاتری می‌نماید و در فهم ماهیت جدید این اعتبار اجتماعی و همچنین ملاحظات ناظر بر مبادلات پولی ناتوان می‌ماند. باین وجود این مقدمه زمینه اصلی نظریه ارزش پول فلزگرای او را فراهم می‌کند؛ نظریه‌ای که با نادیده‌گیری ماهیت کلی پول به عنوان اعتباری اجتماعی و نه صرف یک کالا، بر پیوند وثیق پول با مواد سازنده آن استوار است؛ گویی که پول چیزی جز فلز سازنده آن نیست. پیوستگی ارزش پول با فلز سازنده آن از منظر ارسم تا جایی بود که او حتی اعتقاد داشت که نسبت ارزش پول‌های مختلف - همچون پول طلا و نقره - باید از نسبت ارزش فلزات آن پیروی نماید و از این رو نوسان ارزش پول نیز تنها محدود به نوسان مواد سازنده سکه می‌گردید.^{۴۲} (Oresme, 1956, p. 10).

اگرچه انتظار می‌رود که یک متفکر فلزگرا پول را کاملاً محدود به مصادیق آن نماید و خواص و ویژگی‌های اختصاصی آن را نادیده بگیرد اما باین وجود ارسم تا این اندازه فلزگرا نبود - که شاید این می‌تواند متأثر از میراث پولی پیشینیانش باشد -؛ ارسم در بخشی از رساله خود بر ویژگی‌های خاصی - همچون راحتی جابه‌جایی و محاسبه، ارزش بالا در واحد وزن و...- تأکید می‌کند که سبب می‌گردد نتوان هر کالای باارزشی را به عنوان نوعی پول بالقوه تلقی کرد (Oresme, 1956, p. 4).

۴۰. منظور از فلزگرا در این قسمت، فلزگرای نظری است.

۴۱. «هنگامی که مردان برای اولین بار شروع به تجارت یا خرید کالا با پول کردند، پول هیچ تمبر و تصویری نداشت، بلکه مقداری نقره یا برنز با گوشت و نوشیدنی مبادله شده و (پول) با توجه به وزنش اندازه‌گیری می‌شد» (Oresme, 1956, p. 10).

۴۲. «اما این نسبت (نسبت ارزش سکه‌های مختلف) باید از رابطه طبیعی ارزش طلا به نقره پیروی کند و این نسبت باید ثابت باشد؛ و نباید به صورت دلخواهانه تغییر کند، مگر به دلایل معقول و تغییرات در ماده سازنده آن؛ چیزی که به ندرت اتفاق می‌افتد» (Oresme, 1956, p. 10).

دکترین آبژکتیو در اندیشه پولی مدرسین اولیه تنها به نظریه ارسم محدود نمی‌شد. بیل^{۴۳} نیز یکی دیگر از متفکرین مدرسی اولیه بود که خط فکری ارسم را امتداد بخشید. او نیز بر پیوستگی ارزش پول با فلز سازنده آن تأکید می‌نمود و از این رو معتقد بود که ارزش یک واحد پول باید با ارزش مواد سازنده آن برابر باشد.^{۴۴} همچنین او نیز همچون ارسم نوسان ارزش پول را در گرو نوسان ارزش ماده سازنده آن می‌یافت^{۴۵} (Biel, 2020, p. 90).

۳-۶. نگرش چندبعدی نسبت به ارزش پول

مطالعاتی که تاکنون پیرامون نظریه ارزش پول مدرسین اولیه صورت پذیرفته است، حداکثر به شناسایی دو دکترین قراردادی (سابژکتیو) و آبژکتیو منحصر بوده و بر اساس این طبقه‌بندی بوریدان به‌عنوان یکی از پیش‌گامان نظریه فلزگرای پولی در اندیشه مدرسین اولیه شناخته شده است (Like lapidus 1997; Bridray 1906; Chaplygina & lapidus 2016). با این وجود دقت در منابع دست اولی که دسترس است حقایق متفاوتی را برای ما آشکار می‌نماید که می‌توان بر اساس آن رویکرد سوم و یا میانه‌ای را شناسایی نمود. در این قسمت به بررسی این نگرش جدید با تمرکز بر آراء بوریدان می‌پردازیم.

بوریدان در رساله‌ای که به شرح کتاب اخلاق ارسطو اختصاص داشت نقدی جدی درباره پیرامون نظریه ارزش پول ارسطو مطرح می‌کند. او ابتدا به تشریح نظریه ارزش پول ارسطو و نقش دولت در ارزش‌گذاری پول می‌پردازد. همچنین عدم طبیعی بودن و در نتیجه اعتباری بودن پول از منظر ارسطو را براساس نگرش قانونی نسبت به ارزش پول می‌داند. بوریدان در ادامه در ضمن تشریح مثالی از چالش‌های عملی این نظریه آن را ناعادلانه می‌پندارد. او در این زمینه می‌گوید که «اما تعیین ارزش Penny یا Obol برعهده پادشاه نیست. در حقیقت در صورتی که پادشاه بگوید که ارزش یک Penny برابر با یک واحد نوشیدنی است این بی‌عدالتی است. چون یک نوشیدنی ممکن است در یکجا به نسبت جایی دیگر بهتر بوده و در نتیجه (دارای ارزش) بیشتر باشد» (Fuller, 2020, p.52) برخی از محققین (Baeck, 2012, p.167; lapidus, 1997) با استناد به این جمله بوریدان او را

43. Biel

۴۴. «... پول باید از نظر وزن آن به اندازه مواد قبل از ضرب ارزش داشته باشد و نه بیشتر» (Biel, 2020, p. 90).

۴۵. «ارزش پول تغییر می‌کند، برای مثال وقتی که تغییری در ماده، ترکیب یا وزن آن ایجاد شود» (Biel, 2020, p. 90).

منتسب به مکتب فلزگرا نموده‌اند؛ با این وجود با دقت در گزاره‌های مطرح‌شده توسط بوریدان می‌توان تفسیر متفاوتی را از نظریه او ارائه داد. به نظر می‌رسد که مسأله اصلی بوریدان در اینجا تعیین ارزش قانونی پول و رد آن نبوده است بلکه از مثالی که ارائه می‌کند روشن می‌گردد که بوریدان نگران تعیین قانونی قدرت خرید پول و به تعبیر دیگر تعیین قانونی قیمت بازاری کالاهاست؛ امری که همان‌گونه که او نیز اشاره می‌کند به دلیل ناهمگونی کالاهای بازاری غیرممکن بوده و سبب خدشه در عدالت مبادله‌ای خواهد شد.

بوریدان اگرچه منظور ارسطو از ارزش قانونی و قراردادی پول را به‌درستی متوجه نمی‌شود - و از این رو تفسیر متفاوتی از نظریه ارسطو ارائه می‌دهد - اما با این وجود پاسخ او به نظریه ارسطو در بردارنده اشارات تحلیلی ویژه است. به نظر می‌رسد که در میان متفکرین مدرسی اولیه او از جمله نخستین متفکرینی است که به نسبت ارزش پول و قدرت خرید آن اشاره می‌کند و نوسان ارزش پول متناسب با قدرت خرید آن را امری غیرقابل انکار در واقعیت اقتصادی جامعه می‌پندارد. از این رو توجه به این ارتباط می‌تواند پیشرفت تحلیلی ویژه‌ای در نظریه ارزش پول متفکرین مدرسی اولیه به حساب آید.

عدم انکار ارزش قانونی و قراردادی پول در نظریه ارزش پول بوریدان را می‌توان در بخش‌های دیگری از رساله او مشاهده نمود که این مسأله می‌تواند شاهدی بر تفسیر جدید ارائه‌شده در این مقاله از نظریه بوریدان باشد. مثلاً بوریدان در بخش دیگری از رساله خود با اشاره به جایگاه حکومت در تعیین ارزش پول تأکید می‌کند که «... پول ارزش خود را از پادشاه می‌گیرد...» (Fuller, 2020, p. 59).

نظریه ارزش پول بوریدان به مؤلفه‌های پیش‌گفته - قدرت خرید و قانون - محدود نمی‌شد. بوریدان در کنار آن مؤلفه‌ها بر تأثیر فلز سازنده سکه‌ها (Fuller, 2020, p.56) و همچنین طرح و نقش آن (Fuller, 2020, p. 59) بر ارزش پول نیز تأکید می‌کند. با این وجود تأکید او بر نقش فلز سازنده سکه‌ها مانع از توجه بوریدان بر سایر عوامل ذهنی مؤثر بر ارزش پول نگردیده است. بوریدان در بخشی از رساله شرح اخلاق ارسطو به مؤلفه دیگری اشاره می‌کند که در تعیین ارزش پول نقشی محوری را ایفا می‌نماید؛ مؤلفه مورد توجه او «نیاز انسانی» است. او معتقد است که ارزش پول را نیاز انسان به مبادله تعیین می‌کند و از سوی دیگر ارزش کالاها را نیز نیاز انسان تعیین می‌کند و تناظر این دو نیاز سبب تلاقی ارزش پول با نیاز انسان به کالاها می‌گردد. «از آنجاکه ارزش پول در نسبت با

نیازهای انسانی تعیین می‌گردد، کلیه کالاهای تجاری را می‌توان متناسب با پول ارزیابی کرد. در واقع همان‌طور که آن‌ها (ارزش کالاهای تجاری) متناسب با نیازهای انسانی هستند، با پول نیز - که خود متناسب با نیازهای انسانی است - متناسب خواهند بود» (Fuller, 2020, p. 52). براین اساس آنچه ارزش پول را تعیین می‌کند مؤلفه ذهنی نیاز انسانی است. مؤلفه‌ای که خود می‌تواند از بسیاری از عوامل دیگر نیز متأثر شود. در حقیقت هر عاملی که بتواند نیاز انسانی را متأثر نماید می‌تواند بر ارزش پول نیز اثرگذار باشد. از سوی دیگر این تناظر نیاز انسانی به پول و کالاها سبب می‌گردد تا میان سکه در ساحت کالایی و پولی آن تمایز ایجاد گردد؛ به طوری که نیاز به سکه در ساحت کالایی آن تنها نیاز به قطعه‌ای فلزی است، اما نیاز انسان به سکه در ساحت پولی آن در حقیقت نیاز انسان به قدرت خرید برای تقاضای مؤثر کالاها در بازار است.

در نهایت بوریدان مبتنی بر چارچوب علل اربعه فلسفی نظریه خود را جمع‌بندی می‌نماید. نظریه‌ای که ارزش پول را مشتمل بر مؤلفه‌هایی در چهار ساحت می‌داند. او از حیث علل مادی، مواد ارزشمند و کمیابی که پول را می‌سازند بر ماهیت و ارزش پول مؤثر می‌داند. همچنین از زاویه علل غایی، مبادله و سنجش نیازهای انسانی را به‌عنوان عامل اثرگذار بر ارزش و ماهیت پول معرفی می‌کند. بوریدان از منظر علل صوری، شکل و طرح ارزش اسمی سکه‌های ضرب شده را معرفی می‌نماید و در نهایت نیز از حیث علل فاعلی بوریدان به تأثیر حکومت و قانون در اعطای اعتبار و ارزش به پول اشاره می‌کند (Fuller, 2020, p. 55). براین اساس می‌توان نظریه ارزش پول بوریدان را نظریه‌ای چند ساحتی دانست که اگرچه باتوجه به تأکید آن بر مؤلفه‌های ذهنی به دکترین سبژکتیو نزدیک‌تر است، اما نمی‌توان آن را کاملاً در زمره نظریات این دسته قرارداد و باید آن را دکترین سومی در عرض دو دکترین سنتی ارزش پول دانست که توسط متفکرین مدرسی اولیه ارائه گردیده است.

۷. دلالت‌هایی برای اقتصاد و مالیه اسلامی

توجه متفکرین مدرسی به‌عنوان متکلمان و علما مذهبیه به مسأله تحلیل اقتصادی از جمله نکات قابل توجه در نحوه مواجهه این متفکرین با پدیده‌های اقتصادی هم‌عصر ایشان است. فارغ از تحلیل اقتصادی، متفکرین مدرسی فهم پدیده‌های آفرینش و همچنین مناسبات آن با مخلوقات الهی را نوعی شناخت افعال الهی دانسته و از حیث توحید افعالی قابل توجه

می دانستند. همچنین شناخت این مناسبات می توانست بر درک بهتر قوانین طبیعی - به عنوان یکی از منابع معرفتی مدرسی - به ایشان کمک نماید. با این وجود توصیف و تحلیل در اندیشه آنان به افعال الهی محدود نمی گردید. لازمه ساخت جهانی اخلاقی برای تحقق غایت اخیر انسانی در دنیا و آخرت ایجاب می نمود تا ایشان موضوع شناسی کاملی از پدیده های مختلف مرتبط با سلوک انسانی داشته باشند؛ و از این رو تحلیل مناسبات و اعتبارات انسانی اگرچه غایت ایشان نبود، اما می توانست نقش بسزایی در تحقق اتخاذ موضعی فعال در مواجهه دینی با پدیده ها و مسائل جدید عصرشان ایفا نماید. حتی اگر یک عالم دینی وظیفه خود را در تفسیر احکام الهی و بیان گزاره های هنجاری محدود نماید، برای اتخاذ رویکردی فعال در مواجهه با اقتضائات جدید عصر خود ناگزیر است موضوع شناسی دقیقی از ابعاد نظری و عملی پدیده های مختلف انسانی داشته باشد. این امری بود که متفکرین مدرسی آن را به درستی درک نموده و در این راستا به تحلیل پدیده هایی همچون پول می پرداختند. تحلیل پول برای ایشان کمک شایانی در درک صحیح مسائل مرتبط با آن - همچون قراردادهای ربوی - داشت. از این رو به نظر می رسد که امروزه مطالعات اقتصاد اسلامی نیز نیازمند درک صحیح از ساخت و واقعیت اقتصادی - اجتماعی دنیای مدرن است. این درک نه تنها سبب التقاط اندیشه دینی نخواهد شد بلکه همان گونه که از تجربه متفکرین مدرسی برمی آید، منجر به اتخاذ مرزبندی دقیق و جزئی نسبت به تحولات اقتصادی در ساحت فردی و اجتماعی نیز می گردد و به کار بست احکام کلی شریعت بر مصادیق مختلف نیز کمک شایانی می کند.

حال که به اهمیت تحلیل اقتصادی و موضوع شناسی اعتبارات اقتصادی در مطالعات دینی اشاره گردید، روش این نوع از مواجهه تحلیلی گفتمان دینی نیز می تواند قابل توجه باشد. رویکرد غالب متفکرین مدرسی در این نوع از مواجهه برخورداردی غایت نگر با پدیده ها و نهادهای اقتصادی است. مثلاً همان گونه که اشاره گردید ایشان در مواجهه با موضوع شناسی پول، آن را متناسب با غایات و کارکردهای موضوعه آن - مانند مبادله، سنجش ارزش و... - تحلیل نمودند. از آنجاکه بنای فقه و هنجارهای دینی بر تنظیم مناسبات و سلوک انسانی است (صدر، ۱۳۷۵، ص. ۸۵)؛ و با توجه به اینکه عمل انسانی اغلب دارای غایت و مبتنی بر انگیزه و نیت فاعل آن صورت می پذیرد (پارسانیا، ۱۳۹۲، ص. ۲۴). در نتیجه می توان فقه را هنجارهایی دینی دانست که مبتنی بر عمل غایت محور انسان است. بر

این اساس موضوع‌شناسی با روش غایت‌نگر - برخلاف موضوع‌شناسی مجرد و مکانیکی - می‌تواند کارایی زیادی در هماهنگی تحلیل و موضوع‌شناسی با تجویز و هنجار داشته باشد. از این رو اگرچه این نکته نافی موضوع‌شناسی مکانیکی موضوعات مختلف نیست اما باید توجه داشت که نحوه موضوع‌شناسی و هماهنگی آن با غایت مورد توجه شریعت در فقه می‌تواند کارکرد تحلیل برای تجویز را ملموس‌تر و کارا تر نماید و عنصر کارایی ابزار در نسبت با غایات شریعت را به اجتهاد فقهی مسائل جدید وارد نماید. همچنین موضوع‌شناسی مبتنی بر روش غایت‌نگر می‌تواند سبب افزایش پویایی و انعطاف هنجارهای دینی در مواجهه با نهادها و اعتبارات مدرن اقتصادی گردد.

یکی از اشتباهاتی که توسط برخی از متفکرین مدرسی اولیه پیرامون تحلیل بعضی از پدیده‌های اقتصادی اتخاذ گردیده است و می‌توان از آن برای مطالعات اقتصاد اسلامی درس گرفت، ضرورت توجه به ساخت نهادهای اقتصادی در گذر زمان و در تعامل کنش‌گران اقتصادی است. آن‌چنان‌که اشاره گردید برخی از متفکرین مدرسی دارای گرایش‌ها نام‌گرا در تحلیل ماهیت پول به مبادلات تهاتری فلزات ارزشمند با سایر کالاها اشاره کرده و آن را نخستین زمینه‌های شکل‌گیری مبادلات پولی دانسته‌اند. این مسأله نشان‌دهنده عدم توجه ایشان به تغییر ساخت مبادلات و همچنین ماهیت جدید سکه‌های فلزی است. اگرچه در گذشته نیز مبادلات با استفاده از فلزات ارزشمند صورت می‌گرفته است، اما سکه به‌عنوان پول دارای اقتضائات و ملاحظات جدیدی است که مصادره آن به قطعه‌ای فلز سبب نادیده‌گیری این اقتضائات جدید و در نتیجه خطا در تحلیل‌های اقتصادی می‌گردد. متأسفانه امروزه نیز در برخی از تحلیل‌های اقتصادی با چشم‌پوشی نسبت به اقتضائات نهادهای مدرن سعی در تحویل آن به نهادهای ابتدایی و ساده می‌گردد که باعث عدم توجه به اقتضائات نهادهای مدرن اقتصادی در این دسته از تحلیل‌ها شده است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

از منظر مدرسین اولیه پول ابزاری ضروری برای حفظ بقاء اجتماع انسانی و همچنین تحقق عدالت مبادله‌ای در معاملات به‌شمار می‌رفت. از سوی دیگر پول می‌توانست در حرکت جامعه به سمت غایت اخلاقی خود نقش بسزایی را ایفا نماید؛ از این رو پول برای متفکرین مدرسی اولیه به‌عنوان مسأله‌ای تحلیلی قابل توجه بود. برخلاف تفاسیری که

تاکنون پیرامون نظریه پولی متفکرین مدرسی اولیه شده است، این پژوهش نشان داد که می توان سه دکترین مختلف پیرامون ارزش پول در نظریه پولی متفکرین مدرسی یافت. نخستین دکترین که به نظر می رسد تحت تأثیر آراء ارسطو اتخاذ گردیده باشد و همچنین شایع ترین نگرش پولی در میان متفکرین مدرسی اولیه نیز شناخته می شد، دکترین سبژکتیو بود که بر اساس آن پول اعتباری اجتماعی به حساب می آمد که بر اساس قرارداد و توافق عمومی جهت سهولت در مبادلات و سنجش ارزش ایجاد گردیده بود. در حقیقت پول مبتنی بر این رویکرد مفهوم و حقیقتی کلی بود که می توانست بر هر چیزی که توانایی ایفای نقش پول را داشته باشد - البته بر اساس توافق عمومی - اطلاق گردد. دکترین بعدی نظریه فلزگرای ارزش پول بود که متأثر از چارچوب نظری نام گرا پول را متعین بر صورت های خاصی از مواد می دانست و بر این اساس برای مواد سازنده آن در تعیین ارزش پول اصالت و جایگاه ویژه ای قائل بود. در نهایت نیز نگرش سوم شامل رویکردی چند ساخته نسبت به ارزش پول می شد که توسط بوریدان توسعه یافت. بر اساس این نگرش مجموعه ای از مؤلفه های مادی، صوری، غایی و فاعلی در ساخت ارزش پول مؤثر بودند.

نحوه مواجهه تحلیلی متفکرین مدرسی با مسأله ارزش پول دستاوردهای نظری زیادی برای مطالعات اقتصاد و مالیه اسلامی می تواند داشته باشد. در یک جمع بندی می توان گفت که در مواجهه یک اندیشه دینی با پدیده های اقتصادی توجه به موضوع شناسی دقیق این پدیده ها و تحلیل مناسبات مختلف آن می تواند در کاربست هنجارهای دینی بر موضوعات جدید کمک نماید. همچنین بهره گیری از روش غایت نگر در موضوع شناسی نهادهای اقتصادی می تواند بر پویایی اندیشه دینی در مواجهه فعال با پدیده های اقتصادی مبتنی بر غایات شریعت اسلامی، اثرگذار باشد. از سوی دیگر نیز توجه به پویایی های نهادهای اقتصادی و تغییرات آن در گذر زمان و همچنین درکنش فعالان اقتصادی برای جلوگیری از ساده انگاری یا ارائه تعاریفی غیرمنطبق و سنتی از نهادهای مدرن اقتصادی امری ضروری است.

ملاحظات حقوقی

پیروی از اصول حقوقی

- تمامی اصول اخلاق در پژوهش در این مقاله رعایت شده است.

تعارض منافع

- بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.

- بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله مستخرج از رساله پایان‌نامه، رساله و طرح پژوهشی نیست.

کتابنامه

۱. ایلخانی، محمد (۱۳۸۲). تاریخ فلسفه در قرون وسطی و رنسانس. ایران: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی (سمت).
2. Ilkhani, M., (2012). History of philosophy in the Middle Ages and Renaissance. Iran: Organization for Studying and Compiling Academic Books in Islamic and Human Sciences (Samt). (In Persian).
۳. پارسانیا، حمید (۱۳۹۲). جهان‌های اجتماعی. ایران: کتاب فردا.
4. Parsania, H., (2012). Social Worlds. Iran: Kitab Farda. (In Persian).
۵. دورانت، ویل (۱۳۸۸). تاریخ تمدن (جلد ۲)، (ابراهیم دادجو، مترجم). ایران: علمی و فرهنگی.
6. Durant, W., (2008). History of Civilization (Volume 2), (Ibrahim Dadjo, Translator). Iran: Scientific and Cultural. (In Persian).
۷. شومپتر، جوزف (۱۳۷۵). تاریخ تحلیل اقتصادی (جلد ۱). (فریدون فاطمی، مترجم). ایران: مرکز.
8. Schumpeter, Joseph (1375). History of Economic Analysis (Volume 1). (Ferydoun Fatemi, Translator). Iran: Center. (In Persian).
۹. صدر، سید محمدباقر (۱۳۷۵). قواعد کلی استنباط: ترجمه و شرح حلقه اول از دروس فی علم الاصول (جلد ۱)، (رضا اسلامی: مترجم). ایران: بوستان کتاب.
10. Sadr, S, M, B., (1375). The General Rules of Inference: Translation and Description of the First Chapter of Lessons in Philosophy (Volume 1), (Reza Eslami: Translator). Iran: Bostan Kitab. (In Persian).
۱۱. کاپلستون، فردریک چارلز (۱۳۸۸). تاریخ فلسفه (جلد ۲)، (جلال‌الدین مجتبیوی، مترجم). ایران: علمی و فرهنگی.
12. Caplestone, F, C., (2008). History of Philosophy (Volume 2), (Jalaluddin Mojtbbavi, Translator). Iran: Scientific and Cultural. (In Persian).
۱۳. گمپل، ژان (۱۳۷۴). انقلاب صنعتی قرون وسطی، (مهدی سحابی، مترجم). ایران: مرکز.
14. Gampel, J., (1374). Medieval Industrial Revolution, (Mehdi Sahabhi, Translator). Iran: Center. (In Persian).

15. Ashworth, E. J. (1995). *Late Scholastic Philosophy: Introduction*. *Vivarium*, 33(1), 1-8.
16. Aquinas, T. (1947). *Summa Theologica*, New York: Benziger Brothers. *Journal of Philosophical Economics: Reflections on Economic and Social Issues*, VIII, 2.
17. Baeck, L. (2012). *The Mediterranean Tradition in Economic Thought*. Routledge.
18. Biel, G., (2020). "On the Power and Utility of Moneys". In Fuller, Edward W., (ed). *A Source Book on Early Monetary Thought: Writings on Money before Adam Smith*. Edward Elgar Publishing, 29-34
19. Bloch, M., (2014). *Feudal Society*. London: Routledge.
20. Bridrey, É. (1906). *La Théorie de la Monnaie au XIVe Siècle: Nicole Oresme; Etude D'histoire des Doctrines et Des Faits Economiques*. V. Giard & E. Brière.
21. Crisp, R. (Ed.). (2014). *Aristotle: Nicomachean Ethics*. Cambridge University Press.
22. Chaplygina, I., & Lapidus, A. (2016). Economic Thought in Scholasticism. in *Handbook on the History of Economic Analysis Volume II*, 20-42. Edward Elgar Publishing.
23. Copleston, F, C., (2008). *History of Philosophy (Volume 2)*, (Jalaluddin Mojtbaei, Translator). Tehran: Scientific and Cultural.
24. Dempsey, B. W. (1935). Just Price in a Functional Economy. *The American Economic Review*, 471-486.
25. Durant, Will (2008). *History of Civilization (Volume 2)*, (Ibrahim Dadjo, Translator). Tehran: Scientific and Cultural.
26. Fuller, E. W. (Ed.). (2020). *A Source Book on Early Monetary Thought: Writings on Money Before Adam Smith*. Edward Elgar Publishing.
27. Gampel, J., (1374). *Medieval Industrial Revolution*, (Mehdi Sahabhi, Translator). Central Tehran.
28. Gillespie M, A., (2008). *The Theological Origins of Modernity*. Chicago & London: Chicago University.
29. Gordon, B. (1975). *Economic Analysis before Adam Smith: Hesiod to Lessius*. Springer.
30. Grice-Hutchinson, M. (1952). *The School of Salamanca: Readings in Spanish Monetary Theory*. London: Oxford University.
31. Ilkhani, M., (2012). *History of Philosophy in the Middle Ages and Renaissance*. Tehran: Organization for Studying and Compiling Academic Books in Islamic and Human Sciences (Samt).
32. Islahi, A. A. (2011). Linkages and Similarities between Economics Ideas of Muslim Scholars and Scholastics. In *Lectures in Islamic Economics and Finance, Selected From Wednesday Seminars, King Abdulaziz University, Islamic Economics Institute, Jeddah* (pp. 307-332).

33. Knapp, G. F. (1924). *The State Theory of Money*, New York: Augustus M.
34. Langholm, O. (1992). Economics in the Medieval Schools: Wealth, Exchange, Value, *Money and Usury According to the Paris Theological Tradition* 1200-1350.
35. Lapidus, A. (1997). Metal, Money and the Prince-John Buridan and Nicholas Oresme after Thomas Aquinas. *History of Political Economy*, 29(1), 21-53.
36. Laures, J. (1928). *The Political Economy of Juan de Mariana*. Ludwig von Mises Institute.
37. Mariana, J., (2002). A Treatise on the Alteration of Money. *Journal of Markets & Morality*, 5(2).
38. Monroe, A. E. (1923). *Monetary Theory before Adam Smith* (Vol. 25). Harvard University Press.
39. Noonan, J. T. (1957). *The Scholastic Analysis of Usury*.
40. Oresme, N., (1956). *The De Moneta of Nicholas Oresme, and English Mint Documents: Translated from the Latin with Introd. And Notes*. Vol. 13. London, Nelson.
41. Orozco De La TORRE, O. (2008). *Monetary Thought in Islamic and Christian Scholars* (13th-16th century): a Comparative Perspective on Debasement and the Rise of the Quantity Theory of Money.
42. Parsania, H., (2012). *Social Worlds*. Tehran: Kitab Farda.
43. Persson, K. G., & Sharp, P. (2015). *An Economic History of Europe*. Cambridge University Press.
44. Rothbard, M. N. (2006). *An Austrian Perspective on the History of Economic Thought: Economic Thought before Adam Smith; and Classical Economics*.
45. Sadr, S, M, B., (1375). *The General Rules of Inference: Translation and Description of the First Chapter of the Lessons in Philosophy of Philosophy* (volume 1), (Reza Eslami, Translator). Qom: Bostan Kitab.
46. Simmel, G. (2004). *The Philosophy of Money*. Routledge.
47. Schumpeter, J. A. (1994). *History of Economic Analysis London*: Routledge.
48. Schumpeter, J., (1375). *History of Economic Analysis* (Volume 1). (Ferydoun Fatemi, Translator). Central Tehran.
49. Usher, A. P. (1943). *The Early History of Deposit Banking in Mediterranean Europe*.
50. Vincent, J. (2014). *Historical, Religious and Scholastic Prohibition of Usury: The Common Origins of Western and Islamic Financial Practices*.



Feasibility of Jurisprudence for Legal Compulsion to Pay Khums by the Islamic Government

Mehdi Sarmast Shoshtari*



10.30497/ifr.2023.243895.1755
20.1001.1.22518290.1401.12.1.5.0




Abstract

Khums is one of the most important financial rules of Islam, which many jurists and Islamic economists have introduced as one of the main Islamic taxes and the most important sources of income for the Islamic state. . In the modern government, if the people do not pay taxes, it decides to collect taxes from the people in the people's accounts or deprive them of some citizenship rights so that they have to pay the taxes. This method of obligation to pay tax and guarantee of execution and heavy tax crimes is common in different ways. In Zakat, it is permissible to collect without consent in case of non-compliance. The main subject of this research was the debate on the possibility of the legal obligation to pay khums by the government. The methodology of the article is in response to the issue of the same method of ijthihad with this governmental jurisprudence. The research indicates that, firstly, according to the jurisprudence principles of the government, khums belongs to the Islamic ruler. Also, by examining the Shariah proofs and presenting four reasons, it was proved that the Islamic government is allowed to pay those who do not accept Khums in a certain way from the Shariah point of view. There are two important points in this regard: First, governments, especially the Islamic government, should not only have binding rules to strengthen the inner spirits and heart faith of people. Secondly, this research deals with this issue theoretically and jurisprudentially, and the findings of the research do not mean a policy recommendation for the current conditions of Iran.

Keywords

Khums; Obligation to Pay; Performance Guarantee; Governmental Jurisprudence; Binding Rules; Tax.

JEL Classification: B59, G38, H20, K42.

* PhD Student, Islamic Studies and Economics, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. ma.sarmast@isu.ac.ir  0001-0001-8552-6308

Received: 2022/11/05

Accepted: 2023/03/02

امکان سنجی فقهی الزام قانونی به پرداخت خمس ارباح مکاسب توسط حاکمیت اسلامی

مهدی سرمست شوشتری*

چکیده

خمس یکی از مهم‌ترین احکام مالی اسلام است که بسیاری از فقها و دانشمندان اقتصاد اسلامی آن را به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین مالیات‌های اسلامی و مهم‌ترین منابع درآمدی دولت اسلامی معرفی کرده‌اند. در دولت مدرن در صورت عدم پرداخت مالیات توسط مؤدی مالیاتی، دولت اقدام به اخذ مالیات از موجودی حساب وی می‌کند؛ یا اینکه از برخی حقوق شهروندی وی را محروم می‌کند تا ملزم شود مالیات را پرداخت نماید. این شیوه الزام به پرداخت مالیات و ضمانت اجرا و جرائم سنگین مالیاتی در کشورهای مختلف شیوه‌ای رایج است. در زکات نیز جواز اخذ بدون رضایت در صورت عدم تمکین وجود دارد. مسأله اصلی این پژوهش، بحث بر سر امکان شرعی الزام قانونی به پرداخت خمس توسط حاکمیت است. روش‌شناسی این مقاله در پاسخ به مسأله مذکور روش اجتهادی با رویکرد فقه حکومتی است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که اولاً بر اساس مبانی فقه حکومتی، خمس حق الاماره و متعلق به حاکم اسلامی است. همچنین با بررسی ادله شرعی و با اقامه چهار دلیل اثبات شد که دولت اسلامی از منظر شرعی و به لحاظ نظری مجاز است کسانی را که خمس خود را نمی‌پردازند به نحوی الزام به پرداخت کند. البته دو ملاحظه مهم در این خصوص وجود دارد: اولاً تمرکز دولت‌ها بخصوص دولت اسلامی باید بر تقویت انگیزه‌های درونی و ایمان قلبی افراد باشد نه فقط قواعد الزام‌آور. ثانیاً این پژوهش از لحاظ نظری و فقهی به این مسأله پرداخته و یافته‌های تحقیق به معنی توصیه سیاستی برای شرایط فعلی ایران نیست.

واژگان کلیدی: خمس؛ الزام به پرداخت؛ ضمانت اجرا؛ فقه حکومتی؛ قواعد الزام‌آور؛ مالیات.

* دانشجوی دکتری، معارف اسلامی و اقتصاد، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران،

ma.sarmast@isu.ac.ir

ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۴

مقاله برای اصلاح به مدت ۱۰ روز نزد نویسنده بوده است.

مقدمه

خمس یکی از مهم‌ترین احکام مالی اسلام است که بسیاری از فقها و دانشمندان اقتصاد اسلامی آن را به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین مالیات‌های اسلامی و مهم‌ترین منابع درآمدی دولت اسلامی معرفی کرده‌اند. دسته‌ای از فقها به‌خصوص فقهای معاصر خمس را نوعی مالیات و منبع تأمین مالی حکومت قلمداد می‌کنند. همچنین این فقها تأکید دارند که ولی‌فقیه یا همان حاکم اسلامی، متولی خمس است و باید خمس را به ولی‌فقیه پرداخت کرد. در دولت مدرن در صورت عدم پرداخت مالیات توسط مردم، دولت اقدام به اخذ مالیات از موجودی حساب افراد می‌کند یا اینکه از برخی حقوق شهروندی وی را محروم می‌کند تا مجبور شود مالیات را پرداخت نماید. این شیوه الزام به پرداخت مالیات، ضمانت اجرا و جرائم سنگین مالیاتی در کشورهای مختلف شیوه‌ای رایج است.

همچنین در احکام شرع مقدس و تاریخچه صدر اسلام نیز امکان الزام برای اخذ زکات در صورت استنکاف فرد یا قبیله‌ای از پرداخت داوطلبانه زکات وجود داشته است. در بررسی روایات و تاریخ شواهدی قابل مشاهده است که رسول خدا مأمور بودند زکات را از مالکان اموال زکوی اخذ کنند، حتی اگر بعد از امتناع اشخاص به جنگ و قتال، لشکرکشی منجر شود (اسماعیل پور، ۱۳۸۹). به‌عنوان نمونه، پیامبر اکرم (ص) بشرین سفیان را برای اخذ صدقات بنی‌کعب از قبیله خزاعه فرستادند. بنی خزاعه گوسفندان و سایر حیوانات خود را برای پرداخت زکات جمع‌آوری کردند، اما بنی تمیم از پرداخت زکات خودداری کرده، آن را زشت قلمداد کردند و حتی آماده قتال شدند. به ناچار، مأمور زکات به نزد پیامبر (ص) برگشت. رسول خدا (ص) فرمودند: چه کسی داوطلب جنگ با این گروه است؟ عیینه بن بدر فزاری به جنگ با ایشان داوطلب شد و حضرت رسول او را با ۵۰ سوارکار به جنگ با آن‌ها فرستادند (ابن‌هشام، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص. ۲۲۴). پس رفتار رسول خدا (ص) با کسانی که از پرداخت زکات امتناع می‌کردند، مانند رفتار با کفار و مشرکان بود و مردم را به پرداخت زکات الزام می‌کردند. همچنین رسول خدا (ص) در نامه‌هایی که به رؤسای قبایل می‌فرستادند، درباره زکات، آنان را در صورت تمرد، به جنگ تهدید می‌کردند. نامه رسول‌الله (ص) به اهل عمان: «من محمد رسول‌الله الی اهل عمان. اما بعد، فاقروا بشهادة ان لا اله الا الله و النبی رسول الله و اتوا الزکوة و احضروا المساجد، و الا غزوتکم»

(هیربد، ۱۳۵۲، ص. ۸۵). در این نامه هم آمده است که اگر زکات ندهید، با شما جنگ خواهیم کرد.

با توجه به شرایط اخذ زکات در اسلام و ضوابط اخذ مالیات در دولت‌های دینی و غیردینی، این سؤال پیش خواهد آمد که آیا دولت اسلامی می‌تواند در صورتی که فردی به صورت داوطلبانه خمس پرداخت نکند، خمس واجب را از اموال وی کسر کند یا ضمانت اجرای محکم برای پرداخت خمس تعیین کند؟ روش‌شناسی این مقاله روش اجتهادی با رویکرد فقه حکومتی است. پیش از ورود به اصل بحث چند مقدمه در خصوص موضوع این پژوهش لازم است. اولاً با پرسش در خصوص امکان الزام قانونی، نباید منکر ارجحیت پرداخت داوطلبانه از سر میل و رغبت شد؛ زیرا احکام اسلامی در بستری اخلاقی تشریح شده است و به دنبال تعالی معنوی افراد جامعه است. ثانیاً در این مقاله صرفاً به امکان فقهی این موضوع پرداخته می‌شود و از نظر اجرایی و الزامات اجرایی به این موضع ورودی ندارد؛ حتی چه بسا الگوی مطلوب ورود خمس به نظام مالیاتی در شرایط فعلی کشور براساس پرداخت داوطلبانه خمس باشد چنانچه در مقاله سلیمانی و سرمست (۱۳۹۸) پیشنهاد شده است. ثالثاً مقصود از الزام و ضمانت اجرا روش‌های مستبدانه که پادشاهان ظالم در گذشته به کار می‌گرفتند نیست؛ بلکه مقصود همین شیوه‌های رایجی است که دولت‌ها در اخذ مالیات‌های مختلف از شهروندان خود دارند و برای آن انواع مشوق‌ها، جرائم و ضمانت‌های اجرا با رعایت حقوق شهروندی در نظر می‌گیرند. در این مقاله ابتدا تعلق خمس به دولت اسلامی و ولی فقیه تشریح خواهد شد و سپس بر سر امکان یا عدم امکان فقهی به‌کارگیری الزام قانونی در اخذ خمس بحث می‌شود.

۱. پیشینه تحقیق

به‌طور خاص در خصوص موضوع مقاله حاضر، پیشینه‌ای وجود ندارد و پژوهش معتبری در زمینه امکان یا عدم امکان اخذ خمس به صورت غیرداوطلبانه دیده نشده است. اما برخی تحقیقات گذشته از جهتی هم‌راستا با موضوع پژوهش حاضر هستند.

در زمینه پژوهش‌هایی که در زمینه مالیات‌های اسلامی به‌ویژه خمس و نسبت آن‌ها با مالیات‌های متعارف انجام گرفته می‌توان به پژوهش‌های رضایی و سبزو (۱۳۹۱)، شعبانی و کاشیان (۱۳۹۵) و سلیمانی و سرمست (۱۳۹۸) اشاره کرد که به خمس نگاه حق‌الاماره‌ای

و مالیات حکومتی داشتند که باید به ولی فقیه یا دستگاه حاکمیتی مورد تأیید وی پرداخت شود. همچنین این مقاله، مالیات‌های اسلامی و مالیات‌های متعارف را مکمل یکدیگر می‌دانند نه جایگزین کامل هم. این تحقیقات در همین راستا با راهکارهایی همچون معافیت خمس دهندگان به ولی فقیه، یا لحاظ اعتبار مالیاتی برای پرداخت‌کنندگان وجوهات شرعی به‌ویژه خمس، سازوکارهایی برای اجرایی نمودن جنبه حاکمیتی وجوهات شرعی و خمس پیشنهاد داده‌اند. البته پیش‌فرض اغلب این تحقیقات و الگوهای ارائه‌شده برای ورود خمس به‌نظام مالیاتی کشور، پرداخت خمس به‌صورت داوطلبانه است ولی اشاره‌ای هم نکرده‌اند که نمی‌توان خمس را قهری اخذ نمود. رستمی و رستمی (۱۳۹۴) نیز با تأکید بر کارآیی فراوان مالیات‌های اسلامی، حاکمیتی بودن این مالیات‌ها و قابل بسط بودن آن‌ها با توجه به شرایط، پیشنهاد می‌دهند که مالیات‌های اسلامی به‌طور کامل جایگزین مالیات‌های متعارف شوند. از میان تحقیقات فوق‌الگوی پیشنهادی سلیمانی و سرمست (۱۳۹۸) به‌طور خاص برای خمس است و دقت بیشتری دارد. در این مقاله الگویی کامل برای عملیاتی نمودن سازوکار پرداخت خمس به حاکمیت، اعطای معافیت مالیاتی معادل خمس پرداخت شده به ولی فقیه و هزینه بخشی از خمس در بودجه عمومی کشور، ارائه شده است.

در زمینه امکان اخذ الزامی زکات هم پژوهش‌هایی انجام گرفته، البته عمده پژوهش‌های صورت گرفته به این موضوع اختصاص ندارند و ضمن موضوعات دیگر به الزامی بودن زکات پرداخته‌اند. مهم‌ترین آن عبارت است از شعبانی (۱۳۷۵)، کاشیان، شعبانی و عسکری (۱۳۹۴). آن‌ها با استدلال به یکی از آیات قرآن، روایت معصومین و شواهد تاریخی از صدر اسلام، اثبات می‌کنند که حاکم و دستگاه حاکمیت می‌تواند در صورت عدم پرداخت داوطلبانه زکات از جانب شهروندان، بدون کسب اجازه و جلب رضایت از مال آن‌ها میزان زکات را کسر کند و در صورت مقاومت آن‌ها حتی به برخوردهای شدیدتر نیز مجاز است. همچنین کیخا و مؤذنی (۱۴۰۱) ضمن پذیرش اصل امکان الزام حاکم اسلامی به زکات، در خصوص مجزی بودن تأدیه زکات بدون قصد قربت در فرض الزام توسط حاکم بحث کرده‌اند. اما این پژوهش‌ها در خصوص خمس سکوت کرده‌اند و چیزی نگفته‌اند.

در زمینه الزام دولت به رعایت احکام اسلامی اگرچه تحقیق مستقل و مبسوطی رویت نشده است، اما در ضمن تحقیقات مختلف اشاراتی صورت گرفته است. از آن جمله

مهدوی‌زادگان (۱۳۸۶) ضمن پژوهشی در خصوص الزام حکومتی حکم حجاب، استدلال‌ها و شواهد روایی مبنی بر ضرورت الزام به رعایت قوانین در حکومت‌های مختلف، از جمله حکومت دینی و همچنین جواز الزام حاکمیت به رعایت برخی از احکام اجتماعی پرداخته است. اگرچه در این مقاله نیز به موضوع الزام حاکمیت به پرداخت خمس یا جواز اخذ خمس از اموال توسط حاکمیت اشاره نشده ولی برخی از استدلال‌های ذکر شده عمومیت دارند و شباهتی از حیث روش‌شناسی به مسأله حاضر پژوهش دیده می‌شود.

در پژوهش‌های خارجی، به الزام و قواعد بازدارنده در پرداخت زکات در کشورهای اسلامی به‌ویژه مالزی و اندوزی اشاره شده است. نمونه‌هایی از این تحقیقات عبارتند از؛ عبدالجبار و بین‌نشوان^۱ (۲۰۲۲م)، خمیس و یحیی^۲ (۲۰۱۵م)، بکار و رشید^۳ (۲۰۱۰م)، اخوان^۴ (۲۰۱۸م)، کفاه و سوستیو^۵ (۲۰۲۰م). عمده این تحقیقات به تأثیر الزام به زکات در تمکین شهروندان و شرکت‌ها طبق قواعد فقهی اهل سنت پرداخته‌اند. در واقع اغلب این تحقیقات امکان فقهی الزام نمودن مردم به پرداخت زکات را پیش‌فرض و یک اصل پذیرفته شده قلمداد کردند و سپس به برآورد اثرات آن بر اقتصاد و شاخص‌های تمکین پرداخته‌اند.

۲. تعلق خمس به دولت اسلامی

قبل از پاسخ به سؤال اصلی این تحقیق، باید ابتدا اثبات شود که خمس به ولی فقیه، حاکم یا دولت اسلامی تعلق می‌گیرد. نسبت به خمس، تعریف و مصارف آن دو رویکرد رایج در فقه امامیه وجود دارد: «رویکرد سنتی» و «رویکرد حکومتی».

۲-۱. «رویکرد سنتی» به خمس

در رویکرد سنتی بسیاری از فقها، به‌خصوص فقهای قرون گذشته همچون صاحب جواهر الکلام خمس را این‌گونه تعریف می‌کنند: «خمس، حق مالی است که خداوند بر

1. Abdul-Jabbar & Bin-Nashwan

2. Khamis & Yahya

3. Bakar & Rashid

4. Ikhwan

5. Kaffah & Susetyo

بندگانش در مال ویژه، به نفع خود و بنی هاشم وضع کرده است. بنی هاشم که پیشوایان و رهبران مردم و صاحبان فضل و احسان هستند، به خاطر ارج نهادن، خمس به جای صدقه و زکات به آن‌ها تعلق می‌گیرد» (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۱۶، ص ۲). مطابق با این تعریف، خمس در عوض زکات است، بر مبنای برتری سادات بر غیر سادات است و به خدا و بنی هاشم اختصاص دارد. همچنین این رویکرد نسبت به مصرف خمس دیدگاهی خاص دارد و معتقد است خمس ملک مشترک شش عنوانی است که در آیه ۴۱ سوره انفال ذکر شده است و هر کدام از آن شش صنف مالک درآمدهای خمسی هستند بنابراین سهم امام باید به یکی از مراجع تقلید (یا فقهای حاضر) پرداخت شود و پرداخت کنندگان خمس می‌توانند سهم فقرای سادات را که جدا از سهم امام است، به طور مستقیم به سادات پرداخت نمایند (دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۷، صص ۳۲۹-۳۳۱). برخی از قائلین به رویکرد سنتی عبارتند از: شیخ مفید (۱۳۷۴ق، ص ۲۷۶)؛ شیخ طوسی (۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۶۲)؛ سید مرتضی (۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۲۶)؛ محقق حلی (۱۴۰۹، ج ۱، ص ۴۹۲).

۲-۲. رویکرد حکومتی نسبت به خمس

از سوی دیگر، دسته دیگری از فقها، به خصوص فقهای معاصر رویکردی حکومتی نسبت به خمس دارند. مطابق این رویکرد: خمس، مالیاتی برای اداره حکومت اسلامی است و ملک خداوند است که به امام مسلمین منتقل می‌شود. این دسته از فقها بر پایه پذیرش ولایت مطلقه فقیه استدلال می‌کنند که اختیارات پیامبر و معصومین به ولی فقیه منتقل می‌شود. پس همان‌گونه که در زمان حضور معصوم، پیامبر یا امام متولی جمع‌آوری و توزیع خمس است، بنا بر حکم اولی اختیار جمع‌آوری و مصرف خمس با ولی فقیه و طبق صلاحدید اوست (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۶۵۳؛ حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۹، ص ۲۱۱؛ صدر، ۱۳۹۳، ج ۲، صص ۳۰۳-۳۰۶؛ هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۳، ج ۲، صص ۳۷۷-۳۷۲؛ منتظری، ۱۳۶۳، ص ۱۲).

نظرات این دسته از فقها این‌چنین است: شیخ زنجانی خمس (۱۳۸۰) را این‌گونه تعریف می‌کند: «خمس، حق مالی حکومت (حق‌الاماره) است که محدود به یک پنجم است.» (زنجانی و زنجانی، ۱۳۸۰، ص ۳۰). آیت‌الله یزدی (۱۳۷۷) نیز ضمن اینکه خمس را حق‌الاماره و یکی از مالیات‌های دولت اسلامی می‌داند از مجموعه روایات و آیه خمس

استنباط می‌کند که در زمان غیبت در صورت عدم تشکیل حکومت اسلامی به دست فقیه، خمس باید به فقها و مراجع پرداخت شود، ولی چنانچه فقیه مبسوط الید حکومت تشکیل داد، تنها شخص شایسته دریافت خمس ولی فقیه است و ولی فقیه تنها متولی سهم امام است. سهام سادات و فقرا نیز باید زیر نظر ولی فقیه پرداخت شود و مکلفین اجازه ندارند به‌طور مستقیم به سادات نیازمند خمس پرداخت کنند (یزدی، ۱۳۷۷، صص. ۱۳-۱۷). آیت‌الله حسینی خامنه‌ای (۱۳۸۹) نیز چنین فتوا می‌دهند: «اختیار سهمین مبارکین به‌طور کلی مربوط به ولی امر مسلمین است و کسی که برعهده او و یا در مال وی مقداری حق امام (علیه‌السلام) یا سهم سادات باشد، باید آن را به ولی امر یا وکیل که از طرف او اجازه دارد، تسلیم کند» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۹، ص ۲۱۱). شهید صدر (۱۳۹۳) نیز خمس را یکی از مالیات‌های ثابت در اختیار دولت اسلامی می‌داند که اسلام آن را برای اجرای اصل توازن اجتماعی در اختیار دولت اسلامی قرار داده است (صدر، ۱۳۹۳، ج ۲، صص. ۳۰۳-۳۰۶).

برخی از این فقها نه تنها خمس را حق الاماره می‌دانند و فقیه حاکم را اختیاردار آن بر می‌شمرند، بلکه برای گروه‌های شش‌گانه همچون سادات فقیر ملکیت قائل نیستند و تنها آن‌ها را در زمره مصارف خمس محسوب می‌کنند. امام خمینی (۱۴۲۳ق) می‌فرماید: «مالیات‌هایی که اسلام مقرر داشته و طرح بودجه‌ای که ریخته نشان می‌دهد تنها برای سد رمق فقرا و سادات فقیر و روحانی نیست، بلکه برای تشکیل حکومت و تأمین مخارج ضروری یک دولت بزرگ است. مثلاً «خمس» یکی از درآمدهای هنگفتی است که به بیت‌المال می‌ریزد، و یکی از اقلام بودجه را تشکیل می‌دهد. اگر حکومت اسلامی تحقق پیدا کند، باید با همین مالیات‌هایی که داریم، یعنی خمس و زکات و... اداره شود. تعیین بودجه‌ای به این هنگفتی دلالت دارد بر اینکه منظور تشکیل حکومت و اداره کشور است. برای عمده حوایج مردم و انجام خدمات عمومی، اعم از بهداشتی و فرهنگی و دفاعی و عمرانی، قرار داده شده است. این به‌عهد متصدیان حکومت اسلامی است که چنین مالیات‌هایی را جمع‌آوری کرده، و به مصرف مصالح مسلمین برسانند» (موسوی خمینی، ۱۴۲۳ق، صص. ۳۲-۳۳). نظر آیت‌الله مؤمن (۱۳۹۳) این چنین است: «خمس یک سهم است و از آن منصب امامت، بینوایان، یتیمان و در راه‌ماندگان عائله امام به حساب می‌آیند و امام باید آنان را از این بودجه اداره کند؛ و بنابر دیدگاه سهم‌بندی [تسهیم مساوی میان

امام و فقرای سادات] نیز باید همه خمس در اختیار امام و حاکم اسلامی قرار بگیرد و از آن راه در موارد آن به مصرف برسد. پس به دلیل تشکیل حکومت اسلامی، در دوره غیبت و دلیل‌های ولایت فقیه، خمس در زمان غیبت باید در اختیار ولی فقیه گذارده شود و شیعیان نیز وظیفه دارند که خمس مال‌های خویش را به ولی امر مسلمانان و حاکم اسلامی تحویل بدهند. از سوی دیگر هزینه خمس، به رأی و تشخیص مصلحت از سوی ولی فقیه بستگی دارد و آنچه در آیه شریفه و روایات آمده، نمونه‌های هزینه است، نه این‌که فقط باید در بین آنان بخش شود» (مؤمن، ۱۳۹۳، صص. ۱۰۷-۱۰۸). آیت‌الله منتظری (۱۳۶۳) خمس را متعلق به منصب امامت و حق حاکمیت اسلامی می‌داند و آن را محدود به مصارف شخصی امام نمی‌داند، بلکه مربوط به دولت و حکومت اسلامی تلقی می‌کند (منتظری، ۱۳۶۳، ص. ۱۲). ایشان در جای دیگر چنین می‌گوید: «مجموعه خمس حق واحدی است مال امام و در اختیار امام است. منتهای امر، امام متکفل فقرای بنی‌هاشم است و به همین جهت در آیه شریفه مربوط به خمس، بر سر اصناف سه‌گانه والیتامی والمساکین وابن‌السبیل، لام ملکیت تکرار نشده است (پس مالکیت خمس منحصر به خدا و رسول و امام یعنی ذوی‌القربی است و اصناف ثلاثه از جمله عیالات امام محسوب خواهند شد)» (منتظری، ۱۳۶۷، ج ۱، صص. ۲۰۵-۲۰۶).

امام خمینی (۱۳۷۹): «شبهه‌ای وجود ندارد که سادات فقیر، موارد مصرف هستند نه مالک سهام سه‌گانه. در صحیحه بزنطی تصریح شده که امام به صلاح‌دید خود، نیازمندی‌های آنان را تأمین می‌کند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، صص. ۶۵۳). همچنین ایشان در کتاب «کشف‌الاسرار» نیز خمس را یکی از منابع بودجه دولت اسلامی و یکی از مالیات‌های دولت اسلامی معرفی می‌کند (موسوی خمینی، ۱۳۶۳، صص. ۲۵۶ و ۶۰). ایشان در مورد مصرف این مالیات می‌فرمایند: «عمده مصرف بودجه، پس از دادن بودجه سادات و فقراء صرف در مصالح کشور است؛ در تأسیس ادارات کشوری و لشگری و ساختمان‌های مقتضی برای وزارتخانه‌ها، توسعه معارف و فرهنگ و دایره تبلیغات و ساختن راه‌ها، پل‌ها، بیمارستان‌ها، مدارس و کشیدن خطوط آهن در موقع مقتضی و آنچه در عظمت کشور و معمور شدن آن دخالت دارد» (موسوی خمینی، ۱۳۶۳، ص. ۲۶۰). آیت‌الله هاشمی شاهرودی (۱۳۸۳) نیز پس بررسی دلالت‌های آیه خمس و مجموع روایات نتیجه می‌گیرند که خمس مالیاتی حکومتی است و ملک منصب امامت است. یعنی مربوط

به شئون اداره جامعه است نه ملک شخصی امام. همچنین سادات و فقرا جزو موارد مصرف هستند نه مالک بخشی از خمس و خمس به صلاحدید امام مسلمین و فقیه حاکم باید برای اداره کشور خرج شود (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۳، ج ۲، صص. ۳۷۷-۳۷۲). آیت الله مصباحی مقدم (۱۳۹۷) بیان دارد: «خمس حق الاماره است و پرداخت خمس به پیامبر(ص) و امامان از باب ولایت و رهبری آنان بوده است، بر این اساس همواره باید این حق مالی را به امام و حاکم اسلامی پرداخت کرد. با تشکیل حکومت اسلامی و حاکم شدن ولی فقیه بر شئون عمومی مردم، این حق الاماره باید به فقیه حاکم پرداخت گردد تا برای شئون و نیازهای حکومت خود از آن استفاده کند» (مصباحی مقدم، ۱۳۹۷، ص. ۲۲۴). پس رویکرد فقه حکومتی که مورد پذیرش این تحقیق است، نگرشی مالیاتی به خمس دارد و به خمس به عنوان یکی از منابع مالی بودجه دولت اسلامی می نگرد که در اختیار امام است و در عصر غیبت و در صورت تشکیل حکومت اسلامی در اختیار ولی فقیه است. مصرف خمس به صلاحدید ولی فقیه می تواند علاوه بر سادات و فقرا و تبلیغ اسلام، به مخارج جاری و عمرانی دولت نیز تعلق بگیرد.

۳. مشروعیت الزام به پرداخت خمس

مسئله اساسی پژوهش حاضر این است که آیا شرعاً دولت اسلامی می تواند مردم را به پرداخت خمس الزام قانونی کند و در صورت عدم تمکین ضمانت اجرایی ها جرائمی همچنان که برای عدم پرداخت مالیات اعمال می کند، در نظر بگیرد؟ امام خمینی (۱۳۶۳) در این باره در کتاب «کشف الاسرار» چند مرتبه به طور صریح به این موضوع اشاره و تأکید کردند: «از مالیات های دولت اسلامی مالیات صد بیست (خمس) است که دولت به طور اجبار باید بگیرد...» (موسوی خمینی، ۱۳۶۳، ص. ۲۵۶). ایشان در جای دیگر همین کتاب فرموده اند: «... اگر مردم ندادند دولت باید با قوه جبریه از آنها بگیرد (موسوی خمینی، ۱۳۶۳، ص. ۲۶۰). اما جای سؤال است که امام خمینی یا دیگر فقها بر طبق چه مبنایی و براساس کدام ادله شرعی چنین فتوایی صادر کرده اند؟

کنکاش و تفحص ما در آیات قرآن، احادیث و روایات و همچنین استدلال های فقها نشان می دهد ادله خاص برای الزام قانونی به پرداخت خمس وجود ندارد. به بیان دیگر روایت یا نقل تاریخی معتبر از سیره حضرت رسول(ص) یا سایر ائمه(ع) دال بر امکان

الزام قانونی خمس وجود ندارد. لکن می‌توان این حکم را از طرق دیگر و با ادله عام که خمس را نیز در برمی‌گیرد اثبات کرد؛ که در ادامه چهار دلیل در استنباط حکم مذکور اقامه خواهد شد. به بیان دیگر اگرچه روایتی که تصریح به الزام قانونی به پرداخت خمس کند در دست نداریم، اما با تمسک به برخی ادله شرعی و آیات و روایات می‌توان استنباط کرد که حکومت در صورت لزوم می‌تواند مستنکفان از پرداخت خمس را الزام قانونی به پرداخت کند یا عدم پرداخت خمس را تخلف محسوب کرده و برای آن ضمانت اجرا تعیین کند. در ادامه ادله این حکم فقهی آورده می‌شود.

۳-۱. دلیل اول: معنای عام زکات در برخی آیات و روایات

مطابق نظر برخی فقها همچون محقق حلی از فقهای گذشته و برخی از معاصرین، زکات و حتی صدقات که در بسیاری از آیات و روایات به‌کاررفته به معنای عموم مالیات‌های اسلامی اعم از زکات (مصطلح فقهی)، خمس، خراج و... است و فقط منحصر به زکات اصطلاحی در علم فقه نیست. زکات از نظر ظرفیت مالی از چنان گستردگی برخوردار است که همه اهداف اعلام‌شده در قرآن و روایات، از جمله رفع کامل فقر را تأمین می‌کند. بسیاری از فقها نیز کتاب زکات را به‌گونه‌ای نوشته‌اند که «خمس» ذیل آن قرار گرفته است (مصباحی مقدم، ۱۳۹۷، ص. ۱۷۷). محقق حلی در خصوص زکات می‌نویسد: «انه اسم لحق یجب فی المال، یعتبر فی وجوبه النصاب، فاندرج فی الحق الزکاه و الخمس و غیرهما من الحقوق و اندرج فیه زکاه الفطره، لان النصاب معتبر فیه» (سبزواری، بی‌تا، ص. ۴۱۸). بر همین مبنا ایشان قائل هستند که برخی احکام ذکر شده در خصوص زکات و صدقات در آیات و روایت درباره همه مصادیق مالیات‌های اسلامی جاری است و اختصاصی به زکات مصطلح شرعی ندارد. پس اگر در آیه شریفه آمده است «خذ من اموالهم صدقه» (توبه: ۱۰۳)، حکم الزام قانونی به پرداخت و گرفتن مالیات واجب از مردم چه با رغبت خودشان پرداخت نمایند چه رغبتی نداشته باشند، مخصوص زکات مصطلح نیست و این حکم در تمامی مالیات‌های در اختیار حاکم اسلامی از جمله خمس جاری است. بنابراین ادله الزام به پرداخت زکات شامل خمس نیز است و می‌توان همان ادله را برای امکان الزام به پرداخت خمس توسط حاکمیت اقامه نمود.

مختصراً بخشی از ادله الزامی بودن زکات اشاره می‌شود. از حیث استناد به آیات قرآن کریم، مهم‌ترین دلیل بر لزوم اخذ زکات توسط حکومت، آیه «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً» (توبه: ۱۰۳) است که طبق آن، خداوند متعال به رسول اکرم (ص) دستور می‌دهد زکات را از اموال مردم بگیرد. در واقع شارع مقدس صرفاً به مردم دستور پرداخت نداده بلکه به پیامبر (ص) دستور اخذ زکات می‌دهد که دلالت بر الزام مؤدی به پرداخت زکات در صورت عدم پرداخت دارد. این تفسیر از آیه شریفه در روایات اهل بیت (ع) تصریح شده است: همچون این روایت از امیرالمؤمنین علی (ع) که می‌فرمایند: «يجبر الامام الناس على اخذ الزكوة من اموالهم، لأن الله يقول «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۶، ص. ۸۶). پس امکان به‌کارگرفتن قوه الزام در زکات (اعم از زکات مصطلح و سایر مالیات‌های شرعی) در قرآن و روایات ائمه اطهار (ع) تصریح شده است.

بررسی روایات و تاریخ نشان می‌دهد پیامبر اکرم (ص) و فرستاده‌های از طرف ایشان، در کنار توصیه‌های اخلاقی به پرداخت زکات از انواع روش‌های الزام‌آور همچون تهدید، جنگ، قتال و کسر از اموال برای اخذ زکات استفاده می‌کردند (ابن هشام، ۴۱۵ق، ج ۲، ص. ۲۲۴؛ هیربد، ۱۳۵۲، ص. ۸۵؛ اسماعیل‌پور، ۱۳۸۹؛ کاشیان، شعبانی و عشکری، ۱۳۹۴).

پس ادله بسیار محکمی براساس نصوص قرآنی و روایی وجود دارد که می‌تواند حکومت انواع روش‌های الزام به پرداخت زکات را به‌کار بگیرد و شواهد تاریخی نیز مؤید آن است. زکات و صدقات نیز در این تفسیر، معنای عامی به معنای تمام مالیات‌های اسلامی دارد و الزام به پرداخت زکات و کسر از اموال محدود به زکات مصطلح نیست؛ از نظر شرعی می‌توان در خمس نیز چنین رویکردی در پیش گرفت و الزام قانونی شرعاً مجاز است.

۲-۳. دلیل دوم: قاعده «الحاکم ولی الممتنع» و ادله ولایت فقیه

شواهد و مصادیقی در روایات، قواعد فقهی، آراء فقهای قرون مختلف و شواهد تاریخی از سیره معصومین (ع) دیده می‌شود که در برخی موارد الزام به احکام شرعی بوده و در صورت امتناع ضمانت اجرای بازدارنده برای اجرای برخی احکام دینی وجود داشته است. با دقت در این شواهد و مصادیق می‌توان دریافت این الزام‌ها همه در حیطه احکام

اجتماعی یا حکومتی شرع مقدس بوده است. تظاهر به فسق، روزه‌خواری، عدم پرداخت دین، امتناع از پرداخت زکات، جلوگیری از بدعت‌ها و موارد متعدد دیگر از مصادیق ضرورت ورود حاکمیت به‌عنوان نگهبان دین در جامعه با برخوردهای سلبی و ایجابی بوده است. این الزام از وظایف اولیه حکومت است و جزو احکام ثانویه و بسته به نظر حاکم نیست.

مهم‌ترین قاعده فقهی در زمینه الزام به احکام اجتماعی، قاعده فقهی «الحاکم ولی الممتنع» است. این قاعده اگرچه به این شکل در روایات معصومین (ع) نیامده ولی یکی از ریشه‌دارترین و کهن‌ترین قواعد فقهی است که در کتب فقهی معتبر با همین عبارت یا عبارات مشابه همچون «السلطان ولی الممتنع» به آن استناد داده شده و مورد استفاده قرار گرفته است (شیخ انصاری، ۱۳۷۵ق، ص. ۳۰۶؛ ابن ادریس، ۱۳۹۰ق، ص. ؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۰ق، ص. ۳۰۵؛ تسخیری، ۱۴۲۵ق، ج ۳، ص. ۲۵۵؛ محقق داماد، ۱۳۸۱، ج ۳، صص. ۳۰۱-۳۳۲). حتی برخی فقها همچون صاحب‌جواهر درباره این قاعده و ولایت حاکم ادعای اجماع و عدم خلاف کرده‌اند. همچنین در مبنای آن علاوه بر استناد به برخی روایات، به قاعده فقهی «وجوب ایصال حق به صاحب آن» استناد شده است (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۲۶، ص. ۳۰۹؛ ج ۲۲، ص. ۴۸۵؛ ج ۴۰، ص. ۳۲۷). مفهوم این قاعده این است که اگر فردی حقی را در صورت مطالبه صاحب حق ادا نکرد و امتناع ورزید، حاکم اسلامی بر او ولایت دارد تا حق را بستاند یا به نحوی وی را الزام نماید. مصادیق اجرای این قاعده متعدد است: «گرفتن حق در صورت عدم پرداخت دین به مدیون باوجود استطاعت»، «طلاق زوجه از زوج در صورت عسر و حرج شدید زوج»، «استنکاف یکی از طرفین قرارداد از ادای حقوق، در عقود شرکت و مضاربه و امثالهم». یکی از کاربردهای این قاعده در امتناع فردی از ادای حقوق عامه و حق‌الله همچون امتناع از فروش مال احتکار شده، امتناع از احیای اراضی تحجیر شده و امتناع از خمس، زکات و مالیات است. اگر در احقاق حقوق یک فرد از فرد دیگر در اختلافات فردی حاکم اسلامی ولایت دارد، به طریق اولی در این موارد که مربوط به حقوق عامه و حق‌الله است، حاکم اسلامی بر فرد امتناع‌کننده از دستور الهی ولایت دارد.

الزام به احکام اجتماعی و ضرورت ضمانت اجرا و قواعد بازدارنده برای دستورات اجتماعی شرع مقدس از آیات قرآن نیز استنباط می‌شود. خداوند در آیه ۲۵ سوره حدید

پس از اینکه شیوه ارسال رسل با کتاب و بینه را ذکر می‌کند و فلسفه بعثت انبیاء را اقامه قسط با قیام مردم بیان می‌کند، بلافاصله می‌فرماید «و انزلنا الحديد فيه بعث شديده» (حدید، ۲۵). از این آیه می‌توان برداشت نمود که پیامبران فقط واعظان اخلاقی نیستند، بلکه حاکمانی هستند که برای اقامه عدل و قسط در جامعه مبعوث شدند و از قدرت قانون‌گذاری، حکمرانی و قضاوت برخوردارند. همچنین برای این اهداف خداوند ضمانت اجرا و ابزارهای بازدارنده همچون آهن (استعاره از شمشیر و هر ابزار بازدارنده‌ای) در اختیار دارند تا با خاطیان از دستورات الهی و برهم‌زنندگان قسط و داد در جامعه برخورد کنند. در واقع پیامبران ابزارهای بازدارنده برای الزام و جلوگیری از انحراف در اختیار دارند تا موانع تحقق عدالت اجتماعی را از میان بردارند. این برداشت از آیه شریفه در برخی تفاسیر معتبر نیز آمده است (مکارم شیرازی، ۱۳۶۵، ج ۲۳، صص. ۳۷۳-۳۷۷؛ قرآنی، ۱۳۸۴، ج ۱۱، ص. ۴۸۵).

روایات و شواهد معتبر تاریخی از سیره پیامبر اکرم (ص) و امیرالمؤمنین (ع) بر این نظر صحه می‌گذارد. به‌عنوان نمونه امام صادق (ع) فرموده‌اند: «اگر مردمان حج را تعطیل کردند، بر امام واجب است که آنان را به گزاردن حج مجبور کند، خواه بخواهند و خواه نخواهند، زیرا این خانه برای حج نهاده شده است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۹، ص. ۱۸). الزام به عمل واجب حج یکی از مصادیق الزام به واجبات اجتماعی است.

در سیره حضرت علی (ع) نیز شواهدی مشاهده می‌شود. در دوران خلافت حضرت عده از اهالی کوفه نماز تراویح را به جماعت در مسجد کوفه برپا می‌کردند. این عمل یک بدعت بود که از زمان خلفای بعد از پیامبر ایجاد شده بود. با وجود اینکه این عمل یک بدعت در مستحبات بود نه در واجبات، امیرالمؤمنین (ع) به شدت با آن مخالفت کردند و ابتدا به‌طور لسانی از آن نهی کردند و هنگامی که جماعت را مصر بر انجام این بدعت دیدند به امام حسن (ع) امر کردند که با شمشیر به مسجد برود و جماعت مسلمین را از اقامه نماز تراویح منع کند. البته حضرت سپس به دلیل تلاطم جامعه و مصلحت نظام اسلامی از منع عملی منصرف شدند (شیخ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص. ۷۰).

ممکن است گفته شود موارد فوق از اختیارات پیامبران و امامان (ع) بوده و در عصر غیبت حکومت‌ها چنین اختیاری ندارند؛ ولی این چنین نیست. یکی از مهم‌ترین دلایلی که برای اثبات لزوم ولایت فقیه عنوان می‌شود، ضرورت حکومت برای اجرای درست و کامل احکام اجتماعی است. که اگر فقیه عادل حکومت را در دست نداشته باشد، نمی‌توان احکام اجتماعی اسلام را به درستی اجرا نمود و معتقدین به ولایت فقیه، حکومت را ضمانت اجرای احکام دینی می‌دانند (موسوی خمینی، ۱۴۲۳ق، ص. ۴). همچنین مطابق نظریه ولایت مطلقه فقیه، دایره اختیارات فقیه، در تمام احکام بخصوص احکام اجتماعی است و در این دایره ولی فقیه می‌تواند حکم به الزام، تنبیه و مجازات دهد ولی در امور شخصی و حیطه‌های خصوصی افراد نمی‌تواند ورودی داشته باشد. اجرای همه احکام اجتماعی اسلام که در نظم جامعه اسلامی دخالت دارند، نه تنها جزو اختیارات بلکه جزو وظایف ولی فقیه است که یا خود او به مباشرت آن‌ها را انجام دهد یا به افراد صلاحیت‌دار تفویض کند (جوادی آملی، ۱۳۷۹). مطابق نظر ملا احمد نراقی (۱۴۱۷ق) فقیه عادل در دو دسته امور حق ولایت دارد، اول اموری که پیامبر(ص) و ائمه(ع) در آن‌ها حق ولایت و تصرف داشتند و دوم تمام اموری که به دین و دنیای مردم ارتباط پیدا کند (نراقی، ۱۴۱۷ق، ص. ۵۳۶). پس بنا بر ادله ولایت فقیه و حدود اختیارات ولی فقیه، و با توجه به اجتماعی و حاکمیتی بودن خمس ارباح مکاسب، ولی فقیه و دستگاه حاکمیتی زیر نظر وی می‌تواند در صورتی مردم خمس ندادند، الزامات اخذ خمس را همچون جریمه و ضمانت‌اجراهایی مثل مشروط نمودن برخی خدمات عمومی به پرداخت خمس، را فراهم آورد.

پس ادله قرآنی، روایی، قاعده فقهی «الحاکم ولی الممتنع» و شواهد تاریخی دلالت بر این دارد که حکومت اسلامی (چه در زمان معصومین چه در زمان حاکمیت فقیه جامع‌الشرایط) می‌تواند مردم را به واجبات اجتماعی الزام کند و از منکرات و محارم اجتماعی نهی کند و با ابزارهای مشروعی که در اختیار دارد برای احکام دینی ضمانت اجرا تعیین کند. قطعاً یکی از مهم‌ترین واجبات الهی که نقش زیادی در اجتماع و حکومت دارد «خمس» است. پس بنا بر ادله فوق دولت شرعاً مجاز است مردم را به پرداخت خمس الزام کند و در صورت عدم پرداخت، جرائمی در نظر بگیرد.

۳-۳. دلیل سوم: عدم مالکیت شخصی در مال الخمس

مطابق آیات و روایات تمام آنچه مردم کسب می‌کنند و دارایی دارند، مال آن‌ها نیست و تنها بخشی از چیزی که کسب می‌کنند در ملکیت خودشان است و بخش دیگر متعلق به فقرا یا حاکمیت جامعه اسلامی است. چنانچه خداوند می‌فرماید «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَ» (نساء: ۳۲) و همچنین در جای دیگر فرموده است: «فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ» (معراج: ۲۴ و ۲۵) یا فرموده «وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ» (الذاریات: ۱۹). این آیات دلالت بر این دارند که بخشی از اموال و درآمد کسب اشخاص جامعه، در زمره مالکیت شخصی نیست و متعلق به فقرا یا حاکمیت است. در بخش نخست مقاله هم اشاره شد که مطابق آیه خمس و سایر ادله، بسیاری از فقها همچون آیت‌الله موسوی خمینی، آیت‌الله حسینی خامنه‌ای، شهید صدر، آیت‌الله منتظری، آیت‌الله مؤمن، آیت‌الله یزدی و آیت‌الله هاشمی شاهرودی معتقد بودند که خمس حق الاماره و مال حاکم اسلامی است و آن بخش از مال تحت ملکیت تام شخص قرار ندارد بلکه تا قبل استخراج و پرداخت خمس در ملک مشاع وی است. برخی از فقها نیز فتوا داده‌اند که خمس به «عین» مال تعلق می‌گیرد (موسوی خمینی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۳۶۱، مسأله ۲۳). یعنی این‌گونه نیست که «ذمه» صاحبان اموال بدهکار مقدار «خمس» باشد، بلکه صاحبان «خمس» به مقدار «خمس» شریک اموال آن اشخاص می‌شوند. پس اگر کسی بدون جدا کردن «خمس» در اموال مشمول «خمس» تصرف کند هم اثر تکلیفی دارد و مرتکب حرام شده است هم اثر وضعی دارد یعنی اگر با این اموال سرمایه‌گذاری و کسب سود کند، به مقدار سهم «خمس» از سود سرمایه‌گذاری هم به صاحبان «خمس» تعلق می‌گیرد (مصباحی مقدم، ۱۳۹۷، ص ۲۳۸). بر همین اساس بسیاری از فقها فتوا داده‌اند که خمس به عین مال تعلق می‌گیرد و کسی که خمس مال خود را پس از سال خمسی نداده است اجازه تصرف در آن مال را ندارد (موسوی خمینی، مسأله ۱۷۹۰؛ بهجت، مسأله ۱۴۰۹ق؛ وحید خراسانی، مسأله ۱۸۰۷؛ سیستانی، مسأله ۱۸۰۶؛ نوری همدانی، مسأله ۱۷۸۶؛ صافی گلپایگانی، مسأله ۱۷۹۹).

وقتی تعلق یک مال به حاکم باشد و در درآمد کسب فرد مخلوط باشد، حاکم اسلامی می‌تواند فرد را الزام به پرداخت خمس مال نماید، زیرا اساساً مال حاکم اسلامی است که مشاعاً نزد آن فرد صاحب درآمد بوده، نه مال آن فرد. پس با این استدلال، حاکم اسلامی

شرعاً می‌تواند در صورت عدم پرداخت خمس توسط اشخاص، آن‌ها را به‌طور قانونی الزام به پرداخت خمس نماید.

۳-۴. دلیل چهارم (دلیل عقلی): عدم امکان حکمرانی بدون الزام در رعایت قوانین، به‌خصوص قوانین مالی

از منظر عقلی، اقتضای حکومت بر الزام اتباع خود، امری بدیهی و کاملاً آشکار است. بدهت آن از صرف تصور معنای حکومت روشن است؛ یعنی برای اثبات اقتضای الزام نیازی به ارائه استدلال نیست تا تصدیق شود؛ بلکه حکومت حامل مفهوم الزام است. نمی‌توان حاکمیتی را تصور کرد که اتباعش هیچ‌گونه الزامی نسبت به فرامین و خواسته‌های آن احساس نکنند. در حکومت حکم و فرمان به انجام یا ترک کاری از سوی تمام یا بعضی از اتباع حکومت است. هر جا حکم و فرمان باشد، اقتضای لزوم تبعیت از آن نیز وجود دارد. پاداش یا کیفر اتباع توسط کارگزار حکومت به دلیل ثبوت چنین اقتضایی است. اگر حکومت اقتضای الزام را نمی‌داشت، پاداش و کیفر به ذهن تبادر نمی‌شد (مهدوی‌زادگان، ۱۳۸۶).

علت اینکه در تمام حکومت‌های مدرن و سنتی علاوه بر قانون‌گذار دو قوه مجریه و قضائیه به اشکال مختلف وجود دارد این است که بیان قانون کافی نیست. سیره عقلا نشان می‌دهد نمی‌توان صرفاً با توصیه و موعظه حکمرانی نمود. هر انسانی با تفکر به بدیهی بودن ملازم بودن حکمرانی با الزام به قانون و برخورد با مصادیق عدم رعایت قانون پی خواهد برد. تصور جامعه بدون پلیس، قوه قضائیه، جریمه و امثالهم موجب می‌شود انسان به ضرورت الزام و قواعد بازدارنده در حکمرانی پی ببرد. به‌عنوان مثال اگر فقط قانون چراغ قرمز وجود داشته باشد ولی پلیس، جریمه، دوربین و ابزاری برای ثبت و برخورد با تخلف رانندگی وجود نداشته باشد، چه‌بسا متخلفین جامعه را به هرج و مرج بکشانند. پس وجود الزام در حاکمیت و اینکه قوانین ضمانت اجرا داشته باشند امری است عقلانی که توسط عقلای عالم در تاریخ حکومت‌داری رعایت شده است. قطعاً از خدای حکیم، امر غیرعقلانی سرنمی‌زند و شارع برای تضمین نظم و بقای جامعه اسلامی به حاکم اسلامی مجوز برخورد با متمردان از احکام اجتماعی یا الزام قانونی (همچون مشروط نمودن برخی خدمات عمومی به ادای تکلیف اجتماعی) برای اخذ حقوق عامه و حق‌الله را می‌دهد.

شهید صدر نیز معتقد است که اسلام صرفاً نصیحت‌کننده افراد نیست و در کنار نصیحت، نظامی اجتماعی و برنامه‌ریزی اقتصادی در جامعه دارد؛ و تحت برنامه مشخصی حاکمان و ثروتمندان و مردم را ملزم به انجام امور خاصی می‌کند (صدر، ۱۳۹۴، صص. ۴۱۶-۴۲۰). ایشان در جای دیگر ضمن تشریح اخلاق‌گرایی و واقعیت‌گرایی به‌عنوان دو اساس مکتب اقتصاد اسلامی، اشاره می‌کند که اقتصاد اسلامی در روش‌های خود واقعیت‌گراست. به این معنی که هم اهدافی واقعی و توجیه‌پذیر را برای خود ترسیم می‌کند هم برای رسیدن به آن اهداف (به‌عنوان مثال تکافل عام متقابل) تنها به پند و اندرز و برانگیختن احساسات به شیوه واعظان و مرشدان اکتفا نمی‌کند، بلکه برای آن‌ها ضمانت‌های واقعی، مادی و قانونی قرار می‌دهد تا آن اهداف در هر حال تحقق یابد (صدر، ۱۳۹۳، ج ۱، ص. ۳۴۹). همان‌طور که در دلیل دوم هم اشاره شد مصادیقی از آیات قرآن، روایات و سیره معصومین بر این اصل عقلانی صحه می‌گذارند.

پس با توجه به الزامات عقلی هر نوع حکومتی، عدم مالکیت شخصی در مال‌الخمس، لزوم الزام حاکمیت به احکام اجتماعی و نظریه ولایت مطلقه فقیه می‌توان علاوه بر بیان وجوب خمس، قواعد الزام‌آور و ضمانت اجرا برای پرداخت خمس تعیین نمود و در صورت عدم تمکین جرائمی برای آن‌ها در نظر گرفت یا اینکه خمس را از اموال آن‌ها کسر نمود.

۴. شبهه نیت

ممکن است این سؤال به ذهن متبادر شود که خمس یک عمل عبادی است و در آن نیت و قصد قربت شرط است و لازم است و الزام با نیت و قصد قربت ناسازگار است و چگونه با وجود چنین تعارضی فقها حکم به الزام در خمس داده‌اند؟ در جواب باید گفت که بسیاری از فقها معتقدند که در چنین حالتی خمس و زکات نیاز به نیت قصد قربت ندارد و نیت ساقط است. برخی نیز گفته‌اند حاکم شرع باید در این امر قصد قربت کند (طوسی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص. ۲۳۲؛ یزدی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص. ۳۳۲). به‌عنوان نمونه فتوای آیت‌الله مکارم شیرازی در این زمینه به این صورت است:

مسأله ۱۶۶۶- هرگاه زکات را به میل خود نپردازد حاکم شرع می‌تواند به اجبار از او دریافت دارد و زکات محسوب می‌شود و نیت قربت در اینجا ساقط است، ولی احتیاط آن است که حاکم شرع قصد قربت کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹).

۵. فضیلت اخلاقی پرداخت خمس بدون اجبار

اینکه انسان عمل مورد رضایت شارع را داوطلبانه و از سر شوق و رغبت باهدف جلب رضایت الهی انجام دهد بدون تردید بسیار ارزشمندتر است تا حاکمیت با ابزارهای قانونی و جرائم وی را ملزم به انجام آن کار کند. آنچه در مباحث گذشته آمد به معنی توصیه سیاستی به حاکمیت نیست که عمده خمس را از راه الزام اخذ کند، اتفاقاً تمرکز حاکمیت باید تعالی اخلاقی جامعه و رشد ایمان و انگیزه‌های درونی افراد در پرداخت داوطلبانه خمس باشد. ولی ضمانت اجرا و الزام باید در کنار تربیت اخلاقی وجود داشته باشد تا منافع عمومی جامعه تضمین شود. این نگاه هم مورد تأکید اندیشمندان اسلامی همچون شهید صدر و شهید مطهری است، هم برخی اندیشمندان غربی به آن اشاره کردند.

در نگاه شهید صدر، اقتصاد اسلامی در عین واقع‌گرایی، اخلاق‌گرا است. به این معنی که تنها به سامان بخشیدن به منظر خارجی جامعه اکتفا نمی‌کند، بلکه توجه شدیدی به عامل روحی دارد و با جدیت به دنبال شکل بخشیدن به روح و اندیشه انسان هماهنگ با اهداف و مفاهیم اسلامی است. برای اسلام مطلوب این است که در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی انگیزه‌ها و قوای درونی انسان‌ها تقویت شود و انسان‌ها مشتاقانه و هوشیارانه در جهت کسب رضایت الهی و تقرب به او در برآوردن اهداف اقتصاد اسلامی کوشش کنند (صدر، ۱۳۹۳، ج ۱، صص. ۳۴۹-۳۵۱). اسلام در زمینه اقتصادی دو دسته محدودیت برای انسان در نظر گرفته است: محدودیت ذاتی و محدودیت عینی. محدودیت عینی از یک نیروی بیرونی بازدارنده و قانون ناشی می‌شود که رفتار اجتماعی را منضبط می‌کند ولی محدودیت ذاتی از ژرفای روح سرچشمه می‌گیرد و نیرو و پشتوانه خود را از درون‌مایه روحی و فکری شخصیت اسلامی به دست می‌آورد. در محدودیت ذاتی، انسان بدون اینکه احساس سلب آزادی کند، تحت‌تأثیر نیروی معنوی شگرف و با رغبت درونی در تحقق مفاهیم اسلامی گام برمی‌دارد. این محدودیت ذاتی ضامن اساسی نیکوکاری و انجام امور خیر در جامعه است؛ اگر همه با شوق و از سر ایمان به این محدودیت ذاتی پایبند باشند، جهانی تازه پدید می‌آید که مالا مال از احساس عدل و مهر باشد. یک نمونه آن‌که تا حدی

محقق شده است اقدام داوطلبانه میلیون‌ها مسلمان در پرداخت زکات و دیگر حقوق الهی و شرکت در تحقق مفاهیم اسلامی در عدالت اجتماعی است. اگر همه به این محدودیت ذاتی پایبند بودند و جامعه تجسم کاملی از اندیشه‌ها و ارزش‌های اسلامی بود، نتایج بسیار درخشان‌تری حاصل می‌شد (صدر، ۱۳۹۳، ج ۱، صص. ۳۴۱-۳۴۳). مشابه مفهوم محدودیت ذاتی در اندیشه شهید مطهری با عنوان «آزادی معنوی» ذکر شده است (مطهری، ۱۳۷۸، صص. ۲۰-۲۲).

این مقوله در ادبیات مدرن نیز تحت عنوان «روحیه مالیاتی»^۷ مطرح است که تعریف آن انگیزه‌های درونی غیرمالی در تمکین و پرداخت مالیات است (Torgler, 2002; Andriani et al., 2022, p.68)، در میزان روحیه مالیاتی شهروندان نهادهای رسمی و غیررسمی می‌توانند تأثیرگذار باشند. نهادهای رسمی همچون اعتماد در حاکمیت، بهینه خرج کردن درآمدهای دولت و سطح خدمات عمومی، کیفیت حکمرانی، عادلانه بودن مالیات‌ستانی، میزان فساد در حاکمیت و عوامل مشابه می‌تواند در تقویت یا تضعیف انگیزه‌های درونی مؤدیان برای پرداخت مالیات نقش داشته باشد. همچنین تحقیقات نشان داده که نهادهای غیررسمی مثل فرهنگ مردم، میزان پایبندی به ارزش‌های دینی، حس وطن‌دوستی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، میزان پرداخت مالیات سایر شهروندان، رضایت از زندگی، سن فرد، تحصیلات، جایگاه اجتماعی و سایر هنجارهای غیررسمی بر روحیه مالیاتی افراد تأثیرگذار است (Horodnic, 2018, p. 872-876).

شیوه الزام باید جوری طراحی شود که انگیزه‌های درونی را تخریب نکند. سطحی از الزام اتفاقاً می‌تواند نشانگر اهمیت آن مالیات باشد و موجب تقویت انگیزه‌های درونی مؤدی شود. البته الزام بسیار شدید به‌نحوی که مؤدی هیچ نقشی در پرداخت نداشته باشد (مشابه مالیات حقوق و دستمزد) انگیزه درونی را کاهش می‌دهد. نکته دیگر در ارتباط الزام باروحیه مالیاتی این است که الزام زمانی مؤثرتر است که افراد به محرک‌های درونی و شخصیت اجتماعی خود اهمیت دهند (Luttmer & Singhal, 2014, p.156). بنابراین ارتقای انگیزه‌های درونی و محدودیت ذاتی در کنار طراحی اصولی قواعد الزام ضرورتی ویژه است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مسئله اصلی این مقاله، بحث بر سر امکان الزام قانونی به پرداخت خمس در وصول این مالیات شرعی بود. ابتدا بر طبق نظر عده زیادی از فقها به خصوص فقهای معاصر که رویکرد فقه حکومتی دارند، اثبات شد که خمس به ولی فقیه و دولت اسلامی تعلق می‌گیرد نه هر مجتهدی؛ و خمس حق الاماره و متعلق به حاکم اسلامی است. سپس براساس چهار دلیل اثبات شد که دولت اسلامی از منظر شرعی مجاز است کسانی را که خمس نمی‌پردازند به نحوی الزام به پرداخت به ولی فقیه کند. دلیل اول از طریق معنای عام زکات و صدقه در متون دینی و ادله الزامی بودن زکات بود و دلیل دوم از طریق اصل الزام حکومت به احکام اجتماعی طبق قاعده فقهی «الحاکم ولی الممتنع» و ادله ولایت فقیه بود. دلیل سوم بر مالکیت خمس به خدا و رسول و ولی تأکید داشت که در حیطه مالکیت شخصی نیست. دلیل چهارم یک دلیل عقلی است که حکمرانی بدون قواعد الزام و ضمانت اجراهای بازدارنده امکان‌پذیر نیست. همچنین بیان شد که این الزام با شرط بودن قصد قربت در این عمل عبادی منافاتی ندارد.

آنچه در این مقاله در خصوص الزام آور بودن خمس بیان شد به معنای برهم‌زدن نظم فعلی پرداخت خمس به دفاتر مراجع عظام تقلید نیست. همان‌طور که در الگوی پیشنهادی اجرایی خمس توسط برخی محققان از جمله شعبانی و کاشیان (۱۳۹۵) و سلیمانی و سرمست (۱۳۹۸) ارائه شده، خمس پرداختی به مراجع در صورت اذن ولی فقیه پذیرفته می‌شود. ولی چنانچه فردی خمس خود را به هیچ‌یک از مراجع یا ولی فقیه پرداخت نکند، براساس ادله‌ای که در این پژوهش آورده شد حاکمیت می‌تواند با ابزارهای قانونی وی را به پرداخت خمس به ولی فقیه الزام نماید.

هرچند این پژوهش صرفاً از جنبه نظری به مشروعیت الزام به خمس پرداخت و از منظر امکان اجرایی ورودی به این مسئله نداشت اما ممکن است برخی الزام را به جهت اجرایی امری ناممکن تلقی کنند و از این منظر مشروعیت آن را نیز مخدوش بدانند. از منظر اجرایی بن‌بستی وجود ندارد و در سایر پژوهش‌ها از جمله سلیمانی و سرمست (۱۳۹۸) به صورت تفصیلی سازوکارهای اجرایی برای محاسبه خمس برآوردی طراحی شده است. به‌طور خلاصه در این سازوکار که به سازوکار مالیات بر مجموع درآمد و سامانه‌های اطلاعات مؤدیان مالیاتی متصل می‌گردد، پیشنهاد شده که دولت برای هر

شخص با توجه به برگ‌های خرید الکترونیک هزینه‌ها، بعد خانوار و برخی مؤلفه‌های قابل محاسبه خمس موظف (برآوردی) وی را تخمین بزند و در صورت اختلاف زیاد خمس موظف و خمس پرداخت شده (مثلاً بیش از ۲۰ درصد)، پرونده وی به شورای حل اختلاف خمس متشکل از یک کارشناس مذهبی خبره، نماینده سازمان امور مالیاتی و یک کارشناس دادگستری ارجاع داده شود تا ادعاهای شخص را در خصوص هزینه‌کرد مطابق شأن یا علل دیگر اختلاف خمس برآوردی و پرداخت شده (مثلاً اشتباه سازمان امور مالیاتی یا اشتباه بودن برگ‌های خرید) بررسی و صحت‌سنجی نمایند؛ در نهایت در خصوص میزان خمس واجب وی قضاوت نمایند (سلیمانی و سرمست، ۱۳۹۸، ص. ۱۹۱). البته لازم به ذکر است که این پژوهش صرفاً از جنبه فقهی و نظری به این موضوع پرداخت و سازوکار فوق پیشنهاد سیاستی این مقاله در شرایط فعلی نیست بلکه صرفاً از جنبه امکان‌پذیر بودن اجرا بیان شد. همچنین اینکه «آیا شرایط اجرای این فتوا و حکم در جامعه وجود دارد و جمهوری اسلامی و ولی فقیه امروز از نظر عملی و اجرایی می‌تواند (و به مصلحت است که) به این مجوز شرعی جامه عمل بپوشاند؟» بستگی به تشخیص و صلاح‌دید ولی فقیه دارد و پژوهش‌های جداگانه‌ای می‌طلبند. حتی ممکن است در شرایط فعلی بهتر باشد پرداخت‌های خمس به صورت داوطلبانه به نظام مالیاتی پیوند زده شود و ضرورتی به الزام در شرایط فعلی نباشد.

در پایان این مقاله تصریح شد که امکان‌سنجی فقهی الزام به پرداخت خمس، نافی افضل بودن پرداخت داوطلبانه توسط خود مردم از سر شوق و رغبت نیست. اتفاقاً بر طبق نظر اندیشمندان اسلامی همچون شهید صدر و شهید مطهری، و رهیافت‌های علوم مدرن در زمینه مالیات‌ستانی، تمرکز دولت‌ها به خصوص دولت اسلامی باید بر تقویت انگیزه‌های درونی و ایمان قلبی افراد باشد؛ تا پرداخت‌های شرعی به صورت داوطلبانه در حداکثر حالت خود رخ دهد.

سپاسگزاری

در مقاله حاضر از برخی نظرات فقهی استاد محترم آقای دکتر غلامرضا مصباحی‌مقدم استفاده شده و این مقاله از نظر فقهی به تأیید ایشان رسیده است. کمال قدردانی و سپاس را بابت مطالب ارزنده و مشاوره‌های مفید ایشان در تدوین مقاله دارم.

ملاحظات حقوقی

پیروی از اصول حقوقی

- تمامی اصول اخلاق در پژوهش در این مقاله رعایت شده است.

تعارض منافع

- بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.

- بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله مستخرج از رساله پایان‌نامه، رساله و طرح پژوهشی نیست.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. اسماعیل‌پور دره، مهدی (۱۳۸۹). *الگوی مناسب مؤسسات مالی زکات در جمهوری اسلامی ایران* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). ایران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
3. Ismaeel Poor Dareh, M., (2010). *The Appropriate Model of Zakat Financial Institution in the Islamic Republic of Iran* (Master's thesis). Iran: Imam Sadiq University. (In Persian).
۴. ابن ادریس حلی، محمد (۱۳۹۰ق). *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*. ایران: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
5. Ebn Edris heli, M., (1970). *Al-Sarair al-Hawi for editing fatwas*. Iran: The Islamic Publishing Institution of the Teachers Association. (In Persian).
۶. ابن هشام، ابومحمد عبدالملک بن هشام بن ایوب حمیری (۱۴۱۵ق). *سیره ابن هشام (السیره النبویه)*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
7. Ebn Hesham, Abomohammad Abdolmalek ebn Hesham ebn Ayoob Hemyari (1994). *The Prophet's Biography*. Beirut: Dar ehyaa al-torath Alarabi. (In Persian).
۸. انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۳۷۵). *مکاسب*. ایران: چاپ سنگی.
9. Ansari, Morteza ben Mohammadamin (1996). *Earnings*. Iran: Chap Sangi. (In Persian).
۱۰. تسخیری، محمد علی (۱۴۲۵ق). *القواعد الاصولیه و الفقهیه علی المذهب الامامیه*. ایران: المجمع العالمی للتقريب المذاهب الاسلامیه.
11. Taskhiri, M, A., (2004). *Fundamental and jurisprudential rules on the Imami School of Thought*. Iran: The World Assembly for the Approximation of Islamic Doctrines. (In Persian).
۱۲. حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۹ق). *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و احرام*. ایران: امیر.

13. Helli, Jaafar ebn Hasan (1988). *The Laws of Islam in Matters of Halal and Haram*. Iran: Amir. (In Persian).
۱۴. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۹). رساله اجوبه الاستفتائات (چاپ دوم). ایران: پیام عدالت.
15. Hosseini Khamenei, S. A., (2010). *Questionnaire Answers Message*. Iran: Payam Edalat. (In Persian).
۱۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹). ولایت فقیه: ولایت، فقهت و عدالت. ایران: اسراء.
17. Javadi Amoli, A., (2000). *Wilayat Faqih: Wilayat, Jurisprudence and Justice*. Iran: Esraa. (In Persian).
۱۸. دفتر تبلیغات اسلامی (۱۳۸۷). خمس چالش‌ها و راهکارها (چاپ دوم). ایران: بوستان کتاب.
19. Islamic Propagation Office (2008). *Khums, Challenges and Solutions (Second Edition)*. Iran: Boostan Ketab. (In Persian).
۲۰. رستمی، محمدزمان؛ و رستمی، محمدهادی (۱۳۹۴). پیشنهادهایی برای بسط و جایگزینی نظام مالیاتی اسلام. مطالعات اقتصاد اسلامی، ۸(۱)، ۷-۲۶.
21. Rostami, M, Z; & Rostami, M, H., (2015). Suggestions for the Expansion and Replacement of the Islamic Tax System. *Islamic Economic Studies*, 8(1), 7-26. (In Persian).
۲۲. رضایی، محمدقاسم؛ و سبزو، محبوبه (۱۳۹۱). ارائه الگویی برای پذیرش خمس به عنوان بخشی از مالیات بر درآمد. پژوهشنامه مالیات، ۲۰ (۱۵): ۱۵۲-۱۲۵.
23. Rezaei, M, G; & Sabzro, M., (2012). Providing a Model for Accepting Khums as Part of Income Tax. *Research Taxation*, 20 (15):152-125. (In Persian).
۲۴. زنجانی، فیاض‌الدین؛ و جعفری زنجانی، حسین (۱۳۸۰). ذخائر الامامه فی الخمس (چاپ اول). ایران: آل‌عبا(ع).
25. Zanjani, F, A; & Jafari Zanjani, H., (2001). *Ammunition of the Imam in Koms (Five Edition)*. Iran: Al Aba. (In Persian).
۲۶. سبزواری، محمد باقر بن محمد مؤمن (بی‌تا) ذخیره المعاد، چاپ سنگی، بی‌جا. ایران: آل‌البیت.
27. Sabzevari, Muhammad Baqir bin Muhammad Momin (No Time) *Hozharah al-Ma'ad, Llithograph*, no place. Iran: Al Al-Bait. (In Persian).
۲۸. سلیمانی، محمد؛ و سرمست شوشتری، مهدی (۱۳۹۸). طراحی الگوی جایگزینی خمس ارباح مکاسب و مالیات بر مجموع درآمد در اقتصاد اسلامی ایران. معرفت اقتصاد اسلامی، ۱۰(۲۰)، ۱۷۹-۱۹۵.
29. Soleimani, M; & Sarmast Shoushtari, M., (2019). Designing a Replacement Model for Khums on Profits and Tax on Total Income in Iran's Islamic Economy. *Knowledge of Islamic Economics*, 10(20), 179-195. (In Persian).

۳۰. شعبانی، احمد (۱۳۷۵). تحلیلی پیرامون زکات، زکات یا مالیات، کدامیک؟. دین و ارتباطات (دانشگاه امام صادق/نامه صادق)، ۱(۳)، ۱۱۵-۱۵۰.
31. Shabani, A., (1996). An Analysis of Zakat, Zakat or Tax, Which One? Religion and Communication (Imam Sadiq University/Nameh Sadiq), 1(3), 115-150. (In Persian).
۳۲. شعبانی، احمد؛ و کاشیان، عبدالحمید (۱۳۹۵). *هندسه منابع و مصارف مالی اسلامی* (چاپ اول). ایران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
33. Shabani, A; & Kashian, A, H., (2016). Geometry of Islamic Financial Sources and Expenses (First Edition). Iran: Imam Sadiq University. (In Persian).
۳۴. صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۹۳). *اقتصاد ما* (سیدمحمد مهدی برهانی و سیدابوالقاسم حسینی ژرفا: مترجمان) (جلد ۱ و ۲؛ چاپ اول). ایران: دارالصدر (پژوهشگاه شهید صدر).
35. Sadr, S, M, B., (2014). Our Economy (Seyed Mohammad Mehdi Burhani & Sedaboulqasem Hosseini Jharfa: Translators) (Volumes 1 and 2; 1 Edition). Iran: Dar al-Sadr (Martyr Sadr Research Institute). (In Persian).
۳۶. صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۹۴). *اسلام راهبرزندگی؛ مکتب اسلام؛ رسالت ما* (مهدی زندیه: مترجم) (چاپ دوم). ایران: دارالصدر (پژوهشگاه شهید صدر).
37. Sadr, S, M, B., (2015). Islam is the Leader of Llife; School of Islam; Our Mission (Mehdi Zandiyeh: Translator) (Second Edition). Iran: Dar al-Sadr (Martyr Sadr Research Institute). (In Persian).
۳۸. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۳). *المبسوط فی فقه الامامیه*. ایران: المکتب المرتضویه.
39. Tusi, Muhammad ibn al-Hasan (1984). Al-Mabsout in Imami jurisprudence. Iran: Mortazavieh Office. (In Persian).
۴۰. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵). *تهذیب الأحكام*. حسن خراسان، و محمد آخوندی: تصحیح) (جلد ۱۰). ایران: دار الکتب الإسلامیه.
41. Tusi, Muhammad bin Hassan (1986). Refinement of Provisions. Hasan Khurasan, and Muhammad Akhundi: Correction) (Volume 10). Iran: Dar Al-Kutub Al-Islamiyyah. (In Persian).
۴۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۰ق). *النهاییه فی مجرد الفقه و الفتاوی*. بیروت: دار الکتب العربی.
43. Tusi, Muhammad ibn al-Hasan (1979). The End of Just Jurisprudence and Fatwas. Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi. (In Persian).
۴۴. قرائتی، محسن (۱۳۸۴). *تفسیر نور* (چاپ سوم). تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
45. Qaraeti, M., (2005). *Interpretation of Light* (Third Edition). Tehran: Cultural Center of Lessons from the Quran. (In Persian).

۴۶. کاشیان، عبدالمحمد؛ شعبانی، احمد؛ و عسکری، محمد مهدی (۱۳۹۴). بررسی دوگان‌های تقدم وجوهات شرعی یا مالیات و مکمل یا جانشین بودن آن‌ها با تأکید بر ابعاد حکومتی خمس و زکات در اقتصاد اسلامی ایران. *معرفت اقتصاد اسلامی*، ۶(۱۲)، ۱۲۹-۱۵۰.
47. Kashian, A, M; Shabani, A; & Askari, M, M., (2015). Examining the Duality of the Priority of Shari'ah Objects or Taxes and Their Complementarity or Substitution with Emphasis on the Governmental Dimensions of Khums and Zakat in the Islamic Economy of Iran. *Knowledge of Islamic Economics*, 6(12), 150-129. (In Persian).
۴۸. کیخا، مهدی؛ و رزمی، محسن (۱۳۹۱). تعلق خمس به حاکم اسلامی. *فقه و تاریخ تمدن ملل اسلامی*، ۹(۳۴)، ۱۲۱-۱۴۶.
49. Kikha, M; & Razmi, M., (2012). Khums belongs to the Islamic ruler. *Jurisprudence and History of Civilization of Islamic Nations*, 9(34), 121-146. (In Persian).
۵۰. کیخا، محمدرضا؛ و مؤذنی بیستگانی، حمید (۱۴۰۱). تحلیل و بررسی چگونگی مجزی بودن تأدیة زکات در فرض اجبار حاکم اسلامی. *فقه و اصول*، ۳۳(۱۲۹)، ۱۱۷-۱۳۵.
51. Kikha, M, R; & Muezzin Bistgani, H., (2022). Analysis and Investigation of How the Payment of Zakat in the Assumption of the Compulsion of the Islamic Ruler. *Jurisprudence and Principles*, 33(129), 117-135. (In Persian).
۵۲. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحارالانوار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
53. Majlesi, M, B., (1982). *Bahar Al-Anwar*. Beirut: Dar Ahyaya al-Trath al-Arabi. (In Persian).
۵۴. محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۸۱). *قواعد فقه* (چاپ دوم). تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
55. Mohaghegh Damad, S, M., (2002). *Rules of Jurisprudence* (Second Edition). Tehran: Islamic Sciences Publishing Center. (In Persian).
۵۶. مفید، محمدبن محمد نعمان (۱۳۷۴). *المقنعه*. ایران: اسلامی.
57. Mufid, Muhammad bin Muhammad Numan (1995). *Disguised*. Iran: Islami. (In Persian).
۵۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۵). *تفسیر نمونه*. ایران: دارالکتب الاسلامیه.
59. Makarem Shirazi, N., (1986). *Treatise explaining the issues*. Iran: Jomhuri. (In Persian).
۶۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۹). *رساله توضیح المسائل*. ایران: جمهوری.
61. Makarem Shirazi, N., (2010). *Sample Interpretation*. Iran: Dar-Al Kitab al-Islamiya. (In Persian).
۶۲. مصباحی مقدم، غلامرضا (۱۳۹۷). *فقه منابع مالی دولت اسلامی*. ایران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.

63. Mesbahi Moghadam, G, R., (2018). *Jurisprudence of Financial Resources of the Islamic State*. Iran: Imam Sadiq University, Peace be Upon Him. (In Persian).
۶۴. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). *آزادی معنوی*. ایران: صدرا.
65. Motahari, M., (1999). *Spiritual Freedom*. Iran: Sadra. (In Persian).
۶۶. منتظری، حسینعلی (۱۳۶۳) *الخمس و الانفال* (چاپ اول). ایران: اسلامی.
67. Montazeri, H, A., (1984) *Al-Khums and Al-Anfal* (First Edition). Iran: Islami. (In Persian).
۶۸. منتظری، حسینعلی (۱۳۶۷). *مبانی فقهی حکومت اسلامی در اسات فی ولایة الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه* (محمود صلواتی: مترجم و تقریر). ایران: کیهان.
69. Montazeri, H, A., (1988). *Fundamentals of Jurisprudence of the Islamic Government, Studies in Wilayat al-Faqih and Jurisprudence of the Islamic State (Mahmoud Salavati: Translator and Interpreter)*. Iran: Keyhan. (In Persian).
۷۰. موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۲۳ق). *ولایت فقیه* (چاپ دوازدهم). ایران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
71. Mousavi Khomeini, S, R., (2002). *Wilayat al-Faqih* (12th edition). Iran: Institute for Organizing and Publishing the Works of Imam Khomeini. (In Persian).
۷۲. موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۶۳). *کشف الاسرار*. بی‌نا.
73. Mousavi Khomeini, S, R., (1984). *Discovering Secrets*. No Place. (In Persian).
۷۴. موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۹). *البیع*، ایران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
75. Mousavi Khomeini, Seyyedrouh Allah (2000). *Sale*, Iran: Organization and Publication of the Works of Imam Khomeini. (In Persian).
۷۶. موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۹۰). *تحریر الوسیله*. نجف اشرف: مطبعه الاداب.
77. Mousavi Khomeini, S, R., (2011). *Tahrir al-Wasila*. Najaf Ashraf: Al-Adab Publishing House. (In Persian).
۷۸. موسوی خمینی، سیدروح‌الله (بی‌تا). *صحیفه امام* (جلد ۲۱). ایران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
79. Mousavi Khomeini, S, R., (No Time). *The Book of the Imam* (Volume 21). Iran: Institute for Organizing and Publishing the Works of Imam Khomeini. (In Persian).
۸۰. مؤمن، محمد (۱۳۹۳). *منابع مالی در حاکمیت فقیه: برگرفته از درس‌های خارج فقه آیت‌الله محمد مؤمن قمی* (محمد مهدی بهداروند: گردآورنده). ایران: معارف.

81. Momen, M., (2014). *Financial Resources in Jurisprudence Governance: Taken From the Extra Jurisprudential Lessons of Ayatollah Mohammad Momin Qomi (Mohammed Mehdi Behdarvand: Compiler)*. Iran: Maarif. (In Persian).
۸۲. مهدوی‌زادگان، داوود (۱۳۸۶). پژوهشی در الزام حکومتی حکم حجاب. *مطالعات راهبردی زنان*، ۹(۳۶)، ۵۰-۹.
83. Mahdavi Zadegan, D., (1386). A Research on the Governmental Requirement of Hijab Ruling. *Women's Strategic Studies*, 9(36), 9-50. (In Persian).
۸۴. نجفی، محمدحسن (۱۳۶۵). *جواهر الکلام* (جلد ۲۳). ایران: دار الکتب الإسلامية.
85. Najafi, M, H., (1986). *Jawahar al-Kalam* (Volume 23). Iran: Dar al-Kotob al-Islamiyyah. (In Persian).
۸۶. نراقی، ملااحمد (۱۴۱۷ق). *عواید الایام*. ایران: مرکز النشر الاسلامی.
87. Naraghi, M, A., (1996). *Day's Earnings Iran*: Islamic Publishing Center. (In Persian).
۸۸. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۳). *بحوث فی الفقه: کتاب الخمس* (چاپ دوم، جلد ۲). ایرات: أهل البيت(ع).
89. Hashemi Shahroudi, S, M., (2004). *Paqhu fi Fiqh: Kitab al-Khams* (Second Edition, Volume 2). Errat: Ahl al-Bayt. (In Persian).
۹۰. هیرید، علی (۱۳۵۲). *مسائل اقتصادی اسلام*. ایران: طبع کتاب.
91. Hairbed, A., (1973). *Economic Issues of Islam*. Iran: Tabab Ketab. (In Persian).
۹۲. یزدی، محمد (۱۳۷۷). متولی سهم امام. *فقه اهل بیت*، ۴(۱۴)، ۳-۵۲.
93. Yazdi, M., (1998). Trustee of Imam's share. *Fiqh Ahl al-Bayt*, 4(14), 3-52. (In Persian).
94. Abdul-Jabbar, H., & Bin-Nashwan, S. A. (2022). Does Deterrence-based Enforcement Matter in Alms Tax (Zakat) Compliance?. *International Journal of Social Economics*, 49(5), 710-725.
95. Khamis, M. R., & Yahya, N. C. (2015). Does Law Enforcement Influence Compliance Behaviour of Business Zakat Among SMEs?: An Evidence Via Rasch Measurement Model. *Global Journal Al Thaqafah*, 5(1), 19-32.
96. Bakar, N. B. A., & Rashid, H. M. A. (2010). Motivations of Paying Zakat on Income: Evidence from Malaysia. *International Journal of Economics and Finance*, 2(3), 76-84.
97. Ikhwan, H. (2018). Fitted Sharia in Democratizing Indonesia. *Journal of Indonesian Islam*, 12(1), 17-44.

98. Kaffah, N. I., & Susetyo, H. (2020). Implementation of Sharia Compliance to Optimize Zakat Governance in the Frontier and Outermost Regions in Indonesia. *Pandecta Research Law Journal*, 15(2), 273-282.
99. Luttmer, E. F., & Singhal, M. (2014). Tax Morale. *Journal of Economic Perspectives*, 28(4), 149-168.
100. Torgler, B. (2002). Speaking to Theorists and Searching for Facts: Tax Morale and Tax Compliance in Experiments. *Journal of Economic Surveys*, 16(5), 657-683.
101. Horodnic, I. A. (2018). Tax Morale and Institutional Theory: a Systematic Review. *International Journal of Sociology and Social Policy*, 38(9/10), 868-886.
102. Andriani, L., Bruno, R., Douarin, E., & Stepien-Baig, P. (2022). Is Tax Morale Culturally Driven?. *Journal of Institutional Economics*, 18(1), 67-84.



Challenges of Iran's Interbank Market and Providing Solutions in the Framework of a Moqawama Economy

Mohammadreza Simiari*

Mohammad Hossein Ghavam**

Ali Aghaei***

Hossein Hassanzadeh Sarvestani****



10.30497/ifr.2021.239897.1575

20.1001.1.22518290.1401.12.1.1.6





Abstract


The interbank market has a good capacity to manage the liquidity risk of banks and the central bank's policies as the core of the money market have a special place in the monetary-financial system. This market can play a role in the realization of a Moqawama Economy by supporting banks as the financing institution of the real sector of the economy and production, and by increasing stability and transparency to the extent necessary in the banking system. By examining the performance of the interbank market of developed countries and Iran and purposeful interviews, challenges and corrective strategies were extracted by theme analysis method and a questionnaire was subjected to expert validation and finally by structural hypothesis test, 25 structural, religious, regulatory and executive challenges were confirmed. After the like-minded meetings and the focus group, 22 proposals were presented; some of them are: setting two clear rules for entering the market and continuing the activity and deposit limit, redesigning the structure of the Iranian interbank market after reviewing the latest world models, including the stratification structure, Culture and Islamic financial education at management levels up to bachelor's degree in banking network, the establishment of a competent system to select specialized and legitimate managers in the banking network, the use of short-term and non-reversible Islamic tools based on the goals of Islamic economics, upgrading the interbank market to an organized and transparent market Timely dissemination of data and information on bank deficits, at least at the level of the banking network, launching the accreditation system and the activities of accreditation institutions, using the capacity of neighboring countries and blockchain technology and cryptocurrencies in the interbank market, Preventive default such as: reporting interbank funds, The active approach of the Central Bank in open market operations, Possibility assessment of participation of other financial institutions in this market and redesigning the structure of Iran's interbank market based on Islamic economics with regard to challenges and shortcomings and after reviewing experiences the world.


Keywords

Iran's Interbank Market; Equipping Banking Resources; Islamic Banking; Liquidity Risk; Moqawama Economy. JEL Classification: E58; G21; Z12.

* PhD Student, Financial Management, Department of Financial Management, Faculty of Management and Accounting, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran (Corresponding Author).
m_simiari@sbu.ac.ir  0000-0002-9636-708X

** Assistant Professor, Department of Financial Management, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. ghavam@isu.ac.ir  0001-0001-5556-7846

*** M.A Student, Financial Management, Department of Finance, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. a.ghaie@isu.ac.ir  0009-0005-2620-6722

**** Assistant Professor, Department of Financial Management, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. h.hasanzadeh@isu.ac.ir  0000-0001-9018-2108

چالش‌های بازار بین‌بانکی ایران و ارائه راهکار در چارچوب اقتصاد مقاومتی

محمد رضا سیمیری* محمد حسین قوام**

علی آقایی*** حسین حسن‌زاده سروستانی****

چکیده

بازار بین‌بانکی ظرفیت مناسبی برای مدیریت ریسک نقدینگی بانک‌ها و سیاست‌گذاری‌های بانک مرکزی به‌عنوان هسته بازار پول، جایگاه ویژه‌ای در نظام پولی-مالی دارد. این بازار با پشتیبانی از بانک‌ها به‌عنوان نهاد تأمین مالی بخش واقعی اقتصاد و تولید و با افزایش ثبات و شفافیت به میزان لازم در نظام بانکی، می‌تواند در تحقق اقتصاد مقاومتی ایفای نقش نماید. با بررسی عملکرد بازار بین‌بانکی کشورهای توسعه‌یافته و ایران و مصاحبه‌های هدفمند، چالش‌ها و راهکارهای اصلاحی به روش تحلیل مضمون استخراج شد و در قالب پرسش‌نامه در معرض اعتبارسنجی خبرگان قرار گرفت. نهایتاً با روش آزمون فرض آماری، ۲۵ چالش در حوزه‌های ساختار، شریعت، نظارت و اجرا تأیید شد. پس از جلسات هم‌فکری و گروه کانونی، ۲۲ پیشنهاد ارائه شد که برخی از آن‌ها عبارتند از: وضع دو دسته مقررات شفاف برای ورود به بازار و ادامه فعالیت و حد سپرده‌پذیری، بازطراحی ساختار بازار بین‌بانکی ایران پس از مرور آخرین مدل‌های جهان از جمله ساختار لایه‌بندی، فرهنگ‌سازی و آموزش مالی اسلامی به در سطوح مدیریت تا کارشناسی در شبکه بانکی، استقرار نظام شایسته‌گزینی مدیران متخصص و متشع در شبکه بانکی، استفاده از ابزارهای اسلامی غیرکوتاه‌مدت و غیرمعکوس‌شونده مبتنی بر اهداف اقتصاد اسلامی، استفاده مؤثر از کریدور نرخ سود و هدایت اعتبار توسط بانک مرکزی، ارتقای بازار بین‌بانکی به یک بازار متشکل و شفاف، انتشار به‌موقع داده‌های بازار بین‌بانکی و اطلاعات کسری بانک‌ها حداقل در سطح شبکه بانکی، رصد منظم و اثربخش نهاد ناظر بر بازار، راه‌اندازی سیستم اعتبارسنجی و فعالیت مؤسسات اعتبارسنجی، استفاده از ظرفیت کشورهای همسایه و فناوری بلاکچین و رمزارزها در بازار بین‌بانکی، اقدامات پیشگیرانه از نکول مانند: الزام ارائه گزارش مصارف و جوه بین‌بانکی، مبادله ابزارهای بازار پول و سرمایه و جلوگیری جدی از اضافه برداشت، بررسی امکان مشارکت سایر نهادهای مالی در این بازار و بازطراحی ساختار بازار بین‌بانکی ایران مبتنی بر اقتصاد اسلامی با توجه به چالش‌ها و نارسایی‌ها و پس از مرور تجارب دنیا.

واژگان کلیدی: بازار بین‌بانکی ایران؛ تجهیز منابع بانکی؛ بانکداری اسلامی؛ ریسک نقدینگی؛ اقتصاد مقاومتی.

* دانشجوی دکتری، مدیریت مالی، گروه مدیریت مالی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
(نویسنده مسئول)
m_simiri@sbu.ac.ir

** استادیار، گروه مدیریت مالی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت؛ دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران
ghavam@isu.ac.ir

*** دانشجوی کارشناسی ارشد، مدیریت مالی، گروه مالی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران
a.ghaie@isu.ac.ir

**** استادیار، گروه مدیریت مالی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت؛ دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران
h.hasanzadeh@isu.ac.ir

مقدمه

بازار بین بانکی در مدیریت ریسک نقدینگی بانک‌ها نقش دارد؛ همچنین زمینه مناسبی برای حضور بانک مرکزی و استفاده از ظرفیت این بازار برای سیاست‌گذاری پولی فراهم می‌کند. اگر بازار بین بانکی وجود نداشته باشد، بانک‌ها مجبور خواهند بود حجم بزرگی از منابع مالی را نقدی نگهداری کنند تا در مواقع بحرانی، بدهی سپرده‌گذاران را بپردازند و ورشکسته نشوند (Bindseil, 2014, p. 68). بازار بین بانکی هسته اصلی بازار پول است. در بازار بین بانکی، بانک‌های دارای مازاد، منابع خود را برای مدت‌زمان مشخص در اختیار بانک‌هایی که کسری منابع دارند، قرار می‌دهند. معمولاً مبادلات بازار بین بانکی زیر یک هفته و حجم عظیمی از آن به اصطلاح شبانه^۱ است (حاجیان، ۱۳۹۲، ص. ۳۱).

از طرف دیگر، استمرار فعالیت‌های واسطه‌گری و حمایت‌گرانه بانک‌ها از تولید منوط به مدیریت منابع-مصارف، مدیریت ریسک‌های نقدینگی و اعتباری و تأمین مالی کوتاه‌مدت بانک‌ها از طریق بازار بین بانکی است. اهمیت این موضوع وقتی بیشتر می‌شود که به سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و وضعیت تأمین مالی و تأمین سرمایه در گردش بخش‌های تولیدی در ایران توجه شود؛ به طوری که با توجه به اقتصاد نفتی کشور و به تبع آن حاکمیت دولت بر تأمین مالی بخش واقعی اقتصاد، درآمد حاصله از این طریق پس از طی مراحل مختلف به نقدینگی تبدیل و این نقدینگی نیز به‌عنوان سپرده در شبکه بانکی قرار می‌گیرد.

این مقاله قصد دارد با بررسی عملکرد بازار بین بانکی ایران به‌عنوان بازوی پشتیبان شبکه بانکی در مدیریت ریسک نقدینگی و فراهم‌سازی دیگر فرصت‌ها، چالش‌های این بازار را کشف و تبیین نماید؛ سپس راهکار ارائه کند تا به یک بازار بین بانکی مناسب، توسعه‌یافته و کارا به‌منظور تحقق اقتصاد مقاومتی دست یابیم. سؤال‌های تحقیق عبارتند از:

۱. چالش‌های بازار بین بانکی ایران چیست؟
۲. پیشنهادها و راهکارهای اصلاحی بازار بین بانکی ایران در چارچوب اقتصاد مقاومتی چیست؟

بدین منظور با استفاده از مصاحبه‌های هدفمند و استخراج چالش‌های اولیه، این چالش‌ها در قالب پرسش‌نامه به کارشناسان و خبرگان علمی و اجرایی این حوزه عرضه شد و با روش تحلیل آماری، پذیرش چالش‌ها بررسی شد. در نهایت پیشنهادها و راهکارها ارائه می‌شود.

۱. بازار بین بانکی

مدیریت نقدینگی توسط بانک‌های تجاری و سیاست‌گذاری پولی توسط بانک مرکزی، دو کارکرد اصلی بازار بین بانکی است. بانک مرکزی با حضور در بازار بین بانکی علاوه بر سیاست‌گذاری پول، نظارت بر بازار بین بانکی را نیز پیگیری می‌کند (Taylor & Williams, 2009, p. 65).

برخی از مهم‌ترین کارکردهای بازار بین بانکی عبارتند از: کمک به ایفای نقش خلق پول در نظام بانکی، رفع مشکلات نقدینگی کوتاه‌مدت بانک‌ها، برقراری ارتباط صحیح و نظام‌مند میان بانک‌ها، کاهش ریسک ورشکستگی و بحران مالی در بانک‌ها، کاهش کسری‌های اتاق پایاپای، کمک به اجرای سیاست‌های پولی بانک مرکزی و هدایت صحیح نقدینگی در جامعه، کمک به کشف نرخ سود تعادلی و قیمت اوراق بهادار در بازار و... (خوانساری، ۱۳۹۳، ص. ۱).

در صورت وجود نداشتن بازار بین بانکی، بانک‌هایی که کسری منابع دارند مجبور هستند به منابع پر قدرت بانک مرکزی - که معمولاً نرخ‌های بالایی دارند - مراجعه نمایند. بانک‌های دارای مازاد منابع، باید منابع خود را به صورت نقد نگهداری کنند، زیرا امکان سرمایه‌گذاری با این منابع در فعالیت‌های اقتصادی وجود ندارد (موسویان و میثمی، ۱۳۹۶، ص. ۲۱۵). وجود بازار بین بانکی مشکل هر دو گروه را توأمان حل می‌کند؛ بانک‌هایی که کسری وجوه دارند با نرخ متعادل‌تری نسبت به وام‌گیری از بانک مرکزی، منابع را دریافت می‌کنند و بانک‌هایی که مازاد منابع داشتند، سرمایه‌گذاری می‌کنند و به سود دست می‌یابند (Thau, 2010, p. 188).

بانک مرکزی علاوه بر نقش بازارسازی در بازار بین بانکی، به عنوان یکی از اعضای این بازار چهار کارکرد مهم خواهد داشت: ۱- هدایت نرخ سود بازار در راستای اهداف سیاستی؛ ۲- کشف و اعلام نرخ سود مرجع بازار در راستای تشکیل منحنی بازده؛

۳- مقررات گذاری و نظارت بر کلیه معاملات و فعالیت‌های اعضای بازار؛ ۴- راه‌اندازی و مدیریت زیرساخت‌های بازار بین‌بانکی (موسویان و میثمی، ۱۳۹۶، ص. ۲۱۶).

۲. پیشینه پژوهش و نوآوری

حاجیان، ملکان و اکرمی (۱۳۸۵) در کتابی با عنوان «بازار بین‌بانکی ریالی»، در چهارفصل بازار بین‌بانکی را معرفی و تجربه برخی از کشورها را بیان کرده و در انتها به شرایط لازم برای ایجاد بازار بین‌بانکی ریالی در ایران پرداخته‌اند. این کتاب اولین اثری است که در آن ویژگی‌های این بازار و پیش‌نویس مقررات ناظر بر بازار بین‌بانکی در ایران بررسی شده است.

عبدالمجید^۲ (۲۰۰۳م) در مقاله‌ای با عنوان «توسعه ابزارهای مدیریت نقدینگی: چالش‌ها و فرصت‌ها»، مدیریت نقدینگی در بانکداری اسلامی و رابطه آن با بازار بین‌بانکی را بیان کرده است.

عبدالله^۳ (۲۰۰۸م) در مقاله‌ای با عنوان «بازار بین‌بانکی اسلامی، تجربه کشور مالزی»، ضمن تعریف برخی ابزارهای بین‌بانکی، بازار بین‌بانکی اسلامی و متعارف را با یکدیگر مقایسه کرده و همچنین ریسک نرخ سود ابزارهای بازار بین‌بانکی مالزی را بررسی کرده است.

لیر و پیدرو^۴ (۲۰۰۹م) در مقاله‌ای با عنوان «مبادله بین‌بانکی: شواهدی از یک آزمایش طبیعی»، سرایت مالی را از طریق پیوند بین‌بانکی بانک‌ها و معاملاتشان در این بازار، با استفاده از شوک ناگهانی یک بانک بزرگ ورشکسته و تعهداتی که در بازار بین‌بانکی ایجاد کرده، بررسی نموده و نتیجه می‌گیرند: ۱- بانک‌هایی که در بازار بین‌بانکی به بانک ورشکسته بیشتر تسهیلات داده‌اند، حجم خروج سپرده‌ای بیشتری تجربه کرده‌اند. ۲- دو دلالت عمده سرایت مالی وجود دارد: الف) میزان سرایت مالی برای بانک‌هایی که بنیادشان ضعیف‌تر بود، محسوس‌تر است. ب) ارتباطات در بازار بین‌بانکی، اثر این شوک و سرایت مالی را بیشتر کرده است. ۳- سرایت مالی و تشدید آن توسط معاملات بازار بین‌بانکی

2. Abdul Majid

3. Obiyathulla

4. Iyer, R., & Peydro

اثراتی بر اقتصاد بخش واقعی بار می‌کند؛ از جمله کاهش تسهیلات‌دهی و کاهش حاشیه سود بانک‌ها.

دلالت‌های نتایج بالا برای مقررات‌گذاری بانکی و مدیریت بحران:

۱. با توجه به اثر پیوند بین بانکی در سرایت مالی، نهاد ناظر بازار بین بانکی برای مدیریت ریسک، مقرراتی به منظور پیشگیری از اثرات شوک وارده به سیستم وضع کند.
۲. باید سرمایه مورد نیاز بانک‌ها بیشتر شده و ریسک نقدینگی آن‌ها در آن لحاظ شود و برای میزان سپرده‌پذیری بانک‌ها در بازار بین بانکی سقف گذاشته شود.
۳. با توجه به ریسک سامانه‌ای وارده از سوی بانک ورشکسته بزرگ، نقش وام‌دهنده نهایی^۵ با توجه به بنیاد نه‌چندان خوب شبکه بانکی و پیوند مالی قوی در بازار بین بانکی عیان‌تر می‌شود.

سلیمانی (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «زیربناهای سازمانی لازم جهت مدیریت نقدینگی در بانکداری اسلامی»، چالش‌های بانک‌های اسلامی برای مدیریت نقدینگی و زیربناهای نهادی مدیریت نقدینگی مانند بازار پول بین بانکی، صندوق بازار پول غیررئوی و بازار مالی بین‌المللی اسلامی را بررسی کرده و به تجربه برخی کشورهای اسلامی اشاره می‌کند. ممنوعیت سرمایه‌گذاری در ابزارهای مبتنی بر بهره، عدم قابلیت مبادله پول به‌عنوان کالا و کمبود و ماهیت فن‌های مدیریت ریسک برخی از چالش‌ها هستند.

موسویان و کاوند (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «مدیریت نقدینگی در بانکداری اسلامی»، تشکیل بازار بین بانکی اسلامی را راهکار مناسبی برای مدیریت نقدینگی در بانک‌های اسلامی می‌دانند.

موسویان و الهی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «امکان‌سنجی فقهی تشکیل بازار بین بانکی در بانکداری اسلامی» ابزارهای بین بانکی در بانکداری متعارف را بررسی فقهی کرده و ابزارهایی از جمله خرید و فروش دین و اسناد خزانه اسلامی، تشکیل صندوق با گواهی سپرده بانکی و صکوک را برای معاملات بازار بین بانکی اسلامی پیشنهاد می‌دهند.

موسویان و مظفری (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «اوراق مرابحه کالا، ابزار مناسب برای بازار بین‌بانکی در بانکداری بدون ربا» اوراق مرابحه کالا را معرفی و بررسی فقهی کرده و به‌عنوان یک ابزار پولی کوتاه‌مدت، برای استفاده در بازار پولی بین‌بانکی مناسب می‌دانند.

خوانساری (۱۳۹۳) در مقاله‌ای سیاستی با عنوان «آسیب‌شناسی بازار بین‌بانکی ریالی در ایران با تأکید بر ابعاد فقهی»، چالش‌های شرعی توسعه بازار بین‌بانکی ریالی ایران را تبیین کرده و پیشنهادهای عملیاتی ارائه نموده است. از جمله: تشکیل بخش مستقلی در بانک مرکزی برای ساماندهی و هدایت عملیات بازار بین‌بانکی، اطلاع‌رسانی روزانه و شفاف نرخ مرجع بازار بین‌بانکی، تقویت سازوکار تنبیهی از جانب بانک مرکزی برای استفاده بانک‌ها از اضافه برداشت و تشویق به استفاده از بازار بین‌بانکی.

ندری و محرابی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «تجربه کشورهای مختلف اسلامی در به‌کارگیری ابزارهای مالی منطبق با شریعت در بازار پول بین‌بانکی اسلامی»، تجربه کشورهای مالزی، سودان، اندونزی و بحرین را در استفاده از ابزارهای منطبق با شریعت بررسی کرده‌اند.

ندری و خسروی (۱۳۹۴) در مقابله‌ای با عنوان «بررسی مبادلات وجوه بانک مرکزی در بازار بین‌بانکی»، راهکارهای پیشنهادی برای روابط بین‌بانکی بانک‌های تجاری و مبادلات بانک‌های تجاری و بانک مرکزی را بررسی و ارزیابی کرده و چارچوب‌های فقهی ارائه شده در روابط بازار بین‌بانکی را در سه حوزه بین بانک‌ها، دریچه تنزیل بانک مرکزی و پرداخت سود به ذخایر تبیین کرده است.

شمسی‌نژاد و طالبی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «به‌کارگیری اسناد خزانه اسلامی در بازار بین‌بانکی ایران»، استفاده از اسناد خزانه اسلامی را در بازار بین‌بانکی با رعایت شرایط و الزاماتی از جمله تدوین دستورالعمل و قوانین جدید اسناد خزانه در حوزه بازار بین‌بانکی، باعث رونق بیشتر این بازار می‌دانند.

موسویان و میثمی (۱۳۹۶) در کتابی با عنوان «بانکداری اسلامی (۱): مبانی نظری - تجارب عملی»، با اختصاص بخشی از این کتاب به بازار بین‌بانکی، مبانی نظری حاکم بر این بازار و تجربه کشورهای اسلامی و ایران را بررسی می‌کنند.

عبدالرحیمیان و توکلی (۱۳۹۵) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «برآورد اثر نرخ بهره بین‌بانکی بر عملکرد (سودآوری) بانک‌های ایران»، با استفاده از داده‌های سال ۱۳۹۰-

۱۳۹۲ نتیجه می‌گیرد نرخ سود بین بانکی نمی‌تواند نرخ سود پرداختی به سپرده‌های بانکی را توضیح دهد.

محبی، شهرستانی و هژبرکیانی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «شوک‌های مالی و نقش سیاست پولی در اقتصاد ایران با فرض وجود بازار بین بانکی در یک مدل DSGE»، چارچوب مدل تعادل عمومی پویایی تصادفی اقتصاد ایران را با توجه به وجود بخش بانکی و بازار بین بانکی طراحی و نقش بانک مرکزی و بازار بین بانکی را در مواجهه با شوک‌ها تبیین کرده است و بیان دارد بخش بانکی نقش بسیار بااهمیت و تأثیرگذاری در انتقال شوک‌های بهره‌وری، بازار سرمایه و نقدینگی در سطح اقتصاد دارد.

شمسی‌نژاد و نوراحمدی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «طراحی مدل تعیین نرخ سود در بازار بین بانکی ایران»، به چگونگی طراحی سامانه کریدور تعیین نرخ سود و شیوه‌های تعیین نرخ سقف و کف بازار بین بانکی ایران پرداخته و با توجه به وجود قانون بانکداری بدون ربا در ایران، برخی ابزارهای اسلامی تعیین سقف و کف سیستم کریدوری معرفی شده است.

موسویان، کاتوزیان، طالبی و حاجیان (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «توافق‌نامه بازخريد (رپو) در بازار بین بانکی اسلامی» توافق‌نامه بازخريد در سایر کشورها را بررسی و نقد کرده و توافق‌نامه بازخريد اسلامی را معرفی و امکان‌سنجی فقهی می‌کنند و بیان دارد توافق‌نامه بازخريد متعارف با برخی اصلاحات در موضوع و شرط‌های قرارداد می‌تواند به‌عنوان توافق‌نامه بازخريد اسلامی در بازار بین بانکی کشور استفاده شود.

شمسی‌نژاد و موسویان (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «آسیب‌شناسی بازار بین بانکی در ایران»، با مطالعه منابع و مصاحبه با کارشناسان بازار بین بانکی، به ۲۱ عامل آسیب‌زا در این حوزه رسیدند، سپس با توزیع پرسش‌نامه و با استفاده از آزمون فریدمن آن‌ها را رتبه‌بندی کردند که در جدول (۱) نشان داده خواهد شد.

جدول (۱): رتبه‌بندی عوامل آسیب‌زا در بازار بین بانکی فعلی

رتبه	عوامل آسیب‌زا در بازار فعلی بین بانکی	میانگین رتبه عوامل
۱	نبود سیستم رتبه‌بندی (ریسک) بانک‌ها	۱۴/۱۷
۲	نبود سامانه جامع معاملات الکترونیکی بین بانکی	۱۳/۷۷
۳	عدم تنوع ابزارهای پولی و مالی اسلامی	۱۳/۶۱

رتبه	عوامل آسیب‌زا در بازار فعلی بین‌بانکی	میانگین رتبه عوامل
۴	عدم شفافیت نرخ‌های بازار	۱۳/۱۳
۵	فقدان ساختار مناسب تشکیلاتی بازار بین‌بانکی	۱۲/۳۲
۶	عدم شفافیت و اطلاع‌رسانی عملکرد بازار بین‌بانکی	۱۲/۳۲
۷	نبود شاخص مناسب برای بازار بین‌بانکی	۱۰/۶۰
۸	به‌روز نبودن قوانین، مقررات و دستورالعمل‌ها	۱۰/۵۸
۹	نبود سیستم تضمین معاملات	۱۲/۵۳
۱۰	عدم سیاست مشخص بانک مرکزی برای بازار بین‌بانکی	۱۲/۱۳
۱۱	وابستگی شدید مالی بانک‌ها به بانک مرکزی	۱۱/۴۴
۱۲	نبود سیستم مناسب ثبت معاملات	۱۰/۸۳
۱۳	عدم شفافیت سیاست‌های خط اعتباری بانک مرکزی	۱۰/۵۲
۱۴	عدم اتصال به سایر بازارهای مالی از جمله بازار سرمایه	۱۰/۳۰
۱۵	اتکای بیش از حد معامله‌گران به روابط دوجانبه	۱۰/۱۷
۱۶	نواقص در الزامات رعایت استانداردهای مالی و بانکی	۹/۷۶
۱۷	عدم استفاده از اوراق بهادار الکترونیکی	۹/۶۶
۱۸	صروی بودن معاملات از منظر شرعی	۸/۹۳
۱۹	عدم آشنایی فعالان بانکی با ابزارهای پولی منطبق با شریعت	۸/۶۰
۲۰	عدم تنوع در نهادهای موثر در این بازار	۸/۲۶
۲۱	تنوع دیدگاه‌های شرعی در خصوص ابزارهای مورد معامله	۷/۴۰

منبع: (شمسی‌نژاد و موسویان، ۱۳۹۷، ص. ۱۳۸)

برخی از پژوهش‌های مذکور، به‌دنبال تبیین ماهیت بازار بین‌بانکی، نقش این بازار در مدیریت نقدینگی و اعمال سیاست‌های پولی بانک مرکزی بوده و برخی دیگر ابزارهای قابل استفاده در این بازار را معرفی و تبیین می‌کنند. **نوآوری این پژوهش** چنین است: اولاً در این پژوهش از آمارهای جدید در دسترس برای تحلیل بازار بین‌بانکی استفاده شده؛ ثانیاً آسیب‌ها و چالش‌های بازار بین‌بانکی با نگاهی جامع و اساسی‌تر احصاء و تبیین شده است؛ و ثالثاً با مراجعه حضوری و مصاحبه باز با کارشناسان اجرایی و علمی این بازار و

تحلیل مضامین، چالش‌های جدیدی احصاء شده است. سه مورد مذکور، وجه افتراق این پژوهش با پژوهش‌های قبلی است.

۳. روش تحقیق

روش تحقیق این پژوهش آمیخته‌ای^۶ از مطالعات کتابخانه‌ای، تحلیل مضمون، تحلیل آماری و استفاده از گروه کانونی به شرح زیر است: ابتدا برای مرور مطالعات و پژوهش‌های پیشین بازار بین بانکی، در منابع کتابخانه‌ای، پژوهش‌کننده‌های معتبر، مقاله‌ها، یادداشت‌ها، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها جستجو و موارد مرتبط جمع‌آوری، مطالعه و بین پژوهشگران مذاقه و مباحثه شد.

پس از تسلط بر ادبیات و پژوهش‌های این حوزه، با ۱۰ متخصص اجرایی بازار بین بانکی در شبکه بانکی کشور، اساتید و پژوهشگران مالی، اقتصاد و مالی اسلامی مصاحبه باز و هدفمند انجام شد. در مصاحبه‌ها ۱۲ سؤال مشخص درباره بازار بین بانکی با تمرکز بر چالش‌های موجود در بازار بین بانکی و ارائه راهکارهای اصلاحی پرسیده شد.

جدول (۲): اطلاعات خبرگان مصاحبه‌شونده به منظور شناسایی چالش‌ها و پاسخ به سؤال‌های پژوهشگران

درصد	تعداد	متغیر	
۷۰	۷	دکتری	تحصیلات
۳۰	۳	کارشناسی ارشد	
۱۰۰	۱۰	جمع کل	
۴۰	۴	مدیرعامل، هیأت‌مدیره و پژوهشگر تخصصی بانک	حوزه اجرایی
۳۰	۳	معاونت بانک	
۳۰	۳	مدیر واحد و کارشناس	
۱۰۰	۱۰	جمع کل	
۸۰	۸	مالی و بانکداری	رشته تخصصی و حوزه پژوهشی
۲۰	۲	اقتصاد پولی و بانکی	
۱۰۰	۱۰	جمع کل	

پس از مکتوب‌سازی مصاحبه‌ها، مسائل و چالش‌های بازار بین‌بانکی استخراج و مورد بحث و تبادل نظر نویسندگان مقاله قرار گرفته و پس از تحلیل مضمون^۷ مصاحبه‌ها در گروه کانونی^۸ بررسی و ارزیابی شد.

جدول (۳): نمونه جدول تحلیل مضمون

شماره چالش	ردیف	کد	متن مصاحبه	مضمون پایه	سازمان‌دهنده مضمون	فراگیر مضمون
۱	۱	A4	در دنیا اینطور نیست که این همه بانک عضو بازار بین‌بانکی باشند. مثلاً در انگلستان شش بانک عضو هستند و بقیه بانک‌ها به این شش بانک، متصل هستند. در ایران تعداد بیشتری (حدود ۳۰ بانک) هستند که نظارت را سخت می‌کند.	محدودیت در عضویت در بازار بین‌بانکی	وجود نداشتن شرایط و ضوابط شفاف	نظارتی
	۲	C2	مشکل اصلی در این بازار و به‌طور کلی در سیستم بانکی ایران، عدم وجود شفافیت است و همه امور بر پایه عدم شفافیت انجام می‌شود. باید در قدم اول سیستم بانکی چه در بازار بین‌بانکی و چه در جاهای دیگر متضبط و سازمان‌یافته و شفاف شود و همچنین نظام بانکداری دوگانه هم اجرا شود.	عدم وجود شفافیت در سیستم بانکی ایران		

7. Theme Analysis
8. Focus Group

شماره چالش	ردیف	کد	متن مصاحبه	مضمون پایه	سازمان دهنده	مضمون فراگیر	مضمون
	۳	C4	باید سازوکاری طراحی شود که بانک‌ها برای باقیماندن در این بازار و استفاده از مزایا و فرصت‌های آن احساس خطر نکنند. یعنی این شرایط نباشد که هر کاری خواستند انجام دهند و نهاد ناظر هم نتواند کاری داشته باشد.	لزوم ایجاد سازوکار مناسب توسط نهاد ناظر برای حفظ سلامت بازار بین بانکی			
	۴	B7	شرایط پذیرش موسسات مالی و اعتباری بازار پول و بانک‌ها در این بازار شفافیت لازم را ندارد و همه بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری به غیر از بانک‌های قرض الحسنه امکان عضویت در این بازار را دارند.	عدم وجود شفافیت در سیستم بانکی ایران			
	۵	G5	با وجود نظارت حداقلی بانک مرکزی برای جلوگیری از رشد نرخ سود بازار بین بانکی، الزامات پیشگیرانه‌ای برای جلوگیری از اقدامات بی‌ثبات کننده اعضا در نظر گرفته نشده است.	عدم وجود قوانین محدودکننده اعضا جهت ایجاد ثبات در بازار			

شماره چالش	ردیف	کد	متن مصاحبه	مضمون پایه	سازمان دهنده	مضمون فراگیر	مضمون
۲	۱	B4	مهم‌ترین موضوع دلالی است که ممکن است برخی بانک‌ها انجام دهند و به بانک‌ها با ریسک بالا یا نرخ بالایی وام دهند. بانک مرکزی باید نظارت بیشتر و دقیق‌تری داشته باشد. ضمن اینکه باید بررسی کند بانکی که سپرده‌پذیر بوده، هم‌زمان سپرده‌گذار نباشد و دلالی رخ ندهد.	اهمیت نظارت نهاد ناظر بر عدم دلالی بانک‌های عضو	دلای برخی بانک‌ها		
	۲	H2	در شرایط کنونی اقتصاد با تمام شاخص‌های کلان اقتصادی موجود، آیا بازار بین‌بانکی برای کل اقتصاد نفع دارد ولی به شرطی که دلالی در آن توسط بانک سوم انجام نپذیرد بلکه تمامی منابع مازاد به بخش حقیقی راه پیدا کند.	مفید بودن بازار بین‌بانکی برای اقتصاد جامعه به شرط عدم وجود دلالی			
	۳	D3	برخی بانک‌ها به دلیل اعتبار کمتری که دارند نمی‌توانند از برخی بانک‌های دیگر در بازار بین‌بانکی تأمین مالی کنند. در این میان بانک‌هایی هستند که دارای اعتبار مناسب هستند و می‌توانند از بانک‌های دارای مازاد منابع، منابع مالی دریافت کنند، هر چند خودشان کسری منابع نداشته باشند. بنابراین به راحتی دست به دلالی می‌زنند.	اقدام به دلالی بانک‌ها با وضعیت مالی مناسب‌تر			

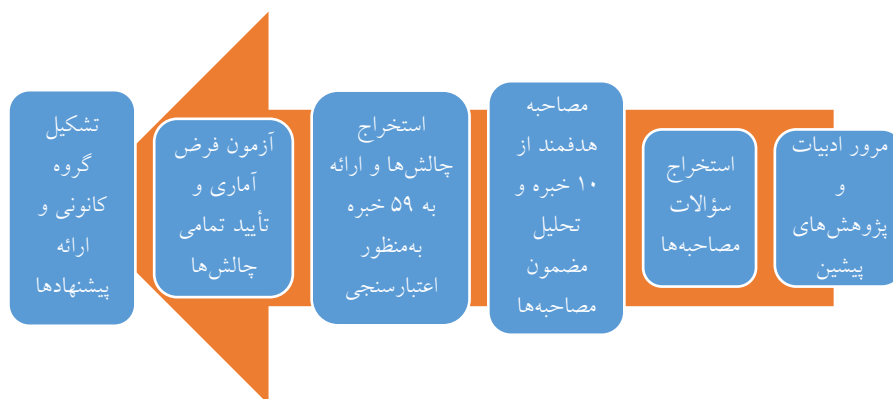
شماره چالش	ردیف	کد	متن مصاحبه	مضمون پایه	سازمان دهنده	مضمون فراگیر	مضمون
	۴	I6	در نتیجه بانک‌های به‌جای صرف وقت و تلاش برای حمایت از بخش‌های تولیدی و ایجاد ارزش افزوده برای کشور به دنبال سفته‌بازی بوده و نه تنها خود از ضعف نهاد ناظر بهره جسته، بلکه از هدایت منابع بانک تسهیلات دهنده به بخش واقعی اقتصاد نیز جلوگیری می‌کنند.	وجود دلالتی مانع برای هدایت منابع به بخش واقعی اقتصاد			

منبع: یافته‌های تحقیق

سپس به منظور اعتبارسنجی چالش‌ها، مجموعه چالش‌ها در قالب پرسش‌نامه به خبرگان عرضه شده و هر خبره به وجود چالش‌ها از ۱ تا ۵ (طیف لیکرت) نمره داد.

جدول (۴): اطلاعات خبرگان پاسخ‌دهنده به ارزیابی چالش‌ها

درصد	تعداد	متغیر	
۵۰,۹	۳۰	دکتري	تحصيلات
۳۹	۲۳	کارشناسی ارشد	
۱۰,۱	۶	کارشناسی	
۱۰۰	۵۹	جمع کل	
۶۲,۷	۳۷	مالي و بانکداری	حوزه تخصصی و اجرایی
۱۱,۹	۷	مالي و بانکداری اسلامی	
۲۵,۴	۱۵	اقتصاد و اقتصاد اسلامی	
۱۰۰	۵۹	جمع کل	
۶۱	۳۶	۳۰-۲۰	سن
۲۷,۱	۱۶	۴۰-۳۰	
۱۱,۹	۷	۵۰-۴۰	
۱۰۰	۵۹	جمع کل	



شکل (۱): فرآیند روش تحقیق پژوهش

منبع: یافته‌های تحقیق

برای رعایت اصول آماری 59 پرسشنامه کامل مبنای تحلیل قرار گرفت. با استفاده از نرم‌افزار SPSS روی داده‌های جمع‌آوری شده آزمون میانگین انجام شد؛ فرض H_0 بیانگر میانگین کمتر یا مساوی ۳ (عدم تأیید چالش توسط خبرگان) و فرض H_1 بیانگر میانگین بزرگتر از ۳ (تأیید چالش توسط خبرگان) بود.^۹

۹. استفاده از تحلیل مضمون برای استخراج ابعاد یک مسأله یا پدیده و استفاده از آمار توصیفی و استنباطی برای ارزیابی و تحلیل نتایج حاصل از پژوهش روشی مرسوم و متعارف در تحقیقات مدیریتی، مالی و اقتصاد اسلامی است. برخی از تحقیقاتی که از این روش‌ها استفاده کرده‌اند عبارتند از:

- ۱- هاشمی کوچکسرای، سیدمحمدحسن؛ و داداشی، ایمان (۱۳۹۹). تبیین نقش معیارهای عملکردی و حاکمیتی در تعیین ارزش شرکت با رویکرد مبتنی بر هوش مصنوعی. *تحقیقات مالی*، ۲۲(۸۵)، ۱۴۸-۱۳۱.
- ۲- خطیبی، مهدی (۱۴۰۰). تفکیک حیل‌های مجاز و حیل‌های غیرمجاز قرض ربوی با معیار عرف. *مطالعات اقتصاد اسلامی*، ۱۳(۲۶)، ۲۶۴-۲۱۱.
- ۳- سجادی، سید علی (۱۳۹۴). تبیین مدل مفهومی انتشار اوراق تجاری در چارچوب مالی اسلامی (مبتنی بر فقه شیعه) (رساله دکتری). دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
- ۴- سیمباری، محمدرضا؛ قوام، محمدحسین؛ و کریمی، رضا (۱۳۹۹). شناسایی و ارزیابی چالش‌های حساب سرمایه‌گذاری مدت‌دار و ارائه راهکارهای اصلاحی در چارچوب اقتصاد مقاومتی، *تحقیقات مالی اسلامی*،

جدول (۵): توصیف نمره خبرگان به چالش‌ها

One-Sample Statistics				
Std. Error Mean	.Std Deviation	Mean	N	چالش‌ها
۰.۱۲۴	۰.۹۵۵	۳.۸۶	۵۹	وجود نداشتن شرایط و ضوابط شفاف
۰.۱۳۸	۱.۰۶۳	۳.۶۴	۵۹	دلالتی برخی بانک‌ها
۰.۱۰۹	۰.۸۴	۴.۱۹	۵۹	سهل‌گیری بانک مرکزی در قبال بانک‌های بی‌انضباط
۰.۰۹۷	۰.۷۴۶	۴.۴۱	۵۹	عدم رتبه‌بندی اعتباری بانک‌ها
۰.۱۲۷	۰.۹۷۳	۳.۶۸	۵۹	استفاده ناصحیح بانک‌های تجاری از ماهیت بازار بین بانکی
۰.۱۲۳	۰.۹۴۸	۴.۲۹	۵۹	اضافه برداشت از بانک مرکزی
۰.۱۳۲	۱.۰۱۵	۳.۶۳	۵۹	ساختار بازار بین بانکی
۰.۱۳۸	۱.۰۵۸	۴.۱۴	۵۹	عدم وجود سیستم معاملات متشکل
۰.۱۰۷	۰.۸۲	۳.۹۸	۵۹	عدم وجود زیرساخت تعیین نرخ شبانه
۰.۱۴۵	۱.۱۱۶	۳.۵۹	۵۹	عدم تطابق بازار بین بانکی با نیازهای شبکه بانکی
۰.۱۴۱	۱.۰۸۵	۳.۴۱	۵۹	بازار ارزی بین بانکی غیرفعال
۰.۱۱۶	۰.۸۹	۴.۰۳	۵۹	استفاده نکردن از بازار بین بانکی برای ایجاد کریدور نرخ سود
۰.۱۲۹	۰.۹۹	۳.۶۸	۵۹	تشویق نکردن شبکه بانکی به عملکرد کارا در بازار بین بانکی
۰.۱۳۳	۱.۰۲۴	۳.۹۵	۵۹	عدم تطابق با اصول اقتصاد اسلامی
۰.۱۴۴	۱.۱۰۳	۳.۴۴	۵۹	عدم استفاده از سایر نهادهای مالی برای ایجاد بازار متشکل
۰.۱۵۱	۱.۱۶۳	۳.۵۸	۵۹	عدم تناسب ماهیت سپرده‌گذاری متقابل با بازار بین بانکی
۰.۱۵۱	۱.۱۵۷	۳.۸۵	۵۹	عدم وجود قصد جدی شرعی
۰.۱۲۶	۰.۹۶۶	۳.۷۸	۵۹	نرخ‌های غیرمتعارف
۰.۱۳۱	۱.۰۰۶	۳.۷۶	۵۹	مکانیزم نامناسب اعلام مازاد و کسری
۰.۱۱۸	۰.۹۰۷	۴.۰۷	۵۹	عدم وجود نرخ سود پویا و واقعی و عدم تقارن اطلاعاتی
۰.۱۵۵	۱.۱۹۱	۳.۴۱	۵۹	عدم ارتباط بازار با سایر کشورها
۰.۱۲	۰.۹۱۸	۴.۱۴	۵۹	استفاده نکردن از بازار بین بانکی برای سیاست‌های پولی و بازار باز
۰.۱۴۴	۱.۱۰۸	۳.۶۶	۵۹	عدم تبادل اوراق بازار پول و سرمایه
۰.۱۲۸	۰.۹۸۶	۳.۵۸	۵۹	عدم اتصال بازارهای مالی
۰.۱۴۲	۱.۰۸۸	۳.۴۶	۵۹	عدم وجود تضمین بازپرداخت در مبادلات

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول (۵) بیانگر برخی پارامترهای مهم آمار توصیفی است. تنظیم و طبقه‌بندی داده‌ها و نمایش میانگین مهم‌ترین اعداد این شاخه از آمار است. در آمار توصیفی اطلاعات حاصل از یک گروه، همان گروه را توصیف می‌کند و اطلاعات به‌دست‌آمده به گروه‌های مشابه تعمیم داده نمی‌شود. در جدول فوق مبنای ارزیابی میانگین بزرگتر از ۳ است و همان‌طور که مشاهده می‌شود تمامی چالش‌ها دارای میانگین بزرگتر از ۳ هستند.

جدول (۶): نتیجه آزمون فرض آماری چالش‌ها

One-Sample Test						
One-Sample Test, table, 3 levels of column headers and 1 levels of row headers, table with 7 columns and 29 rows						
Test Value = 3						
Confidence 95% Interval of the Difference		Mean Difference	-Sig. (2 tailed)	Df	T	چالش‌ها
Upper	Lower					
۱.۱۱	۰.۶۲	۰.۸۶۴	*	۵۸	۶.۹۵۱	وجود نداشتن شرایط و ضوابط شفاف
۰.۹۲	۰.۳۷	۰.۶۴۴	*	۵۸	۴.۶۵۴	دلالتی برخی بانک‌ها
۱.۴۱	۰.۹۷	۱.۱۸۶	*	۵۸	۱۰.۸۵	سهل‌گیری بانک مرکزی در قبال بانک‌های بی‌انضباط
۱.۶	۱.۲۱	۱.۴۰۷	*	۵۸	۱۴.۴۹	عدم رتبه‌بندی اعتباری بانک‌ها
۰.۹۳	۰.۴۲	۰.۶۷۸	*	۵۸	۵.۳۵۳	استفاده ناصحیح بانک‌های تجاری از ماهیت بازار بین بانکی
۱.۵۴	۱.۰۴	۱.۲۸۸	*	۵۸	۱۰.۴۴	اضافه برداشت از بانک مرکزی
۰.۸۹	۰.۳۶	۰.۶۲۷	*	۵۸	۴.۷۴۴	ساختار بازار بین بانکی
۱.۴۱	۰.۸۶	۱.۱۳۶	*	۵۸	۸.۲۴۵	عدم وجود سیستم معاملات متشکل
۱.۲	۰.۷۷	۰.۹۸۳	*	۵۸	۹.۲۱	عدم وجود زیرساخت تعیین نرخ شبانه
۰.۸۸	۰.۳	۰.۵۹۳	*	۵۸	۴.۰۸۳	عدم تطابق بازار بین بانکی با نیازهای شبکه بانکی
۰.۶۹	۰.۱۲	۰.۴۰۷	۰.۰۰۶	۵۸	۲.۸۸۱	بازار ارزی بین بانکی غیرفعال
۱.۲۷	۰.۸	۱.۰۳۴	*	۵۸	۸.۹۲۴	استفاده نکردن از بازار بین بانکی برای ایجاد کریدور نرخ سود
۰.۹۴	۰.۴۲	۰.۶۷۸	*	۵۸	۵.۲۵۹	تشویق نکردن شبکه بانکی به عملکرد کارا در بازار بین بانکی
۱.۲۲	۰.۶۸	۰.۹۴۹	*	۵۸	۷.۱۱۸	عدم تطابق با اصول اقتصاد اسلامی
۰.۷۳	۰.۱۵	۰.۴۴۱	۰.۰۰۳	۵۸	۳.۰۶۹	عدم استفاده از سایر نهادهای مالی برای ایجاد بازار متشکل
۰.۸۸	۰.۲۷	۰.۵۷۶	*	۵۸	۳.۸۰۷	عدم تناسب ماهیت سپرده‌گذاری متقابل با بازار بین بانکی
۱.۱۵	۰.۵۵	۰.۸۴۷	*	۵۸	۵.۶۲۷	عدم وجود قصد جدی شرعی
۱.۰۳	۰.۵۳	۰.۷۸	*	۵۸	۶.۱۹۹	نرخ‌های غیرمتعارف
۱.۰۲	۰.۵	۰.۷۶۳	*	۵۸	۵.۸۲۵	مکانیزم نامناسب اعلام مازاد و کسری
۱.۳	۰.۸۳	۱.۰۶۸	*	۵۸	۹.۰۴۱	عدم وجود نرخ سود پویا و واقعی و عدم تقارن اطلاعاتی
۰.۷۲	۰.۱	۰.۴۰۷	۰.۰۱۱	۵۸	۲.۶۲۴	عدم ارتباط بازار با سایر کشورها
۱.۲۷	۰.۹	۱.۱۳۶	*	۵۸	۹.۴۹۸	استفاده نکردن از بازار بین بانکی برای سیاست‌های پولی و بازار باز
۰.۹۵	۰.۳۷	۰.۶۶۱	*	۵۸	۴.۵۸۲	عدم تبادل اوراق بازار پول و سرمایه
۰.۸۳	۰.۳۲	۰.۵۷۶	*	۵۸	۴.۴۸۹	عدم اتصال بازارهای مالی
۰.۷۴	۰.۱۷	۰.۴۵۸	۰.۰۰۲	۵۸	۳.۲۳۱	عدم وجود تضمین بازپرداخت در مبادلات

منبع: یافته‌های تحقیق

به‌منظور بررسی دقیق‌تر ارزیابی چالش‌ها به آمار استنباطی رجوع شد. چالش‌های احتمالی بازار بین‌بانکی که از مصاحبه‌ها استخراج شده بود، به‌وسیله پرسش‌نامه و با استفاده از طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای توسط خبرگان ارزیابی شد و خروجی پرسش‌نامه به‌عنوان ورودی SPSS قرار گرفت و با آزمون فرض آماری، بررسی شد. در این آزمون مقدار ۳ به‌عنوان میانگین معیار لیکرت است؛ لذا نمره هر چالش با عدد ۳ مقایسه شده است. نتایج نشان می‌دهد همه نمره چالش‌ها بزرگتر از ۳ بوده و این تفاوت از نظر آماری معنادار است. به‌عبارت‌دیگر، در سطح معناداری ۵ درصد (فاصله اطمینان ۹۵ درصد)

فرضیه صفر مبنی بر کوچک‌تر یا مساوی بودن نمره چالش با ۳ رد می‌شود و تمامی چالش‌ها پذیرفته می‌شوند.

۴. بازار بین بانکی در دنیا

شاید بتوان بازار بین بانکی ژاپن را که از اوایل قرن بیستم راه اندازی شد، از نخستین بازارهای بین بانکی شمرد. اگرچه چگونگی مبادله در این بازار در آغاز طبق توافق طرفین و بدون استفاده از وثیقه‌ها و ضمانت‌های رایج بود، اما بحران مالی ۱۹۲۷ میلادی، شرکت‌کنندگان در این بازار را به سمت به‌کارگیری روش‌هایی جهت اطمینان از بازگشت وجوه، هدایت کرد. در بازار بین بانکی، نهادهای مجاز به معامله، ابزارهای بازار پول، اوراق قابل پذیرش بانک‌ها، اوراق تجاری و گواهی سپرده را که سررسید کمتر از یک سال دارند، خرید و فروش می‌کنند (حاجیان، ۱۳۸۵، ص. ۲).

در آمریکا تا اوایل دهه ۱۹۲۰ میلادی، اغلب بانک‌ها از طریق دریچه تنزیل^{۱۰} (که بانک مرکزی برای تأمین وجوه استقراضی قرار داده بود) ذخایر مورد نیاز را تأمین می‌کردند و بانک‌های دارای مازاد ذخایر هیچ راه خروجی برای وام‌دهی ذخایر مازاد خود نداشتند. پس از پاره‌ای از مذاکرات غیررسمی، بانک‌های بزرگ که قبلاً از دریچه تنزیل استقراض می‌کردند، شروع به خرید موجودی‌های بانک‌های دارای مازاد ذخایر نمودند؛ به این ترتیب، بازار وجوه بین بانکی^{۱۱} در آمریکا متولد شد. امروزه بازار بین بانکی ایالات متحده یکی از بزرگ‌ترین بازارهای بین بانکی است و در آن بانک‌ها ذخایر مازاد خود را معمولاً یک‌شبه دادوستد می‌نمایند.

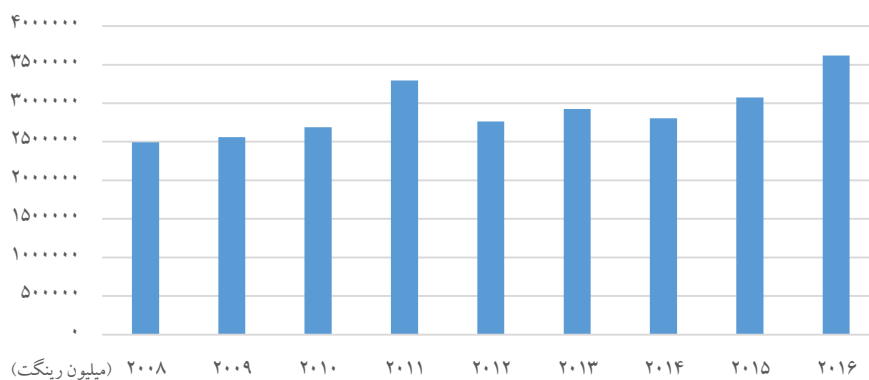
همگام با تغییر و تحولات عملیات بانکی و هماهنگ با به‌کارگیری ابزارهای نوین در بازارهای مالی، مبادلات نیز متنوع‌تر و پیچیده‌تر شد و شکل خرید و فروش ابزارهای کوتاه‌مدت مالی به خود گرفت (شمسی‌نژاد، ۱۳۹۵، ص. ۲۹).

بازار بین بانکی اسلامی در بیشتر کشورها کوچک و رشد نیافته و در برخی دیگر به دلیل نبود زیرساخت‌های مناسب منطبق بر شریعت، از ابزارهای بانکداری متعارف در این بازار استفاده می‌شود. باین حال در سال‌های اخیر شاهد رشد این بازار در کشورهای اسلامی و طراحی و به‌کارگیری ابزارهای پولی منطبق بر شریعت هستیم.

10. Discount Window

11. Interbank Loans

در مالزی بازار بین‌بانکی هم به صورت متعارف و هم منطبق با شریعت وجود دارد. بانک مرکزی مالزی باهدف رفع مشکل نقدینگی بانک‌های اسلامی، بازار پول بین‌بانکی اسلامی را در سال ۱۹۹۴ میلادی راه‌اندازی کرد (خوانساری، ۱۳۹۳، ص. ۱). در نمودار (۱) حجم ابزارهای معامله‌شده در بازار بین‌بانکی کشور مالزی از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۶ میلادی نشان داده شده است. در سال‌های اخیر حجم ابزارهای معامله شده در این بازار رشد قابل توجهی داشته است.



نمودار (۱): بازار بین‌بانکی اسلامی مالزی
منبع: (Central Bank of Malaysia, 2016)

بانک مرکزی اندونزی در سال ۲۰۰۰ میلادی، بازار پول بین‌بانکی شرعی را راه‌اندازی کرد و گواهی ودیعه بانک اندونزی، برای اولین بار باهدف مدیریت نقدینگی بانک‌های اسلامی و فراهم شدن گزینه‌ای برای سرمایه‌گذاران منتشر شد. این ابزار در سال ۲۰۰۸ براساس قرارداد جعاله اصلاح و بر پایه آن گواهی شرعی بانک اندونزی معرفی گردید. همچنین در سال ۲۰۰۸، بانک مرکزی اندونزی، صکوک دولتی و موافقت‌نامه بازخرید عرضه کرد (www.bi.go.id).

۵. بازار بین‌بانکی ایران

بازار بین‌بانکی در ایران، باهدف تسهیل جریان منابع ریالی کوتاه‌مدت بین بانک‌ها در جهت مدیریت کارآمد نقدینگی در تاریخ ۱۳۸۷/۰۴/۱۸ به‌طور رسمی شروع به کار کرد. بازار پول

ایران سابقه بازار بین بانکی ارزی را نیز دارد ولی این بازار در جریان بحران ارزی سال ۱۳۹۱ و پس از تغییر سیاست‌های ارزی کنار گذاشته شد. بانک مرکزی به‌عنوان عضو و مدیر بازار، مسئولیت تنظیم، برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، هماهنگی، تدوین مقررات، نظارت، کنترل و تسویه معاملات این بازار را بر عهده داشته و جهت اعمال سیاست‌های پولی در بازار مداخله می‌نماید (گزارش سال ۱۳۹۳ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران).

طبق دستورالعمل اجرایی عملیات بازار بین بانکی ریالی، اعضای این بازار عبارتند از: بانک مرکزی، بانک‌های دولتی و غیردولتی و مؤسسات اعتباری غیر بانکی دارای مجوز فعالیت از بانک مرکزی. بانک مرکزی، نهاد تنظیم‌کننده بازار است و کلیه امور مربوط به برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، هماهنگی، تدوین مقررات، نظارت، کنترل و تسویه معاملات را بر عهده داشته و جهت اعمال سیاست پولی در بازار شرکت می‌نماید.

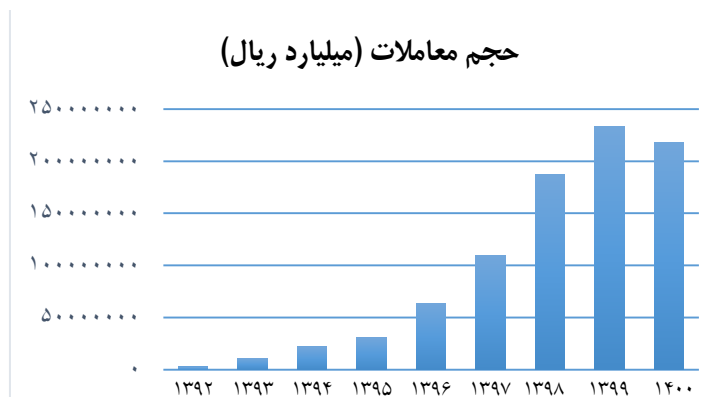
اجزاء ناظر بازار بین بانکی عبارتند از: هیأت عامل بانک مرکزی، کمیسیون اعتباری بانک مرکزی و کمیته مدیریت عملیات بازار بین بانکی ریالی (خوانساری، ۱۳۹۳).

معاملات مجاز در این بازار عبارتند از: تودیع وجوه به‌صورت سپرده، خرید و فروش دین، اوراق مشارکت، گواهی سپرده (عام، خاص و ویژه) و سایر معاملات مورد توافق بانک مرکزی. مسئولیت اعضا، مسئولیت معامله‌گران و اصول حاکم بر معاملات در آیین‌نامه به تفکیک ذکر شده است. در حال حاضر تنها ابزار مورد استفاده در بازار بین بانکی ایران، تودیع سپرده است. اعضای بازار بین بانکی ریالی می‌توانند وجوه خود را نزد یکدیگر به‌صورت سپرده‌گذاری (شامل گواهی سپرده منتشرشده توسط خود) در چارچوب قانون عملیات بانکی بدون ربا تودیع نمایند. مدت متعارف سپرده‌ها می‌تواند یک‌شبه، یک هفته، یک‌ماهه، دو ماهه، سه ماهه، شش ماهه، نه ماهه و یک‌ساله باشد. نرخ سود علی‌الحساب سپرده‌ها طبق توافق طرفین تعیین می‌شود. حداقل مبلغ سپرده‌گذاری ۱۰ میلیارد ریال است و برای مبالغ بیشتر، ضرایبی از ۵ میلیارد ریال اعمال می‌شود. سپرده‌های بین بانکی ریالی مشمول پرداخت ذخیره قانونی نیستند. ساعت کار این بازار، شنبه تا چهارشنبه از ۸:۳۰ تا ۱۵ و پنجشنبه از ۸:۳۰ تا ۱۳ است. شرط بندی، تبادل هدایا و کلاه برداری در این بازار ممنوع است.

ندری و خسروی (۱۳۹۴) در روابط بین بانک‌های تجاری با یکدیگر بهترین رابطه را خرید دین و در ارتباط بین بانک‌های تجاری با بانک مرکزی، خرید دین مجدد مشارکت

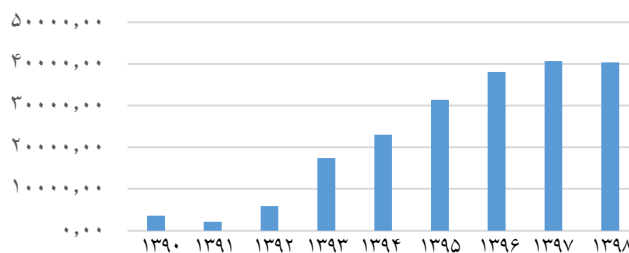
مدنی مشروط را بهترین راهکار می‌دانند و اضافه می‌کنند اگر خلق پول درونی و نظام ذخایر جزئی در اقتصاد اسلامی پذیرفته نباشد، اساساً نیازی به بازار بین‌بانکی نخواهد بود؛ لذا در تحقیقات آتی بانکداری اسلامی باید این دو موضوع تحقیق شود (ندری و خسروی، ۱۳۹۴، ص. ۱۴۴).

خوانساری (۱۳۹۳) چالش‌های بازار بین‌بانکی ریالی ایران را شرح می‌دهد: اختلاف دیدگاه‌های فقهی، مشکلات قانونی در معاملات بین‌بانکی، انگیزه پایین بانک‌ها برای استفاده از بازار بین‌بانکی، شفاف نبودن نرخ سود مرجع، نبود بازار فعال برای معاملات ثانویه اوراق بهادار، مشکلات حسابداری، نبود ساختار نظارت شرعی مناسب، صوری بودن معاملات، عدم تنوع در ابزارهای مالی منطبق با شریعت، فرهنگ‌سازی ناکافی در استفاده از ابزارهای مالی منطبق با شریعت (خوانساری، ۱۳۹۳، ص. ۸).



نمودار (۲): حجم معاملات بازار بین‌بانکی ریالی

منبع: (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۸)

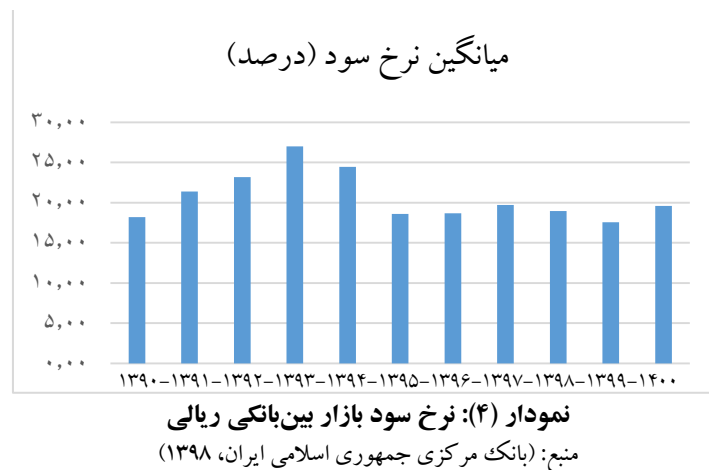


نمودار (۳): تعداد معاملات بازار بین‌بانکی ریالی

منبع: (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۸)

حجم معاملات و تعداد معاملات (عمق بازار بین بانکی) روندی رو به رشد است. حداکثر نرخ سود بازار بین بانکی که توجیه اقتصادی دارد، می‌تواند ۳۴ درصد برابر با جریمه اضافه برداشت بانک‌ها- باشد، در واقع می‌توان این نرخ را سقف نرخ سود این بازار متصور شد. همان‌طور که در نمودار (۴) مشخص است در فاصله بین سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۳ روند افزایشی با توجه به وضعیت تورمی و همچنین افزایش سالانه حجم نقدینگی توجیه می‌شود. علاوه بر اینکه تا سقف ۳۴ درصد هم فاصله دارد ولی پس از آن بانک مرکزی نرخ‌های بازار را به صورت دستوری کاهش داد. به نظر می‌رسد با توجه به این دخالت‌ها دیگر نمی‌توان لفظ بازار را بر این معاملات اطلاق کرد؛ زیرا عرضه و تقاضا با اختلال جدی مواجه و از مسیر طبیعی خود خارج شده است. البته این پدیده در سال‌های اخیر، اصلاح شده و از زمستان ۱۳۹۸ با عملیات بازار باز^{۱۲}، بازار بین بانکی در مسیر توسعه حرکت کرده است.

ابتدای هر روز، بانک مرکزی میانگین موزون نرخ معاملات روز کاری قبل را برحسب سررسیدهای مختلف به عنوان «نرخ مرجع» به اطلاع اعضا می‌رساند. نرخ سود بازار بین بانکی ریالی، از سال ۱۳۸۹ تا سال ۱۳۹۳ روندی صعودی داشته و پس از سال ۱۳۹۳ تا سال ۱۳۹۵ روند نزولی داشته است و پس از آن با یک شیب بسیار ملایم رو به افزایش گذاشته است.



براساس نمودارهای در دسترس، بیشتر معاملات این بازار، یک‌شنبه‌ها هستند. البته براساس مصاحبه‌ها، معمولاً معاملات یک‌شنبه‌ها پس از گفتگوی طرفین گاهی تا شش ماه تمدید می‌شود.

تا سال ۱۳۹۳ به موازات رشد بازار بین‌بانکی، نرخ تأمین مالی در این بازار نیز رو به افزایش بوده است. دلیل این موضوع، بروز مسأله مطالبات معوق و کسری بانک‌ها در تأمین ذخایر و رقابت آن‌ها در جذب منابع در بازار بین‌بانکی به نظر می‌رسد. رشد نرخ سود بازار بین‌بانکی به‌طور طبیعی روی دیگر سکه رشد سایر نرخ‌ها در بازار پول، مانند نرخ سود سپرده و تسهیلات بانکی در دوره موردنظر است (درودیان، گزارشی از وضعیت بازار بین‌بانکی در ایران، مبین). پس از سال ۱۳۹۳ نرخ سود بازار بین‌بانکی روند کاهشی یافته است. دلایل این پدیده ممکن است کاهش نرخ سود سپرده‌های بانکی در این سال‌ها، مدیریت فعالانه نقدینگی بازار توسط بانک مرکزی با سپرده‌گذاری‌های صریح و ضمنی، کاهش نسبت سپرده قانونی و اقدامات دیگر باشد. سپس در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ با افزایش افسارگسیخته نرخ ارز و تورم، نرخ سود بازار بین‌بانکی نیز متأثر شده است.

۶. بازار بین‌بانکی و اقتصاد مقاومتی

با مرور سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغیه مقام معظم رهبری (۱۳۹۲/۱۰/۲۹) به‌نظر می‌رسد:

۱. تأمین شرایط و فعال‌سازی تمام منابع مالی برای کارآفرینی (سیاست اول)، افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش‌بنیان (سیاست دوم)، افزایش تولید داخلی نهاده‌ها و کالاهای اساسی (به‌ویژه در اقلام وارداتی)، و اولویت دادن به تولید محصولات و خدمات راهبردی (سیاست ششم)، به تأمین مالی مناسب نیاز دارد. از آنجاکه تأمین مالی در ایران، بانک‌محور است، تقویت قاعده‌مند بانک‌ها می‌تواند زمینه‌ساز تحقق بندهای مذکور گردد. اگر نظام بانکی، نقدینگی را به بخش واقعی اقتصاد هدایت نماید و در تخصیص تسهیلات و اعتبارات، کاراترین گزینه را انتخاب نمایند، بازار بین‌بانکی می‌تواند با پشتیبانی از شبکه بانکی و مدیریت ریسک نقدینگی بانک‌ها، در جهت رونق تولید و تحقق اقتصاد مقاومتی نیز نقش ایفا کند؛ اما اگر توجه ویژه بانک‌ها به بازار بین‌بانکی جلب

شود و با ریسک نکول تقریباً صفر و سود نسبتاً جذاب متناسب با این ریسک کم، نزد یکدیگر سپرده‌گذاری نمایند، این بازار به محلی مطمئن برای کسب سود مناسب با ریسک بسیار کم برای سپرده‌گذاری بانک‌ها تبدیل خواهد شد. در این صورت، بازار بین بانکی نه تنها به هدایت نقدینگی به بخش واقعی اقتصاد کمکی نخواهد کرد، بلکه خود در هدایت نقدینگی به تولید، اختلال ایجاد کرده و مانعی برای رونق تولید خواهد شد.

۲. اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور باهدف پاسخ‌گویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی (بند نهم)؛ اصلاح بازار بین بانکی به‌عنوان هسته بازار پول و یکی از ارکان نظام بانکی لازمه این سیاست است. همچنین از کارکردهای بازار بین بانکی اصلاح‌شده، مدیریت ریسک نقدینگی بانک‌ها و در نتیجه ایجاد ثبات در سیستم مالی خواهد بود.

۳. شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری، ارزی و... (بند نوزدهم)؛ در راستای این بند لازم است ابعاد گوناگون نظام بانکی از جمله عملکرد مالی بانک‌ها، عملکرد و پاداش هیأت‌مدیره، صلاحیت مدیران نظام بانکی و یکی از این موارد عملکرد بازار بین بانکی است.

۷. چالش‌های بازار بین بانکی ایران

براساس مطالعه پژوهش‌های بازار بین بانکی، مصاحبه با خبرگان علمی و اجرایی و با روش تحلیل مضمون، چالش‌های زیر برای عملکرد ۱۰ ساله بازار بین بانکی ایران براساس ۴ مضمون فراگیر چالش‌های مربوط به حوزه نظارتی، ساختاری، شرعی و اجرایی استخراج و تمامی چالش‌ها با روش آزمون فرض آماری تأیید شدند.



۱-۷. چالش‌های حوزه ساختار

۱-۱-۷. سازمان‌دهی ناکارای مبادلات بین بانکی

ممکن است بازار بین بانکی کشورها براساس ساختار مالی و اقتصادی آن‌ها متفاوت باشند. در کشور ایران یک ساختار ساده وجود دارد که در آن بانک‌های دارای مجوز بانک مرکزی با یکدیگر مبادله می‌کنند، درحالی‌که می‌توان بازار بین بانکی را لایه‌بندی کرد. در لایه‌های بالایی بانک‌های دارای عملکرد مالی مناسب‌تر با اختیار عمل بیشتر قرار گیرند. برای مثال حد سپرده‌پذیری آن‌ها بیشتر باشد یا امکان مبادله با لایه‌های بیشتری از اعضا را داشته باشند. سپس در لایه‌های بعدی سایر اعضا به صورت محدودتر فعالیت کنند. برای مثال در انگلستان، ۱۵ بانک بزرگ به صورت متمرکز، وام‌دهی می‌کنند و بقیه بانک‌ها که عمدتاً کوچک هستند، از طریق آن‌ها به سیستم بازار بین بانکی متصل هستند (رهبر شمس‌کار، ۱۳۸۳).

۲-۱-۷. عدم وجود سیستم معاملات متشکل

معاملات بین بانکی در حال حاضر به صورت OTC اتفاق می‌افتد و از فقدان یک بازار متشکل رنج می‌برد. ارتقای بازار بین بانکی از OTC به یک بازار شفاف به نحوی که به هم‌رسانی و تسویه منابع در این بستر معاملاتی انجام شود، ضروری به نظر می‌رسد. برای تقریب به ذهن سامانه معاملاتی بورس را می‌توان تصور کرد که در آن معاملات با روش حراج انجام شده و تسویه طرفین نیز در این سامانه اتفاق می‌افتد، البته سیستم تسویه سامانه بین بانکی، با تأخیر و در پایان روز خواهد بود.

۳-۱-۷. عدم وجود زیرساخت‌های مناسب جهت تعیین نرخ شبانه در بازار بین بانکی

بسیاری از بانک‌ها، بدون ثبت سفارش معاملات در سامانه و صرفاً با تماس‌های دوطرفه تلفنی و... یکدیگر را پیدا کرده و انتقال وجوه نیز با ساتنا انجام می‌شود، البته پس‌ازاین فرآیند، موظف هستند معاملات خود را در سامانه بین بانکی ثبت کنند. در نتیجه سامانه معاملات بین بانکی، آن چیزی نیست که بتواند زیرساختی برای کشف نرخ بازار بانکی با روشی همچون حراج و... فراهم و شفافیت معاملات را تضمین کند؛ زیرا نرخ بازار بین بانکی در خارج از سامانه و با توافقات طرفینی شکل می‌گیرد و در مرحله بعد ضمن

برخی پنهان‌کاری‌ها (از جمله تسویه مابه‌التفاوت نرخ توافق شده و نرخ دستوری با استفاده از حساب شرکت‌های زیرمجموعه) در سامانه ثبت می‌شود.

۴-۱-۷. عدم تطابق ویژگی‌های بازار بین‌بانکی با نیازهای شبکه بانکی کشور

هر کشوری شرایط سیاسی، فرهنگی، مذهبی و مالی خود را دارد، در نتیجه باید براساس آن سامانه‌های خود را در بخش‌های مختلف از جمله سیستم بانکی طراحی کند. بسیاری از اوقات طرح‌ها و فرصت‌های سرمایه‌گذاری مناسبی به بانک‌ها پیشنهاد می‌شود اما به دلیل کمبود نقدینگی ناشی از مشکلاتی همچون افزایش روزافزون مطالبات معوق، تسهیلات تکلیفی بدون توجیه اقتصادی و... این پروژه‌ها اجرایی نمی‌شود. حال اگر زیرساخت‌های لازم در بازار بین‌بانکی فراهم آید، بانک‌ها می‌توانند به کمک یکدیگر این طرح‌ها را عملیاتی کرده و موجب رونق تولید نیز شوند. علاوه بر این در مورد تأمین مالی کوتاه‌مدت و بسیار کوتاه‌مدت بانک‌ها، بازار بین‌بانکی با ضعف عدم انطباق با سایر سامانه‌های بانکی نظیر ساتنا، شاپرک و... مواجه است که این خود موجب کاهش کارایی این بازار و ایجاد مشکل برای بانک‌ها در برآورده کردن الزامات بانک مرکزی مبنی بر ذخیره‌گیری‌های مربوطه مانند مبالغ معین شده برای ذخیره قانونی در انجام عملیات تسویه می‌شود.

۵-۱-۷. فعال نبودن بازار ارزی بین‌بانکی

شوک‌های ارزی و التهابات آن در فرض وجود بازار ارزی بین‌بانکی بهتر مدیریت می‌شوند. بازار بین‌بانکی ارزی حدود یک دهه در بازار بین‌بانکی ایران وجود داشته ولی پس از بحران‌های ارزی متوقف شد.

مهم‌ترین چالش‌های بازار ارزی بین‌بانکی چنین عنوان شده: حجم پایین معاملات در بازار بین‌بانکی ارزی ایران در مقایسه با سایر کشورها، محدود بودن معاملات بازار به معاملات نقدی، انحصار دو جانبه در بازار بین‌بانکی ارز، فقدان دستورالعمل اجرایی عملیات بازار بین‌بانکی ارزی، درجه شفافیت پایین و عدم کفایت استراتژی‌های مدیریت ریسک بازار (همتی، ۱۳۹۵).

۶-۱-۷. عدم استفاده از ظرفیت بازار بین‌بانکی جهت ایجاد کریدور نرخ سود

در ادبیات بانکداری، بازار بین‌بانکی به عنوان محلی برای ایجاد کریدور نرخ سود شناخته می‌شود. در روش کریدوری، نرخ بهره‌ای که بانک مرکزی به مازاد سپرده‌های بانک‌ها نزد

خود می‌پردازد به‌عنوان نرخ کف و آن نرخ بهره‌ای که در قالب پنجره تنزیل از بانک‌های دارای کسری می‌گیرد و همان جریمه که اضافه برداشت است، به‌عنوان نرخ سقف کریدور تعیین می‌شود. حال بین این دو نرخ، بانک‌ها با یکدیگر در بازار بین بانکی معامله می‌کنند زیرا هر معامله‌ای خارج از این محدوده، توجیه اقتصادی ندارد. بانک مرکزی از این قابلیت استفاده مؤثر نکرده است.

۷-۱-۷. عدم وجود سازوکار مناسب جهت تشویق شبکه بانکی به عملکرد کارا در بازار

بین بانکی

نهاد ناظر براساس اصل شایستگی و عملکرد مالی موفق، نرخ مبادلات بین بانک‌ها را سامان‌دهی نکرده است. بانک مرکزی با اعلام نرخ دستوری برای بازار بین بانکی، همه را ملزم به رعایت آن می‌کند. در نتیجه بانک‌های با عملکرد مثبت انگیزه خود را برای ادامه روند رو به رشد خود از دست داده و چه بسا دیگر در بازار مشارکت فعال نداشته باشند. از طرف دیگر بانک‌های با عملکرد نامناسب به اشتباه منتفع شده و عدم وجود شفافیت در بازار به آن‌ها انگیزه کاذب جهت ادامه فعالیت علی‌رغم وضعیت نامناسب خواهد داد.

۷-۱-۸. عدم تطابق بازار بین بانکی ایران با اصول اقتصاد اسلامی

برای آسیب‌شناسی بازار بین بانکی لازم است با یک نگاه سامانه‌ای، سیستم بالادستی آن را شناسایی کنیم. بازار بین بانکی، یکی از روش‌های تجهیز منابع در نظام بانکی است. نظام بانکی، خود جزو نظام پولی اقتصاد، در عرض نظام بازار سرمایه و بیمه قرار دارد؛ تمام این اجزا در فرانظام اقتصادی قرار دارند.



شکل (۲): ارتباط بازار بین بانکی با زیرنظام‌های اقتصاد اسلامی

منبع: یافته‌های تحقیق

پژوهشگران اقتصاد اسلامی، ویژگی‌هایی برای نظام پولی و بانکی اسلامی ذکر کرده‌اند. برای مثال، عیوضلو و کریمی‌ریزی (۱۳۹۷) اصول نظام پولی و بانکی اسلامی را به‌عنوان یکی از اجزای نظام اقتصاد اسلامی، این‌گونه برمی‌شمارند: «ثبات پول در چارچوب نظام پولی و مالی اقتصاد اسلامی»، «رابطه نظام پولی و بانکی با بخش حقیقی اقتصاد»، «خلق ارزش از طریق پول»، «قیمت‌گذاری و سهم‌بری سرمایه نقدی از فعالیت اقتصادی»، «عدم تعادل‌های ناشی از ساختار سیستم بانکداری متعارف»، «تخصیص و دسترسی عادلانه»، «نظارت تخصصی نهاد تنظیم‌گر بر اساس الزامات اجرایی عقود».

آیا مبادله وجوه و سود آن در بازار بین‌بانکی، در ازای ارزش‌افزوده ایجاد شده در بخش واقعی اقتصاد است؟ سپرده‌گذاری متقابل که به‌عنوان روش مرسوم در وضعیت فعلی استفاده می‌شود، چه ارتباطی با بخش واقعی اقتصاد دارد؟ کارکرد اصلی بازار بین‌بانکی برای تأمین نیازهای نقدینگی در کوتاه‌مدت است؛ آیا در بازه زمانی کوتاه‌مدت (غالباً یک‌شنبه‌ها) عملاً سرمایه‌گذاری و اعطای تسهیلاتی صورت می‌گیرد که سود آن محاسبه و پرداخت شود؟ در اصل «قیمت‌گذاری و سهم‌بری سرمایه نقدی از فعالیت اقتصادی»، نرخ سود بازار بین‌بانکی، باید بر اساس نرخ سود فعالیتی که در واقعیت اقتصاد صورت گرفته است، پرداخت و دریافت شود. این نرخ‌ها براساس کدام فعالیت اقتصادی، دریافت و پرداخت می‌شوند؟ آیا وضعیت فعلی بازار بین‌بانکی، باعث حفظ ارزش پول ملی است یا با خلق سودهایی که ریشه‌ای در واقعیت اقتصاد ندارند، ثبات پول را به خطر می‌اندازد؟ این مورد، صرفاً بیان می‌کند وضعیت بازار بین‌بانکی با اصول اقتصاد اسلامی در چالش است و به‌عنوان مثال و تقریب ذهن، برخی از نقاط چالش‌برانگیز بیان شد. سؤال‌های مذکور از باب نمونه است و نیاز به مذاقه و بررسی بیشتری دارد.

۷-۹. عدم استفاده از ظرفیت سایر نهادهای مالی در ایجاد یک بازار بین‌بانکی متشکل

در ساختار فعلی بازار بین‌بانکی، فقط بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری اجازه فعالیت و مبادله با یکدیگر دارند. به نظر می‌رسد با استفاده از ظرفیت سایر نهادهای مالی همچون شرکت‌های تأمین سرمایه، بیمه، هلدینگ‌های سرمایه‌گذاری و... بتوان بازار بین‌بانکی چندلایه با ظرفیت بیشتر ایجاد کرد.

۲-۲. چالش‌های حوزه شریعت

۲-۲-۱. تطبیق نداشتن ماهیت بازار بین بانکی با سپرده‌گذاری متقابل (وکالت و شراکت)

معاملات بازار بین بانکی عمدتاً یک‌شبه و از طریق سپرده‌گذاری متقابل صورت می‌پذیرد که در آن طرفین معامله نزد یکدیگر سپرده‌گذاری کرده و در مواقع نیاز از طریق آن در بازار بین بانکی فعالیت می‌کنند. حال آنکه سپرده‌گذاری یک‌شبه و در مدت زمان کم، در عمل نمی‌تواند با حقیقت سپرده‌گذاری (یعنی وکالت بانک سپرده‌گذار (دارای مازاد منابع) به بانک سپرده‌پذیر (کسری منابع) برای سرمایه‌گذاری منابع مالی و کسب سود) همخوانی داشته باشد، زیرا برای وکالت و شراکت در سپرده‌گذاری و سپرده‌پذیری لازم است سود واقعی ابتدا محقق (که این موضوع خود نیازمند گذر زمان است) و سپس محاسبه و تسویه انجام شود. در نتیجه این قرارداد بسیار به قرض شبیه است. وقتی بانک سپرده‌پذیر، منابع را به صورت شبانه وام می‌گیرد و باید فردای آن روز با بانک سپرده‌گذار تسویه کند، چگونه می‌تواند در این مدت محدود سودی به بانک وام‌دهنده بدهد که آن سود از محل فعالیت واقعی به دست آمده باشد؟ این دقیقاً مسأله‌ای است که در بازار بین بانکی ایران وجود دارد و تحقیق و همت بانک مرکزی را جهت ایجاد و به کارگیری عقد مناسب با شرایط این بازار می‌طلبد. علاوه بر این در وضعیت فعلی بازار بین بانکی، بخش عمده و قابل توجهی از معاملات این بازار با سپرده‌گذاری متقابل انجام می‌شود که این خود بر اهمیت پیگیری بررسی جایگزین‌های مناسب می‌افزاید. همچنین استفاده از عقدی در غیر از موضع مناسب خود، در اصل کار اشکال ایجاد می‌کند؛ زیرا به دلیل اختلاف در شرایط موجود با عقد مورد استفاده، هدف اصلی محقق نخواهد شد. این دقیقاً اشکالی است که در بازار بین بانکی ایران مشاهده می‌شود و لزوم استفاده از عقود جایگزین را چندین برابر می‌کند.

۲-۲-۲. عدم وجود قصد جدی بر انجام معامله شرعی توسط برخی متعاملین

در بازار بین بانکی، سپرده‌گذار (بانکی که مازاد منابع دارد) قصد نمی‌کند که به بانک دارای کسری، وکالت بدهد تا او با این پول یک‌شبه یا در یک مدت معین کار کند یا با سرمایه‌اش شریک شود تا بانک سپرده‌پذیر پس از کسر حق الوکاله و سهم خود، مابقی را به سپرده‌گذار سود بدهد. علاوه بر این به دلیل ماهیت کوتاه مدت این بازار وجود چنین قصدی دور از انتظار است. به نظر می‌رسد معاملات در بازار بین بانکی ایران، بیشتر از آنکه منطبق با

شریعت باشد، ظاهر و پوسته آن را شبیه به بازار بین‌بانکی اسلامی کرده ولی در حقیقت امر و در ماهیت، از آن جهت که اولاً و ذاتاً، قصد جدی از طرف متعاملین (بانک‌های دارای مازاد منابع و کسری منابع) برای به‌کارگیری این عقود وجود ندارد و ثانیاً و به‌تبع، این بخش با بخش واقعی اقتصاد ارتباطی برقرار نمی‌کند، نمی‌توان چنین معامله‌ای را خالی از اشکال دانست.

۳-۷. چالش‌های حوزه اجرا

۳-۷-۱. نرخ‌های غیرمتعارف اعطای تسهیلات در بازار بین‌بانکی برای بانک‌های دارای مازاد و عدم تمایل ایشان به اعطای تسهیلات به اشخاص حقیقی و حقوقی غیربانکی

برخی بانک‌ها به‌جای تسهیلات‌دهی، در این بازار سپرده‌گذاری می‌کنند، زیرا از اعطای تسهیلات، ریسک کمتری داشته و بازده معقولی متناسب با ریسک دارد. برای مثال در شرایطی که نرخ تسهیلات مثلاً ۱۸ درصد است، بازار بین‌بانکی با ریسک تقریباً صفر، ۱۶ درصد می‌تواند سودآوری داشته باشد. در نتیجه بانک‌ها منابع خود را به تسهیلات تخصیص نمی‌دهند تا در بازار بین‌بانکی سپرده‌گذاری کنند و این برای کل اقتصاد خطرناک است. زیرا منابعی که باید از طریق اعطای تسهیلات، با ورود به بخش تولیدی و تأمین سرمایه در گردش آن‌ها مشکلات نقدینگی‌شان را حل کرده و موجب رونق در آن شرکت و همچنین در کل اقتصاد شود، صرفاً بین بانک‌ها مبادله شده و طرف بدهکار و بستانکار ترازنامه تک‌تک بانک‌ها را سنگین‌تر می‌کند؛ درحالی‌که این سنگینی بخش مالی اقتصاد نه‌تنها موتور محرکی برای بخش واقعی به حساب نمی‌آید، بلکه رخوت بخش واقعی را در پی دارد.

۳-۷-۲. روش نامناسب اعلام مازاد و کسری بانک‌ها

در حال حاضر، هر بانک منابعی را که می‌خواهد تسهیلات بدهد یا بگیرد، در سامانه بازار بین‌بانکی اعلام می‌کند؛ این اعلام ممکن است با واقعیت کسری یا مازاد منابع منطبق نباشد و با انگیزه‌های کسب سود بیشتر یا سفته‌بازی یا دیگر اغراض همراه باشد. در نتیجه، منابع در چرخه اقتصاد حقیقی به‌کار گرفته نشده و در بازار بین‌بانکی توسط بانک‌ها محبوس شده و می‌چرخد.

۳-۳-۷. عدم وجود نرخ سود پویا و واقعی به دلیل عدم تقارن اطلاعاتی

میزان دقیق کسری بانک‌های متقاضی منابع و سابقه فعالیت آن‌ها در بازار بین بانکی در دسترس نیست. در نتیجه، امکان تعیین دقیق نرخ اعطای تسهیلات مبتنی بر میزان ریسک ایشان وجود ندارد.

۴-۳-۷. ارتباط نداشتن بازار بین بانکی ایران با سایر کشورها

در دنیای امروز با پیشرفت فناوری اطلاعات و از طریق آن، بخش‌های مالی کشورها عمدتاً در تعامل و تبادل هستند. از جمله در بازار پول. استفاده بازار بین بانکی ایران از چنین ظرفیتی، فضای گسترده‌تری برای تعامل و عمق‌بخشی فراهم می‌کند. برای مثال، در یک کشور روز است و کشور دیگری شب؛ منابع می‌توانند از نظام بانکی کشوری که شب است و تعطیل، به بانک‌های کشوری که روز است و مشغول فعالیت، جابجا شوند. در نتیجه این اتصال، معضلات ارزی نیز کمتر می‌شود. البته باید توجه داشت مسائل سیاسی نیز اثرگذار هستند و پس از خروج آمریکا از برجام و اعمال تحریم‌های یک‌جانبه مالی آن‌ها بر ایران انجام مبادلات بین‌المللی ارزی به شدت محدود شده و کمتر بانکی در جهان حاضر به نقض تحریم‌های آمریکا می‌شود.

۵-۳-۷. عدم استفاده از ظرفیت بازار بین بانکی جهت اعمال سیاست‌های پولی و عملیات بازار باز

بازار بین بانکی می‌تواند ظرفیت بسیار خوبی در اختیار بانک مرکزی قرار دهد تا با عملیات بازار باز در این بازار و با همکاری بانک‌ها، سیاست‌های کوتاه‌مدت پولی خود را به سرانجام برساند و با اثرگذاری بر متغیرهای کلان همچون نرخ سود و تورم، موجب ثبات در اقتصاد کشور شود. این در حالی است که بانک مرکزی در ماه‌های اخیر چندین بار قصد عملیاتی کردن مبادلات بازار باز را داشته ولی به دلایلی همچون عدم تناسب عمق بازار بین بانکی با اهداف و همچنین حجم ریالی عملیات بازار باز شکست خورده است.

۶-۳-۷. استفاده نکردن از ظرفیت بازار بین بانکی برای تبادل اوراق بازار پول و سرمایه

بانک مرکزی می‌تواند با فراهم کردن شرایط مبادله اوراق بازار پول و سرمایه در بازار بین بانکی، عمق این بازار را افزایش داده و از طریق آن ریسک نقدینگی شبکه بانکی را بهتر

مدیریت کند. همچنین عمق ابزارهای بازار پول و سرمایه افزایش یافته و از آن‌ها در جهت اهدافی همچون تأمین سرمایه در گردش بخش‌های تولیدی استفاده بیش‌تری خواهد شد. زیرا وقتی این اوراق در بازار بین‌بانکی مبادله شوند، حجم معاملات و نقدشوندگی آن‌ها افزایش یافته و مردم بیشتر به خرید این اوراق ترغیب می‌شوند. از این‌رو شرکت‌های بیشتری می‌توانند این اوراق را به پشتوانه حمایت بانک‌ها منتشر و سرمایه در گردش خود را تأمین کنند.

۷-۳-۷. عدم استفاده از ظرفیت بازار بین‌بانکی جهت اتصال بازارهای مالی

به نظر می‌رسد برای افزایش کارایی در سیستم مالی کشور اعم از بازار پول و سرمایه، باید بخش‌های گوناگون نظام مالی ایران به یکدیگر متصل شوند. یکی از زمینه‌های این اقدام، بازار بین‌بانکی است که می‌تواند بستری برای مبادله توأمان اوراق بازار پول و اوراق بازار سرمایه گردد. معامله هم‌زمان اوراق بازار پول و سرمایه می‌تواند عمق و تنوع ابزارهای بازار بین‌بانکی را افزایش دهد.

۷-۳-۸. عدم وجود تضمین بازپرداخت در مبادلات بازار بین‌بانکی

در دستورالعمل بانک مرکزی از سپرده‌گذاری متقابل، بیع خرید دین و استفاده از اوراق مختلفی که در تأیید نهاد ناظر است به‌عنوان ابزار موردقبول بانک مرکزی جهت انجام مبادلات بین‌بانکی ذکر شده است. حال آنکه حداقل در سپرده‌گذاری متقابل به روش و فرآیند بازپرداخت وام اشاره‌ای نشده است که این نشان از عدم وجود تضمین قانونی جهت بازپرداخت وام است. این موضوع ریسک نکول را بالا برده و بانک‌های سپرده‌گذار در بازار بین‌بانکی را با مشکل مواجه می‌کند. هرچند عدم بازپرداخت وجوه از طرف بانک سپرده‌پذیر اعتبارش را خدشه‌دار می‌کند ولی این به‌تنهایی نمی‌تواند تضمین خوبی قلمداد شود.

۷-۴. چالش‌های حوزه نظارت

۷-۴-۱. وجود نداشتن شرایط و ضوابط شفاف

شرایط پذیرش مؤسسات مالی و اعتباری بازار پول و بانک‌ها در این بازار شفافیت لازم را ندارد و همه بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری به‌غیر از بانک‌های قرض‌الحسنه امکان

عضویت در این بازار را دارند، درحالی‌که به نظر می‌رسد توجه به معیارهایی مانند کفایت سرمایه ضروری است. از طرف دیگر باوجود نظارت حداقلی بانک مرکزی برای جلوگیری از رشد نرخ سود بازار بین بانکی، الزامات پیشگیرانه‌ای برای جلوگیری از اقدامات بی‌ثبات‌کننده اعضا در نظر گرفته نشده است؛ به‌طور مثال حد سپرده‌پذیری اعضا با توجه به سرمایه‌شان معین نشده است. در واقع معیاری از سوی نهاد ناظر جهت تمییز اعضای منضبط و اخلاص‌زا از یکدیگر مشاهده نمی‌شود.

۲-۴-۷. دلالتی برخی بانک‌ها

برخی بانک‌ها به دلیل اعتبار کمتری که دارند نمی‌توانند از برخی بانک‌های دیگر در بازار بین بانکی تأمین مالی کنند. در این میان بانک‌هایی هستند که دارای اعتبار مناسب هستند و می‌توانند از بانک‌های دارای مازاد منابع، منابع مالی دریافت کنند هرچند خودشان کسری منابع نداشته باشند. در نتیجه بانکی که اعتبار مناسب دارد و کسری ندارد، منابع را از بانک دارای مازاد منابع گرفته و در همان روز در بانکی که کسری منابع دارد با نرخی بیشتر از آنچه خودش سپرده‌پذیری کرده است، سپرده‌گذاری می‌کند و از اختلاف این دو نرخ با دلالتی سود می‌برد. در واقع در یک روز، همان بانکی که سپرده پذیر بوده هم‌زمان سپرده‌گذار نیز شده است. این مشکل بیشتر ضعف نهاد ناظر در نظارت را مشخص می‌کند. همچنین عدم تعریف ابزارهای تنبیهی پیشگیرانه از سوی نهاد ناظر نیز مؤثر است. در نتیجه بانک‌ها به‌جای صرف وقت و تلاش برای حمایت از بخش‌های تولیدی- خصوصاً بخش صنعت و کشاورزی- و ایجاد ارزش‌افزوده برای کشور به دنبال سفته‌بازی بوده و نه تنها خود از ضعف نهاد ناظر بهره جسته، بلکه از هدایت منابع بانک تسهیلات‌دهنده به بخش واقعی اقتصاد نیز جلوگیری کرده‌اند.

۳-۴-۷. سهل‌گیری بانک مرکزی برای برخی بانک‌های بی‌انضباط و تنبیه نکردن آن‌ها

بنا به اذعان برخی از مصاحبه‌شوندگان، بانک مرکزی در قبال بانک‌هایی که کسری منابع دارند، رفتار دوگانه دارد. اگر بانکی که نزد بانک مرکزی کسری دارد، بانک معتبر و قوی باشد -ولو مقدار این کسری کم باشد- سریعاً توسط بانک مرکزی جریمه می‌شود. ولی بانک‌هایی که کسری‌های زیاد و وضعیت نامناسب دارند، در راستای حمایت از ورشکسته نشدن آن‌ها، جریمه نمی‌شوند.

۴-۴-۷. عدم رتبه‌بندی اعتباری بانک‌ها

اطلاعاتی که تجمیع و انتشار آن در قالب رتبه اعتباری به توسعه و ریسک‌زدایی از نرخ بازار بین‌بانکی کمک می‌کند، سابقه نکول بانک‌ها در معاملات بین‌بانکی است که اعتماد به بانک‌های خوش حساب و دارای سابقه اعتباری مناسب را افزایش می‌دهد و موجب تعمیق این بازار خواهد شد، افشای این اطلاعات حداقل برای کاربران سامانه معاملات بین‌بانکی ضروری است.

۴-۴-۵. استفاده ناصحیح بانک‌های تجاری از ماهیت بازار بین‌بانکی

در بازار بین‌بانکی ایران بانک‌هایی که با کسری منابع مواجه‌اند، وجوه موردنیازشان را از بانک‌های سپرده‌گذار عمدتاً به صورت یک‌شبه تأمین می‌کنند، اما مشکلات نقدینگی‌شان در این مدت بسیار کوتاه برطرف نمی‌شود. در نتیجه سررسید این معامله را از راه تمدید اعتبار قراردادهای، افزایش داده و در مواردی این افزایش سررسید تا ۶ ماه هم به طول می‌انجامد. در این شرایط، بانک‌های دارای کسری با این کار روزه‌روز وابستگی تضعیف‌کننده خود به بازار بین‌بانکی را تشدید کرده و انگیزه و عزمی برای اصلاح ساختار خود نخواهند داشت.^{۱۳}

۴-۴-۶. عدم وجود مقررات سخت‌گیرانه جهت اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی

بانک مرکزی باید تا جایی که بازار بین‌بانکی ظرفیت و توانایی دارد، درخواست‌های اضافه برداشت را به این بازار ارجاع دهد و با جدیت تمام از هرگونه اضافه برداشت جلوگیری کند. اما در عمل بانک مرکزی برای جلوگیری اضافه برداشت انگیزه جدی و قوانین کارآمدی ندارد و بازار بین‌بانکی را به حاشیه می‌برد. نتیجه این فرآیند غلط این می‌شود: به دلیل ناکارایی بازار بین‌بانکی، به‌مرورزمان از کارایی و پیشرفت شبکه بانکی و حتی ارتباط آن‌ها با بانک مرکزی نیز کاسته می‌شود.

۱۳. این مسأله با سرمایه‌گذاری و عملیاتی کردن پروژه‌های سودآور متفاوت است؛ می‌توان با گسترش تعریف بازار بین بانکی، استفاده از فرصت‌های سرمایه‌گذاری را نیز از کارکردهای این بازار دانست که به تحقیق و بررسی جداگانه نیاز دارد.

۸. راهکارهای پیشنهادی

عملکرد بازار بین بانکی ایران براساس آخرین آمارهای موجود حاکی از رشد حجمی و اهمیت روزافزون توجه به این بازار است. در این مقاله با مطالعات کتابخانه‌ای، مرور پیشینه پژوهش بازار بین بانکی و مصاحبه از خبرگان علمی و اجرایی، چالش‌های شرعی، نظارتی، اجرایی، ساختاری و علمی و تخصصی بازار بین بانکی ایران تبیین شد. این بازار در بیش از یک دهه فعالیت خود، علی‌رغم اثرات مثبت و مؤثر بر شبکه بانکی، با مشکلات قابل توجهی مواجه است. شبکه بانکی و بانک مرکزی به‌عنوان نهاد ناظر باید در راستای رفع این مشکلات و چالش‌ها بکوشند تا بازار بین بانکی بتواند ضمن برطرف کردن نیازهای شبکه بانکی از جمله مدیریت ریسک نقدینگی و فراهم کردن فرصت‌های سرمایه‌گذاری در چارچوب اقتصاد مقاومتی، با ایفای نقش موتور محرک برای انتقال منابع موجود در شبکه بانکی به بخش واقعی اقتصاد، رونق تولید و تحقق اقتصاد مقاومتی را دنبال کند. چالش‌های تأییدشده با استفاده از گروه کانونی و جلسات متعدد هم‌اندیشی، بررسی شده و پیشنهاد می‌شود:

۱. دو دسته شرایط و مقررات وضع شود؛ یکی «شرایط ورود به بازار بین بانکی» و دیگری «مقررات و استانداردهایی برای ادامه فعالیت بانک‌های پذیرفته‌شده و تعیین حد سپرده‌پذیری آن‌ها در این بازار». برای مثال در مرحله پذیرش می‌توان به وضعیت صورت‌های مالی بانک‌ها رجوع کرد و از نسبت‌های متعارف نظام بانکی مانند نسبت کفایت سرمایه استفاده نمود و در مرحله ادامه فعالیت بانک‌ها، عملکرد بانک‌ها را بررسی کرد و برای هرکدام، حد سپرده‌پذیری براساس رتبه اعتباری آن بانک یا مؤسسه اعتباری تعیین کرد. هدف مقررات‌گذاری برای عملکرد بانک‌ها و مؤسسات پس از پذیرش، جلوگیری از اخلاقی‌زایی در بازار است. حال برای بانک‌هایی که مجاز به ورود به این بازار نشوند، چه سازوکاری باید تعیین شود تا به شرایط مطلوب برسند و اجازه ورود یابند، خود مسأله‌ای است که نیاز به تحقیق دقیق و مجزا دارد.

۲. به نظر می‌رسد برای بهبود عملکرد این بازار و جلوگیری از سوءاستفاده برخی بانک‌ها، باید ساختار بازار بین بانکی را با توجه به واقعیت‌ها و شرایط خاص نظام بانکی ایران اعم از نوع مؤسسات موجود، شرایط فعالیت آن‌ها و اقتصاد کلان کشور

بازطراحی کرد. برای بازطراحی لازم است ساختارهای مرسوم دنیا از جمله «لایه‌بندی»^{۱۴} مرور شده و مناسب با نظام پولی-مالی ایران بازطراحی شود.
 ۳. به‌طور کلی در ارائه راهکار برای چالش‌های شرعی و نیل به بازار بین‌بانکی اسلامی باید توجه کرد:

- الف) آنچه موجب صحت معامله می‌شود، قصد معاملی است. بانک‌هایی که در این بازار معامله می‌کنند، لازم است قصد واقعی آن قرارداد را داشته باشند.
- ب) باید داخل هر بانک و مؤسسه اعتباری تمهیداتی برای آموزش و فرهنگ‌سازی موضوعات مالی اسلامی اتخاذ شود؛ در سطح هر بانک به کارشناسان و مدیران بانکی در این زمینه آموزش‌های لازم داده شود و در سطح شبکه بانکی در هر بانک و مؤسسه اعتباری شورای فقهی ذیل شورای فقهی بانک مرکزی تشکیل شود تا بر اجرای صحیح مصوبات شورای فقهی بانک مرکزی نظارت داشته و چالش‌های شرعی معاملات هر بانک را بررسی کرده و در صورت توسعه راهکار، این راهکار باید به تأیید شورای فقهی بانک مرکزی برسد.
- ج) با تشکیل یک کارگروه در بانک مرکزی نظام شایستگی انتخاب مدیران بانکی متخصص و متشرع اجرایی شود.
- د) به‌جای استفاده از سپرده‌گذاری متقابل از ابزارهای اسلامی غیر کوتاه‌مدت^{۱۵} و غیر معکوس‌شونده^{۱۶} استفاده شود.
- ه) لازم است بین اندیشمندان و پژوهشگران اقتصاد اسلامی و مالی اسلامی جلسات هم‌اندیشی و پژوهش‌های نظام‌مند برگزار شود تا ارکان نظام بانکی

۱۴. لایه‌بندی دو معنای کلی دارد؛ یک، بانک‌ها براساس وضعیت عملیاتی خود و به‌صورت سلسله مراتبی اجازه فعالیت داشته باشند و به بانک‌ها با وضعیت بهتر، آزادی عمل بیشتری داده شود؛ اینکار خود مشوقی برای ارتقاء وضعیت بانک‌ها نیز خواهد بود. در این ساختار، مقررات‌گذاری و نظارت در هر یک از لایه‌ها برعهده نهاد ناظر است. دو، بانک‌ها براساس معیارهایی مانند اندازه و... لایه‌بندی شده و هر بانک فقط بتواند با بانک‌های هم‌لایه خود تبادل کند یا بانک‌های کوچکتر با برخی بانک‌های لایه بالاتر خود و مانند این.

۱۵. به‌نظر می‌رسد انحصار بازار بین بانکی فقط برای وجوه کوتاه‌مدت، منطقی مستحکم‌تری ندارد؛ چه‌بسا بانکی منابع آزاد برای بلندمدت دارد و بانک دیگر فرصت‌های دارای توجیه اقتصادی؛ بازار بین بانکی در این میان نیز ظرفیت ایفای نقش دارد.

- (از جمله اصول بازار بین بانکی) و ابزارهای جدید و متناسب با بازار بین بانکی براساس اصول اقتصاد اسلامی و به گونه‌ای عملیاتی، طراحی شود.
۴. نفس دلالی توسط بانک‌ها، اشکالی متوجه نظام بانکی نمی‌کند و شایسته است دولت و بانک مرکزی به عنوان مقام‌های بالادستی اجازه دهند بانک‌ها آزادانه فعالیت نمایند. همچنین بانک مرکزی به عنوان نهاد ناظر می‌بایست «بستر مناسب نظارت و کنترل فعالیت آزادانه بانک‌ها» را ایجاد نماید. بنابراین نهاد ناظر باید به طراحی روشی و ساختار نظارتی و طراحی کنترل واسطه‌گری بین بانکی به گونه‌ای که انحصار ایجاد نشود، اهتمام بورزد.
۵. چالش سهل‌گیری بانک مرکزی در خصوص بانک‌های بی‌انضباط، معلول سایر چالش‌ها است. یعنی با تصحیح مقررات‌گذاری چنین چالشی خود به خود برطرف خواهد شد. به نظر می‌رسد برای حل معضلات نظام بانکی و بالأخص بازار بین بانکی، وجود سهل‌گیری از سوی نهاد ناظر نه تنها مشکلات را حل نکرده، بلکه عقب انداختن اقدامات لازم، هزینه حل مشکلات را در آینده چند برابر می‌نماید. بانک مرکزی باید نقش خود را از حمایت صرف از بانک‌ها به نظارت صرف تغییر داده و نقش آخرین وام‌دهنده^{۱۷} را فقط در جای مناسب ایفا کند.
۶. تصحیح نرخ‌گذاری در نظام بانکی با استفاده از کریدور نرخ سود امری لازم الاجراست و با پیاده‌سازی آن، مشکل نرخ‌های غیرمعارف حل خواهد شد. از منظر دیگر باید منابع شبکه بانکی را با نرخ‌های مدنظر بانک‌ها به سمت بخش‌های مولد اقتصاد هدایت کرد. با اینکار وجوه را کد به سمت تولید روانه خواهد شد و در کنار ایجاد رونق اقتصادی و اشتغال پایدار، بانک‌ها و مؤسسات اعتباری نیز به تسهیلات‌دهی تمایل پیدا خواهند کرد.
۷. به نظر می‌رسد در اعلام مازاد و کسری بانک‌ها، باید اصل فعالیت آزادانه بانک‌ها حفظ شود و تا جایی که موجب ایجاد اخلال در شبکه بانکی نشده در آن دخالتی نشود. به نهاد ناظر پیشنهاد می‌شود: اولاً، از روش هدایت اعتبار استفاده کند؛ یعنی با تدوین مشوق‌های جذاب، وجوه را به سمت تقاضای واقعی موجود در بخش‌های

۱۷. این نقش در ادبیات تخصصی Lender of Last Resort نام دارد؛ اما این کارکرد در بانکداری بدون ربا در قراردادی غیر از قرض تحقق می‌یابد.

تولیدی هدایت کند و با سیاست‌گذاری و نظارت مؤثر، از انحراف تسهیلات بانکی جلوگیری نماید؛ ثانیاً، صرفاً در مواردی که نهاد ناظر، فعالیت بانک‌ها و مؤسسات اعتباری را اخلاصاً تشخیص داد، با استفاده از مقررات‌گذاری‌های انجام‌شده ورود کرده و از اختلال جلوگیری نماید. همچنین بانک مرکزی می‌تواند اطلاعات مربوط به کسری و مازاد بانک‌ها را در اختیار شبکه بانکی گذاشته تا بانک‌ها خودشان با استفاده از روش بازار و اطلاع از بانک‌های رقیب، فریب اقدامات اخلاصاً را نخورند.

۸. ارتقای بازار بین‌بانکی از OTC به یک بازار متشکل و شفاف به‌نحوی که به هم‌رسانی و تسویه منابع در این بستر معاملاتی انجام شود، ضروری به‌نظر می‌رسد. برای ایجاد چنین سیستم معاملاتی یکپارچه پیشنهاد می‌شود مسئولان بازار بین‌بانکی بانک مرکزی از تجربیات مسئولین سازمان بورس اوراق بهادار در راه‌اندازی سیستم معاملاتی استفاده کنند.

۹. نهاد ناظر اطلاعات مربوط به کسری بانک‌ها را در اختیار اعضا قرار دهد تا با اطلاع دقیق از وضعیت یکدیگر، اطلاعات نامتقارن حذف‌شده و نرخ سود بازار به ریسک اعضا گره‌زده شود. همچنین بانک مرکزی باید در ابتدای هر روز معاملاتی در بازار بین‌بانکی، نرخ میانگین موزون سود مربوط روز معاملاتی قبلی را اعلام نماید و در اختیار عموم قرار دهد تا کارگزاران اقتصادی به تدریج این نرخ را به‌عنوان لنگر اسمی و راهبر انتظارات تورمی خود بپذیرند. راهبرد فوق برای ایجاد یک بازار متشکل ارزی بین‌بانکی نیز پیشنهاد می‌گردد.

۱۰. با توجه به اینکه نهاد ناظر اطلاعات معاملات بازار بین‌بانکی را کاملاً شفاف در اختیار دارد، باید حداقل آن را در اختیار شبکه بانکی قرار دهد و اطلاعات را در قالب گزارش‌های ماهانه و روزانه برای آن‌ها افشا کند. با توجه به اینکه افشای اطلاعات به‌صورت برخط^{۱۸} اکنون در بورس اوراق بهادار در حال انجام است، پس کاملاً در دسترس و شدنی است. درحالی‌که اکنون گزارش‌های بازار بین‌بانکی با اختلاف یک‌ساله توسط بانک مرکزی افشا می‌شود و طبیعتاً ارزش آن‌ها بسیار کاهش می‌یابد. دسترسی به داده‌های به‌روز، لازمه کار پژوهشی نیز هست. برای مثال، از سال

- ۱۳۹۴ مبادلات سالانه بازار بین بانکی براساس مدت زمان (یک‌شبهه، ماهانه و...) از گزارش‌های بانک مرکزی حذف شده است و بهتر است قرار داده شود.
۱۱. با تشکیل بازار متشکل بین بانکی، زیرساخت مناسب برای تعیین نرخ بازار بین بانکی فراهم می‌شود، اما نهاد ناظر نیز باید با پنهان‌کاری بانک‌ها و انجام توافقات پست پرده از طریق رصد منظم گزارش‌های بانک‌ها و عملیات Screening & Monitoring مقابله کند.
۱۲. راه‌اندازی سیستم اعتبارسنجی و فعالیت مؤسسات اعتبارسنجی موجب ایجاد شفافیت در نظام بانکی، تمییز بهتر اطلاعات و داده‌ها از یکدیگر و در نهایت افزایش پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری خواهد شد. این اقدام به همکاری کل شبکه بانکی و نهاد ناظر برای در اختیار قرار دادن داده‌ها، نیاز دارد. کاهش عدم‌تقارن اطلاعاتی، ایجاد نرخ سود پویا و تشویق شبکه بانکی به عملکرد کارا از دیگر ثمرات این اقدام است.
۱۳. برخی از معاملات بازار بین بانکی که یک‌شبهه انجام می‌شود، بارها و بارها تمدید شده و حتی ممکن است بانک سپرده‌پذیر چندین ماه پول را برنگرداند. از آنجایی که در کشور از نظام مالی اسلامی استفاده می‌شود و عقود اسلامی ظرفیت‌های بزرگی در این زمینه دارند، می‌توان به جای معاملات یک‌شبهه و تمدیدهای مجدد، از عقود و ظرفیت مالی اسلامی برای معاملات بلندمدت‌تر و با اهداف متنوع‌تر استفاده کرد.
۱۴. به نظر می‌رسد علی‌رغم وجود تحریم‌های شدید پولی بین‌المللی علیه ایران که ایجاد ارتباط بین بانک‌های داخلی و خارجی را بسیار دشوار کرده، می‌توان از ظرفیت کشورهای همسایه ایران و کشورهای که روابط خوبی با ایران دارند از جمله روسیه و چین برای ایجاد ارتباطات ارزی بین بانکی استفاده کرد و با ایجاد چنین بازارهای بین بانکی محدود بین چند کشور، به فکر گسترش آن بود. استفاده از ظرفیت فناوری بلاکچین^{۱۹} و رمزارزها^{۲۰} در این راستا مفید است و نیاز به پژوهش مستقل دارد.

۱۵. راه‌اندازی بازار بین‌بانکی ارزی ضروری به‌نظر می‌رسد. ساختار این بازار باید به‌گونه‌ای باشد تا به‌راحتی و با ایجاد ناآرامی‌های ارزی دچار اختلال و فروپاشی نشود. همچنین سیستم قبلی این بازار خروج منابع ارزی از کشور را تسهیل می‌کرد، زیرا تأمین‌کننده ارز این بازار عمدتاً بانک مرکزی بود که منابع را از محل فروش نفت تأمین کرده و در اختیار بانک‌ها و مؤسسات مجاز قرار می‌داد و آن‌ها صرفاً مصرف‌کننده بودند. از سوی دیگر نیز این فرآیند موجب افزایش قاچاق می‌شد (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۴).

۱۶. دو دسته بانک که از بازار بین‌بانکی تأمین مالی کردند، نکول می‌کنند: یک دسته به علت مشکلات نقدینگی توانایی پرداخت ندارند که باید با استفاده از روش‌های تخصصی مدیریت ریسک به کاهش ریسک نقدینگی آن‌ها پرداخت و این خود می‌تواند موضوع یک پژوهش مجزا باشد. دسته دوم، با وجود توانایی پرداخت، تمایلی به بازپرداخت ندارند. در واقع منابعی را که از بازار بین‌بانکی کسب کرده‌اند، در پروژه‌هایی سرمایه‌گذاری کرده‌اند که نرخ سود آن از نرخ سود بازار بین‌بانکی بیشتر است. اینجا وظیفه نهاد ناظر است که با اتخاذ تدابیر پیشگیرانه از چنین اتفاقاتی جلوگیری کند. برای مثال، نهاد ناظر می‌تواند بانک‌های سپرده‌پذیر را ملزم به ارائه توضیحات درباره محل مصرف منابع مذکور نموده و سپس بر اساس این توضیحات، از بانک سپرده‌پذیر گزارش عملکرد بخواهد.

۱۷. بانک مرکزی هر هفته آمادگی خود را برای خرید اوراق خزانه اسلامی به شبکه بانکی اعلام می‌کند، اما یا معامله‌ای انجام نمی‌شود یا با حجم معاملات بسیار محدود است. رویکرد بانک مرکزی در قبال ظرفیت بازار بین‌بانکی، منفعلانه بوده و عملاً از این ظرفیت استفاده مؤثری نمی‌شود. در نتیجه سیاست‌های پولی عملیاتی نخواهد شد. به نظر می‌رسد بانک مرکزی باید از راه ایجاد مشوق‌هایی مشارکت بانک‌ها را در فعالیت‌هایی از این دست افزایش داده تا با ظرفیت موجود در بازار بین‌بانکی سیاست‌های پولی به ثمر بنشینند.

۱۸. بانک مرکزی باید با ایجاد کریدور، نرخ سود پایه را تعیین کرده^{۲۱} و نرخ‌های سود دیگر را تحت تأثیر قرار دهد. با اینکار، تخطی از کریدور نیز توجیه اقتصادی نخواهد

۲۱. در بانکداری بدون ربا، این هدف مبتنی بر قراردادهای و ابزارهای مالی اسلامی تعیین می‌شود.

داشت و چالش نرخ‌های غیرمتعارف حل می‌شود، زیرا اگر بانکی نرخ بیشتری از سقف کریدور اعلام کند، بانک‌ها می‌توانند با نرخ کمتری از بانک مرکزی تسهیلات دریافت کرده و دریافت تسهیلات بانک مذکور با نرخ بیشتر از سقف کریدور منطقی نیست. همچنین اعلام نرخ سپرده‌پذیری شبکه بانکی و نرخ اعطای تسهیلات، دستوری نخواهد بود و براساس نرخ موجود در بازار بین بانکی و با استفاده از ساختار بازار تعیین خواهد شد. علاوه بر این‌ها بانک مرکزی می‌تواند سیاست‌های پولی خود را اجرایی کرده و برای مثال به مهار تورم بپردازد.

۱۹. بانک مرکزی می‌تواند با فراهم کردن شرایط مبادله اوراق بازار پول و سرمایه در بازار بین بانکی، عمق این بازار را افزایش داده و از طریق آن ریسک نقدینگی شبکه بانکی را بهتر مدیریت کند. همچنین عمق ابزارهای بازار پول و سرمایه افزایش یافته و از آن‌ها در جهت اهدافی همچون تأمین سرمایه در گردش بخش‌های تولیدی استفاده بیشتری خواهد شد. زیرا وقتی این اوراق در بازار بین بانکی مبادله شوند، حجم معاملات و نقدشوندگی آن‌ها افزایش یافته و مردم بیشتر به خرید این اوراق ترغیب می‌شوند. از این رو شرکت‌های بیشتری می‌توانند این اوراق را به پشتوانه حمایت بانک‌ها منتشر و سرمایه در گردش خود را تأمین کنند.

به نظر می‌رسد برای افزایش کارایی در کل سیستم مالی کشور اعم از بازار پول و سرمایه، باید بخش‌های مختلف این بازار به هم متصل شود تا با رقابتی‌تر شدن فضا و تعمیق قسمت‌های مختلف زمینه پویایی هرچه بیشتر بخش مالی اقتصاد فراهم آید و از آن طریق در بخش واقعی اقتصاد نیز تحولاتی رخ دهد. یکی از زمینه‌های ایجاد این اقدام بزرگ، بازار بین بانکی است که می‌توان با استفاده از آن ابزارهای بازار پول و بازار سرمایه را در شبکه بانکی مبادله کرد ولی درعین حال از این ظرفیت استفاده نشده است. در واقع اگر ابزارهای بازار پول و بازار سرمایه در این بازار مبادله شوند و زمینه تبادل آن‌ها در بورس اوراق بهادار به‌عنوان بازار ثانویه فراهم شود، رونق مهمی در این عرصه رخ خواهد داد. البته این اقدام به زیرساخت‌ها و قوانین و مقررات بسیار مطمئن نیاز دارد تا نه تنها موجب ریسک سامانه‌ای در کل سیستم مالی اقتصاد و وقوع بحران مالی نشود، بلکه به‌عنوان ضربه‌گیر ریسک‌های

- بازارهای دیگر را خنثی کرده و اقتصاد را از بحران‌های احتمالی مصون دارد؛ بررسی این موضوع نیاز به تحقیقات گسترده دارد.
۲۰. بانک مرکزی می‌بایست با جدیت تمام جلو هرگونه اضافه برداشت را بگیرد، تا جایی که بازار بین‌بانکی ظرفیت و توانایی دارد درخواست‌های اضافه برداشت را به این بازار ارجاع دهد و سقف کرایدور را نیز رعایت کند. در نتیجه پایه پولی کنترل شده و از افزایش پول پر قدرت و افزایش نقدینگی جلوگیری می‌شود و به بازار بین‌بانکی رسمیت می‌دهد و بر ظرفیت‌های بازار بین‌بانکی و پویایی آن و عمق آن نیز افزوده خواهد شد. همچنین به نظر می‌رسد بانک مرکزی می‌تواند از طریق خرید اوراق خزانه بانک‌ها با استفاده از عقود اسلامی و عملیات بازار باز برای آن‌ها تأمین نقدینگی کند. به هر حال نقش وام‌دهنده نهایی باید در مواقع بسیار اضطراری توسط نهاد ناظر به‌کار گرفته شود.
۲۱. در ساختار فعلی بازار بین‌بانکی، فقط بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری مجوز فعالیت و مبادله دارند. پیشنهاد می‌شود با استفاده از ظرفیت سایر نهادهای مالی همچون شرکت‌های تأمین سرمایه، شرکت‌های بیمه، هلدینگ‌های سرمایه‌گذاری و... یک بازار بین‌بانکی چندلایه با ظرفیت و عمق بیش‌تر ایجاد شود.
۲۲. لازم است سامانه‌های موفق دنیا مرور شده و شرایط بومی هر منطقه در آن لحاظ شود تا بتوان به‌نحو کارایی از آن‌ها بهره برد. در طراحی بازار بین‌بانکی ایران، این نکته لحاظ نشده و براساس عملکرد بیش از ۱۰ ساله این بازار، نقاط ضعف جدی مشاهده می‌شود. برای مثال، در ایران بانک‌ها فقط برای کسری‌های نزد بانک مرکزی به این بازار مراجعه می‌کنند، درحالی‌که می‌توان براساس عقود اسلامی تعریف بازار بین‌بانکی ایران را از تأمین صرف نقدینگی کوتاه‌مدت و بسیار کوتاه‌مدت شبکه بانکی، فراتر برد و شرایط لازم برای تأمین مالی بلندمدت‌تر برای مقاصد گوناگون از جمله فرصت‌های سرمایه‌گذاری را ایجاد کرد. همچنین نیاز بانک‌های داخلی در ایران و ماهیت آن‌ها، ایجاد و تقویت بازار بین‌بانکی بلندمدت را اقتضا می‌کند.

ملاحظات حقوقی

پیروی از اصول حقوقی

- تمامی اصول اخلاق در پژوهش در این مقاله رعایت شده است.

تعارض منافع

- بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.
- بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان «تجهیزات منابع در نظام بانکی در چهارچوب اقتصاد مقاومتی» به سفارش دانشگاه امام صادق علیه السلام نیست.

کتابنامه

1. حاجیان، محمد رضا؛ ملک‌ان، سرور؛ و اکرمی، ابوالفضل (۱۳۸۵). *بازار بین بانکی ریالی* (چاپ دوم). تهران: پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
2. Hajian, M; Malekan, S; & Akrami, A., (1385). *Riyal Interbank Market* (Second Edition). Tehran: Monetary and Banking Research Institute of the Central Bank of the Islamic Republic of Iran. (In Persian).
3. خوانساری، رسول (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی بازار بین بانکی با رویکرد فقهی. *مقاله سیاستی پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران*.
4. Khansari, R., (2013). Pathology of the Interbank Market with a Jurisprudential Approach. *Policy Article of the Monetary and Banking Research Institute of the Central Bank of the Islamic Republic of Iran*. (In Persian).
5. رهبر شمس‌کار، صدیقه (۱۳۸۳). بررسی شیوه‌های نظارتی و الزامات احتیاطی بازار بین بانکی. تهران: اداره مطالعات و مقررات بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گروه مطالعاتی بانکی و اعتباری.
6. Rahbar Shamskar, S., (1383). *Examining Supervisory Practices and Prudential Requirements of the Interbank Market*. Tehran: Department of Banking Studies and Regulations, Central Bank of the Islamic Republic of Iran, Banking and Credit Studies Department. (In Persian).
7. عیوضلو، حسین؛ و کریمی‌ریزی، مجید (۱۳۹۷) اصول موضوعه و راهبردهای بانکداری اسلامی در چهارچوب نظام اقتصادی اسلام. *اقتصاد اسلامی*، ۱۸(۷۱)، ۳۵-۵.
8. Ayazlou, H; & Karimirizi, M., (2017) Islamic Banking Principles and Strategies in the Framework of the Islamic Economic System. *Islamic Economy*, 18(71), 5-35. (In Persian).

۹. سلیمانی، محمد. (۱۳۸۶). زیربناهای سازمانی لازم جهت مدیریت نقدینگی در بانکداری اسلامی. نخستین همایش مالی اسلامی. ایران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
10. Soleimani, M., (1386). *Organizational Infrastructures Necessary for Liquidity Management in Islamic Banking. The First Islamic Finance Conference*. Iran: Imam Sadiq University. (In Persian).
۱۱. شمسینژاد، سید سعید؛ و طالبی، محمد (۱۳۹۵). به کارگیری اسناد خزانه اسلامی در بازار بین بانکی ایران. *تحقیقات مالی اسلامی*. ۶(۱۱)، ۶۲-۳۳. DOI: 10.30497/ifr.2016.1917
12. Shamsinejad, S, S, & Talebi, M., (2015). Application of Islamic Treasury Documents in Iran's Interbank Market. *Islamic Financial Research*. 6(11), 62-33. DOI: 10.30497/ifr.2016.1917 (In Persian).
۱۳. شمسینژاد، سید سعید؛ و نوراحمدی، مرضیه. (۱۳۹۶). طراحی مدل تعیین نرخ سود در بازار بین بانکی ایران. سومین همایش مالی اسلامی.
14. Shamsi Nejad, S, S; & Nur Ahmadi, M., (2016). *Designing the Interest rate Determination Model in Iran's Interbank Market*. Iran: The Third Islamic Finance Conference. (In Persian).
۱۵. عبدالرحیمیان، محمد حسین؛ و توکلی، مسعود (۱۳۹۵). برآورد اثر نرخ بهره بین بانکی بر عملکرد (سودآوری) بانک های ایران. ایران: دانشگاه علم و هنر یزد.
16. Abdul Rahimian, M, H; & Tavakoli, M., (2015). *Estimating the Effect of Interbank Interest rates on the Performance (Profitability) of Iranian Banks*. Iran: Yazd University of Science and Art. (In Persian).
۱۷. محبی، سام؛ شهرستانی، حمید؛ و هژبر کیانی، کامبیز. (۱۳۹۶). شوک های مالی و نقش سیاست پولی در اقتصاد ایران با فرض وجود بازار بین بانکی در یک مدل DSGE. پژوهش ها و سیاست های اقتصادی، ۲۵(۸۱)، ۱۲۳-۱۵۳.
18. Mohabi, S; Shahrastani, H; & Hejbar Kiani, C., (2016). Financial Shocks and The Role of Monetary Policy in Iran's Economy Assuming the Existence of an Interbank Market in a DSGE Model. *Economic Research and Policies*, 25(81), 123-153. (In Persian).
۱۹. موسویان، سید عباس؛ و میثمی، حسین (۱۳۹۶). بانکداری اسلامی ۲. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
20. Mousaviyan, S, A; & Maithami, H., (2016). *Islamic Banking 2*. Tehran: Monetary and Banking Research Institute of the Central Bank of the Islamic Republic of Iran. (In Persian).
۲۱. موسویان، سید عباس؛ و شمسینژاد، سید سعید (۱۳۹۷). آسیب شناسی بازار بین بانکی در ایران. پژوهش های پولی- بانکی، ۱۱(۳۵)، ۱۲۵-۱۵۰.
22. Mousaviyan, S, A, & Shamsinejad, S, S., (2017). Pathology of the Interbank market in Iran. *Monetary and Banking Research*, 11(35), 125-150. (In Persian).

۲۳. موسویان، سید عباس؛ و کاوند، مجتبی (۱۳۸۹). مدیریت نقدینگی در بانکداری اسلامی. معرفت اقتصادی. ۳۵-۶۳، (۳)۲.
24. Mousaviyan, S, A; & Kavand, M., (2009). Liquidity Management in Islamic Banking. *Economic Knowledge*. 2(3), 63-35. (In Persian).
۲۵. موسویان، سید عباس؛ و الهی، مهدی (۱۳۸۹). امکان‌سنجی فقهی تشکیل بازار بین‌بانکی در بانکداری اسلامی. *اقتصاد اسلامی*، ۱۰(۳۸)، ۸۹-۱۱۸.
26. Mousaviyan, S, A; & Elahi, M., (2009). Jurisprudential Feasibility of forming an Interbank Market in Islamic Banking. *Islamic Economics*, 10(38), 118-89. (In Persian).
۲۷. موسویان، سید عباس؛ و مظفری، حمزه (۱۳۹۲). اوراق مرابحه کالا، ابزار مناسب برای بازار بین‌بانکی در بانکداری بدون ربا. *تحقیقات مالی اسلامی*. ۳(۵)، ۱۰۱-۱۲۰. DOI: 10.30497/ifr.2013.1650
28. Mousaviyan, S, A, & Mozafari, H., (2012). Goods Murabeh Bonds, a Suitable tool for the Interbank Market in Interest-free Banking. *Islamic Financial Research*. 3(5), 101-120. DOI: 10.30497/ifr.2013.1650 (In Persian).
۲۹. موسویان، سید عباس؛ کاتوزیان، محمدرضا؛ طالبی، محمد؛ و حاجیان، محمدرضا (۱۳۹۴). توافق‌نامه بازخرید (رپو) در بازار بین‌بانکی اسلامی. *اقتصاد اسلامی*. ۱۵(۶۰)، ۸۱-۱۱۲.
30. Mousaviyan, S, A, Katouzian, M, R, Talebi, M, & Hajian, M, R., (2014). Repurchase Agreement (repo) in the Islamic Interbank Market. *Islamic Economy*. 15(60), 112-81. (In Persian).
۳۱. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۴). بازار بین‌بانکی در ایران (رویکردی مبتنی بر روابط بانکی). *معاونت پژوهش‌های اقتصادی*، شماره مسلسل ۱۴۶۴۵.
32. Islamic Council Research Center (2014). Interbank Market in Iran (an Approach Based on Banking Relationships). *Economic Research Deputy*, 14645. (In Persian).
۳۳. ندری، کامران؛ و خسروی، میثم (۱۳۹۴). بررسی مبادلات وجوه بانک مرکزی در بازار بین‌بانکی، *اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۲(۸)، ۱۲۳-۱۴۶.
34. Nedri, K; & Khosravi, M., (2014). Investigating Central Bank Funds Exchange in the Interbank Market, *Islamic Economics and Banking*, 2(8), 123-146. (In Persian).
۳۵. ندری، کامران؛ و محرابی، لیلا (۱۳۹۴). تجربه کشورهای مختلف اسلامی در به‌کارگیری ابزارهای مالی منطبق با شریعت در بازار پول بین‌بانکی اسلامی. *مطالعات مالی و بانکداری اسلامی*. ۱(۱)، ۱-۳۷.
36. Nedri, K; & Mehrabi, L., (2014). The Experience of Different Islamic Countries in Using Sharia-Compliant Financial Instruments in the Islamic Interbank Money Market. *Financial studies and Islamic Banking*. 1(1), 1-37. (In Persian).

۳۷. همتی، مریم (۱۳۹۵). شبکه خبری اقتصاد و بانک ایران ایبنا، کد خبر: ۱۰۸۰۹.
38. Hemti, M., (2015). Economy and Bank of Iran Ibna News Network, News Code: 10809. (In Persian).
39. Bindseil, U. (2014). *Monetary Policy Operations and the Financial System*. OUP Oxford.
40. Taylor, J. B., & Williams, J. C. (2009). A Black Swan in the Money Market. *American Economic Journal: Macroeconomics*, 1(1), 58-83.
41. Thau, A. (2010). *The Bond Book: Everything Investor Need to Know About Treasuries, Municipals, GNMA's, Corporates, Zeros, Bond Fund, Money Market Funds and More*. London: McGraw-Hill.
42. Interbank Contagion at Work: Evidence from a Natural Experiment, Rajkamal Iyer and José-Luis Peydró, June 2009, Forthcoming Review of Financial Studies.
43. Iyer, R., & Peydro, J. L. (2011). Interbank Contagion at Work: Evidence from a Natural Experiment. *The Review of Financial Studies*, 24(4), 1337-1377.
44. Obiyathulla, I. B., (2008). Islamic Interbank Market, the Experience of Malaysia. *International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management*, 1:210-226. DOI: 10.1108/17538390810901140
45. Abdul Majid, A. R., (2003). Regulation and Supervision. *International Conference on Islamic Banking: Risk Management*.
46. <https://tsd.cbi.ir/>
47. <https://www.cbi.ir/>
48. <https://www.bi.go.id/id/default.aspx>



Sustainability Reporting in Shariah Approved Companies: A Comparative Analysis in Malaysia and Indonesia

Fateme Babaei*
Mohammad Tohidi***

Seyed Ali Hosseini**
Saeid Homayoun****



10.30497/ifr.2023.242922.1714
20.1001.1.22518290.1401.12.1.2.7





Abstract


The purpose of this paper is to extract the sustainability reporting model of shariah approved companies (SAC) and compare its disclosure rate in two developing Islamic countries, Malaysia and Indonesia in order to determine the influence of Islam in sustainability reporting. In this regard, the sustainability reports of the 20 shariah approved companies in Malaysia and Indonesia in 2020 were analyzed with thematic analysis method and using MAXQDA software. In total, 195 basic themes, 28 organizing themes and six economic, environmental, employees, community, customers and sustainability strategy global themes were extracted. The identified basic themes were mostly related to conventional sustainability reporting standards and guidelines. A few basic themes were also related to Islamic responsibility activities, whose scope of disclosure was limited to the employees, customers and community global themes. Quantitative comparison of sustainability reporting in the two countries was performed using statistical analysis. The results showed that the sustainability reporting mean in the level of total disclosure, Islamic responsibility activities and in relation to all dimensions (global themes) in Indonesia is higher than Malaysia. The level of disclosure in the Islamic responsibility activities was also very low compared to total disclosure. In order to compare the significance of the mean difference, mean comparison tests were used. The results showed that there are significant differences in the level of all dimensions, total disclosure and Islamic responsibility activities. Also, the results of Friedman test to rank the level of disclosure showed that the employees dimension had the highest rate of disclosure in the shariah approved companies sustainability reports in the two countries.


Keywords

Sustainability Reporting; Shariah Approved Companies; Islamic Responsibility Activities; Theme Analysis; Malaysia; Indonesia.
JEL Classification: M14, M41, Z12.

* PhD Student, Department of Accounting, Faculty of Social Sciences and Economics, Al-Zahra University, Tehran, Iran. f.babaei@pnu.ac.ir  0000-0003-3512-4161

** Associate Professor, Department of Accounting, Faculty of Social Sciences and Economics, Al-Zahra University, Tehran, Iran (Corresponding Author). a.hosseini@alzahra.ac.ir  0000-0002-2470-2950

*** Associate Professor, Department of Finance, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. tohidi@isu.ac.ir  0000-0002-1289-1256

**** Associate Professor, Department of Accounting, Faculty of Economics and Business, Yole University, Yole, Sweden. & Senior Lecture in Accounting, Department of Economics and Business Studies, University of Gavle, 80176 Gavle, Sweden. Sweden sadhon@hig.se  0002-0002-2536-0446

گزارشگری پایداری در شرکت‌های مورد تأیید شریعت: تحلیل مقایسه‌ای در مالزی و اندونزی

سید علی حسینی**

سعید همایون****

فاطمه بابائی*

محمد توحیدی***

چکیده

هدف پژوهش حاضر استخراج الگوی حاکم بر گزارشگری پایداری شرکت‌های مورد تأیید شریعت و مقایسه میزان افشای آن در دو کشور اسلامی در حال توسعه مالزی و اندونزی به منظور تعیین تأثیر اسلام بر گزارشگری پایداری است. در این راستا گزارش‌های پایداری ۲۰ شرکت مورد تأیید شریعت در کشورهای مالزی و اندونزی در سال ۲۰۲۰ میلادی با روش تحلیل مضمون و با استفاده از نرم‌افزار مکس کیو‌دی‌ای مورد تحلیل قرار گرفت. در مجموع ۱۹۵ مضمون پایه، ۲۸ مضمون سازمان‌دهنده و شش مضمون فراگیر اقتصادی، زیست‌محیطی، کارکنان، جامعه، مشتریان و راهبرد پایداری استخراج شد. مضمون‌های پایه شناسایی شده عمدتاً مرتبط با استانداردها و رهنمودهای گزارشگری پایداری متداول بود. تعداد کمی از مضمون‌های پایه نیز مرتبط با فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اسلامی بود که دامنه افشای آن‌ها محدود به مضمون‌های فراگیر کارکنان، مشتریان و جامعه بود. جهت مقایسه کمی گزارشگری پایداری در دو کشور از تحلیل‌های آماری استفاده شد. نتایج نشان داد که میانگین گزارشگری پایداری در سطح افشای کل، فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اسلامی و در ارتباط با کلیه ابعاد (مضمون‌های فراگیر) در کشور اندونزی بیشتر از مالزی است. میزان افشای انجام‌شده در ارتباط با فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اسلامی نیز در مقایسه با افشای کل بسیار کم بود. جهت مقایسه معناداری تفاوت میانگین، از آزمون‌های مقایسه‌ای میانگین استفاده شد که نتایج آن حاکی از معناداری تفاوت‌ها در سطح کلیه ابعاد، افشای کل و فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اسلامی بود. همچنین نتایج آزمون فریدمن جهت رتبه‌بندی میزان افشا نشان داد که بعد کارکنان دارای بیشترین میزان افشا در گزارش‌های پایداری شرکت‌های مورد تأیید شریعت در هر دو کشور بود.

واژگان کلیدی: گزارشگری پایداری؛ شرکت‌های مورد تأیید شریعت؛ فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اسلامی؛ تحلیل مضمون، مالزی؛ اندونزی.

* دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران.

f.babaei@pnu.ac.ir

** دانشیار، گروه حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

a.hosseini@alzahra.ac.ir

*** دانشیار، گروه مالی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران

tohidi@isu.ac.ir

sadhon@hig.se

**** دانشیار، گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد و بازرگانی، دانشگاه یوله، یوله، سوئد

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۴

مقاله برای اصلاح به مدت ۸۶ روز نزد نویسندگان بوده است.

مقدمه

جهان اغلب با چالش‌های جدی اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی مواجه است که ناشی از مدل‌های تجاری ناپایدار شرکت‌هاست. گرم شدن کره زمین، کاهش منابع طبیعی، افزایش موارد نقض حقوق بشر، مصرف بیش‌ازحد منابع طبیعی و مواد غذایی، انباشت زباله‌های سمی و مواد شیمیایی از مهم‌ترین این چالش‌هاست. باور کلی این است که تاکنون تقریباً نیمی از منابع طبیعی مصرف شده است که می‌بایست در دسترس نسل آینده قرار می‌گرفت. در گزارش ریسک‌های جهانی^۱ (۲۰۱۹م) منتشر شده توسط مجمع جهانی اقتصاد سه ریسک عمده جهانی (از پنج ریسکی که بالاترین احتمال وقوع را دارند) و در گزارش پیشین آن (۲۰۱۷ و ۲۰۱۸م)، هفت مورد از ده ریسک بالای جهانی مربوط به پایداری بود. احتمال وقوع ریسک پایداری نسبت به سایر ریسک‌های جهانی مانند خطر سلاح‌های هسته‌ای بیشتر است. به‌منظور پاسخ‌گویی به ریسک‌های پایداری، سازمان ملل متحد برنامه «اهداف توسعه پایدار^۲ سازمان ملل» را به جریان درآورد که به‌طور رسمی تحت عنوان «تغییر جهان ما: دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار» شناخته شده است (Jan, Marimuthu & Hassan, 2019, pp. 1-2). گزارش «آینده مشترک ما» که در سال ۱۹۸۷ میلادی توسط «کمیسیون جهانی محیط‌زیست و توسعه»^۳ منتشر شد، بیشترین نقل‌قول را از «توسعه پایدار» به خود اختصاص داده است. در این گزارش توسعه پایدار توسعه‌ای است که نیازهای نسل کنونی را بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده برای برآوردن نیازهایشان برآورده می‌کند. چنین توسعه‌ای باید از نظر اقتصادی مقرون‌به‌صرفه و از نظر اجتماعی عادلانه و از نظر زیست‌محیطی مناسب باشد (Hassan, 2016, p. 84).

اواخر قرن ۲۰ و قرن ۲۱ رشد مهمی در مفهوم مسئولیت‌پذیری اجتماعی و پایداری در سطح شرکت‌ها صورت گرفت. در جهان اسلام، نشان دادن مسئولیت‌پذیری شرکت‌ها از نظر «ابعاد سه‌گانه»^۴ (شامل سود، سیاره و مردم)^۵ از طریق انتشار گزارش‌های پایداری، کم است. این در حالی است که در اسلام مفهوم مسئولیت‌پذیری چیز جدیدی نیست و

1. Global Risks Report

2. Sustainable Development Goals (SDGs)

3. World Commission of Environment and Development (WCED)

4. Triple Bottom Line (TBL)

5. Profit, Planet & People

نمایانگر موضوعی بسیار مهم است، به طوری که «حسیب» که یکی از ۹۹ نام منتسب به خداوند متعال است بیانگر حسابگری کامل خداوند متعال است (Talalweh, Whiting, & Carmona, 2015, p. 61). از آنجاکه در اسلام تفکیک بین امور معنوی و دنیوی به رسمیت شناخته نمی‌شود، ضروری است که تمام فعالیت‌های اقتصادی براساس شریعت انجام شود؛ بنابراین نیاز به «شرکت‌های مورد تأیید شریعت»^۶ اجتناب‌ناپذیر است (Wardiwiyono, 2017, p. 3). شرکت مورد تأیید شریعت برای اینکه در بازار سرمایه اسلامی پذیرفته شود باید از فرآیند غربالگری شرعی عبور کند که براساس معیارهای تعیین‌شده توسط هیأت ذی‌صلاح (که اغلب کمیته مشورتی شریعت نامیده می‌شود) انجام می‌شود. معیار اساسی که باید توسط شرکت مورد تأیید شریعت برای پذیرش در بازار سرمایه اسلامی محقق شود، این است که فعالیت‌های آن نباید ناقض هیچ‌یک از اصول اقتصاد اسلامی در حاکمیت شرعی باشد. اسلام به صورت فردی و جمعی مسلمانان را از پرداختن به ربا، غرر، قمار، تولید یا توزیع محصولات غیرحلال و... منع کرده است (Wardiwiyono, 2017, p. 26). در صورتی که شرکت‌ها دارای فعالیت‌هایی مغایر با اصول اصلی شریعت باشند، مانند ربا، قمار، تولید یا فروش محصولات غیرحلال و سایر فعالیت‌هایی که از نظر شریعت جایز نیست، در گروه شرکت‌های غیرشرعی طبقه‌بندی می‌شوند (Haji & Ghazali, 2013, p. 26).

امروزه افشای «مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی اسلامی»^۷ همانند محیط غربی، به موضوع مهمی برای شرکت‌های مورد تأیید شریعت تبدیل شده است (Wardiwiyono, 2017, p. 3) و به‌عنوان جزئی از عبادت برای تعیین رابطه مسلمانان با خداوند متعال و سایر انسان‌ها برای رسیدن به برکت و عبادت در دنیا و آخرت توصیه شده است (Bakar & Yusof, 2015, p. 126). شرکت‌های اسلامی برای حفظ دین ذی‌نفعان وظیفه دارند از دستورات الهی اطاعت کنند و از حرام الهی اجتناب کنند. شرکت‌ها در قبال انسان‌ها و همچنین محیط‌زیست مسئولیت دارند. در قرآن و احادیث اطلاعات زیادی به صورت دستورات عمل برای ایفای این مسئولیت‌ها ارائه شده است. فاروک^۸ (۲۰۰۷م) سه اصل برگرفته از قرآن و حدیث را خلاصه می‌کند که با مفهوم مسئولیت‌پذیری اجتماعی

6. Shariah Approved Companies (SAC)

7. Islamic Corporate Social Responsibility (ICSR)

8. Farook

سازگار است؛ اصل اول، اصل خلافت است. این اصل بیانگر این است که شرکت‌ها، به‌عنوان گروهی از افراد که توسط مدیران اداره می‌شوند، نماینده خداوند متعال بر روی زمین هستند. آن‌ها حق دارند از آنچه خداوند بر روی زمین آفریده است استفاده کنند، اما اینکار نباید به ضرر نسل آینده باشد. اصل دوم، اصل پاسخ‌گویی به خداوند است. هر فردی در شرکت به‌عنوان نایب خداوند متعال برای هر اقدامی در برابر خداوند پاسخ‌گو خواهد بود. این اصل مبنای همه اعمال مسلمانان و به‌تبع آن شرکت است که نماینده مسلمانان است. آخرین اصل، اصل امر به معروف و نهی از منکر است. این اصل بدان معناست که هر فردی در شرکت وظیفه دارد که به دیگران یادآوری کند که کار خیر را انجام دهند و از بدی دوری کنند. به‌نوبه خود، شرکت نیز مسئول ترویج انجام فعالیت‌های خوب و همچنین اجتناب از فعالیت‌های مضر است و به‌عنوان گروهی از افراد، در امر به معروف و نهی از منکر بیش از یک فرد قدرت دارد (Wardiwiyono, 2017, p. 71)؛ بنابراین ذی‌نفعان مسلمان ممکن است از شرکت‌های اسلامی نسبت به عملکرد اجتماعی و زیست‌محیطی‌شان تقاضای اطلاعات بیشتری نسبت به شرکت‌های غیراسلامی داشته باشند (Nugraheni & Anuar, 2014, p. 77).

علی‌رغم اهمیت گزارشگری پایداری در شرکت‌های اسلامی در ایران هیچ‌گونه مقررات اجباری یا دستورات عملی برای افشای شاخص‌های گزارشگری پایداری وجود ندارد و سطح افشای این شاخص‌ها در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بسیار پایین است (عبدی، کردستانی و رضازاده، ۱۳۹۸، ص. ۲۴). با توجه به رویکرد توسعه پایدار کشور براساس قانون اساسی، سیاست‌های کلی سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و برنامه پنجم توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرآیند خصوصی‌سازی ضروری به‌نظر می‌رسد تا بتوان بر مبنای مطالعات تجربی و نتایج حاصل از آن، به درک و توسعه عملکرد پایداری در شرکت‌های ایرانی کمک کرد (بابائی، رحمانی، همایون و امین، ۱۴۰۰، ص. ۴)، تا در راستای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت گزارش‌های پایداری را منتشر کنند. در این راستا هدف پژوهش حاضر استخراج الگوی حاکم بر گزارشگری پایداری شرکت‌های مورد تأیید شریعت است. انجام چنین تحقیقاتی می‌تواند بستر مناسبی را جهت شکل‌گیری الگوی گزارشگری پایداری بر مبنای اصول و ارزش‌های اسلامی فراهم کند.

با توجه به رشد قابل ملاحظه صنعت مالی اسلامی در مالزی و اندونزی و به‌کارگیری چارچوب نظارتی مؤثر برای کنترل فعالیت شرکت‌های مورد تأیید شریعت (Qoyum, Sakti, Thaker & AlHashfi, 2021, p.2) گزارش‌های پایداری در این دو کشور جهت استخراج الگوی گزارشگری پایداری در شرکت‌های مورد تأیید شریعت مورد بررسی قرار گرفت. اندونزی و مالزی در زمره اقتصادهای در حال توسعه قرار می‌گیرند که با فرهنگ نسبتاً مشابهی در یک منطقه واقع شده‌اند. در هر دو کشور، اسلام دین غالب است و جمعیت مسلمانان در این دو کشور تقریباً ۱۴ درصد از جمعیت مسلمانان جهان را تشکیل می‌دهد (Amran et al, 2017, p.3).

بازار سرمایه اسلامی اندونزی در سال ۲۰۲۱ میلادی شامل چهار شاخص شرعی^۹ و بیش از ۴۴۰ شرکت مورد تأیید شریعت است. در سال ۲۰۱۷، «سازمان خدمات مالی اندونزی»^{۱۰} قانون شماره ۱۱۵۱ را منتشر کرد که براساس آن همه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس این کشور باید گزارش‌های پایداری را از طریق آن منتشر کنند. لازم به ذکر است که این قانون باید به تدریج اعمال شود. ناشران (غیر از ناشران دارای دارایی در مقیاس کوچک و متوسط) و شرکت‌های سهامی عام از اول ژانویه سال ۲۰۲۰ ملزم به اجرای این قانون هستند. شرکت‌های اندونزیایی در تهیه گزارش‌های پایداری معمولاً از رهنمود گزارشگری پایداری سازمان خدمات مالی اندونزی و چارچوب‌های بین‌المللی مختلف گزارشگری پایداری استفاده می‌کنند.

بازار سرمایه مالزی نیز همراه با ارائه شاخص جهانی «افت‌اس‌ای راسل»^{۱۱}، چهار شاخص شرعی^{۱۲} را برای ارزیابی عملکرد اوراق بهادار اسلامی ایجاد کرده است.

تعداد شرکت‌های مورد تأیید شریعت در سال ۲۰۲۰ میلادی بالغ بر ۷۴۲ شرکت بود که این تعداد معادل ۷۹ درصد کل شرکت‌های سهامی عام پذیرفته شده در بورس مالزی در این سال است (Bursa Malaysia Shariah Investing Strategy 1H2021, 2021, p. 6).

در مالزی ارائه گزارش «زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری»^{۱۴} جهت افشای اظهارات مدیریت در ارتباط با ریسک‌ها و فرصت‌های اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی در

9. ISSI, JII30, JII70, IDX-MES BUMN 17

10. Financial Services Authority (OJK)

11. 51/POJK.03/2017

12. FTSE Russell

13. FBM Hijrah, FBM Emas Shariah, FBM Small Cap Shariah, FBM Mids Shariah

گزارش‌های سالانه الزامی است. با وجود اینکه چارچوب «سازمان گزارشگری جهانی»^{۱۵} محبوب‌ترین چارچوب است، هیچ چارچوب زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبردی مشخصی وجود ندارد که توسط بورس مالزی اجباری شده باشد. بورس مالزی رهنمود گزارشگری پایداری این کشور را در سال ۲۰۱۵ میلادی و نسخه دوم را در سال ۲۰۱۸ برای کمک به گزارشگری پایداری منتشر کرد که رعایت این رهنمود داوطلبانه است (Price Waterhouse Coopers, 2022, p. 18).

شرایط مطلوب و نسبتاً مشابه در بازارهای مالی اسلامی مالزی و اندونزی که مورد اشاره قرار گرفت امکان پاسخ به سؤال‌های پژوهش را فراهم می‌کند که در ادامه بیان می‌شوند:

- ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های گزارشگری پایداری در شرکت‌های مورد تأیید شریعت چیست؟
- در کدام یک از بخش‌های گزارشگری پایداری شرکت‌های مورد تأیید شریعت و به چه میزان فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اسلامی افشا می‌شود؟
- آیا بین گزارشگری پایداری شرکت‌های مورد تأیید شریعت در سطح افشای کل، ابعاد و فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اسلامی در اندونزی و مالزی تفاوت معناداری وجود دارد؟
- اولویت‌بندی ابعاد گزارشگری پایداری از نظر میزان افشا در شرکت‌های مورد تأیید شریعت اندونزی و مالزی چگونه است؟

لازم به ذکر است که در پژوهش حاضر منظور از فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اسلامی فعالیت‌هایی از قبیل قرض‌الحسنه، زکات، صدقه، انفاق، وقف، مشارکت در رویدادهای مذهبی، انجام فعالیت‌های تجاری در محیط حلال و... است که شرکت‌های اسلامی در راستای پایبندی به وظایف دینی خود انجام می‌دهند. در پژوهش حاضر برای دستیابی به اهداف و پاسخ به سؤال‌های پژوهش، ابتدا مبانی نظری و پیشینه مطرح شده است، در ادامه

14. Environment, Social & Governance (ESG)

15. Global Reporting Initiatives (GRI)

روش‌شناسی و سپس یافته‌ها ارائه شده است. در نهایت، نتایج مورد بحث قرار گرفته است و محدودیت‌های مطالعه و پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی ارائه شده است.

۱. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

گزارشگری پایداری فرآیند افشای عملکرد شرکت‌ها با توجه به عملکرد توسعه پایدار برای ذی‌نفعان داخلی و خارجی است. در واقع گزارشگری پایداری به افشای اطلاعات غیرمالی از طریق چهار بعد اصلی پایداری یعنی ابعاد اقتصادی، زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی اطلاق می‌شود. رهنمودهای سازمان گزارشگری جهانی که به‌عنوان مرجعی بین‌المللی برای رویه‌ها و گزارشگری پایداری شرکت‌ها شناخته شده است (Taiwo, Owowlabi, Adedokun & Ogundajo, 2021, p. 4)، شامل شاخص‌های عملکرد در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی است (So, Haron, Gui, 2021, p. 6) و می‌تواند توسط سازمان‌ها برای گزارش و ارزیابی پیشرفت آن‌ها در مسیر تحقق اهداف مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی استفاده شود (Wilburn & Wilburn, 2013, p. 65).

فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی و پایداری شرکتی به دلایل مختلفی گزارش می‌شود که با «تئوری ذی‌نفعان»^{۱۶} و «تئوری مشروعیت»^{۱۷} قابل توجیه است (Devirahtiasari, Fitrahmasari, & Fadah, 2018, p. 50). یکی از مفاهیم اصلی تئوری ذی‌نفعان این است که مدیران هنگام اجرای استراتژی‌های جدید باید منافع سهامداران و ذی‌نفعان را در نظر بگیرند. به همین دلیل، محققان پایداری شرکتی به‌طور گسترده از تئوری ذی‌نفعان برای توضیح انگیزه‌های شرکت‌ها برای اتخاذ استراتژی‌های پایداری شرکتی استفاده می‌کنند (Montiel & Delgado-Ceballos, 2014, p. 12). افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی ابزاری برای ارتباط ذی‌نفعان است.

در صورت کاربرد این تئوری، شرکت باید گزارش‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی را ارائه کند که در این صورت رابطه ذی‌نفعان و شرکت بهتر خواهد شد (Devirahtiasari, 2018, p. 50). گری^{۱۸} (۱۹۹۵م) تئوری ذی‌نفعان را

16. Stakeholder Theory

17. Legitimitasi Theory

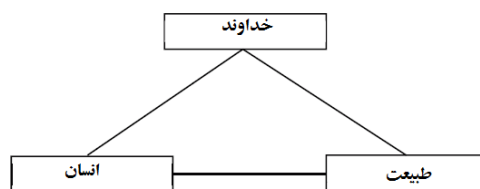
18. Gray

(معمولاً) به‌طور صریح بورژوازی توصیف می‌کند؛ از این نظر که جهان از منظر مدیریت سازمان‌هایی دیده می‌شود که از نظر استراتژیک به موفقیت مستمر شرکت توجه دارند. در این چشم‌انداز، ذی‌نفعان نقش مهمی در تداوم وجود و موفقیت شرکت ایفا می‌کنند و از این رو این رابطه مهم است، هر چه ذی‌نفع قدرتمندتر باشد، توجه بیشتری از سوی شرکت به این رابطه جلب می‌شود.

اگرچه تئوری مشروعیت نیز در اقتصاد بورژوازی سیاسی پایه‌گذاری شده است، اما کاربرد آن فراتر از تئوری ذی‌نفعان است. به‌طور کلی این تئوری بیشتر با پاسخ‌ها و روابط اجتماعی گسترده‌تر از روابط بین شرکت‌ها و ذی‌نفعان سروکار دارد (Vinke, 2014, p.18). این تئوری مبتنی بر قرارداد اجتماعی است که بین شرکت و جامعه وجود دارد. یک شرکت با تأیید جامعه وجود دارد و در صورتی وجود خود را در جامعه مشروع می‌کند که عملیات و فعالیت‌های آن مطابق با هنجارهای مورد تأیید جامعه باشد. اگر به نظر برسد که شرکت در انجام عملیات خود از هنجارهای اجتماعی مورد انتظار تبعیت نمی‌کند، شکاف مشروعیتی بین عملیات شرکت و انتظارات جامعه ایجاد می‌شود. شرکت می‌تواند با داشتن رویه‌های مناسب مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی، به عملیات خود مشروعیت بخشد (Anas, Rashid, & Annuar, 2015, p. 834). تئوری مشروعیت شرکت را در اجرا و توسعه افشای داوطلبانه اطلاعات اجتماعی و زیست‌محیطی به‌منظور تحقق قرارداد اجتماعی خود حمایت می‌کند (Burlea & Popa, 2013, p. 1579).

از تئوری‌های مذکور استنباط می‌شود که شرکت علاوه بر سودآوری موظف به حفظ هماهنگی با ذی‌نفعان و همچنین محیط‌زیست به‌ویژه محیط‌زیست پیرامون شرکت است تا سطح زندگی و منافع عمومی را بهبود بخشد. از شرکت‌های اسلامی انتظار می‌رود تا علاوه بر پایبندی به رویه‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی، براساس اصول شریعت عمل کنند. این در حالی است که تئوری‌های مرسوم مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی رهنمودی برای عملکرد مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی از دیدگاه شریعت فراهم نمی‌کنند تا رویه‌ها مطابق با قانون و مبانی اسلام تنظیم شود. مشکل اساسی مربوط به ناکافی بودن این تئوری‌ها برای حمایت از رویه‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی سبب شده که در شرکت‌های اسلامی بر اهداف شرعی کمتر تأکید شود. از شرکت‌های اسلامی انتظار می‌رود رویه‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی را براساس اصول شریعت انجام

دهند (Devirahtiasari, Fitrahmasari, & Fadah, 2018, pp. 50-51). این دیدگاه از طریق «تئوری شرکت شرعی»^{۱۹} حمایت می‌شود. تئوری شرکت شرعی توسط ترونو^{۲۰} (۲۰۰۷م) جهت تکمیل «تئوری شرکت»^{۲۱} از دیدگاه شریعت تدوین شد (Rahma, 2018, p. 74). در واقع تئوری شرکت شرعی همان تئوری شرکت است که با ارزش‌های الهی پیوند خورده است. در این تئوری مهم‌ترین اصل وجود خداوند متعال به‌عنوان آفریننده و تنها مالک منابع جهان است (Santoso, Ningsih, & Paramitha, 2018, pp. 29-30). موتیا^{۲۲} (۲۰۰۹م) و ترونو (۲۰۰۷م) ذی‌نفعان را براساس تئوری شرکت شرعی در سه گروه «خداوند متعال»، «انسان» و «طبیعت» طبقه‌بندی کردند که در شکل (۱) نشان داده شده است.



شکل ۱: انواع ذی‌نفعان بر اساس تئوری شرکت شرعی

منبع: Rahma, 2018, p. 74

اولین ذی‌نفع در این تئوری خداوند متعال است که خالق همه کائنات است. در دیدگاه اسلامی هدف اصلی همه واحدهای تجاری باید کسب رضایت خداوند باشد. ذی‌نفع دوم انسان‌ها هستند که به دو گروه ذی‌نفعان مستقیم و غیرمستقیم تقسیم می‌شوند. ذی‌نفعان مستقیم کسانی هستند که مستقیماً (به‌صورت مالی و غیرمالی) در شرکت سهام هستند و به دلیل این مشارکت آنان حق دارند تا در منافع شرکت سهام باشند. ذی‌نفعان غیرمستقیم کسانی هستند که مستقیماً در شرکت سهام نیستند، ولی از دیدگاه شرعی آنان نیز حق دارند تا در منافع شرکت سهام باشند. آخرین ذی‌نفع در این تئوری طبیعت است. طبیعت به بقا و پایداری شرکت کمک می‌کند (Aryani & Zuchroh, 2018, pp. 67-68). اسلام هرگونه تخریب و آسیب محیط فیزیکی را در صورتی که برای فرد یا جامعه مضر تلقی شود، ممنوع

19. Shariah Enterprise Theory (SET)

20. Triyuwono

21. Enterprise Theory

22. Meutia

کرده است (Muhammad & Abd Aziz, 2021, p. 129). از شرکت‌هایی اسلامی که به‌منظور پیروی از اصول شریعت اسلامی از مشارکت در فعالیت‌های حرام خودداری می‌کنند، انتظار می‌رود که به سایر ارزش‌های اسلامی مانند مسئولیت‌پذیری و شفافیت نیز پایبند باشند، زیرا اسلام مستلزم پایبندی کامل به شریعت در همه جنبه‌های زندگی است (Haji & Ghazali, 2013, p. 26). با توجه به اینکه در بازارهای مالی اسلامی، برخی از شرکت‌های مورد تأیید شریعت اقدام به افشای انجام تعهدات خود در راستای پایبندی به شریعت از قبیل زکات، صدقه، وقف، انجام فعالیت‌های تجاری در محیط حلال و... می‌کنند، بنابراین نیاز به وجود شاخص «گزارشگری اجتماعی اسلامی»^{۲۳} مطرح شده است (Othman & Thani, 2010, p. 135). در این راستا برخی از سازمان‌ها و محققان مالی اسلامی اقدام به انتشار چارچوب گزارشگری مسئولیت‌پذیری اجتماعی و پایداری با رویکرد اسلامی نموده‌اند.

«سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی»^{۲۴} استاندارد راهبری شماره هفت^{۲۵} را در مورد «مسئولیت‌پذیری اجتماعی مؤسسات مالی اسلامی»^{۲۶} منتشر کرده است. براساس این استاندارد مسئولیت‌پذیری اجتماعی برای مؤسسات مالی اسلامی به کلیه فعالیت‌هایی اشاره دارد که توسط آن‌ها برای انجام وظایف دینی، اقتصادی، حقوقی، اخلاقی و اختیاری خود به‌عنوان واسطه مالی افراد و نهادها انجام می‌شود. این شاخص نقطه شروعی جهت افشای استانداردهای مسئولیت‌پذیری مطابق با دیدگاه اسلامی است و استانداردهای مسئولیت‌پذیری را با ارزش‌های اسلامی برای شرکت ترکیب می‌کند (Muhamad, Sukor, & Muwazir, 2008, p. 78). یکی دیگر از سازمان‌های پیش‌رو در حوزه گزارشگری مسئولیت‌پذیری اجتماعی و پایداری شرکتی، «سازمان گزارشگری اسلامی»^{۲۷} است که در حال تدوین چارچوبی برای گزارشگری پایداری براساس اصول و ارزش‌های اسلامی است (Aman, 2016, p. 6).

23. Islamic Social Reporting (ISR)

24. Accounting and Auditing Organization For Islamic Financial Institutions (AAOIFI)

25. Governance Standard for Islamic Financial Institutions (GSIFI)

26. Islamic Financial Institutions (IFIs)

27. Islamic Reporting Initiatives (IRI)

در بین صاحب‌نظران مالی اسلامی حنیفه^{۲۸} (۲۰۰۲م) چارچوب مفهومی را بر مبنای شریعت اسلامی برای «گزارشگری اجتماعی اسلامی» پیشنهاد کرد که نه تنها به تصمیم‌گیرندگان مسلمان بلکه به شرکت‌های اسلامی برای ایفای تعهداتشان نسبت به خداوند متعال و جامعه کمک می‌کند (Haniffa, 2002, p. 128). ترونو (۲۰۱۶م) نیز مفهوم ابعاد سه‌گانه بنیادی گزارشگری پایداری را با استفاده از مفهوم تقوا در قالب «ابعاد پنج‌گانه بنیادی»^{۲۹} (شامل سود، سیاره، مردم، پیامبر(ص) و خداوند متعال)^{۳۰} به‌منظور تجدید ساختار مفهوم پایداری با استفاده از مفهوم توحید ارائه کرد. هدف این تجدید ساختار اصلاح مفهوم پایداری با استفاده از مفهوم توحید است، به این معنی که همه چیز از خداست و به‌سوی خدا بازمی‌گردد (Cendika & Sawarjuwono, 2021, p. 1081). اگرچه سازمان گزارشگری جهانی لیست بسیار جامع از موضوعات اجتماعی و زیست‌محیطی که شرکت نیاز به افشا دارد را ارائه کرده است، این رهنمودها جهت گنجاندن دستورالعمل‌های شرعی در ارتباط با گزارشگری شرکت‌های اسلامی باید افزایش یابد (Bt Sulaiman & Willett, 2003, p. 100). گزارشگری پایداری تنها محدود به موضوعات زیست‌محیطی و اجتماعی نیست؛ گزارشگری پایداری علاوه بر مزایای اقتصادی، دارای جنبه‌های معنوی است که باید در نظر گرفته شود. با توجه به اهمیت وجود عنصر معنویت در گزارشگری و حسابداری پایداری، صاحب‌نظران مفهوم گزارشگری و حسابداری پایداری را با لحاظ نمودن ملاحظات شرعی کامل کردند (Cendika & Sawarjuwono, 2021, p. 1073).

مطالعات معالی، کسون و نیپیر^{۳۱} (۲۰۰۶م) و حنیفه و حدیب^{۳۲} (۲۰۰۷م) را می‌توان به‌عنوان اولین مطالعات تجربی معتبر در نظر گرفت که به بررسی چگونگی اجرا و پذیرش جنبه‌های اجتماعی حسابداری اسلامی در مؤسسات تجاری اسلامی پرداختند (Wardiwiyono, 2017, p. 80).

معالی، کسون و نیپیر (۲۰۰۶م) با استفاده از اصول شریعت شاخص مناسبی را برای افشای اجتماعی بانک‌های اسلامی توسعه دادند، سپس افشاهای واقعی اجتماعی موجود در

28. Haniffa

29. Pentuple Bottom Line (PBL)

30. Profit, Planet, People, Prophet, and God

31. Maali, Casson & Napier

32. Haniffa & Hudaib

گزارش‌های سالانه ۲۹ بانک اسلامی (واقع در ۱۶ کشور) در سال ۲۰۰۰ میلادی را با این شاخص مقایسه کردند. نتایج تجزیه و تحلیل نشان داد که گزارشگری اجتماعی توسط بانک‌های اسلامی به‌طور قابل توجهی کمتر از میزان مورد انتظار است. همچنین نتایج حاکی از این بود که بانک‌های ملزم به پرداخت زکات، افشای اجتماعی بیشتری را نسبت به بانک‌هایی ارائه می‌دهند که مشمول پرداخت زکات نیستند. حنیفه و حدیب (۲۰۰۷م) به بررسی تفاوت بین شاخص اخلاقی موجود (از طریق اطلاعات افشاشده در گزارش‌های سالانه) و ایده‌آل (از طریق افشای اطلاعاتی که براساس چارچوب اخلاقی اسلامی کسب و کار ضروری تلقی می‌شود) در هفت بانک اسلامی پرداختند که در بحرین، عربستان سعودی، قطر، کویت، عمان و امارات متحده عربی فعالیت می‌کردند. نتایج بررسی طولی این پژوهش در یک دوره ۳ ساله (۲۰۰۲-۲۰۰۴ میلادی) نشان داد که میانگین کل شاخص‌های اخلاقی تنها در یکی از هفت بانک اسلامی بررسی شده بالاتر از حد متوسط است و در شش بانک دیگر بین شاخص‌های اخلاقی موجود و ایده‌آل تفاوت وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد که بیشترین میزان تفاوت در چهار بعد تعهدات به جامعه، افشای چشم‌انداز و مأموریت شرکت، مدیریت وجوه زکات، خیریه و وام‌های نیکوکارانه و اطلاعات مربوط به مدیریت ارشد است.

برخی از مطالعات تجربی نیز به تحلیل مقایسه‌ای افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی در بین مؤسسات مالی اسلامی مختلف و نیز مقایسه آن در مؤسسات مالی اسلامی و مؤسسات متعارف پرداخته‌اند. در این راستا عربی و گئو^{۳۳} (۲۰۱۰م) افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی در مؤسسات مالی اسلامی را با استفاده از رویکرد تحلیل محتوا جهت ارزیابی گزارش‌های سالانه ۲۱ مؤسسه مالی متعارف و ۲۱ مؤسسه مالی اسلامی فعال در منطقه خلیج فارس در سال ۲۰۰۴ مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان‌دهنده تفاوت معنادار در سطح و میزان افشا بین مؤسسات مالی اسلامی و متعارف است که عمدتاً به دلیل افشای مضمون‌ها و اطلاعات مرتبط با اسلام توسط مؤسسات مالی اسلامی از جمله گزارش‌های «هیأت نظارت شرعی»^{۳۴}، زکات و خیریه و کمک مالی و وام بدون بهره است. عمران و دیگران^{۳۵} (۲۰۱۷م) گزارشگری مسئولیت‌پذیری اجتماعی بانک‌های اسلامی در اندونزی و مالزی را

33. Aribi & Geo

34. Shariah Supervisory Board (SSB)

35. Amran et al

موردبررسی قرارداداند. تجزیه و تحلیل محتوای گزارش‌های سالانه برای سه بانک اسلامی در اندونزی و سه بانک اسلامی در مالزی برای دوره ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱ میلادی انجام شد. نتایج این مطالعه نشان داد که به‌طورکلی افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی در بانک‌های اسلامی مالزی و اندونزی رشد کرده است. ابعاد نیروی‌کار و جامعه نیز بیشترین میزان افشا را در بانک‌های اسلامی هر دو کشور به خود اختصاص داده بودند. ظفر و سلیمان^{۳۶} (۲۰۲۱م) میزان افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی را در گزارش‌های سالانه ۴۹ بانک اسلامی پاکستان از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۷ میلادی موردبررسی قرارداداند. در این پژوهش از روش تحلیل محتوا و شاخص افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی استفاده شد. نتایج نشان داد که میانگین سطح افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی بانک‌های اسلامی پس از یک‌ونیم دهه بانکداری اسلامی در پاکستان ۳۱/۲۳ درصد است که بسیار کمتر از سطح مورد انتظار و حتی کمتر از سطح متوسط است. نتایج آزمون‌های مقایسه‌ای میانگین نیز نشان داد که سطح افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی در بین بانک‌های اسلامی متفاوت است. بانک‌های اسلامی قدیمی و بزرگ اطلاعات بیشتری را افشا می‌کنند علاوه بر این، بانک‌های اسلامی محلی در مقایسه با بانک‌های اسلامی خارجی از سطح نسبتاً بالایی از افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی برخوردار هستند.

علاوه بر مطالعات تجربی انجام‌شده در حوزه افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی در مؤسسات مالی اسلامی برخی از مطالعات نیز به بررسی افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی و رویه‌های پایداری در سایر شرکت‌های مورد تأیید شریعت (به‌جز شرکت‌های فعال در صنعت مالی) پرداخته‌اند. عثمان و ثانی^{۳۷} (۲۰۱۰م) شاخص افشای گزارشگری اجتماعی اسلامی را با پذیرش مدل پیشنهادی حنیفه (۲۰۰۲م) اندازه‌گیری کردند. در مجموع ۴۳ سنجه در قالب شش مضمون امور مالی و سرمایه‌گذاری، محصولات و خدمات، کارکنان، جامعه، محیط‌زیست و راهبری شرکتی طبقه‌بندی شد و میزان پذیرش آن‌ها در شرکت‌های مورد تأیید شریعت پذیرفته‌شده در بورس مالزی طی سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۰۷ میلادی موردبررسی قرار گرفت. نتایج آمار توصیفی شاخص افشا نشان داد که میزان گزارشگری اجتماعی اسلامی در گزارش سالانه شرکت‌های منتخب در سطح حداقل قرار دارد. محمد،

36. Zafar & Sulaiman

37. Othman & Thani

علوی و محمد جمیل^{۳۸} (۲۰۱۰م) رویه‌های افشای اطلاعات پایداری شرکت‌های مورد تأیید شریعت پذیرفته شده در بورس مالزی را در سال ۲۰۰۹ میلادی بررسی کردند. در این پژوهش از شاخص افشای اسلامی (شامل ابعاد انطباق شرعی، راهبری شرکتی و اجتماعی زیست‌محیطی) استفاده شد و داده‌ها با استفاده از تحلیل محتوا تجزیه و تحلیل شد. نتایج نشان داد که افشای پایداری توسط شرکت‌های مورد تأیید شریعت در مالزی به طور قابل توجهی بر موضوعات مرتبط با بعد راهبری شرکتی و پس از آن بر بعد اجتماعی متمرکز بود و موارد مرتبط با انطباق با شرعی در این شرکت‌ها به طور واضح افشا نشده بود. وردیونو^{۳۹} (۲۰۱۷م) افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌های مورد تأیید شریعت در کشورهای عضو «سازمان همکاری اسلامی»^{۴۰} را بررسی کرد. در مجموع ۹۰ شرکت اسلامی از اندونزی، مالزی و پاکستان به عنوان نمونه مطالعه انتخاب شد. نتایج تجزیه و تحلیل محتوا نشان داد که شرکت‌های مورد تأیید شریعت در کشورهای نمونه به طور متوسط ۳۴ درصد از موارد شاخص تدوین شده در این پژوهش را افشا کرده‌اند. بیشترین میزان افشا در گروه کارکنان و پس از آن در گروه‌های سهامداران، جامعه، محیط زیست، مشتریان، دولت، بدهکاران و تأمین‌کنندگان انجام شده بود. تفاوت‌های قابل توجهی در افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی اسلامی در اندونزی، مالزی و پاکستان وجود داشت. به علاوه در این پژوهش مالکیت دولتی، اندازه شرکت و نوع کشور به عنوان متغیرهای مهم در تعیین افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی اسلامی مشخص شدند. مصتفیدا و فوزیه^{۴۱} (۲۰۲۱م) به بررسی گزارش‌های پایداری شرکت‌های مورد تأیید شریعت و پیشنهاد شاخص «زیست‌محیطی»، «اجتماعی» و «راهبری شرکتی» اسلامی برای غربالگری سهام شرعی در اندونزی در سال ۲۰۱۹ میلادی پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد که تقریباً تمام شرکت‌ها دارای راهبری شرکتی مطلوبی هستند، اما فقط تعداد کمی از آن‌ها گزارش پایداری را منتشر می‌کنند؛ بنابراین شاخص زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی اسلامی برای غربالگری شرکت‌های مورد تأیید شریعت در اندونزی مورد نیاز است.

38. Mohamed, Alwi & Muhammad Jamil

39. Wardiwiyono

40. Organization Islamic Cooperation (OIC)

41. Mustafida & Fauziah

شاخص پیشنهادی این مطالعه در این خصوص شامل چهار بعد شرعی، زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی است.

در ایران نیز فرخی، غلامی جمکرانی، کاشانی‌پور، مهربان پور و میثمی (۱۳۹۹) ابعاد و مؤلفه‌های کلیدی گزارشگری پایداری شرکتی، متناسب با فرهنگ و شرایط محیطی جامعه اسلامی را شناسایی کردند. در این راستا داده‌های گردآوری شده از طریق تحلیل محتوای کیفی متون اسلامی، به‌وسیله پرسش‌نامه در معرض قضاوت خبرگان قرار گرفت. یافته‌های حاصل نشان داد که الگوی گزارشگری پایداری شرکتی با رویکرد اسلامی به ترتیب شامل هفت بعد «مدیریت و رهبری»، «پیشرفت و تعالی»، «کار و تولید»، «سرمایه انسانی»، «اجتماعی»، «اقتصادی» و «زیست‌محیطی» و ۳۶ مؤلفه است.

با توجه به تحقیقات مذکور می‌توان اذعان نمود که یکی از شکاف‌های موجود در زمینه تحقیقات گزارشگری پایداری با رویکرد اسلامی در سطح بین‌المللی این است که مطالعات قبلی در این حوزه عمدتاً در رابطه با مسئولیت‌پذیری اجتماعی مؤسسات مالی اسلامی است و تعداد کمی از آنها در ارتباط با گزارشگری پایداری سایر شرکت‌های مورد تأیید شریعت انجام شده است. به‌علاوه، بیشتر مطالعات به بررسی شکاف‌های بین افشای مورد انتظار و افشای واقعی پرداخته‌اند و وضعیت موجود کمتر مورد توجه قرار گرفته است. همچنین تحقیقات داخلی انجام شده در این حوزه بسیار کم است. تلاش جهت پوشش بخشی از خلأهای مذکور انگیزه اصلی انجام پژوهش حاضر است.

۲. روش‌شناسی پژوهش

روش‌شناسی انتخاب و استفاده از روش‌ها برای رسیدن به نتیجه مطلوب است. فن‌های مورد استفاده برای جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به سؤال پژوهش تحت عنوان روش پژوهش تعریف می‌شود (Wardiwiyono, 2017, p. 110).

در پژوهش حاضر برای جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون^{۴۲} (به کمک نرم‌افزار مکس کیودی‌ای) و تحلیل‌های آماری (به کمک نرم‌افزار اسپ‌اس‌اس) استفاده شد. استخراج ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های گزارشگری پایداری شرکت‌های مورد تأیید شریعت با به‌کارگیری روش تحلیل مضمون با استفاده از شبکه‌های مضمون^{۴۳} انجام

42. Thematic Analysis

43. Thematic Networks

شد که توسط اترید استرلینگ^{۴۴} (۲۰۰۱م) توسعه داده شده است. تحلیل مضمون روشی برای شناسایی، تجزیه و تحلیل و گزارش الگوهای (مضمون‌ها) درون داده است. این مجموعه تا حدودی داده‌ها را با جزئیات مرتب و توصیف می‌کند و حتی در اغلب موارد فراتر از این هم می‌رود و جنبه‌های مختلف موضوع تحقیق را تفسیر می‌کند. مراحل مختلف انجام این فرایند عبارت‌اند از: (۱) آشنایی با داده‌ها، (۲) ایجاد کدهای اولیه، (۳) جستجوی مضمون‌ها، (۴) بازبینی مضمون‌ها، (۵) تعریف و نام‌گذاری مضمون‌ها و (۶) تهیه گزارش (Braun & Clarke, 2006, p. 6). به کارگیری شبکه‌های مضمون صرفاً راهی برای سازمان‌دهی تحلیل مضمون در داده‌های کیفی است. تحلیل مضمون به دنبال کشف مضمون‌های برجسته در یک متن در سطوح مختلف است و هدف شبکه‌های مضمون تسهیل ساختار و ترسیم این مضمون‌ها است. رویکرد شبکه‌های مضمون، مضمون‌های ذیل را نظام‌مند می‌کند: (۱) پایین‌ترین سطح مضمون‌های موجود در متن (مضمون‌های پایه^{۴۵})، (۲) دسته‌هایی از مضمون‌های پایه که برای خلاصه کردن اصول انتزاعی‌تر با یکدیگر ترکیب شده‌اند (مضمون‌های سازمان‌دهنده^{۴۶}) و (۳) مضمون‌های عالی که اصول حاکم بر کل متن را در برمی‌گیرند (مضمون‌های فراگیر^{۴۷}). شبکه‌های مضمون از مضمون‌های پایه شروع و به مضمون‌های فراگیر ختم می‌شود. سپس این مضمون‌ها به صورت نقشه‌های شبکه وب رسم می‌شوند که در آن مضمون‌های برجسته هریک از این سه سطح همراه با روابط میان آن‌ها نشان داده می‌شود (Attride-Stirling, 2001, pp. 387-388).

در پژوهش حاضر تحلیل‌های آماری با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی انجام شد. انتخاب نمونه نیز با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انجام شد و در سطح ۲۰ نمونه اشباع نظری حاصل شد. نمونه پژوهش حاضر شامل شرکت‌های مورد تأیید شریعت در سال ۲۰۲۰ میلادی است. این شرکت‌ها در صنایع مختلف (به جز صنعت مالی) مانند صنعت انرژی، مراقبت‌های بهداشتی، حمل و نقل و تدارکات، فن‌آوری و... فعالیت دارند و گزارش‌های پایداری را منتشر می‌کنند.

44. Attride-Stirling

45. Basic Themes

46. Organizing Themes

47. Global Themes

۲-۱. روایی و پایایی

پایایی^{۴۸} و روایی^{۴۹} معیارهای مهمی در ایجاد و ارزیابی کیفیت تحقیق هستند. پایایی به ثبات اندازه‌گیری یک مفهوم اشاره دارد، درحالی‌که روایی به این موضوع مربوط می‌شود که آیا یک شاخص یا مجموعه‌ای از شاخص‌هایی که برای اندازه‌گیری یک مفهوم ایجاد شده است، مفهوم موردنظر را اندازه‌گیری می‌کند یا خیر (Wardiwiyono, 2017, pp. 104-105).

برای ارتقای روایی پژوهش حاضر، علاوه بر ارزیابی مداوم داده‌ها و مطالعه چارچوب‌ها، استانداردها، معیارهای مؤسسات رتبه‌بندی و مقالات معتبر در حوزه گزارشگری پایداری مرسوم و اسلامی جهت استخراج و طبقه‌بندی مضمون‌های پایه، سازمان دهنده و فراگیر، از نظرات و رهنمودهای گروهی از خبرگان نیز در این خصوص استفاده شد.

در پژوهش حاضر از پایایی ثبات^{۵۰} با استفاده از روش بازآزمون^{۵۱} جهت حصول اطمینان از پایایی استفاده شد که مربوط به پایداری یک معیار در طول زمان است و از طریق کدگذاری متن در دو زمان مختلف توسط کدگذار قابل‌اندازه‌گیری است. برای اندازه‌گیری این معیار، دو گزارش پایداری در دو فاصله زمانی کوتاه دو بار کدگذاری شد؛ کدهایی که در دو فاصله زمانی باهم مشابه بودند با نام توافق (به‌صورت جفتی ارائه می‌شوند) و کدهای غیرمشابه با نام عدم توافق مشخص شدند. مقدار پایایی محاسبه شده ۹۰ درصد بود که در ادامه چگونگی محاسبه آن ارائه شده است:

$$\text{رابطه (۱):} \quad \text{درصد پایایی} = \frac{\text{توافق‌ها} \times 2}{\text{تعداد کل کدها}} = \frac{2 \times 37}{82} = 90$$

لازم به ذکر است که ضرایب بالای ۸۰ درصد در این آزمون نشان‌دهنده پایایی بسیار خوب است (Mohajan, 2017, p. 12).

48. Reliability

49. Validity

50. Stability

51. Test-Retest

۳. یافته‌های پژوهش

۳-۱. تحلیل مضمون با استفاده از شبکه‌های مضمون

نتایج حاصل از تحلیل مضمون با استفاده از شبکه‌های مضمون گزارش‌های پایداری شرکت‌های نمونه شامل شناسایی مضمون‌های پایه (شاخص‌ها)، سازمان دهنده (مؤلفه‌ها) و فراگیر (ابعاد) و تعیین میزان فراوانی آن‌ها بود که در جدول (۲) ارائه شده است. در مجموع ۱۹۵ مضمون پایه از متن گزارش‌های پایداری استخراج شد. مضمون‌های پایه شناسایی شده عمدتاً مرتبط با استانداردها و رهنمودهای گزارشگری پایداری متداول بود، با این وجود فعالیت‌هایی نیز در راستای ایفای مسئولیت‌پذیری اسلامی در قبال ذی‌نفعان انجام شده بود که مضمون‌های پایه مرتبط با این فعالیت‌ها شناسایی شد. در جدول (۱) برخی از مضمون‌های پایه استخراج شده به همراه متن اصلی گزارش‌های پایداری شرکت‌های نمونه ارائه شده است.

جدول (۱): برخی از مضمون‌های پایه استخراج شده از گزارش‌های پایداری شرکت‌های نمونه

بخش‌هایی از گزارش‌های پایداری	مضمون‌های پایه	ردیف
The Group believes in providing learning and development opportunities to its employees to enable them to achieve personal growth and performance excellence for the business. The Group encourages and supports the growth and development of its employees, advancing their knowledge and skills so that they stay responsive to changes in the work environment and can contribute optimally.	آموزش دانش و مهارت‌های شغلی (به کارکنان)	۱
The Company has also conducted evaluations related to occupational diseases, namely diseases that occur or are experienced by workers due to routine or exposure to certain substances in the workplace	مدیریت بیماری‌های شغلی و عفونی	۲

مضمون‌های پایه براساس تشابه ادغام و در قالب ۲۸ مضمون سازمان‌دهنده قرار گرفتند (به‌عنوان نمونه مضمون‌های پایه‌ای آموزش دانش و مهارت‌های شغلی، گزارش ساعات آموزش، گزارش هزینه‌های آموزش، گزارش تعداد شرکت‌کنندگان در آموزش و گزارش متوسط ساعات آموزش هر کارمند که در ارتباط با موضوع کلی‌تر آموزش بودند،

در یک مضمون سازمان دهنده تحت عنوان آموزش و توسعه کارکنان قرار گرفتند). لازم به ذکر است که مضمون‌های سازمان دهنده ارائه خدمات مذهبی (به کارکنان)، مدیریت حلال و مشارکت در فعالیت‌های مذهبی (در جامعه) مرتبط با فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اسلامی بود. در نهایت پس از ادغام مضمون‌های سازمان‌دهنده (مضمون‌هایی که باهم یک استدلال، یا موضع یا ادعایی را در مورد یک موضوع یا واقعیت معین ارائه می‌کنند) شش مضمون فراگیر اقتصادی، زیست‌محیطی، کارکنان، جامعه، مشتریان و راهبرد پایداری ایجاد شد (به‌عنوان نمونه مضمون‌های سازمان دهنده مدیریت مصرف آب، مدیریت مصرف انرژی، مدیریت زباله، مدیریت مواد خام مصرفی، مدیریت تغییرات اقلیم و مدیریت و نظارت بر محیط‌زیست که در ارتباط با موضوع محیط‌زیست بودند، در قالب مضمون فراگیر زیست‌محیطی دسته‌بندی شدند).

جدول ۲: مضمون‌های فراگیر، سازمان‌دهنده و پایه

مضمون‌های فراگیر (ابعاد)	مضمون‌های سازمان‌دهنده (مؤلفه‌ها)	مضمون‌های پایه (شاخص‌ها)	فراوانی
زیست‌محیطی بعد	مدیریت مصرف آب	افشای داده‌های مرتبط با میزان مصرف آب	۱۱
		ابتکارات کاهش میزان مصرف آب	۱۰
		مدیریت فاضلاب	۱۴
		استفاده از سیستم جمع‌آوری آب باران	۴
	مدیریت مصرف انرژی	افشای داده‌های مرتبط با میزان و شدت مصرف انرژی	۱۴
		ابتکارات افزایش بهره‌وری و کاهش میزان مصرف انرژی	۱۳
		جایگزینی انرژی‌های تجدیدناپذیر با انرژی‌های تجدیدپذیر	۱۲
	مدیریت زباله	گزارش حجم و نوع زباله	۱۰
		ابتکارات کاهش زباله	۱۰

مضمون‌های فراگیر (ابعاد)	مضمون‌های سازمان‌دهنده (مؤلفه‌ها)	مضمون‌های پایه (شاخص‌ها)	فراوانی
مدیریت مواد خام مصرفی	مدیریت مواد خام مصرفی	مدیریت زباله‌های سمی و خطرناک	۱۰
		آموزش جامعه و کارکنان برای مدیریت زباله	۱۰
		استفاده مجدد از زباله	۱۴
		کاهش مصرف کاغذ	۱۰
		بسته‌بندی پایدار	۳
		استفاده از امکانات مناسب برای جمع‌آوری، دفع و پایش زباله	۷
		افشای نوع و میزان مواد خام مصرفی	۴
		استفاده از مواد بازیافتی در تولید	۴
		کاهش میزان مصرف مواد خام	۳
		مدیریت تغییرات اقلیم	مدیریت تغییرات اقلیم
مدیریت کیفیت هوا (کاهش گردوغبار، آلودگی صوتی و...)	۹		
ابتکارات کاهش میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای	۱۳		
مدیریت رد پای کربن	۱۰		
مدیریت و نظارت بر محیط‌زیست	مدیریت و نظارت بر محیط‌زیست	حفظ تنوع زیستی	۳۳
		افشای هزینه‌های زیست‌محیطی	۵
		آموزش کارکنان برای رفتار مسئولانه با محیط‌زیست	۶
		ارزیابی عملکرد زیست‌محیطی	۵
		کسب جوایز و گواهینامه‌های زیست‌محیطی (مانند ایزو ۱۴۰۰۱)	۲۹

مضمون‌های فراگیر (ابعاد)	مضمون‌های سازمان‌دهنده (مؤلفه‌ها)	مضمون‌های پایه (شاخص‌ها)	فراوانی
		انطباق زیست‌محیطی	۱۶
		تولید محصولات پایدار	۴
		سیستم مدیریت زیست‌محیطی	۸
		مدیریت شکایات زیست‌محیطی	۱۱
اطلاعات جمعیت‌شناختی کارکنان		گزارش تعداد کل کارکنان	۱۰
		گزارش تعداد کارکنان استخدامی جدید	۹
		گزارش تعداد کارکنانی که شرکت را ترک کرده‌اند	۶
		گزارش درصد جابه‌جایی کارکنان	۸
آموزش و توسعه کارکنان		گزارش ترکیب کارکنان براساس جنسیت، سن، تحصیلات، نوع قرارداد و...	۱۱
		آموزش دانش و مهارت‌های شغلی	۱۷
		گزارش ساعات آموزش	۸
		گزارش هزینه‌های آموزش	۳
		گزارش تعداد شرکت‌کنندگان در آموزش	۹
پایبندی به رویه‌های حقوق بشر		گزارش متوسط ساعات آموزش هر کارمند	۶
		ممنوعیت کار کودکان	۷
		ممنوعیت کار اجباری	۷
		آزادی تشکیل انجمن و مذاکره دسته‌جمعی	۷
		قرارداد کار دسته‌جمعی	۷
		تنوع و برابری	۱۳
		اجتناب از تبعیض	۱۶
		تنظیم ساعات کار براساس قانون کار	۴

مضمون‌های فراگیر (ابعاد)	مضمون‌های سازمان‌دهنده (مؤلفه‌ها)	مضمون‌های پایه (شاخص‌ها)	فراوانی
برنامه حقوق و مزایای کارکنان	برنامه حقوق و مزایای کارکنان	رفتار منصفانه با نیروی کار خارجی	۲
		راهبرد شکایات در مورد نقض حقوق بشر	۲
		افشای جزئیات حقوق و دستمزد پرداختی	۳
		دستمزدها و مزایای عادلانه	۹
		کمک‌هزینه‌های رفاهی کارکنان	۱۴
		مرخصی زایمان و سایر مرخصی‌ها	۷
		طرح‌های بازنشستگی	۷
		پاداش منصفانه	۷
		سیستم ارزیابی عملکرد	۴
		روابط با کارکنان	۱۱
تعامل با کارکنان	تعامل با کارکنان	بررسی رضایت کارکنان	۳
		روش‌های مؤثر شکایت کارکنان	۶
		سیستم مدیریت ایمنی و بهداشت شغلی	۷
ایمنی و بهداشت شغلی ^{۵۲}	ایمنی و بهداشت شغلی ^{۵۲}	گزارش عملکرد سیستم مدیریت ایمنی و بهداشت شغلی	۷
		برنامه مدیریت ایمنی و بهداشت شغلی	۴
		تشکیل کمیته‌ها و کارگروه‌های ایمنی و بهداشت شغلی	۱۴
		مدیریت ایمنی فرایند ^{۵۳}	۱
		کارگروه مدیریت ایمنی فرایند	۱
		پایبندی به قوانین و استانداردهای ایمنی و بهداشت شغلی	۷
		پوشش بیمه سلامت	۵

52. Occupational Health and Safety (OHS)

53. Process Safety Management (PSM)

مضمون‌های فراگیر (ابعاد)	مضمون‌های سازمان‌دهنده (مؤلفه‌ها)	مضمون‌های پایه (شاخص‌ها)	فراوانی
		فراهم نمودن امکانات بستری	۶
		فراهم نمودن امکانات اطفای حریق	۳
		انجام معاینات پزشکی (برای کارکنان و خانواده‌های آنان)	۷
		فراهم نمودن تجهیزات حفاظت فردی برای کارکنان	۷
		ارزیابی ایمنی تجهیزات و تأسیسات	۲
		استفاده از علائم و هشدارهای ایمنی در محیط کار	۲
		مدیریت حوادث و تصادفات	۱۱
		بازرسی‌های بهداشت و ایمنی شغلی	۱۱
		فراهم نمودن امکانات ورزشی و تفریحی و ترویج سبک زندگی سالم	۱۴
		فراهم کردن محیط کار ایمن و سالم (به‌دوراز خشونت، آزار و...)	۱۶
		مدیریت بیماری‌های شغلی و عفونی (مانند کوید ۱۹)	۱۳
		سیستم مدیریت ایمنی پیمانکاران ^{۵۴}	۲
		آموزش ایمنی شغلی به پیمانکاران	۵
		مدیریت ریسک ایمنی و بهداشت شغلی	۷
		آموزش و مشاوره ایمنی و بهداشت شغلی به کارکنان	۱۴
		افشای هزینه‌های ایمنی و بهداشت شغلی	۲
		کسب جوایز و گواهینامه‌های مدیریت	۳۴

مضمون‌های فراگیر (ابعاد)	مضمون‌های سازمان‌دهنده (مؤلفه‌ها)	مضمون‌های پایه (شاخص‌ها)	فراوانی
		ایمنی و بهداشت شغلی	
		رویه‌های واکنش در شرایط اضطراری (مانند اجرای مانور و...)	۱۰
	ارائه خدمات مذهبی	تعطیلات اعیاد مذهبی	۱
		کمک‌هزینه تعطیلات مذهبی	۱
		برنامه‌های آموزش معارف اسلامی	۲
		آزادی انجام عبادت	۲
		فراهم نمودن نمازخانه	۴
	سازوکارهای ارتقای سلامت و کیفیت محصولات و خدمات	انجام فعالیت‌های تحقیق و توسعه	۵
		ارزیابی سلامت، کیفیت و پایداری مواد اولیه	۸
		رعایت استانداردها و قوانین سلامت و کیفیت محصولات و خدمات	۱۰
		کسب جوایز و گواهینامه‌های سلامت و کیفیت محصول (مانند ایزو ۹۰۰۰، ایزو ۱۷۰۲۵ و...)	۹۱
		تولید محصولات و خدمات سالم و باکیفیت	۱۵
	مدیریت حلال بودن محصولات و خدمات	ارزیابی سلامت، کیفیت و پایداری محصولات و خدمات	۸
		تولید محصولات حلال	۲
	سازوکارهای ارائه محصولات و خدمات	گواهینامه‌های تضمین حلال بودن محصولات	۶
		نوآوری و توسعه محصولات و خدمات	۱۰
		تنوع محصولات و خدمات	۴

مضمون‌های فراگیر (ابعاد)	مضمون‌های سازمان‌دهنده (مؤلفه‌ها)	مضمون‌های پایه (شاخص‌ها)	فراوانی
		تحویل به موقع سفارش‌ها	۱
		قیمت‌گذاری منصفانه محصولات و خدمات	۴
		ارائه خدمات غیرحضوری	۳
		بازاریابی محصولات و خدمات	۴
		آموزش و ارائه اطلاعات درباره ویژگی‌های محصولات و خدمات و نحوه استفاده از آنها	۶
		نظرسنجی رضایت مشتری	۷
		مدیریت ارتباط با مشتری	۱۱
		حفظ حریم خصوصی مشتری	۲
		خدمات پس از فروش	۴
		راهبرد شکایت مشتریان	۱۰
مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی	مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی	مشارکت در امور خیریه	۳۸
		مشارکت در برنامه‌های ورزشی و سلامت	۷۴
		مشارکت در برنامه‌های آموزشی	۲۴
مشارکت در فعالیت‌های مذهبی	مشارکت در فعالیت‌های مذهبی	کمک به مساجد	۱۴
		مشارکت در اعیاد و مناسبت‌های مذهبی	۲۱
		پرداخت زکات فطره	۱
مشارکت در فعالیت‌های همکاری با دانشگاه‌ها	مشارکت در فعالیت‌های همکاری با دانشگاه‌ها	پرداخت صدقه و انفاق	۲
		اعطای بورس تحصیلی	۸
طرح جامع مسئولیت‌پذیری اجتماعی	طرح جامع مسئولیت‌پذیری اجتماعی	مشارکت در اجلاس‌های علمی	۳
		برنامه‌های کارآموزی	۵
		بیانیه مأموریت و استراتژی مسئولیت‌پذیری اجتماعی	۳

مضمون‌های فراگیر (ابعاد)	مضمون‌های سازمان‌دهنده (مؤلفه‌ها)	مضمون‌های پایه (شاخص‌ها)	فراوانی
		دپارتمان مسئولیت‌پذیری اجتماعی	۴
		تعیین اولویت‌ها و برنامه‌های آتی مسئولیت‌پذیری اجتماعی	۴
		تخصیص اعتبار به فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی	۸
		گزارش شاخص رضایت جامعه	۲
		اجرای استانداردها و قوانین مسئولیت‌پذیری اجتماعی	۱۳
		مدیریت شکایات مردمی	۶
		کسب جوایز و گواهینامه‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی	۷
		احترام به عرف و حقوق مردم محلی	۴
		گزارش میزان تحقق اهداف اقتصادی	۸
عملکرد اقتصادی	عملکرد اقتصادی	گزارش ارزش اقتصادی کسب‌شده (مابه‌التفاوت ارزش اقتصادی مستقیم تولید و توزیع‌شده)	۱۱
		کسب جوایز و گواهینامه‌های عملکرد برتر اقتصادی	۱۲
		کمک‌های مالی دریافتی از طرف دولت	۱
بعد اقتصادی	حضور در بازار	نرخ استاندارد سطح دستمزد ورودی (حداقل دستمزد) براساس جنسیت در مقایسه با حداقل دستمزد محلی	۹
		نسبت مدیریت ارشد استخدام شده از جامعه محلی	۱
		اثرات غیرمستقیم اقتصادی	۱۵
		اشتغال‌زایی در جوامع محلی	

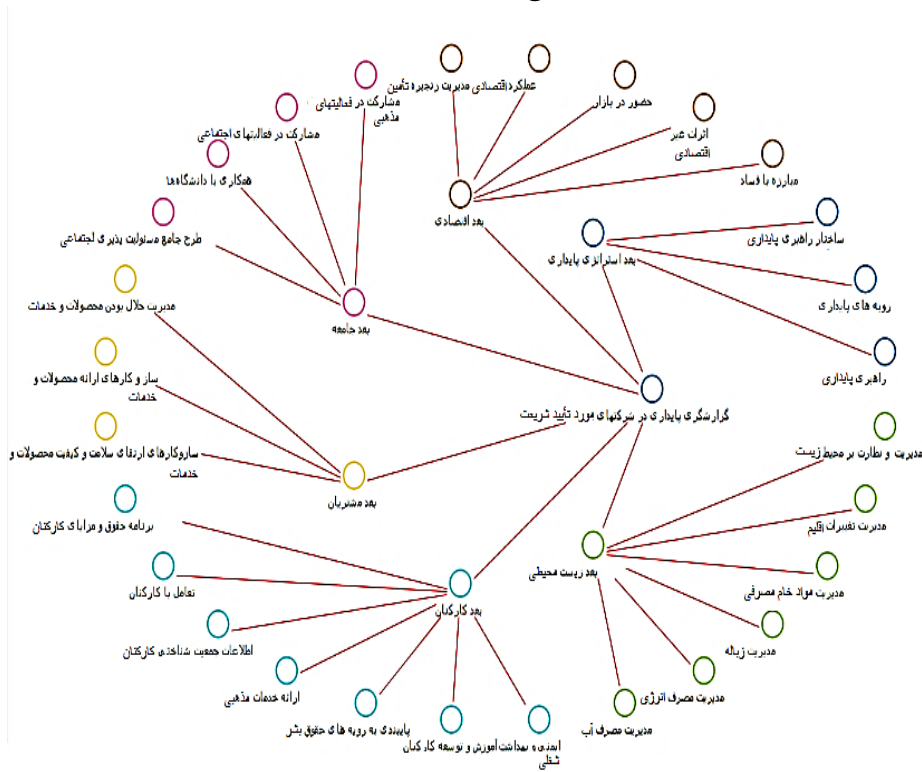
مضمون‌های فراگیر (ابعاد)	مضمون‌های سازمان‌دهنده (مؤلفه‌ها)	مضمون‌های پایه (شاخص‌ها)	فراوانی
مدیریت زنجیره تأمین	مدیریت زنجیره تأمین	حمایت از شرکت‌های کوچک و متوسط	۱۵
		کمک به توانمندسازی اقتصادی جامعه محلی	۳۴
		سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی و توسعه عمرانی جامعه محلی	۲۷
		دپارتمان مدیریت زنجیره تأمین	۲
		حمایت از تأمین‌کنندگان و آموزش آن‌ها	۸
		تأکید بر تأمین‌کنندگان محلی جهت رفع نیازهای شرکت	۹
		غربالگری تأمین‌کنندگان از لحاظ پایبندی به رویه‌های پایداری و...	۱۳
		رفتار منصفانه و قانونمند با تأمین‌کنندگان	۸
		مدیریت شکایات زنجیره تأمین	۱
		مبارزه با فساد	مبارزه با فساد
سازوکارهای افشاگری کارکنان در مواجهه با فساد	۴		
کاهش میزان وقوع فساد	۹		
کسب گواهینامه سیستم مدیریت ضد فساد (مانند ایزو ۳۷۰۰۱)	۲		
عاری بودن از تضاد منافع	۸		
بعد راهبرد پایداری ۵۵	رویه‌های پایداری	بیانیه هیأت‌مدیره در راستای تحقق اهداف پایداری شرکت	۱۸
		ارائه اطلاعات مقایسه‌ای ابعاد عملکرد پایداری	۹

مضمون‌های فراگیر (ابعاد)	مضمون‌های سازمان‌دهنده (مؤلفه‌ها)	مضمون‌های پایه (شاخص‌ها)	فراوانی
		مشخصات شرکت (نام و آدرس شرکت)	۳۱
		بیانیه مأموریت، استراتژی، ارزش‌ها و فرهنگ پایداری	۱۹
		تعیین اولویت‌های پایداری	۹
		گزارشگری پایداری براساس استانداردهای سازمان گزارشگری جهانی	۱۱
		روش و دامنه گزارشگری پایداری	۱۴
		پایبندی به اصول توسعه پایدار	۱۱
		مقیاس کسب‌وکار (مناطق عملیاتی شرکت، بازارها، مقیاس سازمانی، ساختار قانونی و مالکیت و محصولات و خدمات)	۵۰
		گزارش اطمینان بخشی پایداری	۳
		همکاری با انجمن‌های حرفه‌ای	۹
		کسب جوایز و گواهینامه‌های گزارشگری پایداری	۵
		صفحه بازخورد گزارش پایداری	۸
		تعامل با ذی‌نفعان	۱۵
		پایبندی به اصول راهبری شرکتی خوب	۱۱
		مدیریت ریسک	۱۶
پایبندی به اخلاق کسب‌وکار	۱۵		
راهبری پایداری		کسب جوایز و گواهینامه‌های راهبری شرکتی	۲
		کمیته راهبری پایداری و وظایف آن	۳
		ساختار راهبری پایداری	۳
		ساختار کمیته راهبری پایداری	۱

مضمون‌های فراگیر (ابعاد)	مضمون‌های سازمان‌دهنده (مؤلفه‌ها)	مضمون‌های پایه (شاخص‌ها)	فراوانی
		کمیته اجرایی پایداری و وظایف آن	۱
		مجمع عمومی صاحبان سهام و وظایف آن	۹
		هیأت‌رئیس و وظایف آن	۹
		ترکیب و صلاحیت‌های موردنیاز هیأت‌رئیس	۶
		هیأت‌مدیره و وظایف آن	۱۳
		ترکیب و صلاحیت‌های موردنیاز هیأت‌مدیره	۶
		منشور هیأت‌مدیره	۱
		واحد حسابرسی داخلی و وظایف آن	۸
		منشور واحد حسابرسی داخلی	۱
		کمیته راهبری شرکتی خوب و وظایف آن	۲
		ترکیب و صلاحیت‌های موردنیاز کمیته راهبری شرکتی خوب	۱
		کمیته نظارت و انطباق و وظایف آن	۲
		ترکیب و صلاحیت‌های موردنیاز کمیته نظارت و انطباق	۱
		کمیته تضاد منافع و وظایف آن	۱
		ترکیب و صلاحیت‌های موردنیاز کمیته تضاد منافع	۱
		کمیته مدیریت ریسک و وظایف آن	۴
		ترکیب و صلاحیت‌های موردنیاز کمیته مدیریت ریسک	۱
		دبیر شرکت و وظایف آن	۹
		کمیته حسابرسی و وظایف آن	۱۲

مضمون‌های فراگیر (ابعاد)	مضمون‌های سازمان‌دهنده (مؤلفه‌ها)	مضمون‌های پایه (شاخص‌ها)	فراوانی
		منشور کمیته حسابرسی	۲
		ترکیب و صلاحیت‌های موردنیاز کمیته حسابرسی	۳
		کمیته انتصاب و پرداخت و وظایف آن	۹
		منشور کمیته انتصاب و پرداخت	۳
		ترکیب و صلاحیت‌های موردنیاز کمیته انتصاب و پرداخت	۳

منبع: یافته‌های تحقیق



شکل ۲: شبکه‌های مضمون راهبرد پایداری در شرکت‌های مورد تأیید شریعت

منبع: یافته‌های تحقیق

۲-۳. تحلیل‌های آماری

۱-۲-۳. آمار توصیفی

آمار توصیفی آماری است که الگوی پاسخ‌های افراد نمونه را تلخیص کرده و نشان می‌دهد (کریمی، ۱۳۹۴، ص. ۲۵). آمار توصیفی برای دادن اطلاعات در مورد نمونه و برای توصیف داده‌ها قبل از انجام آزمون‌های آمار استنباطی باید مورد استفاده قرار گیرد (کریمی، ۱۳۹۴، ص. ۱۰۱). جهت انجام تحلیل‌های آماری با استفاده از آمار توصیفی، داده‌های مربوط به میزان افشای مضمون‌ها به تفکیک شرکت‌های نمونه به صورت فایل اکسل از نرم مکس کیودی‌ای به نرم‌افزار اسپاس منتقل شد. لازم به ذکر است که جهت انجام تحلیل‌های آماری مرتبط با فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اسلامی، میزان افشای کلیه مضمون‌های پایه مرتبط با این فعالیت‌ها (در ابعاد کارکنان، جامعه و مشتریان) در قالب فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اسلامی نیز ارائه شد. نتایج آمار توصیفی داده‌های پژوهش در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول (۳): نتایج آمار توصیفی

فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اسلامی	افشای کل	بعد راهبرد پایداری	بعد اقتصادی	بعد جامعه	بعد مشتریان	بعد کارکنان	بعد زیست‌محیطی	مآزی	
۳	۳۱۹	۶۷	۳۷	۲۵	۳۹	۹۴	۵۷		فراوانی
۰/۳۰۰۰	۳۱/۹۰۰۰	۶/۷۰۰۰	۳/۷۰۰۰	۲/۵۰۰۰	۳/۹۰۰۰	۹/۴۰۰۰	۵/۷۰۰۰		میانگین
۰/۰۰۰	۲۳/۵۰۰	۵/۵۰۰۰	۳/۵۰۰۰	۲/۰۰۰۰	۲/۵۰۰۰	۸/۰۰۰۰	۵/۰۰۰۰		میانه
۰/۹۴۸۶۸	۱۵/۴۸۷۹۹	۴/۶۴۳۹۹	۲/۴۹۶۶۶	۲/۳۶۸۷۸	۲/۶۴۳۶۵	۵/۳۳۷۵۰	۲/۶۶۸۷۵	انحراف معیار	

اندونزی		محدافت	محدافت	فراوانی	میانگین	میان	انحراف معیار	محدافت	محدافت
فعالیت های مسئولیت پذیری اسلامی	۰	۳	۵۳	۵۳۰۰۰	۴/۵۰۰۰	۳/۴۶۵۷۰	۱	۱۲	
افشای کل	۲۰	۱۲	۱۴۷۸	۱۴۷/۸۰۰۰	۱۵۴/۵۰۰۰	۲۶/۸۳۱۹۹	۸۷	۱۷۸	
بعد راهبرد پایداری	۲	۱۲	۳۰۱	۳۰/۱۰۰۰	۳۱/۰۰۰۰	۷/۰۳۰۸۸	۱۸	۳۹	
بعد اقتصادی	۰	۷	۱۷۳	۱۷/۳۰۰۰	۲۰/۰۰۰۰	۶/۷۰۰۷۵	۳	۲۲	
بعد جامعه	۰	۷	۲۱۶	۲۱/۶۰۰۰	۲۲/۰۰۰۰	۷/۲۱۴۱۸	۱۰	۳۱	
بعد مشتریان	۱	۹	۱۷۲	۱۷/۲۰۰۰	۱۶/۵۰۰۰	۱۱/۹۴۲۴۵	۰	۳۹	
بعد کارکنان	۵	۲۳	۳۵۱	۳۵/۱۰۰۰	۳۵/۵۰۰۰	۹/۷۲۳۴۰	۱۹	۵۰	
بعد زیست محیطی	۳	۱۲	۲۶۵	۲۶/۵۰۰۰	۲۷/۰۰۰۰	۷/۶۱۹۴۲	۱۴	۳۷	

منبع: یافته های تحقیق

با توجه به اطلاعات جدول (۳) براساس مقدار فراوانی و میانگین، ابعاد کارکنان، راهبرد پایداری، زیست محیطی، مشتریان، اقتصادی و جامعه به ترتیب دارای بیشترین میزان افشا در شرکت های مورد تأیید شریعت در مالزی هستند. در اندونزی نیز ابعاد کارکنان،

راهبرد پایداری، زیست‌محیطی، جامعه، اقتصادی و مشتریان به ترتیب دارای بیشترین میزان افشا هستند. میزان فراوانی و میانگین در سطح کلیه ابعاد و افشای کل (میزان افشای کل ابعاد) در اندونزی بیشتر از مالزی است. نتایج حداقل و حداکثر افشا نیز مؤید این موضوع است. به علاوه نتایج درج شده در جدول (۳) نشان‌دهنده میزان بالای انحراف معیار هر بعد و اختلاف زیاد بین حداقل و حداکثر افشا در اندونزی نسبت به مالزی است که می‌تواند به تنوع بیشتر رویه‌های گزارشگری پایداری در شرکت‌های نمونه و فعالیت آن‌ها در صنایع مختلف نسبت داده شود.

همچنین نتایج درج شده در جدول (۳) حاکی از این است که میزان افشای فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اسلامی در شرکت‌های مورد تأیید شریعت در مالزی (۰/۹۴ درصد) و اندونزی (۳/۶ درصد) نسبت به افشای کل بسیار کم است. میزان فراوانی، میانگین و میزان حداقل و حداکثر افشای فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اسلامی نشان‌دهنده این است که میزان افشای موضوعات اسلامی در اندونزی بیشتر از مالزی است. مقدار انحراف معیار فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اسلامی نیز در اندونزی بیشتر از مالزی است.

۳-۲-۲. آزمون‌های مقایسه‌ای

نتایج آمار توصیفی پژوهش بیانگر تفاوت در میزان افشای ابعاد گزارشگری پایداری شرکت‌های نمونه در اندونزی و مالزی بود. با این حال، این نتایج نمی‌تواند اطمینان حاصل کند که آیا این تفاوت‌ها از نظر آماری معنادار هستند یا خیر. به همین دلیل، در مطالعه حاضر جهت تعیین معناداری تفاوت‌های موجود از آزمون‌های مقایسه‌ای استفاده شد. قبل از انجام آزمون‌های مقایسه‌ای، نرمال بودن توزیع داده‌ها با استفاده از «آزمون کولموگروف اسمیرنوف»^{۵۶} مورد آزمون قرار گرفت. فرض صفر در این آزمون بیانگر نرمال بودن توزیع داده‌ها و فرض مخالف بیانگر نرمال نبودن توزیع است. در صورتی که مقدار سطح معناداری کمتر از مقدار پنج درصد باشد، فرض صفر یعنی فرض نرمال بودن توزیع نمونه مورد مطالعه در سطح خطای پنج درصد رد می‌شود. اگر مقدار سطح معناداری بیشتر از مقدار پنج درصد باشد، فرض صفر تأیید می‌شود و این به معنی آن است که توزیع نمونه

مورد مطالعه، نرمال است. نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنوف در جدول (۴) ارائه شده است.

جدول (۴): نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنوف

فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اسلامی	افشای کل	بعد راهبرد پایداری	بعد اقتصادی	بعد جامعه	بعد مشتریان	بعد زیست‌محیطی	بعد کارکنان	مالزی		اندونزی	
								آماره آزمون	سطح معناداری	آماره آزمون	سطح معناداری
۰/۵۲۴	۰/۲۷۲	۰/۲۲۰	۰/۱۵۲	۰/۲۸۴	۰/۲۶۴	۰/۲۵۵	۰/۲۵۵	آماره آزمون	سطح معناداری	آماره آزمون	سطح معناداری
۰/۰۰۰	۰/۰۳۵	۰/۱۸۹	۰/۲۰۰	۰/۰۲۲	۰/۰۴۷	۰/۰۶۴	۰/۰۶۴	آماره آزمون	سطح معناداری	آماره آزمون	سطح معناداری
۰/۱۴۶	۰/۲۰۲	۰/۱۹۴	۰/۳	۰/۱۲۹	۰/۲۰۷	۰/۱۷۷	۰/۲۱۵	آماره آزمون	سطح معناداری	آماره آزمون	سطح معناداری
۰/۲۰۰	۰/۲۰۰	۰/۲	۰/۰۱۱	۰/۲	۰/۲	۰/۲۰۰	۰/۲۰۰	آماره آزمون	سطح معناداری	آماره آزمون	سطح معناداری

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج مندرج در جدول (۴) حاکی از این است که مقدار سطح معناداری آزمون کولموگروف اسمیرنوف در ابعاد کارکنان، زیست‌محیطی و راهبرد پایداری در هر دو کشور بیشتر از بیشتر از پنج درصد است، در نتیجه نرمال بودن داده‌ها در این ابعاد تأیید می‌شود و می‌توان از آزمون پارامتری مقایسه میانگین دو جامعه (آزمون t دو نمونه‌ای) برای مقایسه میانگین‌ها استفاده کرد. فرض صفر در این آزمون فرض برابری میانگین‌های دو جامعه است. لازم به ذکر است که برای آزمون تساوی میانگین دو جامعه ابتدا باید بررسی شود که آیا واریانس‌های دو جامعه برابرند یا خیر. به عبارت دیگر آزمون تساوی واریانس‌ها مقدم بر آزمون تساوی میانگین‌ها است. برای آزمون تساوی واریانس‌ها از آزمون «لوین»^{۵۷} استفاده

می‌شود که فرض صفر در این آزمون فرض برابری واریانس دو نمونه است (مؤمنی و فعال قیومی، ۱۳۸۹، ص ۶۳). نتایج آزمون مقایسه میانگین دو جامعه در جدول (۵) درج شده است.

جدول (۵): نتایج آزمون مقایسه میانگین دو جامعه

بعد کارکنان				
نتایج آمار توصیفی گروه‌ها				
کشور	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد از میانگین
مالزی	۱۰	۹/۴۰۰۰	۵/۳۳۷۵۰	۱/۶۸۷۸۷
اندونزی	۱۰	۳۵/۱۰۰۰	۹/۷۲۳۴۰	۳/۰۷۴۸۱
آزمون لوین			آزمون تی	
آماره f	سطح معناداری	آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری
۱/۶۶۹	۰/۲۱۳	-۷/۳۲۷	۱۸/۰۰۰	۰/۰۰۰
بعد زیست‌محیطی				
نتایج آمار توصیفی گروه‌ها				
کشور	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد از میانگین
مالزی	۱۰	۵/۷۰۰۰	۲/۶۶۸۷۵	۰/۸۴۳۹۳
اندونزی	۱۰	۲۶/۵۰۰۰	۷/۶۱۹۴۲	۲/۴۰۹۴۷
آزمون لوین			آزمون t	
آماره f	سطح معناداری	آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری
۱۱/۴۸۷	۰/۰۰۳	-۸/۱۴۷	۱۱/۱۷۵	۰/۰۰۰
بعد راهبرد پایداری				
کشور	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد

از میانگین	معیار			
۱/۴۶۸۵۶	۴/۶۴۳۹۹	۶/۷۰۰۰	۱۰	مالزی
۲/۲۲۳۳۶	۷/۰۳۰۸۸	۳۰/۱۰۰۰	۱۰	اندونزی
	آزمون t			آزمون لوین
	سطح معناداری	آماره t	سطح معناداری	آماره f
۰/۰۰۰	۱۸/۰۰۰	-۸/۷۸۲	۰/۴۱۳	۰/۷۰۲

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج ارائه شده در جدول (۵) نشان می‌دهد که در سطح افشای هر یک از ابعاد و نیز افشای کل میانگین شرکت‌های مورد تأیید شریعت در اندونزی بیشتر از در مالزی است. با توجه به نتایج آزمون مقایسه میانگین دو جامعه، سطح معناداری آزمون لوین در بعد کارکنان (۰/۲۱۳) بیشتر از ۰/۰۵ است در نتیجه فرض برابری واریانس‌ها در شرکت‌های نمونه در مالزی و اندونزی پذیرفته می‌شود. سطح معناداری آزمون t (۰/۰۰۰) کمتر از ۰/۰۵ است در نتیجه فرض صفر (ادعای تساوی میانگین‌ها) در این آزمون پذیرفته نمی‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که اختلاف معناداری بین افشای بعد کارکنان در شرکت‌های مورد تأیید شریعت در مالزی و اندونزی وجود دارد.

سطح معناداری آزمون لوین در بعد زیست‌محیطی (۰/۰۰۳) کمتر از ۰/۰۵ است در نتیجه فرض برابری واریانس‌ها در شرکت‌های نمونه در مالزی و اندونزی پذیرفته نمی‌شود. سطح معناداری آزمون t (۰/۰۰۰) نیز کمتر از ۰/۰۵ است در نتیجه فرض صفر در این آزمون پذیرفته نمی‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که اختلاف معناداری بین افشای بعد زیست‌محیطی در شرکت‌های مورد تأیید شریعت در مالزی و اندونزی وجود دارد. سطح معناداری آزمون لوین در بعد راهبرد پایداری (۰/۴۱۳) بیشتر از ۰/۰۵ است، در نتیجه فرض برابری واریانس‌ها در شرکت‌های نمونه در مالزی و اندونزی پذیرفته می‌شود. سطح معناداری آزمون t (۰/۰۰۰) کمتر از ۰/۰۵ است، در نتیجه فرض صفر در این آزمون پذیرفته نمی‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که اختلاف معناداری بین افشای بعد راهبرد پایداری در شرکت‌های مورد تأیید شریعت در مالزی و اندونزی وجود دارد.

با توجه به اینکه سطح معناداری آزمون کولموگروف اسمیرنوف در داده‌های شرکت‌های نمونه (جدول ۴) در ارتباط با ابعاد مشتریان، جامعه، اقتصادی، افشای کل و فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اسلامی حداقل در یکی از دو کشور کمتر از پنج درصد بود، برای مقایسه میانگین آن‌ها از «آزمون ناپارامتری من ویتنی»^{۵۸} استفاده شد که نتایج آن در جدول (۶) ارائه شده است. فرض صفر در این آزمون، فرض برابری میانگین‌های دو جامعه می‌باشد.

جدول (۶): نتایج آزمون من ویتنی

کشور	میانگین رتبه‌ها	آماره آزمون	سطح معناداری
مالزی	۶/۹۵	۱۴/۵۰۰۰	۰/۰۰۷
	۱۴/۰۵		
مالزی	۵/۵	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
	۱۵/۵		
مالزی	۶/۰۵	۵/۵	۰/۰۰۱
	۱۴/۹۵		
مالزی	۵/۵	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
	۱۵/۵		
مالزی	۵/۷۵	۲/۵۰۰۰	۰/۰۰۰
	۱۵/۲۵		

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج ارائه‌شده در جدول (۶) حاکی از این است که میانگین رتبه‌ها در ارتباط با ابعاد مشتریان، جامعه، اقتصادی، افشای کل و فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اسلامی شرکت‌های نمونه در اندونزی بیشتر از مالزی است. با توجه به سطح معناداری آزمون من ویتنی که در ارتباط با ابعاد مشتریان، جامعه، اقتصادی، افشای کل و فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اسلامی کمتر از ۰/۰۵ است، فرض صفر پذیرفته نمی‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که اختلاف

معناداری بین سطح افشا در ارتباط با ابعاد مشتریان، جامعه، اقتصادی، افشای کل و فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اسلامی شرکت‌های نمونه در دو کشور وجود دارد. برای تعیین چگونگی اولویت‌بندی مضمون‌های فراگیر از لحاظ میزان افشا در شرکت‌های نمونه از «آزمون فریدمن»^{۵۹} استفاده شد. آزمون فریدمن نوعی آزمون ناپارامتری است که از آن برای مقایسه میانگین رتبه‌ها در بین چند گروه استفاده می‌شود. فرض صفر در این آزمون یکسان بودن اولویت‌بندی گروه‌ها و فرض یک متفاوت بودن حداقل دو اولویت‌بندی هست.

جدول (۷): نتایج آزمون فریدمن

رتبه میانگین در اندونزی	رتبه میانگین در مالزی	مضمون‌های فراگیر (ابعاد)
۳/۷۰	۴/۲۵	زیست‌محیطی
۵/۳۵	۵/۷۰	کارکنان
۲/۳۰	۲/۷۰	مشتریان
۳/۲۰	۱/۷۵	جامعه
۲/۰۰	۲/۷۰	اقتصادی
۴/۴۵	۳/۹۰	استراتژی پایداری
آماره کای اسکوتر: ۲۳/۵۴۰ درجه آزادی: ۵ سطح معناداری: ۰/۰۰۰	آماره کای اسکوتر: ۲۹/۳۹۲ درجه آزادی: ۵ سطح معناداری: ۰/۰۰۰	آماره‌های آزمون

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به نتایج آزمون فریدمن که در جدول (۷) منعکس شده است، سطح معناداری آزمون در شرکت‌های نمونه در مالزی (۰/۰۰۰) و اندونزی (۰/۰۰۰) کمتر از ۰/۰۵ است، در نتیجه فرض صفر در این آزمون رد می‌شود و نشان می‌دهد که اولویت‌بندی مضمون‌های فراگیر گزارشگری پایداری در شرکت‌های نمونه در هر دو کشور مالزی و اندونزی متفاوت است. براساس نتایج آزمون فریدمن بعد کارکنان دارای بیشترین میزان افشا در شرکت‌های نمونه در هر دو کشور است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر استخراج الگوی حاکم بر گزارشگری پایداری شرکت‌های مورد تأیید شریعت و مقایسه میزان افشای آن در دو کشور اسلامی در حال توسعه مالزی و اندونزی به منظور تعیین تأثیر اسلام بر گزارشگری پایداری است. نتایج حاصل از تحلیل مضمون با استفاده از شبکه‌های مضمون گزارش‌های پایداری ۲۰ شرکت مورد تأیید شریعت در مالزی و اندونزی شامل شناسایی ۱۹۵ مضمون پایه، ۲۸ مضمون سازمان‌دهنده و شش مضمون فراگیر اقتصادی، زیست‌محیطی، کارکنان، جامعه، مشتریان و استراتژی پایداری بود. مضمون‌های پایه شناسایی شده عمدتاً مرتبط با استانداردها و رهنمودهای گزارشگری پایداری متداول و برخی از آن‌ها نیز مرتبط با فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اسلامی بود. دامنه افشای فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اسلامی شرکت‌های نمونه محدود به مضمون‌های فراگیر کارکنان، مشتریان و جامعه بود، میزان افشای انجام‌شده در این حوزه در مقایسه با افشای کل بسیار کم بود و شامل اطلاعاتی در رابطه با هیئت نظارت شرعی، پرداخت زکات کسب‌وکار، قرض‌الحسنه، وقف و... نبود. در پژوهش‌های عثمان و ثانی (۲۰۱۰م)، محمد و دیگران (۲۰۱۰م) و وردیونو (۲۰۱۷م) نیز شرکت‌های مورد تأیید شریعت، اطلاعاتی را در ارتباط با فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اسلامی گزارش کرده بودند.

یافته‌های حاصل از پژوهش محمد و دیگران (۲۰۱۰م) حاکی از این بود که در مالزی موارد مرتبط با انطباق شرعی در شرکت‌های مورد تأیید شریعت به‌طور واضح افشا نشده بود؛ هیچ‌یک از شرکت‌ها نیز اطلاعات مربوط به هیأت نظارت شرعی را (که در شاخص افشای پژوهش لحاظ شده بود) افشا نکرده بودند. در پژوهش عثمان و ثانی (۲۰۱۰م) اطلاعات مرتبط با غرر، استراتژی تأخیر در بازپرداخت و مشتریان ورشکسته، ترازنامه مبتنی بر ارزش‌های جاری، مشارکت مدیران سطوح بالاتر به همراه مدیران سطوح پایین و متوسط در نماز جماعت، مجاز بودن کارکنان مسلمان به اقامه نمازهای واجب در زمان‌های معین و روزه گرفتن در روزهای کاری در ماه رمضان و تعداد سهامداران مسلمان و سهام آنان (که در شاخص افشای پژوهش لحاظ شده بود) در هیچ‌یک از سال‌های مورد بررسی افشا نشده بود. در پژوهش وردیونو (۲۰۱۷م) نیز اطلاعات مربوط به هیأت نظارت شرعی (که در شاخص افشای پژوهش لحاظ شده بود) در گزارش‌های سالانه هیچ‌یک از شرکت‌های نمونه افشا نشده بود.

با در نظر گرفتن اهمیت مسئولیت‌پذیری در اسلام، نتایج پژوهش حاضر در مورد میزان افشای فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اسلامی در گزارش‌های پایداری غیرمنتظره بود، زیرا عموماً انتظار می‌رود که شرکت‌های مورد تأیید شریعت اطلاعات بیشتری را به‌طور داوطلبانه در ارتباط با انجام تعهدات خود در راستای پایبندی به شریعت در قبال ذی‌نفعان افشا کنند. این اطلاعات به‌ویژه برای سرمایه‌گذاران مسلمانان در شرکت‌های مورد تأیید شریعت حائز اهمیت است. یکی از دلایل افشای کم این‌گونه اطلاعات در گزارش‌های پایداری این است که افشای فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اسلامی برخلاف فعالیت‌های متعارف که همه نیازهای کاربران را برآورده می‌کند، فقط برای گروه خاصی از کاربران موردنیاز است. به‌علاوه طبقه‌بندی شرکت‌های مورد تأیید شریعت در بازارهای سرمایه در سال‌های اخیر صورت گرفته است؛ بنابراین فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اسلامی به‌درستی در گزارش‌های پایداری آن‌ها گنجانده نشده است. همچنین استانداردها و رهنمودهای مشخصی برای الزام به ارائه این اطلاعات وجود ندارد. به‌منظور تحقق اهداف عدالت اجتماعی، برابری و حفظ رفاه در بازارهای مالی اسلامی با توجه به نقش کلیدی آن‌ها در دستیابی به اهداف توسعه پایدار، مقتضی است در ایران و سایر کشورهای اسلامی الگویی برای گزارشگری پایداری بر مبنای اصول و ارزش‌های اسلامی تدوین شود تا چارچوبی را برای افشای بیشتر و منسجم‌تر شرکت‌های اسلامی در جهت ایفای مسئولیت آن‌ها در برابر ذی‌نفعان مورد تأکید در تئوری شرکت شرعی (خداوند متعال، انسان‌ها و طبیعت) فراهم نماید. سوق‌دادن بخشی از پژوهش‌های دانشگاهی در مسیر گزارشگری پایداری اسلامی و به‌کارگیری راهبرد^۶ حمایتی و تشویقی توسط نهادهای ناظر بر بازار سرمایه برای شرکت‌هایی که چنین گزارش‌های پایداری را ارائه می‌کنند، از دیگر اقداماتی است که می‌تواند در این مسیر راهگشا باشد.

یافته‌های توصیفی پژوهش حاضر نشان داد که میانگین گزارشگری پایداری در سطح افشای کل، کلیه مضمون‌های فراگیر و در سطح فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اسلامی در شرکت‌های مورد تأیید شریعت در اندونزی بیشتر از مالزی است. نتیجه حاصل از پژوهش وردیونو (۲۰۱۷م) نیز بیانگر این بود که شرکت‌های مورد تأیید شریعت در اندونزی نسبت به شرکت‌های مورد تأیید شریعت در مالزی و پاکستان میزان افشای بیشتری را انجام

داده‌اند. در پژوهش حاضر بیشترین میزان افشا در شرکت‌های نمونه مربوط به بعد کارکنان بود. در پژوهش عثمان و ثانی (۲۰۱۰م) بیشترین میزان افشا در شرکت‌های نمونه در ارتباط با بعد جامعه، در پژوهش محمد و دیگران (۲۰۱۰م) مربوط به بعد راهبری شرکتی و در پژوهش وردیونو (۲۰۱۷م) بیشترین میزان افشا در سطح کارکنان گزارش شده بود. در پژوهش حاضر جهت معنادار بودن اختلاف میانگین‌ها در دو کشور آزمون مقایسه‌ای میانگین انجام شد؛ نتایج آزمون مقایسه‌ای میانگین شرکت‌های نمونه در دو کشور نشان داد که اختلاف میانگین در سطح کلیه ابعاد، افشای کل و فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اسلامی معنادار بود. در پژوهش وردیونو (۲۰۱۷م) نیز تفاوت‌های قابل توجهی در افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی اسلامی در شرکت‌های مورد تأیید شریعت در اندونزی، مالزی و پاکستان وجود داشت. رویکرد مقایسه‌ای این مقاله امکان شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌ها در رویکردهای گزارشگری پایداری شرکت‌های مورد تأیید شریعت در اندونزی و مالزی را فراهم می‌کند و اطلاعات جدیدی را به پیکره دانش موجود در این حوزه می‌افزاید.

لازم به ذکر است که انجام پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی مواجه بود؛ یکی از محدودیت‌ها این بود که تفسیر برخی موارد در فرآیند شناسایی مضمون‌ها ذهنی بود. با توجه به اینکه در پژوهش حاضر محتوا و میزان افشای گزارشگری پایداری شرکت‌های نمونه در یک سال مورد بررسی قرار گرفت، بررسی روند گزارشگری پایداری امکان‌پذیر نبود. استفاده از داده‌های طولی در تحقیقات آینده می‌تواند بر این محدودیت غلبه کند. محدودیت دیگر این است که نمونه پژوهش حاضر محدود به شرکت‌های مورد تأیید شریعت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار مالزی و اندونزی است، لذا به نظر می‌رسد تحقیقات آتی بتوانند دامنه این مطالعه را با گنجاندن شرکت‌های مورد تأیید شریعت از سایر کشورهای اسلامی گسترش داده و بر قابلیت تعمیم‌پذیری نتایج بیفزایند.

ملاحظات حقوقی

- پیروی از اصول حقوقی

تمامی اصول اخلاق در پژوهش در این مقاله رعایت شده است.

- تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.

بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله مستخرج از رساله دکتری فاطمه بابائی با عنوان «تدوین الگویی برای گزارشگری پایداری شرکتی بر مبنای اصول و ارزش‌های اسلامی» در دانشگاه الزهراء (س) با راهنمایی دکتر سید علی حسینی است.

کتابنامه

۱. بابائی، فاطمه؛ رحمانی، علی؛ همایون، سعید؛ و امین، وحید (۱۴۰۰). رابطه بین عملکرد پایداری شرکتی و ارزش شرکت: با تأکید بر نقش امتیاز افشا و اندازه شرکت. *دانش حسابداری*، ۱۲(۳)، ۱-۲۷.
2. Babaei, F, Rahmani, A, Homayun, S, & Amin, V., (1400). The Relationship Between Corporate Sustainability Performance and Firm Value: with Emphasis on the Role of Disclosure Score and Firm Size. *Accounting Knowledge*, 12(3), 1-27. (In Persian).
۳. فرخی، مجتبی؛ غلامی جمکرانی، رضا؛ کاشانی‌پور، محمد؛ مهربان‌پور، محمدرضا؛ و میثمی، حسین (۱۳۹۹). ابعاد و مؤلفه‌های کلیدی گزارشگری پایداری شرکتی با رویکرد اسلامی. *معرفت اقتصاد اسلامی*، ۲۲(۱۱)، ۱۹۰-۱۷۳.
4. Farrokhi, M, Gholami Jamkarani, R, Kashanipour, M, Mehrabanpour, M, & Maithami, H., (2019). Dimensions and Key Components of Corporate Sustainability Reporting with an Islamic Approach. *Knowledge of Islamic Economics*, 22(11), 173-190. 3. (In Persian).
۵. عبدی، مصطفی؛ کردستانی، غلامرضا؛ و رضازاده، جواد (۱۳۹۸). طراحی الگوی منسجم گزارشگری پایداری شرکت‌ها. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۱۱(۴)، ۲۳-۴۴.
6. Abdi, M, Kurdestani, G, & Rezazadeh, J., (2018). Designing a Consistent Model for Corporate Sustainability Reporting. *Financial Accounting Research*, 11(4), 23-44. 4. (In Persian).
۷. کریمی، رامین (۱۳۹۴). راهنمای آسان تحلیل آماری با SPSS. ایران: هنگام.
8. Karimi, R., (2014). *Rahmanaye Asan Tahlil Amari with SPSS*. Iran: Hengam. (In Persian).
۹. مؤمنی، منصور؛ و فعال قیومی، علی (۱۳۸۹). تحلیل‌های آماری با استفاده از SPSS. ایران: منصور مؤمنی.
10. Momeni, M, & Faal Qayyumi, A., (2010). *Statistical Analysis Using SPSS*. Iran: Mansour Momeni. (In Persian).

11. Aman, Z. (2016). Corporate Sustainability Reporting from Islamic Perspectives. In 2nd International Conference on Economics & Banking, 2, 1-8
12. Amran, A., Fauzi, H., Purwanto, Y., Darus, F., Yusoff, H., Zain, M. M., & Nejati, M. (2017). Social Responsibility Disclosure in Islamic Banks: a Comparative Study of Indonesia and Malaysia. *Journal of Financial Reporting and Accounting*, 15(1), 99-115.
13. Anas, A., Rashid, H. M. A., & Annuar, H. A. (2015). The Effect of Award on CSR Disclosures in Annual Reports of Malaysian PLCs. *Social Responsibility Journal*, 11 (4), 831-852.
14. Aribi, Z. A., & Gao, S. (2010). Corporate Social Responsibility Disclosure: A Comparison Between Islamic and Conventional Financial Institutions. *Journal of Financial Reporting and Accounting*, 8(2), 72-91.
15. Aryani, D. N., & Zuchroh, I. (2018). GCG, ROE and Size on CSR Based on Sharia Enterprises Theory. *Tazkia Islamic Finance and Business Review*, 12(1), 61-80.
16. Attride-Stirling, J. (2001). Thematic Networks: an Analytic Tool for Qualitative Research. *Qualitative Research*, 1(3), 385-405
17. Bakar, F. A., & Yusof, M. A. (2015). Islamic Concept of Corporate Social Responsibility (CSR) from the Perspective of CSR Players at Bank Islam Malaysia Berhad.
18. Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using Thematic Analysis in Psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.
19. Burlea, A. S., & Popa, I. (2013). Legitimacy Theory. *Encyclopedia of Corporate Social Responsibility*, 21, 1579-1584.
20. Bursa Malaysia. (2021). Shariah Investing Strategy, Report 1H2021.
21. Bt Sulaiman, M., & Willett, R. (2003). Using the Hofstede-Gray Framework to Argue Normatively for an Extension of Islamic Corporate Reports. *Management & Accounting Review (MAR)*, 2(1), 81-105.
22. Cendika, F. B., & Sawarjuwono, T. (2021). The Objectives of Sustainability Reporting And Accounting In Sharia. *Journal Riset Akuntansi Dan Bisnis Airlangga*, 6(2), 1072-1090.
23. Devirahtiasari, Fitriarahmasari, R., & Fadah, I. (2018). CSR in Islamic Perspective, *International Journal of Scientific & Technology Research*, 7(12), 50-53
24. Haji, A. A., & Ghazali, N. A. M. (2013). The Quality and Determinants of Voluntary Disclosures in Annual Reports of Shari'ah Compliant Companies in Malaysia. *Humanomics*.
25. Haniffa, R. (2002). Social Reporting Disclosure Islamic Perspective. *Indonesian Management & Accounting Research*, 1(2), 128-146.
26. Haniffa, R., & Hudaib, M. (2007). Exploring the Ethical Identity of Islamic Banks via Communication in Annual Reports. *Journal of Business Ethics*, 76(1), 97-116.
27. Hassan, A. (2016). Islamic Ethical Responsibilities for Business and Sustainable Development. *Humanomics*.
28. Jan, A., Marimuthu, M., & Hassan, R. (2019). Sustainable Business Practices and Firm's Financial Performance in Islamic Banking: Under the

- Moderating Role of Islamic Corporate Governance. *Sustainability*, 11(23), 6606.
29. Maali, B., Casson, P., & Napier, C. (2006). Social Reporting by Islamic Banks. *Abacus*, 42(2), 266-289.
 30. Mohajan, H. (2017). Two Criteria for Good Measurements in Research: Validity and Reliability. *Annals of Spiru Haret University Economics Series*, 17(4), 59-82.
 31. Mohamed, R., Alwi, K., & Muhammad Jamil, C. Z. (2010). Sustainability Disclosure Among Malaysian Shari'ah-Compliant Listed Companies: Web Reporting. *Issues in Social and Environmental Accounting*, 3(2), 160-179.
 32. Montiel, I., & Delgado-Ceballos, J. (2014). Defining and Measuring Corporate Sustainability: Are we there yet?. *Organization & Environment*, 27(2), 113-139.
 33. Muhamad, R., Sukor, M. E. A., & Muwazir, M. R. (2008). Corporate Social Responsibility: An Islamic Perspective. *Asian Journal of Accounting Perspectives*, 1(1), 43-56.
 34. Muhammad, F. B., & Abd Aziz, F. S. B. (2021). Environmental Reporting Practices: Do Islamic Business Organizations Comply?. *Journal of Global Business and Social Entrepreneurship (GBSE)*, 7(20), 126-136.
 35. Mustafida, R., & Fauziah, N. N. (2021). Implementing ESG Concept in Sharia Stock Screening Process. *Hasanuddin Economics and Business Review*, 5(1), 1-7.
 36. Nugraheni, P., & Anuar, H. A. (2014). Implications of Shariah on the Voluntary Disclosure of Indonesian Listed Companies. *Journal of Financial Reporting and Accounting*, 12(1), 76-98.
 37. Othman, R., & Thani, A. M. (2010). Islamic Social Reporting of Listed Companies in Malaysia. *International Business & Economics Research Journal (IBER)*, 9(4), 102-119.
 38. PricewaterhouseCoopers. (2022). Sustainability Counts.
 39. Qoyum, A., Sakti, M. R. P., Thaker, H. M. T., & AlHashfi, R. U. (2021). Does the Islamic Label Indicate Good Environmental, Social, and Governance (ESG) Performance? Evidence from Sharia-Compliant firms in Indonesia and Malaysia. *Borsa Istanbul Review*, 22(2), 306-320.
 40. Rahma, Y. (2018). Islamic Corporate Governance and Islamic Social Responsibility Towards Maqashid Shariah. *KnE Social Sciences*, 70-87.
 41. Santoso, N. T., Ningsih, R. M., & Paramitha, R. P. (2018). Determinants of Islamic Social Reporting Disclosure: The Case of Jakarta Islamic Index. *In State-of-the-Art Theories and Empirical Evidence (27-39)*. Springer, Singapore.
 42. So, I. G., Haron, H., Gui, A., Princes, E., & Sari, S. A. (2021). Sustainability Reporting Disclosure in Islamic Corporates: Do Human Governance, Corporate Governance, and IT Usage Matter?. *Sustainability*, 13(23), 13023.
 43. Taiwo, O. J., Owowlabi, B. A., Adedokun, Y., & Ogundajo, G. (2021). Sustainability Reporting and Market Value Growth of Quoted Companies in Nigeria. *Journal of Financial Reporting and Accounting*, 20(3/4), 542-557.

44. Talalweh, M. A., Whiting, K., & Carmona, L. G. (2015). A Statistical Analysis of Islamic World Sustainability Reporting in 2009. *Journal of Islamic Economics, Banking and Finance*, 11 (3), 61-82.
45. Vinke, J. (2014). Sustainability Reporting in the United Arab Emirates: Institutional Insights. Diss. Heriot-Watt University.
46. Wilburn, K., & Wilburn, R. (2013). Using Global Reporting Initiative Indicators for CSR Programs. *Journal of Global Responsibility*, 4(1), 62-75.
47. Wardiwiyono, S. (2017). *Islamic Corporate Social Responsibility Disclosure in Organization of Islamic Cooperation Countries* (Doctoral Dissertation), University of Huddersfield.
48. Zafar, M. B., & Sulaiman, A. A. (2021). Corporate Social Responsibility Disclosure and Islamic Banks: a Case Study of Pakistan. *Journal of Islamic Accounting and Business Research*, 13(1), 73-97.



The Effect of Sukuk on Twin deficits in Selected Countries

Mohammad Taghi Gilak Hakimabadi* Seyyedeh Soheila Miri Ledari**
Saeed Rasekhi***



10.30497/IFR.2023.244372.1826
20.1001.1.22518290.1401.12.1.3.8



Abstract

Public debt is a prime source of government revenue to finance budget deficit. It is perceived as the accumulation of annual budget deficits, generally face twin deficit viz. With the emergence of Islamic banking and finance across the globe, Islamic economists sought to find transactions that fit and conform to the principles of Islamic religion. therefore, The present study aims to discuss the possibilities of introducing Sukuk as an alternative way of financing public expenditure by replacing other conventional modes of financing in the future and effect Sukuk on twin deficit hypothesis for selected countries using the dynamic panel a generalized methods of moments (GMM) approach during the annual period 2013-2021. In the absence of sukuk we find a significant positive effect of fiscal balances on the current account, supporting the twin deficit hypothesis and the results show that the size of the estimated coefficient on the budget balance is between 0.86 and 0.95. However, the existence of sukuk reduces the effect of budget balance on the current account balance (the coefficient is reduced to 0.1). In fact, the twin deficits relationship is reduced with the presence of sukuk. This innovation will increase a lot of strategic advantage and economic development of countries by utilizing sukuk as an alternative source of funding.

Keywords: Sukuk; Fiscal Balance; Current Account Balance; Twin Deficit Hypothesis; Generalized Methods of Moments.

JEL Classification: C35, E43, P43, G10, Z12.

* Associate Professor, Department of Economics, Faculty of Economic and Administrative Sciences, Mazandaran University, Mazandaran, Iran. (Corresponding Author).

mgilak@umz.ac.ir

0000-0003-4128-9421

** PhD student, Department of Economics, Faculty of Economic and Administrative Sciences, Mazandaran University, Mazandaran, Iran.

s.miri02@umail.umz.ac.ir

0009-0000-4580-9020

*** Professor, International Economics, Faculty of Economic and Administrative Sciences, Mazandaran University, Mazandaran, Iran.

srasekhi@umz.ac.ir

0000-0002-6280-7243

تأثیر صکوک بر کسری‌های دوقلو در کشورهای منتخب

محمدتقی گیلک حکیم‌آبادی* سیده سهیلا میری لداری**

سعید راستخی***

چکیده

بدهی عمومی منبع اصلی درآمد دولت برای تأمین مالی کسری بودجه است. این امر به‌عنوان انباشت سالانه کسری بودجه در نظر گرفته می‌شود که عموماً کشورها را با کسری دوقلو روبرو می‌کند. لذا با ظهور بانکداری و امور مالی اسلامی در سراسر جهان، اقتصاددانان اسلامی به دنبال معاملاتی بودند که مناسب و مطابق با اصول دین اسلام باشد. از این رو هدف از مطالعه حاضر، بررسی «صکوک» به‌عنوان یک راه‌حل تأمین مالی هزینه‌های عمومی با جایگزین کردن سایر شیوه‌های مرسوم تأمین مالی و تأثیر آن بر کسری دوقلو کشورهای منتخب با استفاده از رویکرد گشتاورهای تعمیم‌یافته طی دوره زمانی ۲۰۲۱-۲۰۱۳ میلادی است. نتایج نشان می‌دهد که در غیاب صکوک، ترازهای مالی اثر مثبت و معنادار بر تراز حساب‌جاری دارند که از فرضیه کسری دوقلو حمایت می‌کند، اما وجود صکوک باعث کاهش اثر تراز بودجه بر تراز حساب‌جاری می‌شود و اندازه ضریب برآورد شده بر تراز بودجه بین ۰/۸۶ و ۰/۹۵ درصد هست (ضریب به ۰/۱ درصد کاهش می‌یابد). در واقع رابطه کسری دوقلو با وجود صکوک تضعیف می‌شود. این نوآوری با استفاده از صکوک به‌عنوان منبع جایگزین تأمین مالی می‌تواند مزیت استراتژیک و توسعه اقتصادی کشورها را افزایش دهد.

واژگان کلیدی: صکوک؛ تراز مالی؛ تراز حساب‌جاری؛ فرضیه کسری دوقلو؛ روش گشتاورهای تعمیم‌یافته.

* دانشیار، گروه اقتصاد، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران (نویسنده مسئول).

mgilak@umz.ac.ir

** دانشجوی دکتری، گروه اقتصاد دانشکده علوم اقتصادی و اداری دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.

s.miri02@umail.umz.ac.ir

*** استاد، اقتصاد بین‌الملل، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.

srasekhi@umz.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۵

مقاله برای اصلاح به مدت ۱۱ روز نزد نویسندگان بوده است.

مقدمه

توسعه دولت در عصر مدرن و مداخله آن در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی از طریق سیاست مالی است، از این رو بودجه دولت یکی از مهم‌ترین ابزارهای مالی برای دستیابی به اهداف اصلی دولت هست که اگر به‌درستی صرف پروژه‌های توسعه شوند با بهبود استاندارد زندگی می‌توانند رشد اقتصادی را افزایش دهند (Kalim, 2023, p. 789). علاوه بر این، اگر منابع عمومی فراتر از محدودیت‌ها برود، می‌توانند در بلندمدت برای اقتصاد مضر باشد و دیگر قادر به تأمین هزینه‌ها نیستند که منجر به یک مشکل مالی شده است که با ظهور کسری بودجه در بسیاری از کشورها، چه توسعه‌یافته و چه در حال توسعه، نشان داده می‌شود (Benbekhti, Boulila, Benladghem & Benbouziane, 2019, p. 94). با این وجود، با افزایش جمعیت شهری و گسترش شهرها سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی هم بیشتر می‌شود که به معنای هزینه‌های بیشتر دولت‌ها است که نیاز به تأمین مالی دارند، علاوه بر این اکثر دولت‌های محلی نیز دارای محدودیت بودجه و اعتبار پایین هستند. این کشورها به دنبال پوشش دادن کسری بودجه براساس مجموعه‌ای از ابزارها و روش‌های متعارف^۱ هستند که از یک سو، این روش‌های سنتی ممکن است روند طولانی داشته باشند که زمان‌بر هستند (Tekdoğan, 2023, p. 577). از سوی دیگر این عوامل می‌توانند تأثیر منفی بر اجزای توسعه اقتصادی داشته باشند و به بحران بدهی‌های هر ساله دامن بزنند، لذا ریسک نوسانات نرخ ارز را بیشتر و منجر به گسترش کسری حساب جاری می‌شوند (Mitsaliyandito, 2017, p. 1). در نهایت تأمین مالی کسری بودجه با استفاده از ابزارهای فوق با تأثیر منفی بر اقتصاد کشور به تقویت ارتباط کسری دوقلو منجر می‌شوند. در نتیجه در دنیای مدرن با سرعت در حال تغییر، نوسانات و عدم اجرای اصلاحات ساختاری اقتصادی یک نگرانی عمده و چالش برانگیز در طی رویدادهای اقتصادی و مالی هستند لذا برای دولت‌ها مهم است به کاهش هزینه‌های استقرای از طریق امکان دسترسی مستقیم یا غیرمستقیم به بازارهای سرمایه تمرکز یابند. از آنجاکه پیش‌فرض اصلی ارتباط یا عدم ارتباط کسری دوقلو وجود بازار سرمایه و مالی فعال است. لذا ابزارهای مالی اسلامی تا حد زیادی به دلیل فعال کردن مقررات بازار سرمایه و نوآوری‌های بازارهای مالی باهدف ایجاد فراگیری بیشتر که منطبق با شریعت است توجه فزاینده‌ای را به خود جذب می‌کنند.

۱. مانند استقراض از بانک مرکزی یا استقراض از خارج، انتشار پول، کاهش هزینه‌ها و مالیات‌های بیشتر.

از این رو بازار جهانی صکوک با توجه به نقش مهمی که در پایداری و کاهش ریسک دارد توانسته در بحران ۲۰۲۰ میلادی نسبت به بازار اوراق قرضه (تأمین مالی از طریق خلق پول) کاراتر باشد و به بازدهی ۲۰ درصدی بالاتر از اوراق قرضه دست یابد و در دوره پس از بحران (۲۰۲۰ و ۲۰۲۱) نیز بر اساس ریسک تعدیل شده از بازار اوراق قرضه بهتر عمل کرده و با رشد حدوداً ۱۹/۸۴ درصد انعطاف پذیری خود را در بازار سرمایه ثابت کرده است.^۲ از این رو فرضیه پژوهش حاضر این است که صکوک ارتباط کسری‌های دوقلو را تضعیف می‌کند، این مقاله با فن اقتصادسنجی در بازه زمانی ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۱ سعی دارد با جایگزین کردن صکوک (به عنوان ابزار تأمین مالی بلندمدت) با دیگر شیوه‌های مرسوم از تأثیر منفی آن‌ها بر اقتصاد جلوگیری کند و مسلماً از طریق مدیریت نقدینگی و اثرگذاری بر بخش واقعی اقتصاد به بهترین نحو می‌تواند مسیر را برای دستیابی به تأمین کسری‌های و تضعیف ارتباط کسری دوقلو تحلیل نماید.

توضیح مختصر ساختار مقاله بدین نحو است که پس از بیان مقدمه، مرور پیشینه و مبانی نظری کسری دوقلو و ابزارهای اسلامی (صکوک) ارائه می‌گردد، سپس به مواد و روش‌ها و در ادامه به یافته‌های پژوهش پرداخته می‌شود، در نهایت بحث و نتیجه‌گیری طرح تبیین می‌گردد.

۱. پیشینه پژوهش

تاکنون در زمینه ابزارهای مالی اسلامی در سطح جهان و ایران پژوهش‌های زیادی انجام شده است. به ویژه در سالیان اخیر رشد صنعت مالی اسلامی با ابزارهای تأمین مالی بلندمدت (صکوک) توانسته نقش مهمی برای افزایش ظرفیت تولید در مقابل نظام مالی متعارف داشته باشد و همچنین در طی سال‌ها، شواهد تجربی بسیاری در مورد فرضیه کسری دوقلو انجام شده که نتایج آن‌ها تا حدودی مبهم و متناقض بوده است. با این حال برخی مطالعات نظیر: آفونسو و کوئیلو^۳ (۲۰۲۲م)؛ باندی و آنجا^۴ (۲۰۱۹م)، یک دیدگاه سازگار با نظریه دوقلو را تأیید می‌کنند و لونوسکی، کلیمایتیس و تکاچفس^۵ (۲۰۱۹م)، گزارش می‌دهند که نظریه با یافتن یک رابطه معکوس بین کسری دوقلو نقض می‌شود، در عین حال دوگان و

2. Zawya

3. Afonso & Coelho

4. Bandy & Aneja

5. Lonevskiy, Klimaitis & Tkačevs

سایکال^۶ (۲۰۲۲م)، هیچ رابطه معناداری بین کسری دوقلو در دوره بلندمدت پیدا نکردند. اگرچه مطالعات زیادی به صورت مجزا برای کسری دوقلو و برخی از مبانی و ابعاد انتشار ابزار مالی اسلامی در ادبیات اقتصادی وجود دارد، با این حال فقط نمونه‌ای از اثر صکوک بر کسری بودجه دولت در داخل و خارج ارائه شده که در ذیل به آن اشاره شده و تاکنون تحقیقی که با ارائه رویکردی جامع به تأثیر صکوک بر رابطه بین کسری‌های دوقلو باشد، انجام نشده است.

ریسون، رستم، رزاق و موچران^۷ (۲۰۲۳م) در مطالعه‌ای به تحقیق در مورد صکوک نگارا به عنوان جایگزینی برای تأمین مالی^۸ در اندونزی با استفاده از رویکرد کیفی و مطالعه ادبیات پرداختند. نتایج حاکی از آن است که انتشار صکوک دولتی از چندین قرارداد با انواع مختلف به عنوان یکی از ابزارهای مورد استفاده برای تأمین مالی کسری بودجه دولتی و توسعه پروژه‌های دولتی عمل کرده است. علاوه بر این افزایش تعداد صکوک منتشر شده در هر سال نه تنها به عنوان ابزاری برای تأمین مالی کسری بودجه دولت عمل می‌کند، بلکه به عنوان یک کاتالیزور برای رشد اقتصادی اندونزی عمل می‌کند.

مهدی و بوشیب^۹ (۲۰۲۲م) در مطالعه‌ای به بررسی نقش صکوک اسلامی در جذب کسری بودجه مالزی و اندونزی در بازه زمانی ۲۰۱۸-۲۰۱۲ با استفاده از روش توصیفی پرداخته‌اند. هدف از مطالعه آن‌ها، شناسایی صکوک اسلامی و توسعه آن در سال‌های اخیر و نقش آن در جذب کسری بودجه است. محققان با بررسی مزایای صکوک و تفاوت آن با اوراق قرضه و بررسی کسری بودجه کشورهای مورد نظر در دوره مورد بررسی به این نتیجه رسیدند که این ابزارها علاوه بر اینکه در تقویت زیرساخت‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند و باعث رشد بخش واقعی در بسیاری از کشورها می‌شود، سهم مؤثری در کاهش کسری بودجه نیز دارند؛ چراکه به یکی از ابزارهای سیاست پولی برای کنترل نقدینگی در جامعه و به یکی از ابزارهای مالی که نقش مهمی در حمایت از تأمین مالی ملی دارد تبدیل شده است.

6. Dogan & Saykal

7. Riswan, Rustam, Razak & Muchran

8. Anggaran Pendapatan Belanja Negara (APBN)

9. Mehdaoui & Bouchaib

آفونسو، هوارت، جالس و استانک^{۱۰} (۲۰۲۲م) در مطالعه‌ای با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته به بازبینی کسری‌های دولتی برای نمونه‌ای متشکل از ۱۹۳ کشور (نمونه کامل) در بازه زمانی ۲۰۱۶-۱۹۸۰ میلادی و یک نمونه فرعی از ۶۵ کشور در بازه زمانی ۲۰۱۵-۱۹۸۵ که داده‌های مربوط به قوانین مالی در دسترس بوده، پرداخته‌اند. این تجزیه و تحلیل وجود قوانین مالی، ویژگی‌ها و تعامل آن‌ها با تراز بودجه را در نظر می‌گیرند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که در غیاب قوانین مالی، فرضیه کسری دولتی تأیید می‌شود اما در صورت وجود قوانین مالی (قوانین درآمد و قوانین بودجه) می‌تواند اثر تراز بودجه بر تراز حساب جاری را کاهش دهد. در واقع، رابطه کسری دولتی با انواع خاصی از قوانین حفظ نمی‌شود. در این مطالعه بعد از بازبینی کسری دولتی به این نتیجه رسیده‌اند که خالص دارایی‌های خارجی اثر مثبت و معنادار و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و رشد اثر منفی و معنادار بر تراز حساب جاری دارند.

حنانه و نورالدین^{۱۱} (۲۰۲۱م) در مطالعه‌ای به بررسی سازوکارهای تأمین مالی کسری بودجه عمومی بین الجزایر و سودان به روش توصیفی در بازه زمانی ۲۰۱۸-۲۰۱۰ میلادی پرداخته‌اند. هدف مطالعه آن‌ها روشن ساختن تجربه الجزایر و سودان در جذب پس‌انداز ملی و تأمین مالی کسری بودجه عمومی است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که تأمین مالی کسری به روش غیرمعارف (انتشار پول) اثرات منفی بر فرآیند توسعه دارد؛ دولت الجزایر قانونی را در ارتباط با بانکداری اسلامی منتشر کرده که از یک سو شامل قوانین اقتصادی و پیروی از فرآیندهای مشارکتی و از سوی دیگر تلاش برای همگام شدن با تحولات جهانی و منطقه‌ای و بالا بردن سطح پس‌انداز ملی است. با توجه به اینکه انتشار صکوک توانایی بسیج منابع مالی را با جذب سرمایه‌گذاران جدید و سپس تأمین مالی بلندمدت یا میان‌مدت فراهم می‌کند، می‌تواند در کاهش درجه ریسک‌پذیری و احتمال کاهش هزینه‌های تأمین مالی مؤثر باشد. سودان نیز در زمینه صنعت صکوک اسلامی برای دستیابی به اهداف موردنظر موفق هست؛ به این دلیل که بخش بانکداری سودان مطابق با قانون اسلامی عمل می‌کند و با پوشش بخش مهمی از کسری بودجه عمومی و همچنین

10. Afonso, Huart, Jalles & Stanek

11. Hanane & Noureddine

بسیج پس‌انداز ملی و تأمین مالی پروژه‌ها و زیرساخت‌های سرمایه‌گذاری به نتایج مثبتی دست یافته است.

حرواش و شلیچی^{۱۲} (۲۰۲۱م) با استفاده از روش تحلیلی در مطالعه‌ای به بررسی نقش ابزارهای اسلامی در تأمین کسری بودجه الجزایر در بازه زمانی ۲۰۱۹-۱۹۹۰ میلادی پرداخته‌اند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که ابزارهای اسلامی با جذب منابع لازم و کافی در تأمین کسری بودجه اثرگذار است و اتکا بر ابزارهای اسلامی برای تأمین مالی کسری بودجه یا تأمین مالی پروژه‌های اقتصادی بهتر و مؤثرتر از اتکا به ابزار مالی اوراق قرضه یا استقراض خارجی است.

آیوت^{۱۳} (۲۰۲۰م) در مطالعه‌ای به بررسی پویایی حساب‌جاری و قوانین مالی در بازه زمانی ۲۰۱۸-۱۹۹۷ میلادی با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته برای ۲۴ کشور با وجود قوانین مالی و ۱۶ کشور با عدم قوانین مالی به مقایسه پرداخته‌اند. نتایج حاکی از آن است که بهبود قابل‌توجهی در عملکرد مالی برای کشورهای با قوانین مالی وجود دارد و قوانین مالی در القای انضباط مالی در منطقه مؤثر بوده است. از این رو، اتخاذ قوانین مالی برای کشورها سود قابل‌توجهی دارد. علاوه‌براین بین کسری مالی و تراز حساب‌جاری در اکثر کشورهای جنوب صحرائ آفریقا رابطه علی وجود دارد.

کافی و مولیک^{۱۴} (۲۰۲۰م) با روش توصیفی در مطالعه‌ای به بررسی صکوک در بانکداری ایران، چالش‌ها و فرصت‌ها آن در بازه زمانی ۲۰۱۸-۲۰۰۱ میلادی پرداخته‌اند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که نقش صکوک به‌عنوان ابزاری برای تأمین مالی اسلامی در ایران می‌تواند به بهبود سطح بانکداری و در نهایت ارتقای رشد تولید، گسترش رفاه عمومی و جذب سرمایه خارجی کمک کند.

غروی، نقی‌لو و رحیم‌زاده (۱۴۰۲) در مطالعه‌ای به بررسی اثرات اوراق قرضه اسلامی (صکوک) بر رشد اقتصادی در بازه زمانی ۱۳۹۹-۱۳۷۰ در ایران با استفاده از روش‌های مدل تعادل عمومی پویای تصادفی^{۱۵} پرداخته‌اند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که با انتشار

12. Harouache & Chelihi

13. Ayot

14. Kafi & Mullick

15. Dynamic Stochastic General Equilibrium (DSGE)

صکوک تولید ناخالص داخلی در سطح مناسبی با اقتصاد کشور قرار می گیرد و اثر مثبتی بر رشد اقتصادی کشور خواهد داشت.

غفوری (۱۴۰۱) در مطالعه ای به ماهیت حقوقی صکوک انتظاری در حقوق ایران به روش توصیفی - تحلیلی پرداخته اند. نتایج حاکی از آن است که اوراق قرضه مبتنی بر بهره ربا بوده و از نظر اسلام حرام است. برای حل مشکل در ایران، ابتدا اوراق مشارکت منتشر شد، ولی به دلیل اینکه این اوراق به پشتوانه یک طرح فیزیکی منتشر می شود، بنابراین برای حل مشکل تأمین نقدینگی، ابزارهای مالی اسلامی یا همان صکوک ایجاد گردید.

مداح و مهرپرور (۱۴۰۰) در مطالعه ای به تحلیل تجربی عوامل مؤثر بر کسری بودجه در ایران با استفاده از روش دیمتلفازی در سال ۱۳۹۸ پرداخته اند. نتایج حاصل از تحقیق نشان می دهد که اولاً در ایجاد و گسترش کسری بودجه چند عامل اقتصادی و نهادی نقش دارند. عوامل اقتصادی از طریق عملکرد دولت در اجرای سیاست های مالی، ارزی و پولی و همچنین برخی عوامل نهادی مانند عدم کارایی در فرآیند نظام بودجه ریزی، وقایع غیرمنتظره و فساد اقتصادی است. این عامل برگرفته از ضعف دستگاه های نظارتی است که موجب رفتار رانت جویی در مراحل بودجه شده است، سرانجام با وضع هزینه های غیرکارا به تشدید احتمال کسری بودجه منجر می شود. علاوه بر این نرخ بهره اثر منفی بر کسری بودجه دارد؛ چراکه با بالارفتن نرخ بهره، سرمایه گذاری خصوصی همگام با آن کاهش می یابد و دولت نیز با انتقال قسمتی از امور اقتصادی به بنگاه های خصوصی برای تقویت انگیزه مشارکت در بخش خصوصی دخالت خود را در کاهش فعالیت های اقتصادی نشان می دهد و در نهایت با کاهش مخارج دولت، کسری بودجه نیز کمتر می شود.

پناهی بروجردی و رضایی (۱۴۰۰) در مطالعه ای به بررسی اثر توسعه بازار صکوک بر نسبت کفایت سرمایه بانک های اسلامی با استفاده از روش داده های پانل برای ۱۵ بانک و موسسه مالی اعتباری در بورس اوراق بهادار در بازه زمانی ۱۳۹۹-۱۳۹۳ پرداخته اند. نتایج تحقیق بیانگر این است که رشد توسعه بازار صکوک فرصتی را برای بانک ها ایجاد می کنند که در صکوک با کیفیت بالا و هزینه کم سرمایه گذاری کنند و در نتیجه آن سهم دارایی های پر ریسک کاهش می یابد و این امر به نوبه خود منجر به تقویت کفایت سرمایه بانک ها می شود.

عسگری و فرجی (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای به بررسی صکوک اجاره ابزار مالی اسلامی جایگزین اوراق قرضه در فرایند تأمین مالی پرداخته‌اند. نتایج حاصل از تحقیق بیانگر آن است که اقتصاددانان مسلمان در کشورهای نظیر مالزی، بحرین، عربستان، قطر و حتی در آلمان و اروپا روشی را خلق کردند که هم بتواند همگام با اقتصاد روز جهان و بازارهای مالی باشد و هم سود درست و حلال را برای مسلمانان در نظر بگیرد. از این رو به دلیل عدم استفاده از اوراق قرضه به علت ربوی بودن آن از اوراق مشارکت یا صکوک اجاره استفاده می‌شود. بنابراین دولت می‌تواند با یک سازوکار هدفمند زمینه‌سازی لازم برای به‌کارگیری از ابزار جدید را فراهم کند.

سهیلی، کریمی، شریف و نعیمی (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای به بررسی ارتباط متغیرهای کلان کسری بودجه دولت، میزان انتشار صکوک و رشد اقتصادی با استفاده از سیستم معادلات هم‌زمان در بازه زمانی ۱۳۸۶-۱۳۹۶ پرداخته‌اند. نتایج تخمین حاکی از وجود رابطه دوطرفه میان میزان انتشار صکوک و کسری بودجه دولت است. به گفته دیگر، نتایج حاصل از سیستم معادلات هم‌زمان، از اطمینان و صحت بیشتری نسبت به برآورد تک معادله‌ای برخوردار است.

عیسوی و قلیچ (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای به بررسی قابلیت اوراق بهادار اسلامی در جبران کسری بودجه دولت به‌عنوان ابزار سیاستی در ایران با استفاده از مدل IS-LM به روش توصیفی پرداخته‌اند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که زمانی با انتشار اوراق، فرایند کاهش کسری ادامه دارد که این اوراق منجر به افزایش تولید شود در غیراین صورت این فرایند پایدار نخواهد بود. علاوه‌براین، اوراق بهادار اسلامی در تأمین کسری بودجه دولتی در دو نمونه صکوک اجاره و صکوک استصناع مورد بررسی قرار گرفته و دولت با انتشار صکوک اجاره قادر است به تأمین دارایی‌های بادوام و برای صکوک استصناع برای ساخت و تکمیل کالاها و طرح‌های ساخت‌وساز خود که در اجرای مسئولیت و فعالیت‌های خود به آن نیازمند است اقدام نماید و کمتر برای تأمین نیازهای خود به استقراض متوسل شود.

۲. مبانی نظری

اکثر دولت‌ها نگران عدم تعادل اقتصاد کلان هستند که می‌تواند ناشی از عدم توازن ترازمالی و جاری باشد و الگوهای نظری کلان اقتصادی متعددی برای تبیین کسری‌ها

شکل گرفته است و درجه اثرگذاری کسری بودجه بر کسری حساب جاری می تواند به نوع تأمین مالی کسری بودجه مرتبط باشد. در این بخش بعد از بررسی صکوک و ویژگی های آن که به عنوان یک منبع جایگزین برای ابراهای مرسوم تأمین مالی است، نظریه کسری دوقلو و اثرات صکوک بر کسری دوقلو بیان می گردد.

۲-۱. صکوک

صنعت مالی اسلامی جهانی، در طی سال ها رشد کرده است تا به بخش جدایی ناپذیر و تأثیرگذار از چشم انداز مالی جهانی تبدیل شود. در زمان بحران کووید ۱۹ نیز این صنعت به دلیل ماهیت، پایداری و مسئولیت پذیری نشان داده است که حس تجاری خوبی دارد و سرمایه گذاری را افزایش می دهد. در سال ۲۰۲۱ میلادی حجم این صنعت به ۳/۶ تریلیون دلار رسیده که نسبت به سال قبل خود ۷٫۸ درصد رشد داشته است. ۶۴ درصد از این صنعت در اختیار سه کشور از جمله ایران با حجم ۸۳۸/۳ میلیارد دلار با ۲۳/۲ درصد سهم بیشترین و عربستان سعودی با ۲۲/۹ درصد و مالزی با ۱۷/۱۱ درصد است.^{۱۶} دو بخش بانکداری اسلامی و صکوک نیز سهم بزرگی از کل دارایی های مالی اسلامی را به خود اختصاص دادند. طبق تعریف سازمان حسابداری و حسابرسی نهادهای مالی اسلامی^{۱۷}، صکوک گواهی های باارزش اسمی یکسان است که دارنده آن مالک یک یا مجموعه ای از دارایی های (فیزیکی و خدمات)، منافع حاصل از دارایی ها یا ذی نفع یک طرح یا یک فعالیت سرمایه گذاری خاص می شود (Boukhatem, 2022, p. 1). از این رو دارندگان صکوک از طریق مشارکت در معاملات واقعی با موضوع شرعی و مجاز و البته مشخص حق دارند که از بازده حاصل آن دارایی ها بهره مند شوند (Beig & Jameel, 2020, p. 19). بر این اساس بازار جهانی صکوک جذابیت خود را هم برای ناشران و هم برای سرمایه گذاران حفظ کرده، با توجه به بانک اطلاعاتی بازار مالی بین المللی اسلامی^{۱۸} حجم صکوک منتشره در جهان از ۱۳۵/۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۳ به ۱۸۸/۱۲۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۱ رسیده است. بنابراین توزیع کشورهای پیشرو در انتشار صکوک جهانی طبق جدول (۱) ارائه شده که سهم سه کشور مالزی، عربستان سعودی و اندونزی از صکوک

16. Islamic Finance Outlook

17. Accounting and Auditing Organization of Islamic Financial Institutions (AAOIFI)

18. International Islamic Financial Market

منتشره جهانی در سال ۲۰۲۱ در مجموع ۷۶,۶۹ درصد بوده که آن‌ها را به بزرگترین پایگاه‌های انتشار صکوک در جهان مبدل کرده است و مالزی به دلیل بازار سرمایه قوی خود، همچنان برتری خود را نسبت به هم‌تایان خود در کشورهای آسیایی و شورای همکاری خلیج فارس حفظ می‌کند. با این حال، افزایش انتشار در کشورهای ایران، عربستان سعودی، اندونزی، پاکستان، ترکیه و... منجر به کاهش سهم مالزی از بازار جهانی صکوک در سال‌های اخیر شده است.

جدول (۱): میزان سهم کشورهای پیشرو در انتشار صکوک جهانی^{۱۹}

کشورهای	صکوک جهانی منتشرشده ۲۰۲۱	سهم صکوک جهانی منتشرشده ۲۰۱۳
مالزی	٪۳۹,۴	٪۶۹
عربستان سعودی	٪۲۵,۳۹	٪۱۲
امارت	٪۶,۱	٪۶
اندونزی	٪۱۱,۹	٪۵
ترکیه	٪۵,۶۹	٪۳
قطر	٪۱,۳	٪۲
بحرین	٪۱,۸۹	٪۲
پاکستان	٪۲,۴۴	٪۰,۳۷
ایران	٪۲,۵۷	٪۰,۲۶
سایر کشورها	٪۳,۳۲	٪۰,۳۷

منبع: (International Islamic Financial Market, 2022)

رشد و توسعه بازار جهانی صکوک نقش بسزایی در طبقه‌بندی ساختار صکوک دارد که عبارت‌اند از: طبقه‌بندی براساس نوع ناشر، که طبق گزارش بازار بین‌المللی مالی اسلامی تأمین مالی‌های انجام شده از طریق انتشار صکوک جهانی در سال ۲۰۲۱ سهم نهادهای دولتی (٪۵۵)، شبه‌دولتی (٪۲۵,۱۹)، نهادهای مالی (٪۹,۵) و شرکتی (٪۱۰,۳۱) است که از دلایل عملکرد ضعیف بخش شرکتی در انتشار صکوک می‌توان به شرایط اقتصادی، سیاست‌های دولت در قبال یک بخش خاص، مسائل مربوط به جریان نقدینگی، مشوق‌های مالیاتی، نکول برخی صکوک و سایر دلایل مرتبط اشاره کرد. در سال ۲۰۰۹ بعد از بحران

۱۹. انتخاب کشورها در جدول (۱) براساس پیشرو بودن در انتشار صکوک در سال ۲۰۱۳ میلادی است.

مالی و نکول برخی انواع صکوک، یک استاندارد جدید هیأت خدمات مالی اسلامی^{۲۰} منتشر گردید که در آن طبقه‌بندی جدیدی از ساختار صکوک به‌عنوان نوع انتقال مالکیت ارائه شده است که سه نوع از ساختار صکوک را از هم متمایز گرداند که عبارتند از صکوک با پشتوانه دارایی^{۲۱} (انتقال کامل مالکیت حقوقی دارایی پایه است) و دو صکوک مبتنی بر دارایی^{۲۲} (صکوک که تعهد خرید از سوی بانی و صکوک که شامل تضمین از سوی ناشر) صورت گرفت^{۲۳}. در اوراق با پشتوانه دارایی (از جمله اوراق مشارکت، مضاربه یا منفعت) عملکرد دارایی تأثیر مستقیم بر جریان نقدی اوراق دارند یعنی عملاً خود دارایی‌ها هستند که مبلغ اصل و اقساط مربوط به طرح تأمین مالی رو تأمین می‌کنند. ولی در اوراق مبتنی بر دارایی (از جمله اوراق اجاره) که مثل اوراق قرضه متعارف هستند اصلاً کاری به جریان نقدی دارایی ندارند. با اینکه صکوک با پشتوانه دارایی به اصول شریعت اسلام نزدیک‌تر است اما دیده می‌شود که استفاده از اوراق مبتنی بر دارایی به دلیل آشنایی سرمایه‌گذاران با ساختار آن و سادگی‌اش کاربرد بیشتری پیدا کرده است (توحیدی و یارمحمدی، ۱۳۹۸، ص. ۵۱). طبق پایگاه داده هیأت خدمات مالی اسلامی، انتشار صکوک جهانی در سال‌های اخیر شاهد تکیه بیش‌ازحد بر ساختارهای صکوک مانند وکالت و مرابحه بوده است. در سال ۲۰۲۱ میلادی مقدار انتشار صکوک وکالت ۲۷,۱ درصد است و تقریباً یک‌چهارم از کل انتشار صکوک در سطح جهان از اوراق مرابحه تشکیل شده است. اوراق مرابحه یک محصول مالی است که در آن خریدار و فروشنده در مورد بهای تمام‌شده و هدف‌گذاری دارایی به‌جای هدف‌گذاری جایگزین پرداخت سود (که طبق قوانین اسلامی ممنوع است) توافق می‌کنند. متداول‌ترین ساختار بعدی اجاره است که حدود ۱۶,۹ درصد را به خود اختصاص داد و نوعی قرارداد است که در آن پرداخت‌های اجاره برای استفاده از دارایی جای پرداخت بهره را می‌گیرد و ایران نیز حجم بسیاری از انتشار صکوک خود را برای مرابحه و اجاره اختصاص داده است.

20. Islamic Financial Services Board

21. Asset-Backed Structure

22. Asset-Based Structures (Through-Pay and Structures Through-Pass)

۲۳. برای توضیحات بیشتر به نسخه 7 IFSB رجوع شود (IFSBS, 2009, p. 3-4).

۲-۲. کسری دوقلو

تئوری اقتصادی تصریح می‌کند که بررسی رابطه کسری بودجه و تراز حساب جاری حول سه رویکرد یعنی فرضیه کسری دوقلو، پدیده واگرایی دوقلو و فرضیه برابری ریکاردویی است. کیم و روبینی^{۲۴} (۲۰۰۸م) واگرایی دوقلو را مطرح می‌کنند که کاهش در کسری بودجه، کسری حساب جاری را افزایش می‌دهد (Lahiani, Mtibaa & Gabsi, 2022, p. 716). باین حال، تعریف فرضیه کینزی یکی از متداول‌ترین و قدیمی‌ترین رویکردها است که اولین بار در اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی ابداع شد که کسری دوقلو به معنای وجود رابطه مثبت بین کسری بودجه دولت و کسری حساب جاری است، این نظریه براساس چارچوب شناخته شده مدل ماندل-فلمینگ^{۲۵} است (Bucevska, 2020, p. 46). برای درک ارتباط مستقیم بین کسری دوقلو می‌توان از اتحاد اولیه درآمد ملی (رابطه ۴) استفاده کرد، که هزینه‌های عمومی بالاتر از طریق تقاضای بالاتر منجر به افزایش واردات و در نهایت منجر به کسری جاری می‌شوند.

$$Y=C+I+G+X-M \quad \text{رابطه (۱):}$$

$$S=Y-C-T \quad \text{رابطه (۲):}$$

I و S حاکی از سرمایه‌گذاری‌ها و پس‌اندازهای بخش خصوصی هستند؛ G و T حاکی از مخارج و درآمدهای دولت است. از رابطه (۱) و (۲) کسری دوقلو را به دست می‌آوریم. رابطه (۳):

$$(X-M) = (S-I) + (T-G)$$

$$CA = (S_p - I_p) + BB \quad \text{رابطه (۴):}$$

CA نشان‌دهنده حساب جاری و BB ترازمانی (پس‌انداز) بخش عمومی است که از طریق تفاوت بین پس‌انداز و سرمایه‌گذاری خصوصی با یکدیگر مرتبط هستند (Okoli, Tewari & Ilesanmi, 2021, p. 4). علاوه بر این، برای اثرات غیرمستقیم تراز مالی بر حساب جاری می‌توان از مدل ماندل-فلمینگ استفاده کرد، لذا اولین اثر غیرمستقیم از طریق کانال نرخ بهره و دومین اثر از یک مدل نسل همپوشان ابستفلد، راگاف و رنلویس^{۲۶} (۱۹۹۶م) ظاهر می‌شود که کسری‌های مالی منجر به توزیع مجدد درآمد از

24. Kim & Roubini

25. Mundell-Fleming

26. Obstfeld, Rogoff & Wren-lewis

نسل های آینده به نسل فعلی می شود و در نتیجه با کاهش پس انداز بر حساب جاری تأثیر منفی می گذارد در نهایت انتظار می رود هر دو کانال غیرمستقیم اثر مستقیم تراز مالی بر حساب جاری را تقویت نمایند و فرضیه کسری دوقلو را برقرار نماید (Badinger, Fichet, de Clairfontaine & Reuter, 2017, p. 3).

۲-۳. ابزارهای مالی اسلامی و کسری دوقلو

چارچوب ها و ابعاد تأمین مالی (از نظر آماده سازی بودجه، اجرا، قوانین، شفافیت مورد نیاز)، از طریق اثراتی که بر ترازهای مالی دارند به چند روش حساب جاری را تحت تأثیر قرار دهد (Ayot, 2020, p. 127). بر این اساس، آبیودون^{۲۷} (۲۰۲۰م) استدلال کرده که استقراض مداوم بخش دولتی با تحریک جذب داخلی می تواند منجر به مشکلات نرخ بهره و تورم شود و کسری حساب جاری را بدتر نماید (Aghughu, Alenoghena & Amase, 2022, p. 53). لذا با توجه به ریسک ابزارهای متعارف در سطوح اقتصادی و اجتماعی اکثر دولت ها قانونی را در ارتباط با بانکداری اسلامی شامل قوانین و اقدامات اقتصادی از فرایندهای مشارکتی و تلاش برای همگام شدن با تحولات جهانی برای بالا بردن سطح پس انداز ملی و نقش اوراق قرضه اسلامی در تأمین مالی کسری بودجه باهدف کاهش تورم و حفظ ثبات نرخ ارز ارائه کردند که می توانند با تمرکز بر روی ذخایر ارزی از طریق تقویت صادرات و کاهش واردات اثرات بیشتری بر حساب جاری داشته باشند (Hanane & Noureddine, 2021, P. 708). بر این اساس پوتربا^{۲۸} (۱۹۹۴م) نشان می دهد که چارچوب های قوانین مالی باهدف تراز بودجه مالی و کاهش بدهی عمومی، می توانند به کاهش کسری مالی کمک کنند (Badinger, Fichet de Clairfontaine & Reuter, 2017, P. 2). لیکن قوانین اسلامی نیز با گسترش ابزارهای مالی اسلامی از طریق تعمیق مالی، افشای اطلاعات متقارن (شفاف سازی) و جمع آوری پس اندازهای خرد در کشورها باهدف مدیریت و ساماندهی نقدینگی، تکیه بر منابع واقعی به جای استقراض از سیستم بانکی و دستیابی به استفاده بهینه از منابع به کاهش کسری بودجه در جهت افزایش تولید و صادرات به منظور دستیابی به نرخ های رشد اقتصادی پایدار می انجامد (عیسوی و قلیچ، ۱۳۹۴، ص. ۱۴). اثر غیرمستقیم قوانین مالی ممکن است حساب جاری را از طریق

27. Abiodun

28. Poterba

ویژگی‌های ریکاردویی تحت‌تأثیر قرار دهد، افزایش در کسری بودجه با افزایش در پس‌انداز خصوصی جبران خواهد شد، در نتیجه قیمت و نرخ ارز تغییر محسوسی نخواهد داشت و تأثیر تراز مالی بر حساب‌جاری کاهش خواهد یافت و از این‌رو رابطه کسری دولتی تضعیف می‌شوند. علاوه‌براین، قوانین و ابعاد ابزارهای مالی (صکوک) ممکن است حساب‌جاری را از طریق کانال‌های غیر از تراز مالی تحت‌تأثیر قرار دهد و این اثر قوی‌تر است. ویلسون^{۲۹} (۲۰۰۸م) بیان می‌کند اوراق صکوک به دلیل پوشش دهی ریسک سرمایه‌گذاری، بیشتر از سایر اوراق بهادار مورد استفاده قرار می‌گیرند، از این‌رو اثر مستقیم بین ابزار مالی اسلامی و حساب‌های جاری را نشان می‌دهد، اگر عاملین اقتصادی در نظر بگیرند که انتشار صکوک نا اطمینانی در مورد سیاست مالی آینده را کاهش می‌دهد نیاز به پس‌انداز احتیاطی و انباشت سرمایه کاهش می‌یابد^{۳۰} و نتیجه آن افزایش سرمایه‌گذاری و تولید در جامعه است. در چنین حالتی، انتظار داریم که قوانین مالی کارا (صکوک) بر کسری تراز حساب‌جاری تأثیر منفی بگذارد. به عبارت دیگر، هرچه ابزار مالی کارا تر باشند، تأثیر تراز مالی بر حساب‌جاری کوچک‌تر خواهد بود (Badinger, Fichet de Clairfontaine & Reuter, 2017, P. 4).

۳. مواد و روش‌ها

تحقیق حاضر براساس هدف کاربردی، ماهیت داده‌ها کمی و روش جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات تجربی است و جامعه آماری آن شامل تمام کشورهای عرضه‌کننده صکوک است که عضو سازمان همکاری اسلامی^{۳۱} باشند، لیکن کشورهایی مورد مطالعه محدود به ۱۵ کشور عرضه‌کننده صکوک (بنگلادش، برونئی دارالسلام، اندونزی، ایران، اردن، کویت، مالزی، نیجریه، عمان، پاکستان، قطر، عربستان سعودی، سودان، ترکیه و امارات متحده عربی)^{۳۲} عضو سازمان همکاری اسلامی است، که داده‌های سالانه مربوط به صکوک برای

29. Wilson

۳۰. چارچوبی در ارتباط با محدودیت استقراض و پس‌انداز احتیاطی معرفی کرده است به گونه‌ای که در مواجهه با کمبود استقراض و بازارهای مالی ناکامل، مصرف با پس‌انداز احتیاطی هموار خواهد شد (خسروی، آذربایجانی و ندری، ۱۳۹۸).

31. The Organisation of Islamic Cooperation (OIC)

32. Bangladesh, Brunei Darussalam, Indonesia, Iran, Jordan, Kuwait, Malaysia, Nigeria, Oman, Pakistan, Qatar, Saudi Arabia, Sudan, Turkey & United Arab Emirates.

آن‌ها در بازه زمانی ۲۰۲۱-۲۰۱۳ در دسترس است. برای آزمون فرضیه از رهیافت داده‌های تابلویی پویا در قالب روش گشتاورهای تعمیم‌یافته^{۳۳} استفاده شد. یک چارچوب از داده‌های تابلویی استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته آرانو و باند^{۳۴} (۱۹۹۱م) است که تفاضل مرتبه اول متغیر وابسته را در سمت راست معادله وارد می‌کند و روشی برای به دست آوردن نتایج قوی است. با این خاصیت که اگرچه ضریب وقفه موردنظر چندان مهم هم نباشد، ولی حضور این متغیر باعث خواهد شد که ضرایب سایر متغیرها به‌درستی برآورد شوند. این روش در حضور درون‌زایی، ناهمسانی و خودهمبستگی بین متغیر توضیحی و وابسته بسیار مناسب است. در واقع روشی است که می‌تواند بر شرایط داده‌ها با نقض فروض در تحلیل رگرسیون غلبه کند (Afonso & Coelho, 2022, p. 9-10) و بنابراین برآوردگر پرتوانی است و نیاز به اطلاعات دقیق توزیع جملات اختلال ندارد. وجود متغیر با وقفه سبب نقض فرض عدم خودهمبستگی بین جملات اختلال و متغیر مستقل به‌عنوان یکی از فروض کلاسیک می‌شود. به دلیل وجود اثرات غیرقابل مشاهده خاص هر کشور و وجود متغیر وابسته با وقفه در متغیرهای توضیحی و بیشتر بودن تعداد مقاطع از دوره زمانی روش گشتاورهای تعمیم‌یافته کارا است که نتیجه آن تخمین‌ها دقیق‌تر، کارایی بالاتر و هم خطی کمتر خواهد بود (Lahiani, Mtibaa & Gabsi, 2022, p. 723). برای معتبر بودن مدل برازش شده از آزمون سارگان برای تأیید اعتبار متغیرهای ابزاری استفاده می‌شود (Ledhem, 2022, P. 10) و آزمون والد معنی‌داری کل رگرسیون را بررسی می‌کند. با استفاده از این آزمون می‌توان تشخیص داد که آیا متغیرهای استفاده شده در الگو بر متغیر وابسته تأثیر دارند یا نه؟ یا به عبارتی این آزمون برای معتبر بودن ضرایب محاسبه می‌شود (Rajarathinam & Anju, 2023, P. 4). در مطالعه حاضر با توجه به بررسی داده‌های ۱۵ کشور طی یک دوره ۹ ساله فرض مذکور ($T < N$) برقرار بوده و از روش GMM با استفاده از نرم‌افزار ایویوز (نسخه ۱۲) استفاده شده است. قبل از برآورد تأثیر صکوک بر ارتباط کسری دولتی لازم است اعتبار فرضیه کسری دولتی (بدون وجود تأثیر صکوک) در کشورهای منتخب در بازه زمانی ۲۰۲۱-۲۰۱۳ موردبررسی قرار گیرد، که مدل اقتصادسنجی آن به‌صورت زیر ارائه شده است:

33. Generalized Method of Moments (GMM)

34. Arellano & Bond

$$CA_{i,t} = \beta + \alpha_0 CA_{i,t-1} + \alpha_1 BB_{i,t} + \alpha_2 X_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{رابطه (۵):}$$

پس از اطمینان از اعتبار آماری الگوی (۵) و تأیید فرضیه کسری دوقلو، برآورد الگوی (۶) با وجود تأثیر صکوک بر فرضیه کسری دوقلو با استفاده از روش GMM صورت می‌گیرد و مدل اقتصادسنجی با بهره‌گیری از مطالعه (Afonso, Huart, Jalles & Stanek, 2022, p. 9) به شرح زیر خواهد بود:

$$CA_{i,t} = \beta + \alpha_0 CA_{i,t-1} + \alpha_1 BB_{i,t} + \alpha_2 SUKUK_{i,t} + \alpha_3 [SUKUK_{i,t} * BB_{i,t}] + \alpha_4 X_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{رابطه (۶):}$$

برای آزمون فرضیه کسری دوقلو، متغیر تراز حساب جاری ($CA_{i,t}$) به‌عنوان متغیر وابسته است که با استناد به مطالعه باندی و آنجا (۲۰۱۹م) تغییرات در حساب جاری می‌تواند ناشی از نیروهای ساختاری و چرخه‌ای باشد. نیروهای چرخه‌ای را می‌توان از چشم‌انداز تجارت مشاهده کرد و کسری حساب جاری^{۳۵} نشان‌دهنده ارزش واردات کالاها و خدمات در مقایسه با ارزش صادرات است. به‌گونه‌ای که افزایش قیمت واردات، تراز حساب جاری را به سمت پایین می‌کشد. برای اندازه‌گیری متغیر مربوطه از داده‌های سالانه صندوق بین‌المللی پول^{۳۶} استفاده شد و واحد آن برحسب درصدی از تولید ناخالص داخلی است. تراز مالی ($BB_{i,t}$)^{۳۷} جز دیگر کسری دوقلو است که می‌تواند بیانگر کسری یا مازاد بودجه دولت باشد و برای اندازه‌گیری آن از داده‌های سالانه اقتصاد جهانی^{۳۸} برحسب درصدی از تولید ناخالص داخلی منظور شده است. برای بررسی متغیر مستقل صکوک ($SUKUK_{i,t}$) می‌توان با پیروی از مطالعات (Moussaoui, 2022, p. 8) و (Ledhem & Moussaoui, 2021, p. 147) از کل دارایی‌های صکوک منتشر شده^{۳۹} (ارزش دارایی‌های صکوک که بیانگر سهام در مالکیت دارایی‌های مشهود مربوط به پروژه‌های خاص است) به‌عنوان متغیری برای اندازه‌گیری صکوک استفاده کرد، که آمار مربوطه از پایگاه داده سازمان همکاری اسلامی (OIC)^{۴۰} به‌صورت میلیون دلار استخراج شده و در محاسبات

35. Current Account Deficit (CAD)

36. International Monetary Fund

37. Fiscal (Budget) Balance (% of GDP)

38. Global Economy

39. Total Sukuk Holdings Issued

40. Organization Islamic Conference

به صورت درصدی از GDP لحاظ شده است. برای متغیرهای کنترل (X_{it}) می توان از عوامل اقتصادی مؤثر بر تراز بودجه و حساب جاری استفاده کرد. که شامل «نرخ ارز موثر حقیقی»^{۴۱} یا به عبارتی نرخ ارز واقعی بین ارزهای شرکای تجاری مبتنی بر قیمت های مصرف کننده است، که از داده های سالانه «صندوق بین المللی پول»^{۴۲} استخراج شده است. علاوه بر این از «متغیرهای سرمایه گذاری مستقیم خارجی»^{۴۳} و «خالص دارایی های خارجی»^{۴۴} از «پایگاه داده بانک جهانی»^{۴۵} برحسب درصدی از تولید ناخالص داخلی استفاده شده است. متغیر^{۴۶} نیز از تعامل دو متغیر صکوک و تراز مالی به دست آمده است، $\varepsilon_{i,t}$ عبارت پسماند و a_0 عرض از مبدأ است.

۴. یافته های تحقیق

آزمون مانایی: در ابتدا لازم است ایستایی (مانایی) تمام متغیرهای مورد استفاده در تخمین ها، مورد آزمون قرار گیرد، زیرا نامانایی متغیرها چه در مورد داده های سری زمانی و چه داده های تابلویی، باعث بروز مشکل رگرسیون کاذب می شود (Tergou & Meddahi, 2023, p. 47). در پژوهش حاضر از آزمون ریشه واحد Levin, Lin & Chu برای متغیرها در جدول (۲) ارائه شده است. فرضیه صفر این آزمون مبنی برداشتن ریشه واحد و نامانایی تأیید نمی شود. لذا تمامی متغیرهای پژوهش، در سطح ۹۵ درصد مانا می باشند.

جدول (۲): نتایج آزمون ریشه واحد LLC برای متغیرهای مدل

نتیجه	احتمال	مقدار آماره	متغیر
I(0)	۰/۰۰۰۰	-۱۰/۵۷۸۶	CA
I(0)	۰/۰۰۰۰	-۶/۷۰۱۵	BB
I(0)	۰/۰۰۲۳	-۲/۸۳۱۲	FDI
I(0)	۰/۰۰۰۰	-۱۱/۱۹۷۵	REER
I(0)	۰/۰۰۰۳	-۳/۴۳۴۴	SB

41. Real Effective Exchange Rate $REER_{i,t}$

42. International Monetary Fund (IMF)

43. Foreign direct investment, net inflows (% of GDP)

44. Net foreign assets (% of GDP)

45. World Development Indicators (WDI)

46. $SB_{i,t} = SUKUK_{i,t} * BB_{i,t}$ ($SB_{i,t}$)

نتیجه	احتمال	مقدار آماره	متغیر
I(0)	۰/۰۰۰۰	-۶/۱۷۹۰	SUKUK
I(0)	۰/۰۱۳۲	-۲/۲۱۸۹	NFA

منبع: نتایج تحقیق با استفاده از نرم افزار Eviews 12

آزمون همبستگی: پیش از برآورد مدل، یکی از معیارها جهت شناسایی هم خطی استفاده از ضرایب همبستگی بین متغیرهای توضیحی است. اگر ضرایب همبستگی بین متغیرهای توضیحی نسبتاً بزرگ باشد بیانگر هم خطی نسبتاً شدید است و بالعکس (سوری، ۱۳۹۴). مقادیر جدول (۳) کمتر از ($\sqrt{R^2} = \sqrt{0.66} = 0.83$)^{۴۶} است، احتمالاً هم خطی بین متغیرهای توضیحی استفاده شده در مدل پژوهش، ناقص و قابل چشم پوشی است.

جدول (۳): نتایج احتمالی آزمون همبستگی میان متغیرهای توضیحی و وابسته

	CA	BB	SB	FDI	REER	SUKUK	NFA
CA	۱	۰/۶	۰/۱۸	-۰/۱۴	-۰/۱۵	۰/۱۷	۰/۳۶
BB	۰/۶۰	۱	۰/۴۱	-۰/۰۸	-۰/۰۴	۰/۰۴	-۰/۰۹
SB	۰/۱۸	۰/۴۱	۱	-۰/۱۱	۰/۰۵	-۰/۰۳۶	-۰/۰۲
FDI	-۰/۱۴	-۰/۰۸	-۰/۱۱	۱	-۰/۲۳	-۰/۰۶	۰/۱۷
REER	-۰/۱۵	-۰/۰۴	۰/۰۵	-۰/۲۳	۱	-۰/۱۹	-۰/۰۹
SUKUK	۰/۱۷	۰/۰۴	-۰/۰۳۶	-۰/۰۶	-۰/۱۹	۱	-۰/۲۳
NFA	۰/۳۶	-۰/۰۹	-۰/۰۲	۰/۱۷	-۰/۰۹	-۰/۲۳	۱

منبع: نتایج تحقیق با استفاده از نرم افزار Eviews 12

آزمون علیت گرنجری: آزمون علیت گرنجر یک آزمون فرضیه آماری است برای تعیین اینکه آیا یک سری زمانی می تواند سری دیگر را پیش بینی کند یا خیر استفاده می شود. به عبارتی برای بررسی ساختار روابط علی علیت یک طرفه یا دوطرفه بین متغیرها دارای کاربرد است (Jayawardhana et al, 2023, p. 12). طبق نتایج جدول (۴) در ردیف (۱) به دلیل سطح احتمال کمتر از ۵ درصد تراز مالی علیت تراز جاری است به عبارتی علیت در فرضیه کسری دوقلو در این تحقیق از سمت کسری بودجه به کسری

حساب جاری برقرار است که جهتی موافق جهت پیش‌بینی شده توسط فرضیه کینزی است، علاوه بر این با مطالعه (بوچوسکا^{۴۷}، ۲۰۲۰، ص. ۵۴) نیز همسو است.

جدول (۴): آزمون علیت گرنجری

فرضیه	احتمال	ردیف
BB علیت گرنجری CA نیست	۰/۰۲۵۲	۱
CA علیت گرنجری BB نیست	۰/۱۰۱۸	۲

منبع: نتایج تحقیق با استفاده از نرم‌افزار Eviews 12

آزمون F لیمر: از این آزمون برای تشخیص داده‌های پانل یا داده‌های پولین در تخمین مدل استفاده شده است و با توجه به Prob جدول (۵) مشخص شده است که روش کار پانل است.

جدول (۵): آزمون F لیمر برای الگوی (۶)

نوع آزمون	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه آزمون
آزمون F لیمر	۵/۰۵۹۶	۰/۰۰۰۰	پانل

منبع: نتایج تحقیق با استفاده از نرم‌افزار Eviews 12

آزمون فرضیه روش GMM: سرانجام بعد از آزمون‌های لازم، برآورد الگوهای (۵) و (۶) با استفاده از روش GMM در جدول (۶) وارد شده است.

جدول (۶): نتایج حاصل از برآورد الگوی (۵) و (۶)

متغیر	تخمین الگوی ۵ (بدون تأثیر صکوک)			تخمین الگوی ۶ (با وجود تأثیر صکوک)		
	ضریب	آماره t	احتمال	ضریب	آماره t	احتمال
$CA_{i,t-1}$	۰/۱۳۷۳	۱۱/۱۷۳۰	۰/۰۰۰۰	۰/۱۴۴۰	۷/۲۴۲۶	۰/۰۰۰۰
$BB_{i,t}$	۰/۹۵۵	۲۸/۳۰۵۲	۰/۰۰۰۰	۰/۸۶۳۶	۷/۷۲۸۲	۰/۰۰۰۰
$NFA_{i,t}$	-۰/۲۲۰۹	-۹/۹۳۰۹	۰/۰۰۰۰	-۰/۱۵۲۴	-۴/۱۱۲۷	۰/۰۰۰۱
$FDI_{i,t}$	-۰/۴۸۹۹	-۱۶/۳۰۸۹	۰/۰۰۰۰	-۰/۱۹۹۷	-۲/۶۷۸۱	۰/۰۰۸۷
$REER_{i,t}$	-۰/۰۴۹۷	-۱/۸۳۳۸	۰/۰۶۹۷	-۰/۰۷۱۳	-۲/۰۳۴۳	۰/۰۴۴۶
$SB_{i,t}$	-	-	-	۰/۱۶۹۹	۴/۳۷۷۶	۰/۰۰۰۰

تخمین الگوی ۵ (بدون تأثیر صکوک)			تخمین الگوی ۶ (باوجود تأثیر صکوک)			
متغیر	ضریب	آماره t	احتمال	ضریب	آماره t	احتمال
SUKUK _{i,t}	-	-	-	۲/۴۶۵۴	۲/۸۴۶۸	۰/۰۰۵۴
آماره J		۱۰/۴۰		۸/۰۵۷۰		
احتمال آماره J		۰/۴۰۶		۰/۴۲۷۹		
رتبه متغیر ابزاری		۱۵		۱۵		
آزمون سارگان		۰/۴۹۴۷		۰/۵۳		

منبع: نتایج تحقیق با استفاده از نرم افزار Eviews 12

طبق استناد به نتایج جدول (۶)، تخمین الگوی ۵ (مدل پایه) نشان می‌دهد که تراز حساب جاری در دوره‌ی جاری به‌طور مثبت تحت تأثیر مقدار گذشته خود قرار دارد و تراز مالی در فاصله اطمینان ۹۹ درصد اثری مثبت و معنادار بر تراز حساب جاری در مقاطع مکانی و زمانی موردبررسی داشته است به‌گونه‌ای که یک درصد تغییر در تراز مالی ۰/۹۵ درصد اثر مثبتی بر تراز حساب جاری دارد که نتایج حاصله فرضیه کسری‌های دوقلو را در این گروه از کشورها مورد تأیید قرار می‌دهد، تعداد زیادی از مطالعات نظیر دوویکت^{۴۷} (۲۰۲۳م) و آفونسو و کوئیلو^{۴۸} (۲۰۲۲م) نیز گویای این حقیقت است.

بعد از برآورد مجدد (باوجود اثر صکوک) و مقایسه آن با مدل پایه همان‌طور که از جدول (۶) نیز استنباط می‌شود، وقفه تراز حساب جاری در فاصله اطمینان ۹۹ درصد اثری مثبت و معنادار بر میزان تراز حساب جاری دارد، همچنین تراز مالی در فاصله اطمینان ۹۹ درصد اثری مثبت و معنادار بر میزان تراز حساب جاری در کشورهای منتخب موردبررسی طی دوره زمانی ۲۰۲۱-۲۰۱۳ میلادی داشته است، به‌طوری‌که ۱ درصد تغییر در تراز مالی، ۰/۸۶ درصد تراز حساب جاری را افزایش داده است. به عبارتی فرضیه کسری دوقلو می‌تواند در این بررسی مورد تأیید قرار گیرد. علاوه‌براین، طبق مطالعه (Ayot, 2020, p. 68) انباشت کسری بودجه در طی سال‌ها باعث افزایش بدهی ملی و از طریق برگ‌های خرید بر تراز حساب جاری اثرگذار می‌شود. در این میان طبق مطالعه بنیختی، بولبلا، بنلاغم

47. Duwicquet

48. Afonso & Coelho

و بنیویزیا^{۴۹} (۲۰۱۹م) ابزارهای مالی متعارف (اوراق قرضه) برای تأمین کسری بودجه دولت راه‌حل‌های موقتی ارائه می‌دهند (طبق منحنی ز باعث بهبود حساب‌جاری و تضعیف ارتباط کسری دوقلو منجر می‌شود) ولی هر چه این اوراق بلندمدت‌تر باشد بهره دریافتی بالاتر خواهد بود. از این رو اثرات نامطلوبی بر تراز بودجه دولت در بلندمدت خواهند داشت و پیامدهای آن منجر به افزایش کسری حساب‌جاری می‌شود. لیکن نتایج در مقایسه با مدل پایه نشان می‌دهد که وجود متغیر صکوک به شکل مستقیم و غیرمستقیم در مدل باعث تضعیف این ارتباط مثبت در طی دوره موردبررسی شده است و ضریب کسری بودجه را از ۰/۹۵ درصد به ۰/۸۶ درصد رسانده است، که نشان از تأیید فرضیه تحقیق است بنابراین، فرضیه این مطالعه مبنی بر اینکه صکوک ارتباط کسری‌های دوقلو را تضعیف می‌کند، رد نمی‌شود و مؤید یافته‌های تحقیقات گذشته مانند آفونسو، هوارت، جالس و استانک^{۵۰} (۲۰۲۲م) است. و دلیل تغییرات نسبتاً کم تراز بودجه (حدود ۰/۱) را می‌توان وجود برخی محدودیت‌های مالیاتی که موجب می‌شود صکوک کارایی کمتری داشته باشد و وجود نکول قابل توجه در برخی از انواع صکوک منتشر شده اشاره کرد. با این حال آنچه قابل توجه می‌باشد این است که به مسلمانان و غیرمسلمانان اجازه می‌دهد تا اصول شریعت اسلامی و مالیه اسلامی را بهتر درک کنند، از این رو می‌تواند اثر مستقیم بین صکوک و تراز حساب جاری را نشان دهد. یک درصد افزایش در انتشار صکوک می‌تواند تراز حساب جاری را به ۲/۴۶ درصد افزایش دهد. بر این اساس، وجود توسعه پایدار دارائی‌های صکوک در کشورهای موردبررسی با مقدار ۴۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۳ میلادی به ۱۳۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۱ نیز مورد تأیید قرار می‌گیرد و به عنوان یک راه‌حل جدید تأمین مالی برای مقابله با مشکل تأمین مالی سنتی تحلیل می‌شود که این یافته موافق با نتایج مطالعات ریسوان، رستم، رزاق و موچران^۷ (۲۰۲۳) است. روش غیرمستقیم صکوک بر کسری دوقلو که با متغیر SB ارائه شده، تعاملی از ابزارهای اسلامی (صکوک) در تراز مالی است، که با افزایش یک درصد می‌تواند ۰/۱۷ درصد تراز حساب جاری را در فاصله اطمینان ۹۹ درصد افزایش دهد. علاوه بر این سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در فاصله اطمینان ۹۹ درصد اثری منفی و معنادار بر میزان تراز حساب جاری داشته است، به گونه‌ای که ۱ واحد بهبود

49. Benbekhti, Boulila, Benladghem & Benbouziane

50. Afonso, Huart, Jalles & Stanek

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، ۰/۲۰ درصد تراز حساب‌جاری را کاهش می‌دهد. این نتیجه دورازانتظار نیست چون ابزار مالی کاراتر (صکوک) می‌تواند انتخاب خوبی برای سرمایه‌گذاری باشد، زیرا قیمت‌های آن‌ها معمولاً نوسانات کمتری نسبت به ابزار سنتی (یا سهام) دارند و ممکن است از طریق پوشش ریسک، نرخ بهره را کاهش می‌یابد که جریان‌های ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را کاهش می‌دهد و منجر به کاهش ارزش پول و در نتیجه افزایش خالص صادرات و افزایش تراز حساب‌جاری می‌شود. از طرفی NFA به‌عنوان خالص دارایی‌های خارجی نیز در فاصله اطمینان ۹۹ درصد اثری منفی و معنادار بر میزان تراز حساب‌جاری داشته، به‌طوری‌که ۱ واحد افزایش در خالص دارایی‌های خارجی، تقریباً ۰/۱۵ درصد تراز حساب‌جاری را کاهش داده است از آنجاکه واردات تابعی از مخارج کل اسمی و خالص دارایی‌های خارجی است. هنگامی که مخارج کل کشور در مورد کالاها و خدمات افزایش یابد، تقاضا برای واردات آن کشور نیز افزایش می‌یابد و کنترل‌ها و محدودیت‌ها در زمینه واردات کاهش می‌یابد بدین روی با افزایش واردات تراز حساب‌جاری نیز کاهش می‌یابد، که در مطالعات پرات، مدینا و توماس^{۵۱} (۲۰۱۰م) و بادینگر، فیشه دکلفوتین و رویتر^{۵۲} (۲۰۱۷م) نیز تأیید شده است. در نتیجه اثرگذاری سهم منفی NFA و FDI به تراز حساب‌جاری در مقایسه با برآورد مدل اول به ترتیب از ۰/۲۲ به ۰/۱۵ و از ۰/۴۸ به ۰/۱۹ رسیده که نشان از تضعیف رابطه کسری دوقلو باوجود ابزار تأمین مالی اسلامی صکوک است. علاوه‌براین، متغیر نرخ ارز در فاصله اطمینان ۹۵ درصد اثر منفی و معناداری بر تراز حساب‌جاری دارد بر این اساس با یک درصد افزایش در نرخ ارز، تراز حساب‌جاری ۰/۰۷ درصد کاهش می‌یابد که با مطالعه بنبختی، بولیل، بنلاغم و بنبوزیانه (۲۰۱۹م) همسو است. و طبق مدل ماندل فلمینگ اگر با افزایش نرخ ارز شرط مارشال لرنر تعمیم‌یافته برقرار نباشد عکس‌العمل خالص صادرات به افزایش نرخ ارز حقیقی منفی خواهد بود و اثر نامطلوبی بر تراز حساب‌جاری دارد که مطالعه فریانتو^{۵۳} (۲۰۲۰م) نیز افزایش نرخ ارز را دلیلی بر کاهش تراز حساب‌جاری می‌دانست.

51. Prat, Medina & Thomas

52. Badinger, Fichet de Clairfontaine & Reuter

53. Feriyantoa

آزمون سارگان: بعد از برآورد مدل‌ها برای مطمئن شدن اعتبار متغیرهای ابزاری، آزمون سارگان برآورد شده است که طبق جدول (۷) احتمال آزمون سارگان با مقدار ۰/۵۳ دلیل بر اعتبار داشتن متغیرهای ابزاری است. لذا فرضیه صفر مبنی بر معتبر بودن ماتریس ابزارها رد نمی‌شود و ابزارهای مورد استفاده برای تخمین از اعتبار لازم برخوردار هستند (بین ابزارهای به کار گرفته و جز خطا هیچ گونه ارتباطی وجود ندارد) در نهایت مبنی بر کافی بودن تعداد متغیرهای ابزاری موجود در الگوهاست و الگوها نیاز به تعریف متغیر ابزاری جدید ندارد.

جدول (۷): نتایج آزمون سارگان

	ارزش احتمال	مقدار آماره χ^2
الگوی ۵	۰/۴۹۴۷	۱۰/۴۰
الگوی ۶	۰/۵۳	۸/۰۵۷

منبع: نتایج تحقیق با استفاده از نرم افزار Eviews 12

آزمون والد: بعد از برآورد مدل از آزمون والد که دارای توزیع χ^2 است برای معتبر بودن ضرایب استفاده شده و فرضیه صفر مبنی بر صفر بودن ضرایب رد می‌شود؛ بنابراین، متغیرهای وارد شده طبق جدول (۸) در هر دو مدل از اعتبار لازم برخوردار هستند.

جدول (۸): نتایج حاصل از آزمون والد

آماره های آزمون	الگوی ۵		الگوی ۶	
	مقدار	احتمال	مقدار	احتمال
آماره ی F	۷۳۷۶/۸۹	۰/۰۰۰۰	۲۵۵۴۹۸/۱	۰/۰۰۰۰
آماره ی χ^2	۵۱۶۳۸/۲۳	۰/۰۰۰۰	۱۲۷۷۴۹۰	۰/۰۰۰۰

منبع: نتایج تحقیق با استفاده از نرم افزار Eviews 12

بحث و نتیجه گیری

منطق استاندارد برای فرضیه کسری دولتی در اغلب کشورهای دنیا رخ می‌دهد، با این حال سازوکار اثرگذاری به سادگی قابل رویت نیست و در صحنه عمل فراتر از دیدگاه‌ها و الگوهای نظری است. اخیراً در پی بحران‌های اقتصادی- مالی این موضوع توجه بسزایی را به خود جلب کرده است و از آنجاکه درجه تأثیرپذیری کسری حساب جاری از کسری

بودجه دولت به نوع تأمین مالی کسری بودجه بستگی دارد. از این رو، کشورها برای ممانعت از رجوع مکرر به راه‌حل‌های پرهزینه و تورم‌زا بایستی به طراحی ابزارهای مالی مشروع روی آورند. در این میان صکوک مناسب‌ترین ابزار برای تأمین کسری بودجه که می‌تواند پیوندی را در بخش مالی و حقیقی برقرار نماید و با دور شدن از فضای تورمی ابزار تأمین مالی متعارف و با تأکید در مشارکت دارایی‌های حقیقی در اقتصاد با فرض تقویت بخش تولید در بلندمدت به توسعه اجتماعی- اقتصادی جامعه نیز کمک خواهد کرد. در این راستا مقاله حاضر، اثر صکوک بر کسری‌های دولتی را برای نمونه‌ای از ۱۵ کشور عضو سازمان همکاری اسلامی در دوره ۲۰۲۱-۲۰۱۳ میلادی با استفاده از مدل گشتاورهای تعمیم‌یافته مورد بررسی قرار داده است. یافته‌های اصلی را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد: ابتدا آزمون‌های مانایی و همبستگی، جهت علیت فرضیه کسری دولتی، تشخیص پانل یا تلفیقی بودن داده‌ها صورت گرفته است و تمام متغیرها در سطح مانا بودند و با تأیید روش پانل، بررسی مدل پایه برای تشخیص ضریب مثبت تراز مالی با تراز حساب جاری و تأیید فرضیه کسری دولتی انجام گردید. سرانجام الگوی اصلی تحقیق با در نظر گرفتن صکوک به روش گشتاورهای تعمیم‌یافته مورد برآورد قرار گرفت که علامت مثبت ضریب کسری بودجه در این مدل نیز نشان از تأیید فرضیه کسری دولتی است و همچنین کاهش ضریب کسری بودجه از ۰,۹۵ به ۰,۸۶ درصد نیز نشان از کاهش تأثیر مستقیم تراز بودجه بر تراز حساب جاری است. بر این اساس، نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ی پژوهش مبنی بر اینکه صکوک ارتباط کسری‌های دولتی را تضعیف می‌کند رد نشد. دلیل پایین بودن ضریب برآورد شده به حدود ۰,۱ می‌تواند ناشی از حجم بالای استفاده از صکوک وکالت و مرابحه در سال‌های اخیر کشورها باشد این توسعه نیاز به نظارت دارد، زیرا بازار جهانی صکوک از نظر ساختاری متنوع توصیه می‌شود. نتایج مطالعه حاضر بر این امر دلالت دارد که اگر بتوان از طریق فروش صکوک به مردم برای تأمین مالی کسری بودجه استفاده کرد منجر به بهتر شدن تراز جاری می‌شود و همچنین از اثرات منفی کسری بودجه بر اقتصاد کشورها جلوگیری می‌کند. در نتیجه به دولت‌ها جهت تضعیف کسری دولتی توصیه می‌شود برای تأمین مالی کسری بودجه از طریق روش‌های مرسوم و یا استقراض از بانک‌های داخلی، خارجی و مالیات خودداری نمایند؛ چراکه این روش‌ها به صورت بلندمدت نمی‌توانند به رفع کسری کمک کنند بلکه اثرات منفی بیشتری بر

اقتصاد کشورها دارد. علاوه بر این برای دستیابی به تنوع در انتشار صکوک، لازم است که فعالان بازار به تلاش خود در افزایش انتشار صکوک با پشتوانه دارایی ادامه دهند. برای اینکه بازار با پشتوانه دارایی به حرکت درآید و اثرگذاری بیشتری بر تضعیف کسری‌ها داشته باشد، رسیدگی به مسائلی از قبیل در دسترس بودن دارایی‌های کاملاً قابل انتقال، مسائل ساختاری و چالش‌های قانونی به‌ویژه الزامات انتقال عنوان و مدیریت ریسک دارایی پایه باید مورد توجه قرار گیرد. در این راستا سیاست‌گذاران در کشورهای اسلامی یا غیراسلامی نیازمند به تشویق مؤسسات مالی با کاهش محدودیت‌های اعمال شده و گسترش فرهنگ سرمایه‌گذاری با ایجاد مزایای جدید برای جذب سرمایه‌گذاران (به‌ویژه سرمایه‌گذاران خارجی) در راستای انتشار صکوک (با پشتوانه دارایی) باشند. در نتیجه تحقیقات گسترده در مورد انواع صکوک در درک مزایای واقعی این شیوه مالی اسلامی مفید خواهد بود.

سپاسگزاری

نویسندگان بر خود الزام می‌دانند از نکته نظرات داوران نشریه که موجب ارتقای پژوهش گردید، سپاسگزاری و قدردانی به عمل آورند و همچنین از حمایت اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران در جهت نیل به اهداف توسعه‌ای و به‌منظور بهره‌گیری از توان و ظرفیت بالقوه دانشگاه‌ها بسیار سپاسگزار هستند.

ملاحظات حقوقی

پیروی از اصول حقوقی

- تمامی اصول اخلاق در پژوهش در این مقاله رعایت شده است.

تعارض منافع

- بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.
- بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله مستخرج از رساله دکتری سیده سهیلا میری لداری با عنوان «تأثیر صکوک بر کسری‌های دولتی در کشورهای منتخب» در دانشگاه مازندران با راهنمایی دکتر محمد تقی گیلک حکیم آبادی است.
- بنابر اظهار نویسندگان این مقاله با حمایت مالی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تدوین شده است.

کتابنامه

۱. پناهی بروجردی، محمدسعید؛ و رضایی، احمدعلی (۱۴۰۰). اثر توسعه بازار صکوک بر نسبت کفایت سرمایه بانک‌های اسلامی (مطالعه موردی کشور ایران). *جستارهای اقتصادی ایران با رویکرد اقتصاداسلامی*، ۱۸(۳۶)، ۳۳-۴۸.
2. Panahi Brojerdi., M & Rezai, A. (2021). The Effect of Sukuk Market Development on the Capital Adequacy Ratio of Islamic Banks (Case Study of Iran). *Journal of Economic Essays in Iran*, (36)18, 33-48. (In Persian).
۳. توحیدی، محمد؛ و یارمحمدی، رضا. (۱۳۹۸). نوع‌شناسی و طبقه‌بندی اوراق بهادار اسلامی (صکوک) از منظر معیارهای گوناگون. *اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۸(۲۸)، ۴۱-۷۶.
4. Tohidi M., & Yarmohammadi., R. (2019). Typology and classification of Islamic Securities (Sukuk) in terms of various criteria. *Islamic Economics and Banking*, 8 (28), 41-76. (In Persian)
۵. سوری، علی (۱۳۹۴). اقتصادسنجی، همراه با کاربرد *Eviews8 & stata12* (جلد ۱)، ایران: فرهنگ‌شناسی.
6. Soury, A. (2015). *Econometrics (introductory) with the use of Eviews 8 and Stata 12 (volume 1)*, Iran: Cultural studies. (In Persian)
۷. سهیلی، کیومرث؛ کریمی، محمدشریف؛ و نعیمی، مینا (۱۳۹۷). بررسی ارتباط متغیرهای کلان کسری بودجه دولت، میزان صدور صکوک و رشد اقتصادی با استفاده از سیستم معادلات همزمان. *ایران: اولین کنفرانس بین‌المللی رویکردهای نوین در مدیریت کسب‌وکار و حسابداری با تأکید بر ارزش‌آفرینی و اقتصاد مقاومتی*.
8. Sohaili, K., Karimi, M., & Naemi, M. (2018). Investigating the Relationship Between the Macro Variables of the Government Budget Deficit, The amount of Sukuk Issuance and Economic Growth Using the System of Simultaneous Equations. *The First International Conference of New Approaches to Business and Accounting Management with an Emphasizing Value Creation And Resistance Economy*. (In Persian)
۹. حرواش، زینب ایمان؛ و شلیحی، طاهر (۲۰۲۱). دور الصکوک الإیسالمیة فی تمويل العجز الموازنی- دراسة حالة الجزائر-. *مجلة البحوث الاقتصادية والمالية*. المجلد الثامن العدد: الثاني.
10. Harvash, Z, I; & Shalihi, T., (2021). Al-Islamic Sukuk Period in the Financing of Disability- Algiers Case Study-. *Journal of Economic and Financial*. Volume 8, Number: Al-Thani.
۱۱. خسروی، میثم؛ آذربایجانی، علیرضا؛ و ندری، کامران (۱۳۹۸). پس‌انداز احتیاطی در شرایط بازارهای مالی ناکامل اقتصاد ایران: رهیافت مدل کارگزاران ناهمگن. *راهبرد اقتصادی*، ۸(۳۱)، ۱۱۷-۱۴۸.

12. Khosravi, M., Azarbayjani, A., & Nadri, K. (2020). Precautionary Saving in Iran Incomplete Financial Markets: Heterogeneous Agent Model Approach. *Journal of Economic Strategy*, 8(31), 117-148. (In Persian)
۱۳. عسگری، محمدرضا؛ و فرجی، نفیسه (۱۳۹۷). صکوک، ابزار مالی اسلامی جایگزین اوراق قرضه. *مطالعات مدیریت و حسابداری*، ۴(۱۳)، ۷۸-۸۹.
14. Asgari, M., & Faraji, N. (2017). Sukuk, Islamic Financial Instrument that Replaces Bonds. *Journal of Management and Accounting Studies*, 4(13), 78-89. (In Persian)
۱۵. عیسوی، محمود؛ قلیچ، وهاب (۱۳۹۴). قابلیت اوراق بهادار اسلامی در جبران کسری بودجه دولت به عنوان ابزار سیاستی. *پژوهشنامه اقتصادی*، ۱۵(۵۶)، ۱۰۵-۱۳۴.
16. Eisavi, M., & Ghelich, & W. (2015). The Capability of Islamic Securities in Compensating the Government's Budget Deficit as a Political Tool. *Journal of Economic Research Paper*, 15(56), 105-134. (In Persian)
۱۷. غروی، سید فرشید؛ نقی‌لو، احمد؛ و رحیم‌زاده، اشکان (۱۴۰۲). اثرات اوراق قرضه اسلامی (صکوک) بر رشد اقتصادی براساس یک مدل تعادل عمومی پویای تصادفی DSGE. *اقتصاد مالی*، ۱۷(۶۳)، ۲۷۳-۳۱۲.
18. Gharavi, F., Naghilu, A., & Rahimzadeh., A. (2023) The Effects of Islamic Bonds (Sukuk) on Economic Growth Based on a Dynamic Stochastic General Equilibrium Model (DSGE). *Journal of Financial Economics*, 17(63), 273-312. (In Persian)
۱۹. غفوری، منوچهر؛ صادقی، محمد؛ و رجب‌زاده، علیرضا (۱۴۰۱). ماهیت حقوقی صکوک انتظاری در حقوق ایران. *جامعه‌شناسی سیاسی*، ۵(۵۶)، ۵۴۹-۵۶۱.
20. Ghafoori, M., Sadeghi, M., & Rajabzade., A. (2022). The Legal Nature of Expected Sukuk in Iranian law. *Journal of Iranian Political Sociology*, 5(56), 549-561. (In Persian)
۲۱. مداح، مجید؛ و مهرپرور، منصوره (۱۴۰۰). تحلیل تجربی عوامل مؤثر بر کسری بودجه در ایران با استفاده از روش دیمتیل فازی. *پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، ۱(۸)، ۲۹۹-۳۳۲.
22. Maddah, M., & Mehrparvar, M. (2021). The Empirical Analysis of Effective Factors on Budget Deficit in Iran Using Fuzzy Dematel Method. *Journal of Iranian Economic Issues, Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS) Biannual Journal*, 1(8), 299-332. (In Persian)
23. Abiodun, A. (2020). Government Domestic Borrowing and Private Sector Credit Crowding Out: Empirical Evidence from Nigeria. *Journal of Investment and Management*, 9(4), 100-106.

24. Afonso, A., & Coelho, J. C. (2022). The Role of Fiscal Policies for External Imbalances: Evidence from the European Union. *Economic Systems*, 46(2), 1-34.
25. Afonso, A., Huart, F., Jalles, J. T., & Stanek, P. (2022). Twin Deficits Revisited: a Role for Fiscal Institutions?. *Journal of International Money and Finance*, 121, 102506.
26. Aghughu, A. A., Alenoghena, R. O., & Amase, J. (2022). Government Domestic Borrowing and Private credit in Nigeria: Testing the Lazy Bank Hypothesis. *Journal of Economics and Sustainable Development*, 13(7), 52-62.
27. Ayot, K. O. (2020). *Essays on Current Account Dynamics and Fiscal Rules in Sub-Saharan Africa*, Faculty of Commerce, School of Economics. Retrieved from <http://hdl.handle.net/11427/32580>.
28. Badinger, H., Fichet de Clairfontaine, A., & Reuter, W. H. (2017). Fiscal Rules and Twin Deficits: The Link Between Fiscal and External Balances. *World Economy*, 40(1), 21-35.
29. Banday, U. J., & Aneja, R. (2019). Twin Deficit Hypothesis and Reverse Causality: a Case Study of China. *Palgrave Communications*, 5(1), 1-10.
30. Beig, M., & Jameel, K. (2020). Economic Structural Reforms and Sovereign Assets-Backed Sukuk in Pakistan: A Systematic Literature Review. *Reviews of Management Sciences*, 2(1), 17-25.
31. Benbekhti, S. E., Boulila, H., Benladghem, F., & Benbouziane, M. (2019). The Asymmetric Effect of Sukuk on Government Budget: Dealing with Deficit in Malaysia. *Signifikan: Jurnal Ilmu Ekonomi*, 8 (1), 93-104. doi: <http://dx.doi.org/10.15408/sjie.v8i1.8068>.
32. Boukhatem, J. (2022). How Does Financial Risk Affect Sukuk Market Development? Empirical Evidence from ARDL Approach. *Heliyon*, 8(5), e09453.
33. Bucevska, V. (2020). Testing the Twin Deficit Hypothesis: Evidence from the Republic of North Macedonia. *Business Systems Research: International journal of the Society for Advancing Innovation and Research in Economy*, 11(3), 45-62.
34. Dogan, B., & Saykal, B. (2022). Relationship Between the Twin Deficit Hypothesis and the Inflation: Case of Turkey (2010-2019). *International Journal of Business and Social Science Research*, 3(3), 8-25.
35. Duwicquet, V. (2023). Twin Deficits. In *Elgar Encyclopedia of Post-Keynesian Economics*, Edward Elgar Publishing Limited, 424-425.
36. Feriyantoa, N. (2020). Determinants of the Indonesia's Current Account Balance: an Error Correction Model Approach. *Entrepreneurship and Sustainability Issues*, 7(4), 3410.

37. Hanane, S., & Noureddine, N. O. U. I. (2021). Mechanisms for Financing General Budget Deficit: A Comparative Study Between Algeria and Sudan. *Journal of Research in Finance and Accounting*, 6(1), 701-716.
38. Jayawardhana, T., Anuththara, S., Nimmadi, T., Karadanaarachchi, R., Jayathilaka, R., & Galappaththi, K. (2023). Asian Ageing: The Relationship Between the Elderly Population and Economic Growth in the Asian Context. *Plos one*, 18(4), e0284895.
39. Kafi, M., & Mullick, N. H. (2020). Sukuk in Iran's Banking, Challenges and Opportunities A Study of Four Decades of Sukuk in Iran. *Journal of Critical Reviews*, 7(1), 887-890.
40. Kalim, R. (2023). Sukuk as an Alternative Source of Public Debt. In *Research Anthology on Macroeconomics and the Achievement of Global Stability*, 1225-1239. IGI Global.
41. Kim, S., and N. Roubini. (2008). Twin Deficit or Twin Divergence? Fiscal Policy, Current Account, and Real Exchange Rate in the US. *Journal of International Economics*, 74(2), 362-383.
42. Lahiani, A., Mtibaa, A., & Gabsi, F. (2022). Fiscal Consolidation, Social Sector Expenditures and Twin Deficit Hypothesis: Evidence from Emerging and Middle-Income Countries. *Comparative Economic Studies*, 1-38.
43. Ledhem, M. A. (2022). The Financial Stability of Islamic Banks and Sukuk Market Development: Is the Effect Complementary or Competitive?. *Borsa Istanbul Review*, 22(1), 10-23.
44. Ledhem, M. A., & Moussaoui, W. (2021). Islamic Finance for Entrepreneurship Activities and Economic Growth: a Parametric and Non-Parametric Analysis from Malaysia. *PSU Research Review*.
45. Lonevskiy, O., Klimaitis, K., & Tkačevs, O. (2019). The Twin Deficits Hypothesis in the Eastern European Group: An Empirical Investigation.
46. Mehdaoui, H., & Bouchaib, B. (2022). The Role of Islamic Sukuk in Absorption of Deficit Budget: Indonesia and Malaysia cases. *Humanities* 53-67.
47. Mitsaliyandito, R. Q., Arundina, T., & Kasri, R. A. (2017). Impact of Sukuk Market Development on Indonesian Economic Growth. *International Journal of Applied Business and Economic Research*, 15(24), 537-549.
48. Obstfeld, M., K. S. Rogoff and S. Wren-lewis (1996). *Foundations of International Macroeconomics*. Cambridge, MA: MIT Press.
49. Okoli, T. T., Tewari, D. D., & Ilesanmi, K. D. (2021). Investigating a Threshold Effect in Twin Deficit Hypothesis: Evidence from the BRICS Economies. *Cogent Economics & Finance*, 9(1), 1886451.
50. Poterba JM (1994) State Responses to Fiscal Crises: The Effects of Budgetary Institutions and Politics. *Journal of Politic Economy*, 102(4), 799-821.

51. Prat, J., Medina, L., Thomas, A.H. (2010). Current Account Balance Estimates for Emerging Market Economies, 43(10), 1-24.
52. Rajarathinam, A., & Anju, J. B. (2023). Modeling COVID-19 Infected Cases and Deaths Based on Generalized Method of Moments. *Journal of Statistical and Econometric Methods*, 12(1), 1-18.
53. Riswan, R., Rustam, A., Razak, L. A., & Muchran, M. (2023). Sukuk Negara as an Alternative for APBN Financing in Indonesia. *Bukhori: Kajian Ekonomi dan Keuangan Islam*, 2(2), 111-121.
54. Tekdoğan, Ö. F. (2023). Islamic Finance-Based Financing Mechanism Proposals to Support Local Economic Development. *Gaziantep University Journal of Social Sciences*, 22(2), 565-578.
55. Tergou, M., & Meddahi, M.(2023). Is there a Relationship Between Economic Growth and CO2 Emissions in Algeria? An Econometric Analysis. *Journal Of North African Economies ISSN*, 19(32), 41-54.
56. Wilson, R. (2008). Islamic Economics and Finance. *World Economics*, 9(1), 177.
57. IIFM SUKUK REPORT.
58. International Islamic Financial Market



Examining the Forex Market and its Functions with a Micro and Macro Jurisprudential Approach

Ahmad Ameli*

Mahdi Bahadori**



10.30497/IFR.2023.243956.1760
20.1001.1.22518290.1401.12.1.6.1




Astract


The forex market is one of the most important financial markets, which indirectly, on the Internet and through brokerage, provides traders with the possibility of buying and selling foreign currencies. On the one hand, the following article explains the nature of the forex market and its structure using a descriptive-analytical method, and on the other hand, it examines its jurisprudential nature by referring to the Qur'an and Sunnah. In reviewing the criticisms about the mentioned market, the method of investigation is in two main areas, first, the micro approach (the contract between the trader and the broker) and its separation from the macro approach (the interest of governance) from one point of view, and secondly, the investigation in the form of distinguishing between the nature of the forex market and the precedents. and the market entry requirements are defined; The results of this research show that based on jurisprudential principles, there is no problem with the principle of transaction in such a market because it has all the conditions of validity and evidences such as "Afwa al-Aqud" and "Muslims on their terms" are valid. In contrast to this theory, jurisprudential problems such as the right to falsehood, the rule of negation of the mustache, false, formal and usurious nature of the transaction, and legal problems such as the lack of prosecution in international forums and the impossibility of obtaining a license to operate in the forex market at the level of the national economy.

Keywords

Foreclosure of the Transaction, Forex, Exchange Rate, Trading Leverage, Jurisprudential Approach, Micro and Macro.

JEL Classification: F31, G15, G32, G38.

* Assistant Professor, Economic Sciences, Education Department of Energy and Resource Economics, Faculty of Economics, Kharazmi University, Tehran, Iran.
ameli@khu.ac.ir  0000-0003-3347-9735

** PhD Student, Jurisprudence and Principles and Economics, Razavi University, Mashhad, Iran. (Corresponding Author). bahadori3062@gmail.com  0000-0001-6641-5776

Received: 2022/12/13

Accepted: 2023/05/07

بررسی بازار فارکس و کارکردهای آن با رویکرد فقهی خردنگر و کلان‌نگر

مهدی بهادری**

احمد عاملی*

چکیده

مقاله حاضر به روش توصیفی - تحلیلی از یک‌سو، به تبیین ماهیت بازار فارکس و ساختار پرداخته است و از سوی دیگر، با استناد به قرآن و سنت و به دلیل اینکه تمامی شرایط صحت را دارا است و ادله‌ای همچون «اوفوا بالعقود» و «المسلمون عند شروطهم» در آن جاری می‌شود، بیان دارد که با بررسی ماهیت فقهی آن اصل، معامله در چنین بازاری اشکال ندارد. اشکال‌های فقهی و حقوقی وارد به این نظر، در قالب بررسی رویکرد خرد (قرارداد بین معامله‌گر و کارگزار) و تفکیک آن با رویکرد کلان (مصلحت حکمرانی) انجام شده است و از سوی دیگر الزامات ورود به بازار در قالب تفکیک بین ماهیت بازار فارکس از سویی و مقدمات و تعریف شده است. نتیجه بررسی و نقد این دو دسته ایراد فقهی و حقوقی نشان می‌دهد که غالب اشکال‌ها به مقدمات و الزامات ورود به بازار است. به‌علاوه دسته‌ای از اشکالات مربوط به رویکرد کلان یا مصلحت حکمرانی است که برای اقتصاد ایران قابل‌ذکر است و به صحت شرعی معامله‌های در این بازار ایرادی وارد نمی‌کند.

واژگان کلیدی: توقیفی بودن معامله؛ فارکس؛ نرخ ارز؛ اهرم معاملاتی؛ رویکرد فقهی؛ خرد و کلان.

* استادیار، علوم اقتصادی، گروه آموزش اقتصاد انرژی و منابع، دانشکده اقتصاد، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
ameli@khu.ac.ir

** دانشجوی دکتری، فقه و اصول و اقتصاد، دانشگاه رضوی، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)
bahadori3062@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۲۲

مقاله برای اصلاح به مدت ۲۱ روز نزد نویسندگان بوده است.

مقدمه

انسان‌ها در گذر زمان، سطح دانش و علوم خود را ارتقاء داده و با به‌کارگیری قدرت تفکر و خلاقیت توانسته‌اند روش زندگی خود را تغییر دهند، به‌نحوی که نوع روابط اجتماعی و شکل زندگی آن‌ها متفاوت شده و در هر عصر و زمانی مسائل جدیدی را مطرح نموده که در قبل هیچ سابقه‌ای نداشته و بر اثر این تغییر و تحولات، به معامله‌های جدیدی دست پیدا کرده‌اند که در روایات و متون اصلی، سخنی از آن‌ها به میان نیامده و احکام آن‌ها بیان نشده است، لذا بر آن شدیم تا بازار فارکس که از نظر حجم معامله‌های روزانه، جزء بزرگترین بازارهای موجود در دنیا است که امکان ورود و خروج آن در کمتر از ثانیه و لحظه وجود دارد و به‌علاوه این بازار به دلیل نقدشوندگی بالا، دادن اعتبار به مشتریان، امکان مدیریت موقعیت‌ها و فرصت‌های بسیار با سرمایه اندک دارای جذابیت زیادی بوده و باعث شده افراد بسیاری به دنبال کسب اطلاعات درباره این بازار و زمینه حضور و کسب درآمد در آن باشند و از سویی یکی از ثمرات از هم پاشیدن قرارداد برتون وودز در دهه ۷۰ میلادی است (برارپور، ۱۳۹۷) را موردبررسی قرار داده تا معامله‌های بازار ارز با ویژگی‌های بازار فارکس که پیشینه‌ای برای آن تا قبل از توافق‌نامه برتون وودز نبود را با رویکرد فقهی بررسی کنیم. بنابراین با توجه به پرسش‌های مختلف مقلدین مراجع تقلید در خصوص مجاز بودن و حلیت معامله‌ها و کسب درآمد در آن و استفاده از ظرفیت‌های این بازار، ضرورت بررسی ابعاد فقهی این بازار روشن شده تا بتوان با تکیه بر مطالعات فقهی بازار فارکس ظرفیت‌های علمی برای نهادسازی لایه حکمرانی بازار مالی کشور فراهم آورد.

مهم‌ترین سؤال‌هایی که در این مطالعه درصدد پاسخ به آن هستیم عبارتند از: ماهیت بازار فارکس و کارکردهای آن چیست؟ دیدگاه فقهای معاصر درباره انواع معامله‌ها در این بازار چیست؟ قواعد فقهیه مورداستناد در حلیت معامله و ادله ارائه‌شده در عدم جواز حضور در این بازار کدام است و نحوه پاسخ به اشکال‌های عدم جواز معامله کدام است؟ این مقاله با روش توصیفی، تحلیلی، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به بررسی فرضیه مشروعیت اصل بازار فارکس پرداخته است، لازم به ذکر است هرچند مبتنی بر قواعد فقهیه، حلیت و جواز معامله‌های این بازار اثبات می‌شود ولی ورود به این بازار مالی بزرگ برای افراد عادی فاقد دانش لازم تحلیل مالی، پرخطر بوده و با احتمال بالایی از دست دادن

سرمایه این افراد اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. در ادامه ضمن ماهیت شناسی بازار فارکس و کارکردهای آن، پیشینه نظری فقهی در قالب نظر مراجع محترم تقلید و پژوهش‌های محققین در این زمینه ارائه شده و در ادامه نقد و بررسی اشکال‌های فقهی مبتنی بر قواعد فقهیه مختلف و اشکال‌های حقوقی مبتنی بر قانون و مقررات سازمان‌های ذی‌ربط و پاسخ به آن‌ها ارائه شده و در آخر جمع‌بندی و نتیجه‌گیری مطالب بیان می‌شود.

۱. ماهیت شناسی بازار فارکس

بازار فارکس یک بازار جدید مالی و اقتصادی است و برای استنباط احکام در ابعاد مختلف این بازار لازم است مفهوم و کارکردهای اقتصادی آن تشریح گردد، تا بهتر بتوانیم در رابطه با حکم فقهی آن اظهار نظر نماییم، لازم به ذکر است جنبه‌های حداقلی از بازار فارکس باهدف تبیین محل نزاع در بررسی فقهی و حقوقی ذکر می‌شود و از ذکر خیلی از جزئیات مربوط به طبیعت یک بازار مالی اجتناب شده امری که در کتاب‌های تخصصی مربوطه با تفصیل و حجم بیشتری ارائه شده است.

۱-۱. ماهیت بازار فارکس

فارکس^۱ اصطلاح لاتین و برگرفته از دو کلمه Foreign Exchange به معنی تبادل ارزهای خارجی و تبدیل یک ارز به ارز دیگر است، این تبادل برای معامله کالاها، خدمات شرکت‌ها و دولت‌ها، هزینه‌های سفر جهان‌گردان و مسافران یا سرمایه‌گذاری اشخاص و بنگاه‌ها در کشورها مورداستفاده قرار می‌گیرد (علی بابائی، ۱۳۸۹، ص. ۱۴).

معامله‌گران در این بازار مانند بانک‌ها و مؤسسات، از طریق شبکه‌های الکترونیکی و خطوط اینترنتی، یک ارز را در مقابل ارز دیگر معامله می‌کنند. هرچند ماهیت معامله‌های بازار فارکس، فرابورس (OTC) است و دارای مکان فیزیکی مشخص و معینی نیست (Sager & Taylor, 2006). روز معاملاتی از استرالیا و آسیا شروع می‌شود و در ادامه پس از باز شدن بازارها در فرانکفورت، لندن و پاریس، فعالیت به اروپا منتقل می‌شود و در اواخر بعدازظهر در نیویورک به پایان می‌رسد (King, Osler & Rime, 2011). در بازار تبادل ارز جهانی، ارزهای مختلفی همچون دلار آمریکا، یورو و پوند، توسط گروه‌های مختلف سرمایه‌گذاری مانند بانک‌ها، شرکت‌های مالی بزرگ، مؤسسات چندملیتی، تجار و

کسبه، شرکت‌های صادرات و واردات، شرکت‌های بیمه‌ای، سفته‌بازها و اشخاص حقیقی بانگیزه‌های کاملاً متفاوتی مورد معامله قرار می‌گیرد. این بدان معنا است که حضور در معامله‌های بازار فارکس فقط برای اهداف سفته‌بازی نیست و هرکدام از فعالان نقش خود را در بازار ایفاء می‌کنند که تمامیت و ثبات آن را فراهم می‌آورد (مساح، ۱۳۸۶، ص. ۱۶۵).

۲-۱. ساختار بازار فارکس

در درجه اول معامله‌ها در فارکس از طریق بانک‌ها، کارگزاران، دلالان، مؤسسات مالی و اشخاص خصوصی انجام می‌شود (مکرا، مارک، بدون سال).
بازار فارکس از سه سطح تشکیل شده، سطح یک بازیگران اصلی یعنی بانک‌ها هستند که نحوه تعامل و کارکرد بین‌بانکی از دید افراد حقیقی آشکار نیست و سطح دوم و سوم تفکیک حقیقی به اعتبار افراد حقیقی یا حقوقی ندارد ولی می‌توان سطح سوم را دارای عنصر سفته‌بازی دانست که از سطح دوم متمایز خواهد شد. این سطوح به شرح زیر هستند:

۱. **بازار بین‌بانکی:** لایه بالایی فارکس همان بازار بین‌بانکی است. برخلاف فهم عامه، این بازار محلی برای تبدیل ارزها نیست. در واقع بازار مذکور مجموعه‌ای از توافقات بین بانک‌های مرکزی بزرگ دنیا بوده که در این بازار بانک‌ها از موجودی ارزی قابل فروش یکدیگر و نرخ هرکدام مطلع می‌شوند خدماتی که در این لایه ارائه می‌شود ابزاری جهت رؤیت نرخ خریدوفروش بانک‌های مختلف است.
۲. **بازار خریدوفروش مستقیم (بازار نقدی):** در این لایه از بازار فارکس که بازار خرد ارز نیز نامیده می‌شود، اشخاص حقیقی و حقوقی که نیاز واقعی به مبادله ارز دارند، ارز موردنیاز خودشان را از طریق مراجعه بانکی تأمین می‌کنند. لازم به ذکر است که در مبادلات بزرگ بهتر است افراد با رصد قیمت‌های ارز بهترین نرخ بانکی ارز را تشخیص داده و مبادله را انجام دهند.
۳. **بازار خریدوفروش غیرمستقیم (بازار خریدوفروش نوسانات نرخ ارز):** بازار خریدوفروش غیرمستقیم (بازار خریدوفروش نوسانات نرخ ارز) در این سطح معامله‌گران خرد اعم از شخص حقیقی و حقوقی به صورت غیرمستقیم و از طریق

کارگزار با بازار سنتی بین بانکی مرتبط شده و اقدام به خرید و فروش می کنند. باید گفت در این سطح معامله گر می تواند سود یا زیان های سنگینی را به دست آورد و یا متحمل شود ولی کارگزار می تواند از این معامله ها حق کارگزاری خود را در هر معامله اخذ کند چه این معامله ها بدون اهرم معاملاتی باشد و چه از ظرفیت اهرم معاملاتی استفاده نماید (حاجی غیاثی فرد و نیکومرام، ۱۳۹۸).

۳-۱. مزایای بازار فارکس

با میانگین گردش مالی روزانه در سال ۲۰۱۹ میلادی تقریباً ۶٫۶ تریلیون دلار، بازار جهانی FX به مراتب بزرگترین و عمیقترین بازارهای مالی است و شامل چند زیر بازار است: بازار نقدی، بازار سوآپ FX، بازار فوروارد، بازار سوآپ ارز و بازار آپشن (Nordstrom, 2002).

بازار فارکس دارای ویژگی های متعددی است که سرمایه گذاران و صاحبان وجوه مازاد را به هدف کسب سود وارد این بازار می کند که عبارتند از: عدم محدودیت زمانی و مکانی (مکرا، مارک، بدون سال) (علیزاده، ۱۳۸۹). فرصت های بالای کسب سود که ناشی از عدم محدودیت در خرید و فروش ارز بوده و وجود این امکان در این اندازه در بازارهای دیگر دشوار است، زیرا اگر تبادل کننده به این نتیجه برسد که فلان ارز در حال صعود است می تواند آن ها بخرد و اگر پیش بینی کند که ارزی در حال سقوط است می تواند آن ها بفروشد. نظیر بازارهای دیگر مانند بازار سهام، با این تفاوت که در بازار فارکس اگر ارزش یک ارزی کاهش یابد، ارزش ارز دیگر افزایش می یابد که فرصتی دیگر برای سود بردن است (فریبرزی، ۱۳۸۹، ص. ۶۶). اهرم معاملاتی^۲ که جزو مهم ترین خصوصیت این بازار است و دسترسی به آن در معامله های ارز خارجی منحصربه فرد است. یعنی یک معامله گر می تواند به واسطه ابزار و ظرفیتی به نام اهرم، سرمایه جهت انجام معامله را تا پانصد برابر مارجین خود افزایش دهد و سود ناشی از آن را جذب کنند (برارپور، ۱۳۹۷). هزینه های پایین معامله ها (مساح، ۱۳۸۶، ص. ۳۲)، نقدشوندگی کم نظیر (پاک مرام و مریم یزدانی، ۱۳۹۰؛ Sager & Taylor, 2006)، معامله با حداقل سرمایه (آریایی، ۱۳۸۷،

ص. ۲۰) حساب‌های آزمایشی رایگان (معلمی، ۱۳۹۵، ص. ۶۹) انجام معامله بدون ضمانت (برارپور، ۱۳۹۷).

۲. پیشینه بررسی فقهی بازار فارکس

با توجه به ماهیت مطالعه تطبیقی این پژوهش و بررسی فقهی کارکردهای بازار فارکس، ملاحظه می‌شود که درباره بازار فارکس و ویژگی‌های آن کتاب و مقالات متنوعی وجود دارد اما در زمینه بررسی فقهی ابعاد و کارکردهای این بازار تعداد مقاله‌ها و کتاب‌ها بسیار محدود است، براین اساس پیشینه بررسی فقهی بازار فارکس را در دو سطح مطرح می‌کنیم، سطح اول بیان مراجع محترم تقلید در خصوص این بازار و در سطح دوم مطالعات محققین با رویکرد فقهی ارائه خواهد شد.

۲-۱. بیان فتوای مراجع تقلید

- مراجع محترم تقلیدی که در پاسخ به استفتاء از بازار فارکس جواب فرموده‌اند:
- آیت‌الله سیستانی در مورد چنین شرکت‌ها و کار در آن‌ها اظهار نظر نکرده و فرموده‌اند: مکلف در این مسأله می‌تواند به مجتهد اعلم بعدی رجوع کند.^۳
 - آیت‌الله خامنه‌ای: مبادله ارزی با ارز دیگر که هم‌جنس هم نیستند، چنانچه منع قانونی در میان نباشد اشکال ندارد و سود حاصله نیز حلال است ولی اعتبار دادن کارگزاران به سرمایه معامله‌گر اگر به‌عنوان قرض دادن به معامله‌گر باشد که قهراً همراه با دریافت سود است، در این صورت چنین معامله‌ای از طرف کارگزار برای معامله‌گر صورت شرعی ندارد.^۴
 - آیت‌الله صافی گلپایگانی: از آنجایی که معامله در بازار مذکور صوری است لذا معامله‌ها واقعه در آن صحیح نیست.
 - آیت‌الله مکارم شیرازی: با توجه به اینکه فارکس شرایط شرعی معامله‌ها را ندارد جایز نیست.

۳. <http://www.sistani.org> / کد استفتاء ۱۰۲۳۴۴۹

۴. همان‌طور که در متن استفتاء مشخص است صحبت از اعتبار دادن می‌باشد. این استفتاء مربوط به بازار فارکس است نه بازار ارز خارجی. چراکه در بازار فارکس بحث اعتبار دادن و شبهه ربا بودن را مطرح می‌کنند.

○ آیت الله نوری همدانی: بازار فارکس و معامله‌های آن صورت شرعی ندارد.^۵

۲-۲. بیان محققان اسلامی در حکم بازار فارکس

معلمی (۱۳۹۵) در کتابی با عنوان «معاملات فارکس»، فارکس را یک بازی برد- باخت دانسته و بر این باور است که رقیبان بزرگ و بی‌رحم با استفاده از بی‌تجربگی تازه‌واردها منجر به ورشکستگی آن‌ها می‌شوند. که به سه دلیل «لزوم رعایت مصالح عمومی کشور»، «رعایت قوانین کشور اسلامی» و «لزوم اجتناب از معاملات غرری» حکم به عدم مشروعیت این بازار کرده است.

قاضی (۱۳۹۸) در کتابی با عنوان «آیت الله سیستانی»، بعد از موضوع‌شناسی بازار فارکس و بیان چگونگی انجام معامله در بازار فارکس، به بیان ۱۱ دلیل «عدم اعتماد به کارگزارهای فارکس و وجود انواع کلاه‌برداری‌ها در بروکرهای فارکس»، «ریسک‌های این بازار»، «ربوی بودن بعضی از انواع اعتباردهی فارکس»، «قمار بودن، صوری بودن و اکل مال به باطل در بازار فارکس»، «ممنوعیت قانونی فارکس»، «خروج ارز از کشور»، «استفاده از ارزهای دیجیتال یا رمزینه»، «عدم پاسخگویی و نظارت بر فعالیت بازار فارکس»، «فقدان اطلاعات جامع و تأثیرگذار در روند بازار و عدم دانش و آگاهی و مهارت لازم افراد»، «طعمه بودن حساب دمو (آزمایشی) برای جذب سرمایه‌گذاران» و «فقدان شفافیت کامل در نرم‌افزار معاملاتی» به بطلان و عدم مشروعیت این بازار حکم می‌دهد.

موسویان و خوانساری (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «اجتهاد چندمرحله‌ای روش استنباط مسائل فقه اقتصادی؛ در خصوص بازار فارکس»، این بازار را در شکل ساده خودش می‌پذیرد و اینکه تمام شرایط شرعی را دارد ولی صورت‌هایی را که دارای اشکال است در چهار دسته برمی‌شمارد و آن‌ها را هرکدام به دلیلی رد می‌کند. گروه اول افرادی که خودشان را به‌عنوان کارگزار معرفی می‌کنند ولی هویت مشخصی ندارند و با ابزارهای مختلف در صدد کلاهبرداری هستند؛ گروه دوم افرادی که هویت مشخصی هم دارند ولی معامله‌ها را به‌صورت صوری انجام داده و در واقع صفحه ترید یا معامله صوری است و پول در امر قاچاق به‌کار گرفته می‌شوند؛ گروه سوم افراد به‌عنوان کارگزار هویت واقعی دارند ولی به‌جای خرید و فروش واقعی ارز معامله‌های آتی نرخ ارز را تعهدی می‌فروشند و

تعهدی می‌خرند و نوسانات آن را در پایان روز تسویه نقدی می‌کنند و گروه چهارم کارگزار هویت واقعی دارد ولی در ضمن با سرمایه گزار شرط می‌کند که پول آن را در زمانی که معامله انجام شود قرض ربوی دهد و بهره دریافت کند.

برابرپور (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «تبیین ماهیت و چیستی بازار فارکس و بایسته‌های آن در فقه و حقوق ایران»، می‌گوید: به نظر می‌رسد می‌توان با استناد به قواعد و ملاکات احکام شرعی بر صحت، اصل معامله‌های فارکس را بنابر ارتکازات عقلایی و رویکرد اسلام در احکام معامله‌ها در قالب امضایی و بنابر اصل اولیه صحت معامله‌ها که اکثر فقهای معاصر بدان معتقدند، صحیح دانست. تمهید قواعد و مقررات متقن، تأسیس شرکت کارگزاری مستقیم تحت نظر بانک مرکزی ایران، معرفی بروکرهای معتبر و رگوله، آموزش افراد مستعد در این بازار حرفه‌ای می‌تواند از جمله رئوس مهم کاری در سازمان بورس باشد.

حاجی غیائی فرد و نیکومرام (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «آسیب‌شناسی مکانیزم انجام معامله‌ها در بازار ارز جهانی (فارکس) و ارائه مدل پیشنهادی بازار متشکل ارزی مبتنی بر واقعیت اقتصادی کشور»، بیان دارند ورود معامله‌ها مارجینی فارکس در ایران و عکس‌العمل نهادهای قانونی و مراجع دینی در برابر آن موجب شد تا تصویر غلطی از این بازار در کشور ارائه گردد، حال آنکه این فقط شاخه‌ای بازار فارکس بوده و کلیت این بازار بسیار فراتر از معامله‌های مارجینی است.

در نهایت با بررسی‌های انجام‌شده و تجزیه و تحلیل نظر فعالان بازار ارز مشخص شد معامله‌های مارجینی بازار فارکس از نظر شرعی دارای ایرادات جدی است و آنچه می‌تواند برای اقتصاد کشور خصوصاً بازار ارز راهگشا باشد، توجه به آن دسته از فعالیت‌های بازار است که می‌تواند نیازهای مربوط به بخش واقعی اقتصاد را برآورده سازد.

با در نظر گرفتن مجموع اشکال‌های وارد بر کارکردهای این بازار نحوه پاسخ به اشکالات اولاً در قالب دو رویکرد خرد (قرارداد معامله‌گر و کارگزار) و رویکرد کلان (مصلحت حکمرانی) و ثانیاً در دو دسته اشکال‌ها بر ماهیت بازار فارکس و اشکالات بر مقدمات یا الزامات ورود به بازار فارکس به نقد و بررسی عمده دلیل‌های مخالفان مانند عدم اعتماد به کارگزاری‌ها، ربوی بودن بعضی از انواع معامله در این بازار و همچنین تبیین تفاوت بین اعتبار اهرم معامله با قرض پرداخته و در پی اثبات آن هستیم که ادله مطرح‌شده

برای بطلان بازار فارکس، به مشروعیت اصل بازار فارکس خللی وارد نمی‌کند و اگر ایرادی وجود دارد در مقدمات یا الزامات ورود به این بازار است. درنهایت، موانع حقوقی مانند فقدان پیگیری قضایی و عدم امکان اخذ مجوز نیز بررسی می‌گردد.

۳. نقد و بررسی اشکالات فقهی و حقوقی

اگرچه اصل معامله‌های ارزی در دین مبین اسلام صحیح است و فقهای شیعه به صراحت بر مشروعیت این‌گونه معامله‌ها اذعان دارند، امام خمینی (ره) بر این باور است که تمام پول‌های کاغذی از قبیل دلار یا ریال چون مالیت دارند و مکمل و موزون نیستند، معاوضه این پول‌ها به هم‌جنس خود با زیاده، ربا نیست (موسوی خمینی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص. ۴۸۰) و برخی دیگر مانند نوری همدانی (در ذیل فتاوی امام خمینی) هرچند بین خرید و فروش پول و ارز فرق می‌گذارد، اما درباره معامله‌های ارزی قائل است که خرید و فروش ارز به‌طوری‌که متعارف است، نه به‌قصد ربا و با تبانی قبلی که مستلزم رباخواری باشد، اشکال ندارد. (موسوی خمینی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص. ۴۸۰).

بنابراین اصل خرید و فروش ارز در بازار فیزیکی به این شکل که معامله‌کننده اگر احساس کند ارزش ارزی در حال افزایش است آن ارز را خریداری کند و هنگامی که ارزش آن افزایش یافت به فروش آن پردازد و از این راه سود ببرد از نظر شرعی هیچ اشکالی ندارد، زیرا تمام شرایط معامله را دارد و در ضمن آن هم هیچ شرطی که مخالف شرع باشد بیان نشده و رخ نداده است، بنابراین شرعاً جایز است.

اما به بازار فارکس اشکال‌های گوناگون فقهی و حقوقی وارد نموده‌اند که در پیشینه این تحقیق در قسمت بیان فتاوی مراجع عظام تقلید و بیان محققان اقتصاد اسلامی به معظم آن‌ها اشاره شد. اکنون به بررسی و نقد این اشکال‌ها می‌پردازیم.

۳-۱. بررسی اشکالات فقهی بازار فارکس و پاسخ به آن‌ها

با مجموع مطالبی که در ماهیت‌شناسی بازار فارکس و ساختار آن و انواع اشکال‌های که بر معامله‌ها آن وارد شده است، کسانی که عدم مشروعیت این بازار را باور دارند و دیدگاه کلی و بنیادی فقه اسلام در مواجهه با بازار فارکس را از باب تطبیق کلی بر جزئیاتش، بطلان این معامله می‌دانند، به این ادله‌ها تمسک می‌کنند:

- **اصل عملی:** از آنجاکه سیره فقیهان اسلام در بررسی موضوعات به‌ویژه در مسائل جدید بر آن است که نخست اصل عملی آن را تبیین و تثبیت می‌کنند تا در صورت نبود دلیل خاص یا تعارض ادله، به آن اصل عملی تمسک نمایند، در زمینه بازار فارکس نیز در ابتدا اصل اولی بیان می‌شود.

اکثر علمای اسلامی با قطع نظر از ادله اجتهادی در باب معامله‌ها، بر این باورند که مقتضای اصل اولی در قراردادهای مالی، فساد معامله است (مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص. ۶) بنابراین در صورت شک در صحت شرعی قراردادهای بازار فارکس، از نظر شرعی اثر مطلوب و مقصود بر آن بار نمی‌شود و بایستی به بطلان آن حکم داد زیرا از یک سو اگر قائل به توقیفی بودن معامله‌ها شویم چون صحت و ترتب اثر، امر توقیفی بوده که به تشریح و تأیید شارع نیازمند است و تشریح، امر حادثی است و به ثبوت شرعی نیاز دارد و اگر در ثبوت آن شک و تردید باشد، اصل اولی عدم آن است و از دیگر سو اگر به عدم توقیفی بودن معامله‌ها معتقد شویم، هرچند اصل بر مشروعیت معامله‌ها است اما ادله دیگر بطلان آن را ثابت می‌کند.

در بررسی این دلیل می‌گوییم: ما هم قبول داریم اصل اولیه در صورت عدم دلیل بر فساد معامله است و این اصل در ابتدا شامل بازار فارکس می‌شود، اما با وجود اثبات شرایط صحت معامله در بازار فارکس و دلایل عام و خاصی که از آیات و اخبار مبنی بر مشروعیت یک بازار با داشتن شرایط صحت شرعی معامله وجود دارد، جای شکی باقی نمی‌ماند تا نوبت به اجرای اصل یادشده باشد و همان‌طور که در علم اصول پذیرفته شده است در مواردی که دلیل اجتهادی بر اعتبار شیئی وجود دارد دیگر زمینه‌ای برای اجرای اصل عملی باقی نمی‌ماند و اصطلاحاً می‌گوییم: «الاصل دلیل (اصیل) حیث لا دلیل».

- **ابهام شرعی:** این دلیل را کسی در بحث بازار فارکس بیان نکرده، موسویان (۱۳۹۷) این اشکال را برای اوراق مشارکت بیان کرده (موسویان، ۱۳۹۷، ص. ۴۲۹) که در اینجا هم می‌تواند تطبیق پیدا می‌کند لذا ما برای غنای ادله مخالفین این اشکال را هم در اینجا مطرح می‌کنیم. بیان اشکال بدین صورت است که این بازار به جهت ناسازگاری با فرهنگ و اعتقادات مردم مسلمان و ابهام‌های شرعی که به همراه دارد، نتوانسته جایگاه مهمی در اقتصاد اسلامی کسب کند. به خلاف بازار بورس که پس از برطرف

شدن ابهام‌های فقهی آن توانسته اعتماد مسلمانان را جلب و به همان اندازه مورد استقبال قرار گیرد، لکن بازار فارکس به دلیل اشکال‌های فقهی اساسی که در این مقاله به صورت متنوع تبیین شده است، هنوز برای بسیاری از مسلمانان محل تردید است و برخی از فقهای بزرگوار ما نظر مساعدی درباره آن ندارند.

در پاسخ به این اشکال باید گفت البته واضح است که «ابهام شرعی» در کنار سایر ادله این بخش از مقاله چندان جایگاهی ندارد، زیرا اولاً اشکال مطرح شده سوای اشکال‌های بعدی، اشکال مستقلی نیست و علت پرهیز متشرعین از این بازار به خاطر اشکال اکل مال به باطل یا صوری بودن یا اشکال‌های دیگری که بررسی خواهد شد، بوده است که ما یک‌یک آن‌ها را بررسی و رفع اشکال خواهیم کرد. ثانیاً به فرض پذیرش آن، باید رفع ابهام نمود و به منابعی که ماهیت این بازار را توضیح می‌دهد رجوع کرد و پس از موضوع‌شناسی و رفع ابهام، حکم شرعی آن را تبیین نمود مانند بورس، بیمه و خیلی از موارد دیگر، نه اینکه به بهانه داشتن ابهام، اصل بازار را از حیطة اعتبار خارج دانست.

- **اکل مال به باطل:** یکی از ضوابط عمومی قراردادها، به مستند آیه شریفه (لا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ) (نساء: ۲۹)، ممنوعیت اکل مال به باطل است. فقیهان مسلمان در موارد زیادی از باب اکل مال به باطل، حکم به حرمت و بطلان معامله کرده‌اند؛ مانند جایی که معامله، موجب تضییع حقوق دیگران شود یا با ضرر و زیان و فریب همراه باشد (مامقانی، ۱۳۱۶ق، ج ۳، ص ۵۰۲) چه واژه «باطل» در این آیه را باطل شرعی بدانیم (اردبیلی، بی‌تا، ۴۲۷) یا باطل عرفی و عقلانی (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۵۶). آنچه در بازار فعلی فارکس اتفاق می‌افتد تضییع حقوق دیگران است (فریرزی، ۱۳۸۹، ص ۷۲). برخی بازار فارکس را یک بازی مجموع صفر می‌دانند، چراکه برای هر دلاری که معامله‌گر در این بازار به دست می‌آورد، معامله‌گر دیگری پولی را از دست داده است. در این بازار پول تولید نمی‌شود پس جمع جبری آن با جمع سرمایه معامله‌گران در این بازار برابر است، اما با توجه به کارمزدی که واسطه و کارگزار دریافت می‌کند جمع جبری بازی منفی می‌شود. گرفتن از سرمایه دیگران تنها راه به دست آوردن پول در این بازار است. مانند بازار سهام نیست که ممکن است همه از بالا رفتن سهمی منتفع شوند (معلمی، ۱۳۹۵، ص ۶۵). به علاوه که در این بازار

گاهی به ازای هر دلار پس‌انداز افراد در حساب، کارگزار ۹۹ دلار قرض و اعتبار به معامله‌گر می‌دهد تا بتواند معامله نماید. البته اگر ارزش فوق شروع به کاهش نماید تا جایی که پس‌انداز معامله‌گر صفر شود، صبر می‌کنند و در همان لحظه کل قرض خود را برمی‌دارند. بدین معنا که معامله‌گر طی مدت معامله، ریسک کاهش قیمت تمام مبلغ حساب، اعم از موجودی خودش و قرض دریافتی کلان را برعهده داشته، به محض کاهش معامله موردنظر، کارگزار از یک نقطه به بعد، صفحه فروش را می‌بندد و تمام ضرر را متوجه معامله‌گر می‌نماید.

آیت‌الله مکارم شیرازی با توجه به این حجم از قرض‌ها، به اکل مال به باطل بودن معامله‌های فارکس اشاره می‌کند و آن‌ها جایز نمی‌داند و بر این باور است این معامله‌ها در واقع نوعی کلاهبرداری است، زیرا هیچ آدم عاقلی در مقابل یک دلار، نود و نه دلار وام بدون سود نمی‌دهد و آن‌ها می‌دانند که در پایان، سرمایه‌های گروه زیادی را با این شگرد می‌ربایند، بنابراین یک معامله عقلانی جدی محسوب نمی‌شود.^۶

هرچند برخی به این دلیل تمسک کرده‌اند اما این اشکال هم وارد نیست؛ چراکه اولاً: دلیل اصلی راه‌اندازی بازار فارکس، تسهیل تبدیل یک ارز به ارز دیگر است که باعث می‌شود شرکت‌های چندملیتی که همواره به مبادله‌های ارزی برای پرداخت حقوق‌ها، هزینه‌های کالاها و خدمات دریافتی از شرکت‌های خارجی و... احتیاج داشته‌اند از این بازار استفاده کنند. ثانیاً: بر فرض که برخی صرفاً به هدف کسب سود اقدام به معامله در این بازار نمایند و بپذیریم که جمع‌بازی نیز صفر است، صفر بودن یک بازی دلیلی بر حرمت یک بازی نمی‌شود و افراد به انگیزه کسب سود و با داشتن مهارت لازم می‌توانند کسب سود نمایند یعنی هر بازی با جمع صفر مانند پرتاب سکه نیست که از زمره قمار به حساب آید، هرچند که در ادامه ادله رد قمار بودن معامله در بازار فارکس خواهد آمد، ثالثاً باید گفت در بازار ارز مانند بازارهای مالی دیگر نوسانات قیمت و ارزش کالا یا برکه سهام یا جفت‌ارزها خارج از اراده افراد معامله‌گر خرد به وجود می‌آید و این نوسانات می‌تواند منشأ حقیقی ناشی از رفتارهای حقیقی بازار برخاسته از متغیرهای اصیل اقتصادی مانند رشد یا رکود اقتصادی، نرخ

6. <http://www.shia-news.com>

بهره فدرال رزرو، افزایش یا کاهش تقاضای نفت و سایر موارد باشد یا در مواردی ناشی از متغیرهای سیاسی مثل جنگ یا صلح یا تنش‌های سیاسی بوده و در مواردی هم می‌تواند از نوسانات ناشی از رفتار بانک‌های بزرگ باشد در تمام این موارد معامله‌گر خرد نقشی در این نوسانات و اینکه به نفع یا ضرر او بازار شکل بگیرد نخواهد داشت، رابعاً باید گفت نفس ضرر و زیان و سود ذات بازارهای مالی از جمله بازار سهام، بیمه، اوراق مشتقه است و در تمام موارد مفهوم ریسک و بازده کارکرد اصلی و دلیل اصلی حلیت ورود به این بازارها در مقابل شائبه اکل مال به باطل یا سایر ادله حرمت شرعی معامله است. به عبارتی اگر مفهوم ریسک اقتصادی به لحاظ شرعی پذیرفته شده باشد با همین دلیل و رویکرد در بازار سهام، بیمه و فارکس نیز می‌توان این ورود و این نوع معامله‌ها را صحیح دانست، خامساً دلیلی که برای اعتبار یا همان اهرم ذکر شده است ناشی از نداشتن آگاهی از نحوه کارکرد اهرم معاملاتی است که در ادامه مقاله در مورد اشکال وارد بر آن نیز صحبت خواهد شد، به علاوه طیبی، معینی و زمانی (۱۳۹۲) درصدد اثبات زیان الزامی در بازی جمع صفر بازار فارکس بوده‌اند که دلیل زیان معامله‌گران در این بازار را نداشتن اطلاعات بنیادین و فنی، عدم آگاهی از مدل‌های ریاضی و آماری و عدم کنترل احساسات و عواطف می‌داند و از سویی استفاده از اعتبار اهرمی که از یک تا ۱۰۰ برابر سرمایه یا حتی در مواردی بیشتر موجبات زیان آن‌ها را فراهم می‌سازد، به تعبیری اگر الزامات ورود به یک کسب‌وکار فراهم شود این احتمال زیان به حداقل خود می‌رسد.

طبق پاسخ تفصیلی ذکر شده، ادعای کسانی که معتقدند معامله‌های واقع شده روی معامله‌های قیمت جفت ارزها، نوعی شرط‌بندی طرفینی و از مصادیق قمار و بردوباخت مالی و نوعی اکل مال به باطل است (قاضی، ۱۳۹۸) هم جواب داده می‌شود مضافاً ادله مستقل رد قماری بودن معامله در بازار فارکس نیز بدین نحو تبیین می‌شود که وقتی مفهوم قمار در لغت و اصطلاح فقها و اکاوی می‌شود می‌بینیم در لغت مؤلفه‌های قمار متشکل از لعب، مغالبه و مراهنه بوده (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص. ۱۱۵) و بسیاری از فقها هماهنگ با نظر ارباب لغت بر این باورند که قمار عبارت است از گروه نهادن بر بازی با آلات قمار (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۲، ص. ۱۰۹) قمار به کسر قاف عبارت است از گروه‌گذاری در بازی با وسایل معروف قمار همان‌گونه که

برخی از اربابان لغت گفته‌اند (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۷۱) که برخی قوام آن را مراهنه می‌دانند و برخی دیگر آن را بدون مراهنه صادق می‌دانند اما تمام ایشان اجماع دارند که لعب مقوم اصلی قمار است و اکثر فقها مغالبه را نیز از مقومات قمار می‌دانند و برخی قمار را به شانس تعریف کردن اما آنچه مسلم است در معامله‌های بازار فارکس این تعاریف به هیچ وجه منطبق نمی‌گردد، زیرا افراد با توجه به کسب سود و با آگاهی‌هایی که از تحلیل‌های بنیادین یا فنی (خود یا نماینده‌شان) به دست می‌آورند، وارد این بازار می‌شوند. پس قطعاً در این بازار آلت قمار وجود ندارد و لعب نیست بلکه یک فعالیت اقتصادی جدی دارای غرض عقلانی است و مغالبه نیست، چراکه مغالبه به معنای بردوباخت است و کسی که وارد این بازار می‌شود به فکر یافتن سود است و نه بردوباخت. از سویی بازار به‌عنوان بازیگر سوم است که سود و زیان را به بازی می‌تواند تحمیل کند و بردوباخت با مفهوم قماري ان که متکی بر دو نفر است جایی برای مطرح شدن ندارد؛ ممکن است کسی بگوید: رهان در این بازار وجود دارد؛ در جواب می‌گوییم: آن رهانی که در قمار وجود دارد به معنا گرو گذاشتن وجه معین از سوی دو طرف تا پایان بازی و رسیدن وجه از بازنده به برنده، در معامله‌های بازار فارکس وجود ندارد، زیرا در لحظه هر فردی می‌تواند معامله جدیدی انجام دهد و به تعبیری افراد طرفین معامله مدام در حال تغییر می‌باشند. دلیل بعدی که دلیل نقضی است اینکه معامله‌های مجموع صفر یک‌حالتی است که در بسیاری از معامله‌های جدید و نوآوری‌های مالی از جمله قراردادهای آتی و اختیار معامله را شامل می‌شود که بسیاری از کارشناسان مذهبی و فتوای فقهی بر حلیت این معامله‌های است که اگر بازار فارکس به خاطر جمع صفری بودنش از مشروعیت خارج شود آن بازارها را هم باید از مشروعیت خارج دانست.

بیان آیه الله مکارم شیرازی نیز در بحث ربوی بودن معامله در بازار فارکس نیز در بحث اهرم معاملاتی ذکر خواهد شد.

- **قاعده نفی سبیل:** یکی دیگر از ادله‌ای که در کلام مخالفین به‌صراحت ذکر نشده ولی مخالفین مشروعیت بازار فارکس می‌توانند به آن استناد کنند قاعده نفی سبیل است که از آیه شریفه «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (النساء: ۱۴۱) اخذ شده، هر عقد و ایقاع و قراردادی به حسب طبع اولی‌اش اگر موجب برتری، عزت و شرف

کافر بر مسلمان بشود منفی است و اعتبار شرعی ندارد (بجنوردی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص. ۳۵۸). امروزه بسیاری از کشورها و قدرت‌ها بر کشورهای دیگر استیلای سیاسی یا اقتصادی دارند و در شرایط تحریمی که برای کشور وجود دارد که هر لحظه ممکن است کشورهای دیگر به قراردادهای خود متعهد نباشند، در حقیقت کسانی که در بازار فارکس وارد شده و مبادرت به خرید و فروش ارز می‌کنند، یک مبادله اقتصادی صرف انجام نمی‌دهند، بلکه با این پیمان، موجب سلطه آنان بر اموال خود می‌شود. این دلیل هم نمی‌تواند عدم مشروعیت بازار فارکس را ثابت کند زیرا که اولاً: دلیل اخص از مدعا است و برای آن دسته از مسلمانانی (مانند کشور ایران) که در شرایط تحریم وجود دارند می‌تواند اثبات مدعی کند نه برای مسلمان بقیه کشورهای اسلامی که کشورشان در شرایط تحریمی نبوده و مبادله‌های ارزی به راحتی انجام می‌شود، لذا نمی‌توان با این دلیل، اصل بازار را از مشروعیت خارج کرد. به بیان دیگر این دلیل ناظر به اصل صحت معامله در بازار فارکس نیست، بلکه ناظر به لوازم این بازار است. ثانیاً، از آنجاکه کشور ایران در حال تحریم است صاحبان این بازارها به افراد داخل ایران، به طور عموم، اجازه ایجاد حساب نمی‌دهند تا فرض تسلط آن‌ها بر اموال صادق باشد. ثالثاً، اکانت داده شده در موارد خاص از طریق کارگزاری‌های داخلی بوده که در هر زمان می‌توان معادل ریالی آن‌ها را دریافت کرد، به عبارت دیگر همان‌طور که صرافی‌ها برای هر مبادله‌ای ارز خارجی یا ریال را از فرد یا شرکت اقتصادی در داخل دریافت می‌کنند و در کشور دیگر معادل ارزی آن را تحویل می‌دهند این رویه نیز با همین دیدگاه برای بازار فارکس هم اتفاق می‌افتد، اگر این مبادله ارزی مصداق قاعده نفی سبیل است در واقع اشکال به وجود صرافی‌ها بوده و باید صرافی وجود نداشته باشد که در دنیای مبادلات امروزی این امر به معنای نبود راه ارتباط مالی با خارج از کشور که پذیرفتنی نیست.

- غرر: یکی از ویژگی‌های فقه اسلام در بخش معامله‌ها، ممنوعیت قراردادهای غرری است، اندیشمندان مسلمان با توجه به ادله‌ای مانند «نهی النبی عن بیع الغرر» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص. ۴۴۸) برخی از معامله‌ها را به سبب وجود غرر باطل می‌دانند. گفتنی است که غرر به دو معنا است:

الف) غرر، به معنای خطر باشد و بر این باور باشیم که حدیث در مقام ممنوعیت معامل‌ها مخاطره انگیز است، چنان‌که شیخ انصاری تصریح می‌کند: «بهتر این است که بگوییم که این نهی از سوی شارع برای بستن باب مخاطره است، مخاطره‌ای که منتهی به نزاع و اختلاف در باب معاملات می‌شود» (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص. ۱۸۲) و نیز قائل شویم در صورتی که یکی از عوضین یا هر دو به‌گونه‌ای باشد که بیع یا پرداخت عوض در مقابل مال، غرری و مخاطره انگیز است یا هرگاه احتمال زیان در معامله چنان باشد که دو طرف نتوانند از پیش تشخیص دهند و از ضرر پرهیز جویند، معامله غرری و در نتیجه باطل است (شعرانی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص. ۴۲۵). در بازار فارکس باید گفت: هرچند به‌طور کلی در هر تجارتی، میزان مشخصی از خطر و ریسک‌های منتظره و غیرمنتظره وجود دارد، اما چون بازار فارکس یک بازار با نوسانات شدید است، خطرپذیری معامله‌های ارز در این بازار بسیار بالا بوده و بسیار اتفاق می‌افتد که بازار برخلاف آنچه معامله‌گر پیش‌بینی کرده، پیش می‌رود. به‌طوری‌که گاهی معامله‌گر، فقط چند دقیقه بعد از ورود به معامله، به اشتباه بودن آن پی می‌برد و تصمیم به بستن آن می‌گیرد، اما در همین فرصت کم ممکن است با یک ضرر شدید یا سود هنگفت مواجه شود (آریایی، ۱۳۸۷، ۵۲). همچنین این احتمال نیز وجود دارد که کارگزار طرف قرارداد معامله‌گر در بازار فارکس دچار مشکل یا ورشکست شود و باعث شکست معامله‌گر گردد (فریبرزی، ۱۳۸۹، ص. ۷۳). مشکلاتی از قبیل اینترنت ضعیف و کم‌سرعت در برخی از کشورها (موسوی، ۱۳۸۷، ص. ۱۱۹) باعث می‌شود این بازار را جزء پرمخاطره‌ترین بازارها مالی دنیا بدانیم.

ب) غرر را به معنای فریب بدانیم و قائل شویم که معامله‌ها در بازار فارکس حاوی فریب است. چراکه بسیار اتفاق می‌افتد تازه‌واردها در ابتدا برای آشنایی با معامله‌های فارکس از کاربر مجازی استفاده می‌کنند و پس‌ازآنکه با دیدن نتایج آزمایشی معامله‌های خود به‌صورت مصنوعی در حسابی غیرواقعی، تمایل به این بازار پیدا کرده و بدان اعتماد می‌کنند، وارد این بازار با حساب واقعی می‌شوند و در طول سه یا چهار هفته غالباً نیمی از سرمایه خود را از دست می‌دهند که شاید بیشترین فریب از طرف کارگزاران و واسطه‌ها به آن‌ها وارد می‌شود (معلمی، ۱۳۹۵، ص. ۶۹). چون در این بازار کلاهبرداری وجود دارد و بسیاری از کارگزاران در محیط اینترنتی

این بازار هویت مشخصی ندارند و هدفشان کلاهبرداری از طریق تطمیع مردم است و مال‌باخته هم‌دستش به‌جایی بند نخواهد بود و گروه دیگر کارگزاران هم که هویت مشخص دارند با ارائه گزارش‌ها صوری و غیرواقعی به مشتری اطمینان دروغین می‌دهند درحالی‌که اموال خریداران را در جاهای دیگری مانند قاچاق سرمایه‌گذاری کرده‌اند، این بازار جزو بازارهای غرری است. بله گروه سومی هم هستند که هویت مشخص داشته و حقیقتاً معامله ارز انجام می‌دهند ولی شرط‌هایی در ضمن معامله می‌کنند که آن‌ها خلاف شرع و حرام است. مثلاً شرط می‌کنند اگر معامله‌ای در کار نبود سرمایه را به‌صورت ربوی قرض داده و سود بگیرند، بنابراین کار کردن با چنین بازاری نیز حرام است (فریبرز، ۱۳۸۹، ص. ۷۲). تمام این موارد گویای آن است که خطرات این معامله، و فریبی که در بازار فارکس است بسیار و بیش‌ازحد معمول معامله‌ها در بازارهای دیگر مالی است پس معامله در این بازار باطل است.

این دلیل نیز پذیرفتنی نیست؛ زیرا اگر غرر را به معنای اول بدانیم، اولاً این‌گونه نیست که مخاطرات در این بازار بیشتر از بازارهای دیگر باشد بلکه بازار بورس یا مشتقات مالی دیگر هم دارای این مخاطرات هستند و این باعث عدم مشروعیت آن‌ها نمی‌گردد و ثانیاً شخصی که وارد بازار فارکس می‌گردد مانند کسانی که در بازارهای مالی دیگر وارد می‌شود مخاطرات آن را هم پذیرفته است و ثالثاً معامله‌گران مطلع و افراد آشنا به این بازار به‌خوبی می‌دانند که ابزارهای معامله‌گری به‌نحوی وجود دارد که افراد می‌توانند با مدیریت طمع ذهنی خودشان و پرهیز از سودهای افسانه‌ای همواره با سود منطقی و ضرر منطقی در بازار بمانند و به تعبیری تناسب لازم بین ریسک و بازده برقرار کنند، و اگر غرر را به معنای فریب و کلاهبرداری بدانیم، نفس احتمال کلاهبرداری در هر بازار مالی یا غیرمالی می‌تواند در مقدمات یا الزامات یا متن بازار به نحوی وجود داشته باشد و این صرف احتمال دلیل خارج شدن یک بازار یا دسته‌ای از معامله‌ها از مشروعیت نمی‌شود و ثانیاً کلاهبرداری اشکال بر اصل مشروعیت بازار فارکس نیست، بلکه بر مقدمات و الزامات این بازار است، بنابراین افرادی که وارد این بازار می‌شوند باید غیر از مراعات ضوابط شرعی، با آگاهی از مقدمات و الزامات متعارف ورود به بازار از اتفاقات مالی بد پرهیز کنند.

- ضرر: یکی دیگر از ضوابط عمومی اکثر ابواب فقه به‌ویژه باب معامله‌ها، قاعده نفی ضرر است، اسلام تنها آن گروه از معامله‌ها را تأیید می‌کند که اصل یا شرایط آن، باعث ضرر و ضرار نشود، در غیراین صورت به‌وسیله قاعده نفی ضرر، می‌توان به بطلان اصل آن معامله حکم کرد، یا شرایطی که باعث ضرر می‌شوند را الغا کرد.

غالب سرمایه‌گذاران به دلایل زیر در این بازار ضرر می‌کنند:

۱. اطلاعات مبهم؛ شفافیت اطلاعات از جمله زیرساخت‌های اساسی و راهبردی حکمرانی در هر کشوری محسوب می‌شود. در حقیقت دولت‌مردان برای حکمرانی درست، به دسترسی سریع و دقیق به اطلاعات صحیح و به‌هنگام نیازمند می‌باشند. سرعت‌بالا و پیچیدگی این بازار باعث شده که بسیاری از افراد، سوءاستفاده کرده و با عدم شفافیت اطلاعات، تبعات جدی و ضررهای فراوانی، علاوه‌بر وارد شوندگان بازار، بر کشورها نیز وارد کنند. در بسیاری از کشورها مقررات زیاد و محدودیت‌های فراوانی برای ورود به بازار فارکس در نظر گرفته می‌شود، تا افرادی که در این بازار فعالیت می‌کنند اطلاعاتشان را به‌صورت شفاف در اختیار حاکمیت قرار دهند، تا هم مشکلاتی برای کشور و هم برای واردشوندگان به این بازار ایجاد نکنند (مساح، ۱۳۸۶، ص. ۲۱).

۲. نبود آگاهی کافی از یک‌سو و حرفه‌ای بودن بازار فارکس از سوی دیگر، موجب ضررهای زیادی به وارد شوندگان این بازار می‌گردد، به‌طوری‌که معامله‌گران حرفه‌ای، این بازار را به اقیانوسی از کوسه‌های حرفه‌ای تشبیه می‌کنند که منتظرند ماهی‌های کوچک (معامله‌گران تازه‌کار) وارد آن شوند. چراکه بازیگران اصلی این بازار بانک‌ها، مؤسسات بزرگ سرمایه‌گذاری، شرکت‌های چندملیتی و دیگرانی هستند که شب و روز معامله می‌کنند و نقاط قوت و ضعف این بازار را می‌دانند و به‌راحتی خرده‌پاها و تازه‌واردها را از میان برمی‌دارند (معلمی، ۱۳۹۵، ص. ۶۸).

۳. ضعف زیرساخت‌های فنی و سرعت پایین اینترنت در کشور باعث شده که امکان رقابت با سرمایه‌گذاران کشورهای خارجی که معمولاً بانک‌های بزرگ

می‌باشند، وجود نداشته باشد و این امر هم سبب دیگری برای متضرر شدن در این بازار است (آریایی، ۱۳۸۷، ص. ۵۲).

۴. خروج ارز از کشور؛ بازار فارکس بازار تبادلات ارز بین‌المللی است و در واقع معامله گران در این بازار به خرید و فروش ارز مبادرت می‌ورزند و باعث خروج ارز از کشور می‌شود و از سویی هیچ نهاد قانونی داخلی، بر آن نظارتی ندارد، سرمایه‌های داخلی به جای سرمایه‌گذاری در داخل کشور به خارج از آن منتقل می‌شود و آسیب‌های زیادی به اقتصاد کشور وارد می‌کند. برخلاف اظهارات فعالان این بازار مبنی بر سودآوری آنان در معامله‌های ارزی فارکس و ورود ارز به داخل کشور، در عمل شاهد سرازیر شدن سرمایه‌های ارزی کشور به خارج از آن هستیم (معلمی، ۱۳۹۵، ص. ۹۷)، همچنین مشاهده می‌شود کشورهای دیگری که پیش از ما این بازار را تجربه کرده‌اند به این ضررها اقرار کرده، یا از فعالیت این بازار در کشورشان جلوگیری کرده یا قوانین بسیار سختگیرانه‌ای را وضع نموده‌اند تا باعث ورشکستگی کشورشان نشود. لذا با استناد به قاعده لاضرر، معامله‌های بازار فارکس مشروعیت ندارد.

این اشکال هم بر بازار فارکس وارد نیست، چراکه شفافیتی که در این بازار وجود دارد به مراتب از خیلی از بازارهای دیگر بیشتر بوده و کسی که در این بازار سرمایه‌گذاری می‌کند، حساب سود و زیان خود را به صورت خودکار و لحظه‌ای می‌بیند. بله برخی بازارسازها هستند که به‌طور عمد با ورود اطلاعات ناصحیح، باعث عدم شفافیت در بعضی از معامله‌ها می‌گردند که این مربوط به الزامات بازار است نه اینکه به مشروعیت اصل بازار اشکال وارد نماید. این اشکال که افراد با نبود آگاهی کامل وارد این بازار شده و متضرر می‌گردند، نیز مردود است؛ زیرا این‌گونه نیست که تمام کسانی که وارد این بازار می‌شوند - مانند شرکت‌های بزرگ و چندملیتی، بانک‌ها و بسیاری از افراد خرده‌پا که در این بازار متخصص شده‌اند - بدون آگاهی بوده باشد. علاوه بر آنکه اگر اشکال عدم علم و آگاهی وجود داشته باشد، افراد باید اول آگاه شوند و بعد وارد بازار شوند و این بازار مانند تمام بازارهای

دیگر احتیاج به علم و آگاهی دارد. افراد باید با توجه به تحلیل‌های بنیادین و یا فنی خود یا دیگران وارد این بازار شوند و آگاهی خود را بالا ببرند به‌علاوه افراد با استفاده از نرم‌افزارهای مربوط به تحلیل فنی می‌توانند از ابتدا مقدار ریسک خود را مشخص کنند و در صورت اشتباه در پیش‌بینی روند بازار، معامله‌ها به‌طور خودکار در سطح قابل‌قبول ریسک بسته می‌شود و اگر حد سود منطقی را نیز مشابه حد ضرر در ابتدا مشخص کرده باشد، زمانی که قیمت به هدف برسد، معامله نیز به‌طور خودکار بسته می‌شود. درنهایت، برفرض پذیرش این ایراد، اصل بازار همچنان مشروع است و این اشکال به لوازم آن متوجه است. اما اشکال ضعف زیرساخت‌های اینترنتی؛ اولاً این ضعف شامل تمام معامله‌گران این بازار نیست و اکثر شرکت‌های بزرگ و بانک‌ها مبتلابه ضعف زیرساخت نیستند در حقیقت این اشکال مربوط به کشورهایی است که ضعف زیرساخت دارند و نمی‌خواهیم مشروعیت این بازار را فقط برای کشورهای دارای زیرساخت‌های ضعیف ثابت کنیم بلکه مسلمانانی در کشورهای بدون ضعف زیرساخت نیز وجود دارند. ثانیاً هرکه وارد این بازار می‌شود بدین‌معناست که مقدمات و الزامات بازار فارکس را پذیرفته و اگر مشکلی مثل قطعی برق، اینترنت و یا موارد دیگر به وجود بیاید برعهده شخص معامله‌گر است. ثالثاً اشکال نقضی هم وارد می‌شود که این مقدار از ضرر بیان‌شده در بسیاری از بازارها وجود دارد و هر جوابی که نسبت به اثبات مشروعیت آن بازارها بیان کنید در این بازار هم متصور است. اما اشکال خروج ارز از کشور، در مبانی ممنوعیت قانونی خواهد آمد.

- ربا: یکی از معیارهای ممنوعیت معامله در اسلام، معامله‌های ربوی است. در معامله‌های بازار فارکس، کارگزار برای اینکه قدرت آورده معامله‌گر را بالا ببرد و به او امکان دادوستد در بازار را بدهد به او ضریب اعتباری می‌دهد و آن را یکی از مزایای بازار فارکس می‌دانند. بر خلاف بورس که اهرمی برای معامله‌ها در آن مشابه بازار فارکس در نظر گرفته نشده. بدین‌معنا اگر سرمایه اولیه شخصی ۱۰۰۰ دلار باشد کارگزاران فارکس معمولاً ضرایب اهرمی ۱:۱۰۰ یا ۱:۲۰۰ ارائه می‌کنند. با فرض اینکه کارگزار به این شخص ضریب اهرمی ۱:۱۰۰ را اختصاص دهد، معامله‌گر قادر خواهد

بود تا سقف ۱۰۰/۰۰۰ دلار (سرمایه اولیه \times ضریب اهرمی) اقدام به خرید و فروش زوج ارزهای قابل معامله کند بلکه لازم نیست معامله‌گر از کل این سرمایه مجازی که در اختیار اوست استفاده کند بلکه به هر مقدار که علاقه‌مند باشد می‌تواند در معامله‌های خود به کار ببندد (فریبرز، ۱۳۸۹، ص. ۶۷). اما واقع این امر این است که کارگزار مقداری پول به معامله‌گر قرض می‌دهد تا معامله‌گر بتواند به انجام معامله بپردازد و بعد از به دست آوردن سود در ازای این قرض مقداری از معامله‌گر سود دریافت می‌کند (آریایی، ۱۳۸۷، ص. ۲۱؛ محمدی، ۱۳۸۸، ص. ۹۰).

ایراد ربا را هم در اصل سرمایه‌گذاری می‌توان مطرح کرد که برخی از بروکرهای فارکس در ضمن قرارداد خود با صاحبان سرمایه شرط می‌کنند در زمان‌هایی که معامله‌ای در کار نیست این سرمایه را به صورت ربوی به بانک یا مؤسسه‌ای قرض داده و بهره دریافت کنند.

اشکال به اهرم معاملاتی که به‌طور متعدد از سوی برخی منتقدین مورد سؤال قرار گرفته ناشی از عدم دقت در استفاده از تعابیر دقیق اقتصادی است؛ وام (اهرم) در حساب حاشیه‌ای توسط مارجین اولیه (سپرده) شما وثیقه می‌شود. اگر ارزش معامله (موقعیت) به اندازه کافی کاهش یابد، کارگزار از شما می‌خواهد که یا پول نقد بیشتری بگذارید یا بخشی از موقعیت خود را بفروشید یا حتی موقعیت خود را ببندید (مکرا، مارک، بدون سال). در بحث اهرم معاملاتی سوای بحث قرض ربوی یا اعتباری بودن آن، می‌بایست در ابتدا فهم دقیق مسأله انجام پذیرد و بعد نسبت به موضوع درصدد رد یا اثبات حلیت باشیم. در بحث اهرم معاملاتی قدرت معامله‌گری معامله‌گر را کارگزار افزایش می‌دهد به انگیزه دریافت حق کارگزاری بیشتر دقیقه مشابه بازار سهام؛ حق کارگزاری بابت خرید صد میلیون تومانی حتماً بیشتر از خرید یک میلیون تومانی است و هیچ دریافتی دیگری ندارد. البته قابل ذکر است برای اینکه ریسک از بین رفتن دادن این سرمایه واقعی نه مجازی را تحمل نکند با تسویه‌های لحظه‌ای (از مابه‌التفاوت‌های قیمتی اگر معامله‌گر دچار زیان بشود) حق خود را استیفا نماید، امری که دقیقاً در بازارهای آتی کالا یا سکه در بورس کالای ایران اتفاق می‌افتد و کسی دغدغه حلیت یا حرمت را در آنجا ندارد.

از دیدگاه قرض ربوی یا اعتبار بودن می‌توان گفت: اعتبار اهرم معاملاتی که در این بازار داده می‌شود قرض شرعی محسوب نمی‌شود، زیرا قرض عبارتست از تملیک مال به دیگری به این شرط که دریافت‌کننده مال متعهد و ضامن باشد که خود آن مال (مثل) یا قیمت آن را بازگرداند (موسوی خمینی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص. ۲۱). طبق این تعریف هرگونه ارتباط بین قرض دهنده و مال قطع می‌شود و حال آنکه در اهرم اعتباری بازار فارکس، ارتباط میان اعتبار و اعتباردهنده قطع نشده و هر زمان که اعتباردهنده بخواهد می‌تواند ارتباط بین آن اعتبار و گیرنده اعتبار را قطع نماید. یک معامله‌گر فارکس می‌تواند هر زمان بخواهد به‌صورت رایگان از اهرم معاملاتی استفاده کند یا نکند و همان‌طور که ذکر شد بهره‌ای ردوبدل نمی‌شود. این موارد تفاوت‌های ماهوی بین اعتبار اهرم معاملاتی با قرض شرعی و قرض ربوی است به‌عبارت‌دیگر اعتبار اهرمی نه مصداق قرض شرعی است که اشکال بازستاندن کارگزار پیش آید و نه مصداق قرض ربوی است که در آن اشکال اخذ بهره قابل‌طرح باشد، بلکه صرفاً اعتبار کنترل‌شده‌ای برای افزایش توانایی معامله‌گر برای انجام معامله‌ها بزرگتر است و به‌انگیزه عقلایی اخذ حق کارگزاری بیشتر توسط کارگزار است که اعطای این اعتبار را می‌توان در قالب عقد یا ایقاعات از جمله جعله مطرح نمود. شاید فتوای مقام معظم رهبری هم که به‌صورت شرطی بیان کرده‌اند که اعتبار دادن کارگزاران به سرمایه‌ی معامله‌گر اگر به‌عنوان قرض دادن به معامله‌گر باشد، این بازار اشکال دارد؛ اشاره به همین مطلب باشد و در نزد ایشان مسلم نبوده است که این اعتبار به‌صورت قرض است. مضافاً به فرض اینکه این اعتبار به‌عنوان قرض باشد و توهم اشکال ربا پیش آید معامله‌گر می‌تواند از اعتبارش استفاده نکند و احتیاط کند که در این صورت قطعاً شبهه ربا مرتفع می‌شود، چنان‌که برخی از کسانی که وارد این بازار می‌شوند به خاطر ریسک بالای اهرم معاملاتی از آن استفاده نمی‌کنند. درنهایت، اشکال ربا به اصل مشروعیت بازار فارکس وارد نمی‌شود بلکه به لوازم آن برمی‌گردد.

- **صوری بودن معامله:** یکی دیگر از دلایل عدم مشروعیت معامله‌های این بازار، صوری بودن معامله در غالب موارد است به‌نحوی که به اعتراف معامله‌گران این بازار،

تبادلات ارزی به صورت واقعی صورت نگرفته و جنس واقعاً جابجا نمی‌شود و شخص صاحب مجازی آن ارز است (معلمی، ۱۳۹۵، ص. ۹۵).

آیت‌الله صافی گلپایگانی فقط به این علت معامله در این بازار را باطل دانسته و می‌فرماید: «از آنجایی که معامله در بازار مذکور صوری است، لذا معامله‌های واقعه در آن صحیح نیست».^۷

این اشکال هم وارد نیست، زیرا چنانچه در بخش چگونگی انجام معامله در بازار فارکس بیان شد، معامله‌گر پس از هر خرید، به همان میزان، ارز مربوطه به او تعلق گرفته و در بانک‌های جهانی به نام او ثبت می‌شود و این طور نیست که معامله‌ها در آن صوری باشد، شخص به صورت واقعی از حساب ارزی یا ریالی خود برداشت واقعی انجام می‌دهد؛ نکته دوم اینکه در فضای مبادلات پولی بین بانک‌ها و اشخاص جابجایی فیزیکی انجام نمی‌شود، بلکه به صورت ترازنامه‌ای و حسابداری اختلاف بدهکاران و بستانکاران بانک‌ها حساب شده و انتقال‌ها صورت می‌گیرد که این به نحوه انتقال مانده حساب‌ها برمی‌گردد و ربطی به معامله در بازار فارکس که واقعی است، ندارد و در دنیای بانک داری امروز پذیرفتنی و اجتناب‌ناپذیر است (بله ممکن است کسانی باشند که در این بازار معامله‌های صوری هم انجام دهند) و اصل بازار را از شرعیت خارج نمی‌کند.

۲-۳. مبانی ممنوعیت قانونی فارکس

بازار فارکس در ایران قانوناً ممنوع بوده و مبادله ارزهای خارجی فقط توسط نهادهای معین مانند صرافی‌ها جایز است ادله‌ای که برای قانونی نبودن بازار فارکس بیان کرده‌اند از این قرار است:

- **عدم اخذ مجوز:** در بیانیه پلیس فتا به ادله ممنوعیت اشاره کرده و دلیل غیرقانونی بودن فعالیت فارکس در ایران را عدم اخذ مجوز بیان می‌کند. این اطلاعیه که در تاریخ ۱۳۹۰/۰۱/۱۶ صادر شده، فعالیت تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی فعال در بازار فارکس را غیرقانونی اعلام کرده است. در قسمتی از این اطلاعیه آمده است: «... فعالیت تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی که با معرفی خود به‌عنوان یکی از فعالان

بازار ارز خارجی (Forex)، فرابورس بین‌الملل و بورس‌های خارجی، هم‌وطنان محترم را ... به سرمایه‌گذاری در این‌گونه فعالیت‌ها دعوت می‌کنند ... غیرقانونی است و هیچ‌گونه مجوزی از بانک مرکزی و سازمان بورس و اوراق بهادار دریافت نکرده‌اند. در واقع هیچ بروکر یا کارگزاری که در ایران مشغول فعالیت است از سازمان بورس مجوز ندارد و فعالیت غیرقانونی دارند و اگر افرادی به این بروکرها مراجعه کنند به‌عنوان معاون در جرم شناخته می‌شوند»

- مغایرت با بند ۱ ماده ۴۹ قانون بازار اوراق بهادار: طبق بند ۱ ماده ۴۹ قانون بازار اوراق بهادار هر شخص که بدون رعایت مقررات این قانون تحت هر عنوان به فعالیت‌هایی از قبیل کارگزاری، کارگزار/ معامله‌گری، یا بازارگردانی که مستلزم اخذ مجوز است مبادرت نماید، یا فرد را تحت هر یک از عناوین مزبور معرفی کند به حبس تعزیری از یک ماه تا شش ماه یا به جزای نقدی معادل یک تا سه برابر سود به‌دست‌آمده یا زیان متحمل شده یا هر دو مجازات محکوم خواهند شد. با توجه به اطلاق بند ۱ ماده ۴۹ و همچنین ماده ۳۳ از همین قانون که شروع به فعالیت کارگزاری، کارگزاری/ معامله‌گری و بازارگردانی به هر شکل و تحت هر عنوان منوط به عضویت در کانون مربوط و رعایت مقررات این قانون و آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی آن است و با توجه به اهداف این قانون که حمایت از سرمایه‌گذاران است برای انجام معامله‌ها در بازار فارکس نیاز به عضویت کارگزاران در کانون مربوط و اخذ مجوز است.^۸

- **عدم پیگیری قضائی:** بسیاری از معامله‌ها در بازار فارکس با کشورهای خارجی است و پشت سر آنها معمولاً قدرت‌ها یا شرکت‌های خارجی هستند که اگر برای یکی از هم‌وطنان مشکلی از نظر حقوقی و قضایی پیش آید و فرد، متقاضی شکایت از آن شرکت‌ها در ایران باشد، به دلیل نبود قوانین بین‌المللی در این زمینه و فقدان نظارت از سوی مجامع بین‌المللی، امکان پیگیری حقوقی و کیفری در داخل کشور و نیز در دادگاه‌ها و محاکم قضایی بین‌المللی وجود ندارد.

- **خروج ارز از کشور:** معامله‌های فارکس موجب خروج ارز از کشور شده و به‌جای سرمایه‌گذاری در داخل کشور و رونق اقتصاد کشور باعث خروج ارز می‌شود.

در جواب از این اشکال‌ها باید گفت: اولاً، فعالیت در این بازار مانند تمام بازارها و مشاغل احتیاج به اخذ مجوز دارد و گرفتن آن لازم است ولی همان‌طور که واضح است این ربطی به اصل مشروعیت بازار فارکس ندارد و مجوز از باب انتظام و ساماندهی یک فعل در جامعه است. ثانیاً، در جواب از عدم پیگرد قضایی هم می‌گوییم اگر بخواهیم به این احتمال‌ها بازار فارکس را رها کنیم باید روابط بازرگانی و انواع صادرات را با کشورهای دیگر خصوصاً در شرایط تحریمی و مشکلات انتقالات ارزی ترک کنیم. همچنین باید دانست که این بازار هم مانند خیلی از بازارهای دیگر ضوابط مخصوص خود را دارد و فقط معامله‌گران خرد در آن حضور ندارند، بلکه شرکت‌های چندملیتی، بانک‌های بزرگ و... وجود دارند که اگر پایبند به معامله‌های خود نباشند از بازار حذف می‌شوند و عملاً دیگر نمی‌توانند جایگاهی در بازار داشته باشند. ثالثاً، کسی که اشکال خروج ارز را مطرح می‌کند با بحث انتقال‌های مالی و ارزی آشنایی ندارد و در پاسخ‌های قبلی به آن پرداخته شده است. در انتها با اذعان به اینکه این بازار فارکس مخاطرات خاص خودش را دارد و افراد باید با آگاهی کامل وارد این بازار شوند، چنان‌که در بقیه کشورها که فعالیت بازار فارکس را جایز می‌دانند با توجه به این مخاطرات، توصیه‌هایی برای فعالان در این بازار ارائه می‌دهند، همان‌طور که انجمن تجارت آتی ایالات متحده برای جلوگیری از کلاهبرداری و راهنمایی سرمایه‌گذاران توصیه‌های ارائه کرده است.^۹

خلاصه کلام اینکه طبق بررسی‌های انجام‌شده در ماهیت فقهی بازار فارکس می‌توان اصل بازار را مشروع دانست و طبق عدم توقیفیت^{۱۰} در معامله‌ها و تمسک به عموماتی مانند «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مائده: ۱) و «وَ أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ» (بقره: ۲۷۵) مشروعیت هر معامله نوظهوری را اثبات کرد مگر منع شرعی به خصوص یا بالعموم داشته باشد (بهادری و جهانگیری، ۱۳۹۸) بلکه افراد در ورود به این بازار مانند خیلی از بازارهای دیگر باید از اطلاعات کامل برخوردار باشند. اما فتاوی‌ای مراجع عظام تقلید درباره بازار فارکس، برخی از ایشان مانند آیت‌الله سیستانی توقف نمودند و برخی مانند مقام معظم

9. <https://www.cyberpolice.ir>

۱۰ مراد از توقیفی بودن این است که عناوین معاملات و احکام آنها متوقف بر بیان شارع هستند و تا از شارع بیانی نرسد، نمی‌توان عنوان و حکمی را در معاملات ایجاد کرد (بهادری و جهانگیری، ۱۳۹۸).

رهبری مشروط به عدم ربا جایز دانسته بودند و برخی مطلقاً جایز ندانسته بودند؛ در برخی از این استفتائات به دلیلی اشاره نشده اما در برخی دیگر که به دلیل اشاره شده، آن ادله در مبانی بطلان بررسی شد و به این نتیجه رسیدیم که اصل بازار ایراد ندارد و ضوابط شرعی معامله‌ها را دارا است.

با توجه به مطالبی که در بررسی فقهی این بازار مطرح شد، سرمایه‌گذاری در بازار فارکس که در اقتصاد جهانی مطرح است و اعتماد گروهی از مردم را به خود جلب کرده، از مشروعیت برخوردار است و سودی هم که از این راه کسب می‌گردد به معامله‌گران آن تعلق می‌گیرد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مطالعه جامع و نظام‌مند تعالیم اسلامی در عرصه معامله‌ها نشان می‌دهد، آموزه‌های اسلام نه تنها مانع نوآوری و پیشرفت در عرصه معامله‌ها نیست، بلکه به مقتضای اصول و قواعد اولیه معامله‌ها، صحت معامله‌ها نوظهور را می‌توان استنباط کرد. ضوابط عمومی و اختصاصی مطرح شده از سوی اسلام نیز برای ساماندهی، نظام بخشی و جلوگیری از ظلم و کشمکش احتمالی آینده است. بنابراین اگر اسلام با معاملاتی که منتهی به غرر، ضرر، ربا شده یا با صورتی بودن معامله مخالفت می‌کند، نه از باب تعبد بلکه به خاطر تحقق عدالت و حفظ قراردادهای معین است. بنابراین فعالان بازار فارکس باید توجه داشته باشند که اصل معامله در این بازار ایراد ندارد و در عصر حاضر معامله‌ها در این بازار، دارای مزایای متعددی است که باعث شده برخی از سرمایه‌گذاران به این بازار علاقه‌مند شوند، اما در عمل اشکالاتی در مقدمات و الزامات و لوازم بازار فارکس وجود دارد و از سویی مهارت بالایی موردنیاز برای معامله‌ها و اجتناب از ریسک‌های بالا در این بازار موردنیاز است و در بررسی فقهی معلوم شد فعالیت در این بازار مشتمل بر معامله ربوی، قمار، اکل مال به باطل، صوری، فروش دین به دین یا دیگر موارد ممنوعه در معامله‌ها نیست.

از آنجاکه فقهای اسلام با توجه به مسئولیتی که در جلوگیری از تکسب مقلدین در بازارهای مالی غیر مشروع دارند، با بررسی بازار فارکس، نسبت به انطباق یا عدم انطباق آن با تعالیم اسلامی نظر داده و در حال حاضر برخی از مراجع عظام تقلید این بازار را منطبق

با موازین شرعی ندانسته‌اند و به فراخور اشکال، جواب از این اشکال‌ها مطرح در فتاوا هم بیان شد.

در نهایت توجه به این نکته الزامی است که بحث در این مقاله یک پژوهش علمی است که امید است مورد توجه فقیهان و مسئولان ذی‌ربط برسد و نیز بدیهی است که مقلدین بدون مراجعه به فتاوای مراجع عظام تقلید در مقام عمل، نمی‌توانند به نتیجه این پژوهش عمل نمایند.

ملاحظات حقوقی

- پیروی از اصول حقوقی

تمامی اصول اخلاق در پژوهش در این مقاله رعایت شده است.

- تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.

بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله مستخرج از رساله پایان‌نامه، رساله و طرح پژوهشی نیست.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. ابن منظور الانصاری الرویفی، جمال‌الدین محمد بین مکرم بی علی ابوالفضل (۱۴۱۴ق). *لسان‌العرف*. بیروت: دارصادر.
3. Ibn Manzoor Al-Ansari Al-Raifei, J, M, B. A. (1993). *The Tongue*. Beirut: Dar Sader (In Arabic).
۴. اردبیلی، احمد، (بی‌تا)، *زبده البیان فی أحكام القرآن* (چاپ اول). ایران: المکتبه الجعفریه لإحياء الآثار الجعفریه.
5. Ardabili, A. (No Year). *Zubdato al-Bayan fi Ahkam-e- al-Qur'an* (First Edition). al-Maktabato Al-Jaafariya fi ehyae Al-asar-e-al-Jaafariya, Tehran (In Arabic).
۶. انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ق). *المکاسب المحرمه و البیع و الخیارات (ط - الحدیثه)* (چاپ اول). ایران: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
7. Ansari, M. (1994). *Al-Makasab Al-Muharma va Al-Beie va Al-khiyarat, World Congress of Commemoration of Sheikh-e- Azam Ansari* (First Edition). Iran: World congress honoring Sheikh Azam Ansari. (In Arabic)
۸. آریایی، آناهیتا (۱۳۸۷). *فارکس تحلیل تکنیکال* (چاپ اول). ایران: ناقوس اندیشه.

9. Aryaei, A. (2007). *Forex Technical Analysis* (First Edition). Iran: Naqos Andisheh (In Persian).
۱۰. بجنوردی، محمد بن حسن (۱۴۰۱ق). قواعد فقهیه (چاپ سوم). ایران: عروج.
11. Bojnordi, M, ben H., (1980). *Jurisprudential Rules* (Third Edition). Iran: Aoruj Institute (In Persian).
۱۲. برارپور، ابراهیم (۱۳۹۷). تبیین ماهیت و چیستی بازار فارکس و بایسته‌های آن در فقه و حقوق ایران. پژوهشنامه حقوق خصوصی عدالت، ۱۰(۲۰)، ۹-۲۳.
13. Brarpour, E., (2017). Explaining the Nature and Essence of the Forex Market and its Requirements in Jurisprudence and Iranian law, *Journal of Private Rights of Justice*, 10(20), 9-23 (In Persian).
۱۴. بهادری، مهدی؛ و جهانگیری، محسن (۱۳۹۸). بررسی ادله توقیفی بودن معاملات. مصباح الفقاهه، ۲۱(۲)، ۵۳-۷۵.
15. Bahadri, M; & Jahangiri, M., (2018). Studing the Reasons of Being Limited of Contracts. *Journal of Misbah al-Faqah*, 2(1), 53-75 (In Persian).
۱۶. پاک‌مرام، عسگر؛ و مریم‌یزدانی، مریم (۱۳۹۰). مقایسه بازار فارکس با بازار سهام. بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، ۱۱(۹ و ۱۰)، ۱۳۱-۱۵۰.
17. Pakmaram, A; Maryam Yazdani, M., (2013). Comparison of the Forex Market with the Stock Market, *Journal of Economic Issues and Policies*, 11(9 & 10) (In Persian).
۱۸. حاجی غیاثی‌فرد، محمدحسین؛ و نیکومرام، هاشم (۱۳۹۸). آسیب‌شناسی مکانیزم انجام معاملات در بازار ارز جهانی (فارکس) و ارائه مدل پیشنهادی بازار متشکل ارزی مبتنی بر واقعیت اقتصادی کشور. مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار، ۱۰(۳۹)، ۱۳۵-۱۶۹.
19. Haji Ghiasi Fard, M, H; & Nikumram, H., (2018). Study of the Mechanism of Trading in the Global Currency Market (Forex) and Presenting a Proposed Model of the Organized Currency Market Based on the Economic Reality of Iran, *Financial Engineering and Securities Management*, 10(39), 135-169. (In Persian).
۲۰. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه (چاپ اول). ایران: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
21. Horr Ameli, M, ben H., (1988). *Vasayelo Al-shia, Alo-al-Beyt Institute* (First Edition). Iran: Al-Bayt Institute, Peace be Upon Them (In Arabic).
۲۲. شعرانی، ابوالحسن (۱۴۱۹ق). تبصره المتعلمین فی احکام الدین (چاپ پنجم). ایران: منشورات اسلامیة.
23. Shaarani, A, H., (1998). *Tabserato al-Mutalamin fi Ahkme al-Din* (5th Edition). Iran: *Manshorate Eslami*, (In Arabic).

۲۴. طیبی، سیدکمیل؛ معینی، شهرام؛ و زمانی، زهرا (۱۳۹۲). مدل‌سازی اجتناب‌ناپذیری زیان اکثریت معامله‌گران در بازار فارکس با استفاده از نظریه فرایندهای تصادفی. *تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی*، ۳(۱۱)، ۹۹-۱۲۲.
25. Tayyebi, S, K; Moeini, S; & Zamani, Z., (2012). Modeling the Inevitability of the Majority of Traders' Losses in the Forex Market Using the Theory of Stochastic Processes, *Journal of Economic Modeling Research*, 3(11), 99-122 (In Persian).
۲۶. علی بابائی، حسن (۱۳۸۹). *روش‌های کسب درآمد در فارکس* (چاپ اول). ایران: دارالحسنین.
27. Ali Babaei, H. (2009). *Methods of Earning Income in Forex*, Darul Hassanein, Qom, First Edition. (In Persian)
۲۸. علیزاده، نرگس (۱۳۸۹). بررسی تغییرات نرخ ارز و شناسایی روابط بین ارزها در بازار فارکس. *مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار*، ۱(۱)، ۸۳-۱۰۲.
29. Alizadeh, N. (2009). Review of Exchange Rate Changes and Identifying Relationships Between Currencies in the Forex Market, *Financial Engineering and Securities Management*, 1(1), 83-102 (In Persian).
۳۰. فریبرز، الهام؛ و فریبرز، رضا (۱۳۸۹). *تجارت الکترونیک و برنامه‌نویسی در بورس فارکس* (چاپ اول). ایران: ثلث خراسان.
31. Fariborzi, E; & Fariborzi, R., (2009). *Electronic Commerce and Programming in the Forex Market* (First Edition). Iran: Printery of Mosalase-Khorasan (In Persian).
۳۲. قاضی، محمد (۱۳۹۸). *آیت‌الله سیستانی*. ایران: دفتر آیت‌الله سیستانی.
33. Ghazi, M., (2018). *Ayatollah Sistani*. Iran: Ayatollah Sistani Office (In Persian).
۳۴. مامقانی، محمدحسن (۱۳۱۶ق). *غایه‌الآمال فی شرح کتاب المکاسب* (چاپ اول). ایران: مجمع الذخائر الاسلامیه.
35. Mamqani, M, H., (1905). *Ghayato al-Amal fi Sharhe Ketab al-Makasab*. (First Edition). Iran: Al-Zhakar Islamic Association.
۳۶. محمدی، علی (۱۳۸۸). *آشنایی با بازار بین‌المللی مبادلات ارز فارکس* (چاپ اول). ایران: آراد کتاب و کهکشان دانش.
37. Mohammadi, A., (1388). *Getting to Know the International Forex Market* (First Edition). Iran: Arad Kitab and Galaxy of Knowledge.
۳۸. مراغی، سید میرعبدالفتاح (۱۴۱۷ق). *العناوین الفقهیه* (چاپ اول). ایران: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

39. Maraghi, S, Mir A, F, (1996). *Al-anavin al-Fiqhiye* (First Edition). Iran: Daftar-e- entesharat-e-eslami Affiliate to Jameehmodarresin Howzeh (In Arabic).
۴۰. مساح، محمد (۱۳۸۶). *دادوستد در بازار جهانی ارز؛ مفاهیم و پایه* (چاپ اول). ایران: چالش.
41. Masah, M., (2006). *Trading in the Global Currency Market, Concepts and Basis* (First Edition). Iran: Chalesh Publication (In Persian).
۴۲. معلمی، مهدی (۱۳۹۵). *معاملات فارکس* (چاپ اول). ایران: کانون اندیشه جوان.
43. Mohammadi, A., (2008). *Forex Trading* (First Edition). Iran: Kanon Andisheh Javan (In Persian).
44. Moalemi, M., (2015). *Forex Trading* (First Edition). Iran: kanoon-e-andishe-e-javanan Publications (In Persian).
۴۵. موسوی، محمود (۱۳۸۷). *مرجع فارکس* (چاپ اول). ایران: مرندیز.
46. Mousavi, M., (2007). *Forex Reference* (First Edition). Iran: Marandiz Publication (In Persian).
۴۷. موسویان، عباس؛ و خوانساری، رسول (۱۳۹۵). *اجتهاد چند مرحله‌ای روش استنباط مسائل فقه اقتصادی. اقتصاد اسلامی، ۱۶(۶۳)، ۵-۳۷.*
48. Mousaviyan, S, A; & Khansari, R. (2015). Multi-step ijtehad, the Method of Inferring Economic Jurisprudence Issues, *Journal of Islamic Economics*, 16(63), 5-37 (In Persian).
۴۹. موسویان، عباس (۱۳۹۷). *ابزارهای مالی اسلامی* (چاپ هفتم). ایران: سازمان پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
50. Mousaviyan, S, A., (2017). *Islamic Financial Instruments* (7th Edition). Iran: Farhang & Andishe-e-eslami Research Institute, (In Persian).
۵۱. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۴۲۴ق). *توضیح المسائل (محتسبی)* (چاپ هشتم). ایران: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
52. Mousavi Khomeini, S, R., (2003). *Tozeeh-al-Masael (Mohasha)*. (8th Edition). Iran: Islamic Publishing Office Affiliated with the Community of Teachers of Qom Seminary. (In Arabic).
۵۳. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۴۱۶ق). *تحریرالوسیله*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
54. Mousavi Khomeini, S, R., (1995). *Tahriro al-vasila*. Iran: Islamic Publishing Office Affiliated with the Community of Teachers of Qom Seminary (In Arabic).
۵۵. نجفی، حسن (۱۴۰۴ق). *جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام* (چاپ هفتم). بیروت: دار احیاء التراث العربی.

56. King, M. R., Osler, C., & Rime, D. (2012). Foreign Exchange Market Structure, Players, and Evolution. *Handbook of Exchange Rates*, 1-44.
57. Najafi, H., (1983). *Javahero al- Kalam fi Sharh Al-sharayee Al-eslam* (Seventh Edition). Beirut, Dar al-ehyaae Al-torath Al-Arabi. (In Arabic).
58. Nordstrom, A. (2022). Understanding the Foreign Exchange Market. *Sveriges Riksbank Economic Review*, 1(1), 32-49.
59. Sager, M, J, & Taylor, M, P. (2006). Under the Microscope: the Structure of the Foreign Exchange Market & Quot; *International Journal of Finance & Amp; Economics*, 11(1), 81-95.
60. <https://www.cyberpolice.ir>
61. <https://www.islamquest.net>
62. <https://www.sistani.org>
63. <https://www.cyberpolice.ir>
64. <https://www.islamquest.net>
65. <https://www.sistani.org>
66. <http://www.shia-news.com>
67. <http://www.shia-news.com>

(مقاله دارای پیوست می باشد.)

پیوست مقاله: بررسی بازار فارکس و کارکردهای آن با رویکرد فقهی خردنگر و کلاننگر

نویسندگان: احمد عاملی و مهدی بهادری



10.30497/IFR.2023.243956.1760

20.1001.1.22518290.1401.12.1.6.1



بازار فارکس برای طیف وسیعی از کاربران و سازمان‌های بزرگ و کوچک طراحی شده است، به طوری که افراد حقیقی خرد امکان کسب سود را از این بازار دارند و هم بهترین و بزرگترین بانک‌ها و مؤسسات مالی در سطح دنیا. همان‌طور که گفته شد، امکان انجام انواع معامله در بازار فارکس وجود دارد. در بازار فارکس که به‌عنوان بازار مبادلات ارزهای خارجی نیز شناخته می‌شود، یک بازار غیرمتمرکز جهانی است که در آن افراد، شرکت‌ها و دولت‌ها به تجارت ارزهای رایج می‌پردازند. روزانه تریلیون‌ها دلار در بازار فارکس مبادله می‌شود که آن را به یکی از بزرگ‌ترین و نقد شونده‌ترین بازارهای جهان تبدیل می‌کند.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت در بازار فارکس دارایی‌های مختلفی از جمله:

۱- جفت ارزها؛

۲- سهام؛

۳- شاخص‌ها؛

۴- اوراق قرضه؛

۵- ارزهای دیجیتال؛

۶- کالا.

وجود دارد که به روش‌های مختلف زیر معامله می‌شود.

-
1. Currency Pairs
 2. Stocks
 3. Indices
 4. Bonds
 5. Crypto Currencies
 6. Commodity

انواع روش‌های معامله در فارکس

انواع معامله‌ها در فارکس باعث شده افراد با سلیقه‌ها و مهارت‌های متنوعی در این بازار گرد هم آیند. عمده کاربران را معامله‌گرانی^۷ تشکیل می‌دهند که راهبرد معاملاتی برای خود دارند در ادامه، انواع معامله‌ها فارکس را بررسی خواهیم کرد.

صندوق‌های ET

تعداد افرادی که با هدف پوشش تورم یا حداقل حفظ ارزش دارایی وارد بازار می‌شوند افزوده می‌شود. اما حقیقتی که وجود دارد، این است که همه افراد زمان و تخصص کافی برای فعالیت در بازار فارکس یا دیگر بازارهای مالی را ندارند. به همین دلیل، صندوق‌های ETF به این صورت طراحی شده‌اند که مؤسسات مالی دسته‌ای از ارزها و دارایی‌ها را نگه‌داری کرده و واحدهایی را برای این صندوق‌های ETF تعریف می‌کنند. به این ترتیب، کاربران می‌توانند با پیدا کردن صندوق‌های ETF که در برخی از بروکرها ارائه می‌شود، واحدهای این صندوق‌ها را به تعداد دلخواه خریداری کنند. نکته مثبتی که در رابطه با این صندوق‌ها وجود دارد، آن است که برخی از بروکرها، کمسیون دریافتی از این صندوق‌ها را بسیار پایین در نظر می‌گیرند.

قراردادهای اختیار^۸

معامله‌های اختیار یکی دیگر از انواع معامله‌های فارکس است. همان‌طور که از نام آن انتظار می‌رود، هیچ ضرورتی در خرید و فروش دارایی وجود ندارد. در حقیقت، در این نوع معامله، معامله‌گر «حق» خرید یا فروش را دریافت می‌کند و براساس قراردادی که معامله‌گر انتخاب کرده است، می‌تواند در تاریخ انقضای قرارداد، دارایی موردنظر (جفت‌ارز، سهام و...) را خریداری کند یا بفروشد. باز هم تکرار می‌کنیم که هیچ اجباری در خرید یا فروش دارایی در تاریخ سررسید قرارداد وجود ندارد.

به‌عنوان مثال، فرض کنید که براساس تحلیل شما ارزش یک دارایی تا دو ماه آینده افت خواهد کرد اما قراردادی را مشاهده می‌کنید که قیمت یک دارایی را برای دو ماه آینده بالاتر از قیمتی ثبت کرده است که شما پیش‌بینی کرده بودید. در این حالت شما با داشتن

7. Traders

8 Option Contracts

«حق خرید» دارایی در قیمت منعقد در قرارداد، می‌توانید دارایی را در زمان سررسید با قیمت منعقدشده در قرارداد خریداری کنید و نه قیمت لحظه‌ای آن در دو ماه آینده.

معامله‌های فیوچرز در فارکس^۹

خریدار و فروشنده در معامله‌های فیوچرز به توافق می‌رسند که یک دارایی (از سهام، شاخص و... الی کالاهای فیزیکی) را در یک تاریخ خاص که در قرارداد ثبت می‌شود و با قیمتی خاص که باز هم در قرارداد ثبت می‌شود معامله کنند. در صورتی که فردی قرارداد خرید یک سهام یا جفت‌ارز را در بازار فارکس خریداری کند، به این معنا است که باتوجه به قیمت منعقد شده در قرارداد، آن معامله‌گر پیش‌بینی می‌کند که قیمت به کدام سمت در حرکت خواهد بود. به‌عنوان مثال، در صورتی که معامله‌گری پیش‌بینی کند قیمت یک دارایی در ماه آینده افزایش خواهد یافت، می‌تواند قراردادی که قیمت پایین‌تری برای آن دارایی در آن تاریخ در نظر گرفته است را خریداری کند. به این ترتیب، آن معامله‌گر می‌تواند دارایی موردنظر خود را در زمان سررسید قرارداد با قیمت ثبت‌شده در قرارداد (که در صورت تحلیل درست تریدر پایین‌تر از قیمت لحظه‌ای خواهد بود) خریداری کند و نه قیمت واقعی آن دارایی در آن تاریخ.

به‌عنوان مثال، فرض کنید که ارزش سهام شرکت X در حال حاضر ۲۰ دلار است و شما پیش‌بینی می‌کنید که ارزش سهام این شرکت در تاریخ دو ماه آینده به ۲۵ دلار خواهد رسید. حالا اگر در پلتفرم^{۱۰} معاملاتی خود بتوانید قراردادی را پیدا کنید که سهام X را برای تاریخ دو ماه آینده مثلاً ۱۸ دلار ثبت کرده باشد، می‌توانید آن قرارداد را خریداری کرده و به این ترتیب در روز سررسید قرارداد سهام شرکت X را با قیمت ۱۸ دلار خریداری کنید و نه ۲۵ دلار که قیمت لحظه‌ای آن سهام است. به این ترتیب، شما برای هر واحد از این سهام ۷ دلار سود خواهید کرد (زیرا قیمتی که شما سهام را در آن می‌خرید، ۱۸ دلار است که ۷ دلار ارزان‌تر از قیمت لحظه‌ای سهام در دو ماه آینده خواهد بود).

معامله‌های فوروارد^{۱۱}

اگر مفهوم قراردادهای آتی (از انواع معاملات فارکس) را متوجه شده باشید، نباید در درک مفهوم قراردادهای فوروارد مشکلی داشته باشید. در هر دو نوع قرارداد آتی و فوروارد، دو طرفی که قرارداد را امضاء می‌کنند، یک دارایی را با قیمت مشخص و در تاریخ مشخص مبادله می‌کنند. این دو نوع قرارداد بسیار به هم شبیه هستند اما تفاوتی میان این دو قرارداد وجود دارد که باعث ایجاد شکافی بین این دو نوع قرارداد شده است. در ادامه، این تفاوت‌های بنیادین را بررسی خواهیم کرد.

- قراردادهای آتی در بازار مالی انجام می‌شوند درحالی‌که قراردادهای فوروارد در خارج از محیط بازار انجام می‌شوند.
- در صورتی که شما بخواهید یک معامله فیوچرز یا آتی انجام دهید، نیازی نیست که طرف مقابل را در قرارداد خود بشناسید؛ زیرا کارگزاران^{۱۲} به‌عنوان واسط امکان انجام یک معامله امن را برای معامله‌گرها فراهم خواهند کرد. این در حالی است که برای انجام معامله‌های فوروارد، شناخت طرف مقابل می‌تواند معامله مطمئن‌تری را برای شما رقم بزند.
- قیمت دارایی در زمان سررسید قرارداد فوروارد می‌تواند متغیر باشد درحالی‌که قراردادهای فیوچرز با قیمتی قطعی در قرارداد ثبت شده و معامله با همان قیمت انجام خواهد شد.
- به‌طور کلی، می‌توان قراردادهای فیوچرز را به‌عنوان یک قرارداد استاندارد به رسمیت شناخت درحالی‌که این عنوان را نمی‌توان به‌راحتی به قراردادهای فوروارد اطلاق کرد.

قراردادهای نقدی

در معامله‌های نقدی یا اسپات، تریدرهایی که در سمت خریدار یا فروشنده قرار می‌گیرند، دارایی موردنظر خود را در لحظه و با قیمت لحظه‌ای آن معامله می‌کنند و قیمت دارایی در دو ماه آینده در این نوع قراردادها مطرح نیست.

11. Forward transactions

12. Brokers

در انتها لازم به ذکر است در بازار فارکس معامله‌گرها به دنبال اصالت کارگزاران در ارائه محصولات واقعی و قیمت‌های واقعی لحظه‌ای هر کالای مالی یا غیر آن هستند و با داشتن اطمینان از اصالت کارگزاران و کالاها و پذیرش قواعد مالی آنها به دنبال کسب سود هستند. به تعبیر دیگر در انتهای فعالیت مالی می‌توانند مقدار سود واقعی خود را از طریق حساب‌های واقعی دریافت کنند و این به معنای این است که در بازار فارکس دریافت واقعی کالا یا برگه سهام یا جفت ارز اتفاق نمی‌افتد بلکه با رعایت یک معامله واقعی می‌توان به سود رسید و یا متحمل زیان شد.

Contents

- **Analysing the Encounterance of Early Scholastic Thinkers with the Value of Money; Lessons for Islamic Economic** 1
Mohammadhosein Bahmanpour-Khalesi & Mohammad Javad Sharifzadeh*

- **Feasibility of Jurisprudence for Legal Compulsion to Pay Khums by the Islamic Government** 29
*Mehdi Sarmast Shoshtari**

- **Challenges of Iran's Interbank Market and Providing Solutions in the Framework of a Moqawama Economy** 59
Mohammadreza Simiari, Mohammad Hossein Ghavam, Ali Aghaei & Hossein Hassanzadeh Sarvestani*

- **Sustainability Reporting in Shariah Approved Companies: A Comparative Analysis in Malaysia and Indonesia** 107
Fatemeh Babaei, Seyed Ali Hosseini, Mohammad Tahidi & Saeid Hodayoun*

- **The Effect of Sukuk on Twin deficits in Selected Countries** 153
Mohammad Taghi Gilak Hakimabadi, Seyyedeh Soheila Miri Ledari & Saeed Rasekhi*

- **Examining the Forex Market and its Functions with a Micro and Macro Jurisprudential Approach** 185
*Ahmad Ameli & Mahdi Bahadori**

In the Name of Allah the Compassionate the Merciful

Islamic Finance Researches

23

Quarterly Journal of Islamic Finance Researches
Vol. 12, No. 1 (Serial 23), Autumn 2022

In Cooperation With Iranian Association of Islamic Finance
and Support of Securities & Exchange Organization

Publisher: Imam Sadiq University

In Cooperation With Islamic Banking and Economic Studies Center of National Bank of Iran

Managing Director: **Hosein Hasanzadeh Sarvestani** Assistant Professor (Specialty: Financial Management)

Imam Sadiq University

Editor in Chief: **Gholam Reza Mesbahi Moghaddam** Professor (Expertise: Operations Research Management)

Imam Sadiq University

Manager Editorial: **Abbas Pourhassan Yami**
Editorial Board (In Alphabetical & Academic Rank Order):

Reza Tehrani

Professor (Expertise: Financial Management & Investment) Tehran University

Ali Rezaeian

Professor (Expertise: Organizational Behavior Management) Shahid Beheshti University

Fereydoon Rahnama Roudposhti

Professor (Expertise: Financial & Accounting) Islamic Azad University - Science & Research Branch

Gholam Reza Mesbahi Moghaddam

Professor (Expertise: Islamic Finance & Economics) Imam Sadiq University

Hasan Agha Nazari

Professor (Expertise: Islamic Economics & Islamic Law) Research Institute of Hawzah & University

Gholam Reza Goodarzi

Professor (Expertise: Operations Research Management) Imam Sadiq University

Ali Saeedi

Associate Professor (Expertise: Finance Management & Accounting) Islamic Azad University -Tehran North Branch

Ahmad Shabani

Associate Professor (Expertise: Islamic Economics) Imam Sadiq University

Saeed Sehat

Associate Professor (Expertise: Risk Management & Insurance) Allameh Tabataba'i University

Mohammad Talebi

Associate Professor (Specialty: Financial Management) Imam Sadiq University

Gholam Ali Masuminia

Associate Professor (Expertise: Islamic Economics & Islamic Finance) Kharazmi University

Advisory Board:

Hosein Hasanzadeh Sarvestani

Assistant Professor (Specialty: Financial Management) Imam Sadiq University

Mohammad Hosin Ghavam

Assistant Professor (Expertise: Financial Management) Imam Sadiq University

English Editor: Alireza Roshanzamir

Persian Editor, Voter and Cover Designer: Abbas Pourhassan Yami

The Articles in this Publication do not Necessarily the Views of the University The Quotes Are Only Full References

Address: Imam Sadiq University, Modiriat Bridge, Shahid Chamran Highway, Tehran, Iran. P.O. Box: 14655-159

Scientific & Editorial Management: Islamic Studies & Management Faculty, Telfax: +9821-88080733

Technical management and support: Deputy of Research & Technology, Telfax: +9821-88094915

Website: <https://ifr.isu.ac.ir> Main Email: ifr@isu.ac.ir Support Email(2): ifr.isujournals@gmail.com